هذا کتاب

بحر الغرائب

مجموعهٔ

ذکر و ختم

اَلْأَسْمَآءُ اَلْحُسْنیٰ

تالیف:

ثقه الاسلام آقای شیخ

محمد هروی طاب ثراه

٥٨

هذا کتاب

بحر الغرائب

مجموعهٔ

ذکر و ختم

اَلْأَسْمَاءُ اَلْحُسْنَىٰ

تالیف:

ثقه الاسلام آقای شیخ

محمد هروی طاب نژاه



في بيان مقدمة الكتاب

هذه رسالة مجرب الغرائب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لوليّه وهو الذي له الاسماء الحسنى والصلوة

على نبيّه محمّد بالاسم والمسمّى وآله واصحابه الذين سلكوا

طرق الهدى اما بعد بر راى برادران با عقل و ایمان

نماند که اکابر اولیا در خواص اسماء الله تبارک وتعالی کتب ورسایل

بسطر نموده اند و انها نوشته اند از جهة خواص وفایده تمام فهم آنها

عوام را که ایشان نیز از جمله [illegible] اند عاجز و فقیر بیت ابن فقیر

ضعیف محمد بن شیخ محمد بن ابو سعید الهروی که اکثر اوقات خود

صرف مطالعه شروح اسماء الله کرده [illegible]

باب

فی بیان مقدمة الکتاب

باب بیان فرموده بودند بحمد الله تعالی بر ضمیر منیرم چون شکه
نقش بست بمقتضای کلمهٔ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ شفقت بر دیدهٔ
چنان اقتضا نمود که بیانات معضله و اشارات مشکله و طرق
جفریه اکابر این فن را در شرح خواص اسماء آنچه خداوند تعالی جل
ذکره منور و حاوی کمال ترقیم دراوردم تا در نید و نظر بر همه
کس واضح و هویدا گردد و کافه خواص و عامه عوام را از خواندن
این جفر اکثر و خطی اوفق روزی گردد تا اصحاب وفق جرح بی قلوبی
و نامساعدی روزگار دون و تصادم لشکر غم و تراکم صفها
بیم و مشقت گرفته روز و خسته مرض بلای قرضی که معطل اوامر
سنت و فرض است جنبیدن اطراف و جوانب را فرو گرفته تمام
آدمی بمعنی عن شمالی بر بنو اسطه یکی از ترتیب این رسالهٔ
محروم شده تا آنکه بنابر ملتمس بعضی از اخوان دین و بعضی
اصحاب برخی را از ایشان راه یقین توفیق رفیق گشته و با تمام
و انجام آن کوشیدند و تا سعی در بنای مسائل این و شرح رموز
طرز بعهد بعضی از مشایخ این فن را در کیفیت ترکیب بعد انیر شاله
مندرج نموده و صور لوح بر بیاض برده امید از حضرت

[illegible]

شرح صد و نود و نه کلمه مناهو

رب العزة آنکه مقبول خاطر خطیر و ملحوظ ضمیر منیر هر یک
از ناظرین گردانند و جمیع همّ کتاب اینجهة مطالعه این رساله که
موسوم است به بحر الغرایب بتتبع خواص اسما حسنی خود
مشرف گردانند بحکم این آیه که لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ
والله الموفق والمعین چون اکثر اکابر در کتب خویش ابتدا باسم
الله نموده اند که اسم ذاتست و مستجمع جمیع صفات اما چون
در کلام مجید و فرقان حمید چنین واقع شده که هو الله الذی
لا اله الا هو و بعضی از کمّل اولیا بر آنند که اسم اعظم عبارت از
این اسم است این ضعیف بضاعت ابتدا بخاصیت این اسم نمود
هو الکریم المعبود باسمه سبحانه هو را اهل تحقیق اسم
اعظم گفته اند دلیل آنکه اسمیست و حروف نقطه ندارد و
هیچ حال او را نوعی دیگر نمیتوان خواند که از و معنی خاص فوت
شود غیر هو دلیل دیگر آنکه اسماء عظام را نود و نه تعیین فرموده
اند و مقدم بر همه هو است پس اسم اعظم هو بود و خبر وارد
شده است از حضرت سرور موجودات و مفخر کاینات علیه افضل
الصلوة و اکمل التحیات که اِنَّ لِلّٰهِ تَعَالیٰ تسعة و تسعین اسما من

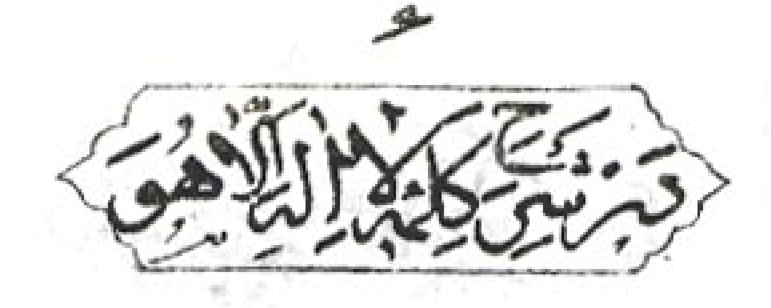
احصاها

[illegible]

در شرح وصف حروف کلمه مبارکه هو

احصیها دخل الجنة یعنی خدای تعالی را نود و نه نام است هر که
احصا آن اسما نماید در بهشت در آید و شیخ برهان الدین در شرح
خود چنین آورده است که احصا در لغت شماره کردن است و سید
طایفه فرموده که احصا خواندن و معنی آن دانستن است و بعضی
از مشایخ فرموده اند که احصا خواندن و معنی دانستن و توجه نمودن
بان نه هو که ابتدای اسمای حق تعالی بان میشود تخلص بتمامها است و
عدد اسم هو یازده است و علت تکثیر که هر او لو ما باشد اگر بطریق مشایخ
معتبره عتبا میکنند نام و مجموع نود و سه اگر بدستور حضرت
شیخ قبول میکنند بیست و دو و بیشتر و بعضی از بزرگان گفته اند که
هر که در یکمجلس یازده هزار نوبت بگوید یا اقصیا هو حق انس و
جن و وحوش و طیور با او انس گیرند و شخص را مطیع و کردند جمله مخلوقات
و خواص اسما و علوم حقیقتا برو مکشوف گردد و حضرت شیخ عبد الحمید
در کتاب فکر الاعظم فی شرح اسماء الله تعالی روایت کرده از عبد الله
عباس که وی روایت کرده از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که در قرآن هفت موضع قول لا اله الا هو است و بعضی از علما
گفته اند که اسم اعظم حق تعالی در این آیات است و عادان البته [illegible]

مبین و غایب در دو بنا مطلق [illegible]
واقع اند که الله لا اله الا هو [illegible]
[illegible]
هر مطلع و بطن بعلم هر مقصود
[illegible] بخوانند
بعد از نماز [illegible] علیه الصلوات
[illegible] و در بعضی
[illegible] صلوات بعد هر فرض [illegible]
[illegible]



تبرشرح کلمه لا اله الا هو

مستجاب است و خواص بسیار از برای آن ذکر نموده اند که این مختصر گنجایش

ندارد هر که خواهد بتسخیر سلاطین و امرا کند تمام خلایق مطیع

او گردند و هر چه بگوید همگی از قول و فعل او نهایت مقبول تلقی

کردند و صفات ظاهر و باطن او بمرتبه رسد که هر که را چشم بروی افتد

محب وی شود و از علم باطن خدای تعالی او را کرامت فرماید از آنجمله

او را با کمال معرفت بیرون برد باید که وضو ساخته بعد از هر نماز

یکبار بخواند بشرطیکه چون نماز تمام کند هم چنان متوجه قبله بروی

سجاده بخواند بعد رواه نخواند بی نماز و بی طهارت نخواند با خشوع

و خضوع و بنا وی درست خواند تا مراد دینی و دنیوی او حاصل

کردد و حصول مقصد کلی در قراءت این آیات است حضور رسول فرمودند

هر که در عمر خود یکبار بخواند چنان بود که تمام قرآن یاد کرفته و خوانده

و امر زیده شود از جمیع گناهان اگر چه بعدد ریک بیابان و قطرهای باران

و برکهای درختان بود باشد و با اعتقاد درست خوانند سینا او به جنا

مبتلا کردانند رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که او روزی

دارد روز پنجشنبه روزه دارد و این آیات را کاسه چینی نویسد و با

باران یا آب چشمه بشوید و روزه را بان آب بکشاید چنان شود که هر

شرح کلمه لا اله الا هو

بشنود یاد گیرد و اگر کسی را سحر کرده باشند تا عقد اللسان از این
آب خورند دفع گردد و اگر کسی این اسما بنویسد و با خود دارد از
بلاها و گناهان ایمن شود و در چشمها مظفر و منصور گردد و در نظر
وضیع و شریف شیرین نماید هر که او را ببیند دوست دارد و اگر کسی را
علت صرع باشد یا درد دیگر که درمان نشده و طبیبان عاجز شده باشند روز جمعه
پیش از صبح این اسما را با مشک و زعفران بر ظرف چینی بنویسد و با آب
گلاب بشوید بیاشامد بخورد از آن مرض صحت یابد و هر که ورد کند
و بعد از نماز بامداد یکبار بخواند از همه بلاها ایمن بود و متصل خوش وقت
و خوشحال باشد و بزرگان و عوام کار مطیع و مسخر او گردند و حق تعالی
جل و علا هفتاد فرشته بفرستد که آن روز تا شب او را نگاه دارند از
بلیات و نکبات و آفات و ملالت و پریشانی و جمله بلاها از وی دفع گردد و هم
و هر که را مرض بسیار بود و عقد کار خود فرو ماند و متحیر شود این اسما
چهل یکبار بعد از نماز جمعه پیش از آنکه سخن گوید بخواند بمراد و مقصود خود
واصل شود و اگر کسی خواهد که اکابر و سلاطین را مطیع خود گرداند
باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و هر روز غسل کند
و این اسما را بعد از … ایام هر شب یکبار بخواند و خلوت بخورد و بشوید

در بیان فضیلة الاسم الاعظم

جهارم لوزا بود دل سلیم و قلب مستقیم و پادشاهان متصرف
مطیع او گردند و اگر بر قوم خود مسلط گردند و مینصکس ز شخص و نقیبا
نماید دعوای این باب نمیخا کتاب نیست که بخواهند مهلک و ضبط کنند
و هلاکو لا یعجز گردند به دعوای این باب مخلوق و متمکن نیند و اگر با مشک
بمشک و زعفران بر کاغذ بجوشد گره زند بر سیاه بنویسند و در حجه کرده و در
در تحت الشعاع باشد و به تاج هفت تاج بر سر نهند هر کجا که برود
مینصکس و ذا نبر بیند تا دام که آن تاج بر سر او باشد محفوظ بود
بزرگند در جواهر القرآن این شیها از شرح جنیبا نوشته شخص
بعض گفته در این مختصر باین اکتفا کردیم تا خوانندگان ملال نرسند
کریمه بنیست بسم الله الرحمن الرحیم و الهکم اله واحد لا اله
الا هو الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه
سنة و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی
یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم
و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات
و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم الم الله لا
اله الا هو الحی القیوم هو الذی یصورکم فی الارحام کیف

ذکر آیات مشتمله لا اله الا هو

يَشَاءُ لا اله الا هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا اله الا
هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا
هو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه
وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله
الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول
الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله الا
هو يحيي ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي
يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا
الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين لا اله الا هو
سبحانه وتعالى عما يشركون فان تولوا فقل حسبي الله
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذي
آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا
لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل
انتم مسلمون وهم يكفرون بالرحمن قل هو ربي لا اله الا
هو عليه توكلت واليه متاب ينزل الملائكة بالروح



در آیات مشتمله لا اله الا هو

ينزل الملائكة بالروح من أمره على من يشاء من عباده أن أنذروا أنه لا إله إلا
أنا فاتقون الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى وأنا اخترتك
فاستمع لما يوحى إنني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدني وذا
النون إذ ذهب مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه فنادى
في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
إنما إلهكم الله الذي لا إله إلا هو وسع كل شيء علما وما
أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا
أنا فاعبدون فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو رب
العرش الكريم هو الله الذي لا إله إلا هو له الحمد في الأولى
والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون ومن يدع مع الله
إلها آخر لا إله إلا هو كل شيء هالك إلا وجهه له الحكم
وإليه ترجعون يا أيها الناس اذكروا نعمة الله عليكم
هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض لا إله
إلا هو فأنى تؤفكون إنهم إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون
ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى تصرفون

منه

در آیات شریفهٔ لا اله الا هو

غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب ذی الطول
لا اله الا هو الیه المصیر ذلکم الله ربکم خالق کل شیء
لا اله الا هو فانی تؤفکون هو الحی لا اله الا هو فادعوه
مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین لا اله الا هو یحیی
ویمیت ربکم ورب آبائکم الاولین فانی لهم اذا جاءتهم
ذکریهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبک وللمؤمنین
والمؤمنات هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب هو
الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله
عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم
الله لا اله الا هو وعلی الله فلیتوکل المؤمنون رب المشرق
والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وکیلا وصلی الله علی محمد وآله
اجمعین وچون تواند آدمی ضعیف که شکر این نعمتها اوورد
کرا ایزد بسیما مرتضی از عین عنایت و لطف و رحمت بخواند انسانها
رخصت فرموده که اگر دستوری نبودی که این همه و نمازهای این بود

نماید و دو رکعت نماز حاجت بگذارد
بعد از حمد هر سوره که خواهد بعد
از نماز هفت بار سوره حمد را بخواند
و صد بار صلوات بفرستد و
هفتاد و دو بار سوره الم نشرح
بخواند بعد از آن ده بار یا رب بگوید
قل هو الله را بخواند و صد بار صلوات
بفرستد و هفت بار یا رب
بخواند و سر را بسجده بگذارد و مطلب
از خدا وند بخواهد که باجابت
مقرون است و بعضی گفته اند که زن
خواند بوی خوش بخود کند و اینها
از دود [illegible] غایب
است و اگر [illegible] شنید
نماز [illegible] اول است
کتب واردات استعمال داد
باید

در شرح هو الله الذی لا اله الا هو

که نام او را بر زبان جاری گردی و در امت پیشین چنین بوده
که بی اجابت نمی‌توانستند که نام ملک تعالی بر زبان گیرند مگر باب سبعین که مامور
بودند که و انبیا و رسل ایشان را خبر داده بودند که این لفظ و صفات
من این امت را نیست که هر نام که خواهند خدای تعالی را بخوانند پس
دستور در هر حال که باشد از قبض و بسط و بیم و امید است اسما که
مناسب آن حال باشد و وقت علی خوانند و دعو صغیر و کبیر لوح
و نکیر خاتم مجموع از قول بزرگان علما و مشایخ این فقیر یاد دیم تا
خلاصه این ظاهر گردد و مقصود حاصل آید ان شا الله تعالی و خواص
اسماء الله بسیار است و بیان کردن آن بر بنی آدم مشکل که حق تعالی در
کلام مجید و قرآن حمید فرموده است که قل لو کان البحر مدادا
لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولو جئنا بمثله
مددا اما آنچه نقل و تجربه رسیده در این نسخه مذکور خواهد شد
ان شاء الله تعالی امید بکرم بزرگان آنکه چون این بنده از مختصری
اشتغال عاری بودم و این مختصر از کتاب باب ما نسبت جمع کردم اگر لغزشی
حاشیا بینند قلم عفو در کشند و بالله التوفیق نوع دوم نام باری
تعالی جل جلاله **هو الله الذی لا اله الا هو**

یا ودود ... است و صیغ مذکور ... [illegible]

در شرح هو الله الذی لا اله الا هو

این جمله سه اسم است هو الله اسم ذات خدای سزاوار پرستش
که موصوفست بجمیع صفات و کمال بسبب این اسمای عظام
ذکر اهل توحید است و بزرگان گویند که هر که در یکشبانروز
هزار بار بگوید یا الله یا هو و تلک اسما الله [illegible]
از اهل یقین گرداند و بمقام اهل تحقیق رساند و برسد اهل توحید به
وانچه خواهد بر او کشف شود ذکر آنکه الله اسم ذاتست و اسم است اسم
اعظم است و اهل تحقیق اسم اعظم اسمی را گویند که هر حرف از وی که کم
شود اسم الله شود مثلا از الله الف کم کنند لله شود و اگر یک لام از وی
دور کنند له شود و اگر الف و یک لام دور کنند له شود و اگر الف
هر دو لام حذف کنند هو شود و هو اسم اعظم است خدا اسم الله معنی
و دلیل بینا است و دلیل چند از قران بیرون آورده اند و گفته اند
که اسم اعظم خدا تعالی آنست که ابتداء آن بالله و ختم آن بهو باشد
و اینچند کلمه را نقطه نبود اگر معرب یا غیر معرب نویسند [illegible]
شود و غیر آن نتوان خواند و در کلام مجید خدای تعالی [illegible]
پنج جا آمده است اول در سوره بقره الله لا اله الا هو دویم در سوره
آل عمران الم الله لا اله الا هو سیم در سوره النساء [illegible]



در شرح کلمهٔ مبارکه الله الصمد

الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه چهارم در سورهٔ
طه الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی پنجم در سورهٔ تغابن
الله لا اله الا هو وعلی الله فلیتوکل المؤمنون پس از اینها
اسم اعظم الله لا اله الا هو است و بعضی از مشایخ فرموده‌اند
که هر کرا این پنج آیه که مذکور شد ورد کند و هر روز نیاز دو بار
بلکه هم کلی جزوی که دری غایب بخواند مهمات او حاصل شود و از
آیات کلام الله که ابتدا با اسم الله است خواه فقط مدد و یکی دیگر در کلام
مجید یافتم یک آیه کمتر که کلمه است و دو اسم خدا تنها است و
نمی‌دانم که معرب باشد یا نباشد که درست خواند میشود و شک نیست
که اینها اسلم اسم اعظم اند و هر دو در سورهٔ اخلاص واقع است الله
الصمد معنی الله مذکور شد و معنی صمد پناه نیاز مند او جمیع
و فرموده‌اند که در شرح یکی از بزرگان نامیم که هر کرا کاری صعب
واقع شود و امر مشکل که هم گشتن بوند تمام ان بلیه با فتح کار در مجلس یک
مجلس هزار بار سورهٔ اخلاص بخواند بجا آید ما بزرگی گوید این صدر را
یاد بود کنند ایم نا مردم نا ملایم نشسته و هر چند ضعیفی که در مولا
نمیکردی و گفتی که هر گاه ترا واقعه صعب دست دهد اسم اعظم ترا تعلیم

در شرح کلمهٔ مبارکه الله الصمد

کنے نجایابم باراو واقصه افتاد که حکم بر قتل او کرده بود دزاده که
تعلق گاه میبردند ملا فاتی کردم در این محل طلب اسم اعظم کرد
گفتم با هیچکس سخن مگوی و تا پانچ هزار بار بگوی الله الصمد و
اگر ما تمام نرسد مهلت خواه تا تمام شود صد او را موافق قول
خود یافتم ابتدا کرد هنوز بسیار نرسیده بود که خبر فتح شنید واورا
مژده خلاصی دادند چنانکه نوبت تحقیق بن اسما افتاد و هزار و یکنوبت
بقول شیخ رحمه الله عدد کبیر قل هو الله است و نزد شیخ معز عدد
کبیر تکبیر آن دو اسم است و عدد تکسیر اینکه اسم بنا کنیم نسبه
نوع و بنا عدد کبیر که علما ابتضن تکسیر کرده اند دو هزار هفتاد
نه است و صد و موخر تکسیر کردیم با بیعد افرادیم اینکه ستصد
نود و نه و تکسیر اینست ال ل ا ال صمد د ا م ل ص ل ل ا
ا د ه ا ل م ل ل ص ص ا ل د ل ه م ا ل ل ص ا م ل د ل
ل ل د ص ال ا م م ل ا ل ل د ص ه ه م ص ل ا د ل ل
ل ا ل م د ص ا ل ا و عدد وسیط که عدد اصل اسماست دو نوبت
صد و یکیست عدد تکسیر بطریق شیخ معز دو نوبت و صد
و موخر یکهزار و صد چهل و چهار و نزد بعضی سه نوبت

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤوده حفظهما و هو العلی العظیم



در خواص آیه مبارکه آیة الکرسی

وسید العلما سه نوبت و سید العلما از عشر او اخاذ میگیرند
واگر باز بقرار سید مجموع را القبا میکنند باز الحاد را اعتبار میکنند
و عدد تکبیر معربان بیست و سه هزار و صد و ده عدد است بنوعی
که حروف ملفوظ تکسیر میکنند در شرح بسم الله شیخ فرموده
است که آیة الکرسی آیتیست بس معظم و مکرم که زبان بیان از وصف عظمت
او قاصر است و از آن نیز گویم که خواص بسیار مشاهده کرده اند اول از
جهت زیادتی دولت و سعادت و حشمت و بزرگی و دفع عدو و غالب
آمدن بر خصم و رسیدن بجاه و نجات یافتن از بلاها و هر جا که خلل در
کند و بعد از هر فریضه بکیفیت خواند که در ده وقف آورده و هر وقفی
یکعدد بگیرد و ابتدا از انگشت خورد دست راست عقد آخر انگشت
بزرگ دست چپ و در ما بین عینین که شفیع عدد است هر حاجت که دارد
در دل بگذراند و طلب حاجت خود کند و در یمین که بعلم ما بین
آید بهم است که عدد و مفهوم شد جمع در خاطر او و چون
کریمه تمام کند سه نوبت سوره الم نشرح و سه نوبت سوره اخلاص و سه
نوبت صلوات فرستد بجانب آسمان دمد بهر عقد یکبار سوره فاتحة
الکتاب بخواند باد بر دو کف دست دمد و بر تمام اعضا برساند

و چون

در خواص آیة الکرسی

وچون این ورد کنند هر حاجت که دارد برود مقرون گردد و از بزرگان

این آیت یکی انست که ابتدا بالله و ختم باسم العلی العظیم میشود و شارحان

اسماء ربانی گفته‌اند که اگر فی المثل گدائی که در تبارش هرگز بزرگی

نبوده باشد خواهد که بسلطنت رسد و مملکتی بوی تفویض کنند

باید که در دوازده روز ترک حیوانی کند روزه دارد و افطار بحلال

کند و هر روز غسل کند و جامه پاک در پوشد و از اول غسل سخن

نکند تا بعد از آنکه دو رکعت نماز بگذارد و همچنان بروی سجاده هزار

بار آیة الکرسی بخواند چون درین ایام مذکور باین شرط قیام نماید

قصد نا البته مراد یابد و مقصود حاصل گردد و آنچه خواهد بدان

رسد در آن شك نباید و در دور مغرب قصه سلطنت صالح البنا

چنین بود و قصه او طولی دارد مناسب این نسخه نبود اهل تحقیق گویند

که هر که را توفیق رفیق گردد که هر روز هزار بار بگوید الله خدا

او را از اصحاب یقین گردانند و این اسم مناسب کسانیست که مستعدند

هنوز بدرجه کمال نرسیده‌اند و عدد این اسم شصت و شش است اگر

کسی را طلب جاه و بزرگی باشد بحر وفق در شرف زحل بر اطلس سرخ

نقش و در شرف مریخ کند با حروف اسم خود و در تاج محفوظ سازد

در شرح وخواص لفظ جلاله

واگر شرف زحل بود میسر نگردد چون در خانه خود باشد و قمر با او
نظر داشته باشد و از نحوستها منفصل با سعود متصل تمام نظر همین خواص
دهد طریق مربع این است و مثال نمود شود الله محمد ال له م ح د
واین هشت حرف است ترا با بنظر بود در مربع شش در شش می باید نهاد
و در روش این است که از هر ضلع اسمی حاصل شود که در وقت نو
بخور بسوزد و در جاهای که بحضور دل نویسد تا خواص بیند

پیش بزرگان تا جرم بود
و مربع این است
و یکی از بزرگان صاحب
و ورد این اسما چنین
فرموده اند که هر که خود اهل

ال	ل	ه	م	حم	د
حم	م	ی	ال	ه	ل
م	د	ل	حم	ال	ه
د	حم	م	ه	ل	ال
ه	ال	حم	ل	د	م
ل	ه	ال	د	م	حم

صاحب صدق و یقین گردد و از عالم غیب انواع فتوحات ظاهری و باطنی
متواتر برو نازل گردد و هر روز بعد از فراغ فرایض صبح
هزار بار این اسما را بدین نوع بخواند یا الله یا محمد عدد این اسما
تا آشیا هو و عدد این اسما نود و نه است موافق به نود و نه نام
باری تعالی و بزرگی فرموده که هر که نیم شب با طهارت کامل در وقت با بسم

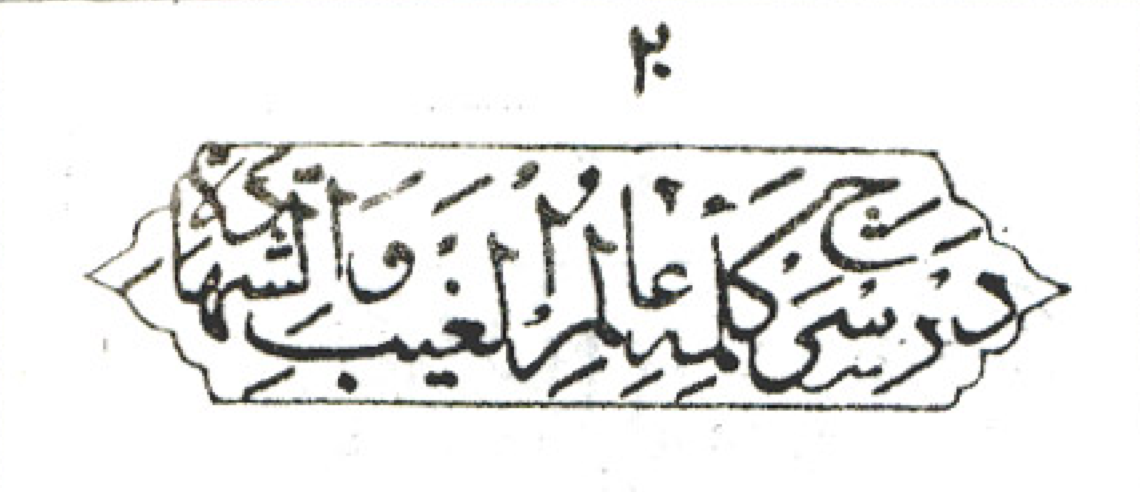
کذ

کند اول
جمعه است چهل مسلسل بعد شروع
سوره فاتحه بخواند بعد تا آیه
کند بخواند سوره انعام تا
مثل ما اوتی رسل الله پس بار
ناصلی بخواند دو رکعت نماز کند
و در هر رکعت بعد از سوره حمد
و هفت بار آیة الکرسی هفت بار
و هفت مرتبه انا اعطینا را بخواند و بعد
سوره انا اعطینا بخواند بعد از
فارغ شود همان [illegible]
الله اعلم حیث یجعل رسالته
تا آخر سوره بخواند و بعد [illegible]
[illegible]

درج صورت لفظ جلاله در شرف زهره

کند و بود و هر بار این اسم را بگوید مستجاب الدعوة گردد و چشمهای
معرفت از دل وی سر بر زند از علوم لدنی با نصیب گردد و اگر این
دو اسم را با نام خود عدد گیرد و در شرف زهره در مربع پنج در
پنج اعداد بنهد بطریق توافق که از جمله عدد شصت طرح کند باقی
بر پنج قسمت کند و یکقسم را در خانه اول نهد تمام کند اگر کسر داشته
باشد بدستوری که بود هم درج کند مقبول القول گردد و متعلقات
زهره مسخر وی گردند و اگر نقش این مربع را از عالم غیب فتوحات
رسد و دائم خوشدل و خرم گذراند و در هیچ مجلس ترش روی نگردد
و هر چه خواند یاد گیرد و این مربع را خواص بسیار است مثلاً نام محمد را
خواستیم با این دو اسم عدد گیریم عدد مجموع صد و نود و یک شد شصت
طرح کردیم صد و سی و یک باقی ماند بر پنج قسمت کردیم قسمی بیست و شش
شد کسر یکی عدد ماند در خانه بیست و یکم اضافه کردیم و اگر کسر دو باشد
یکی در خانه شانزدهم اضافه کنند و اگر سه باشد در خانه یازدهم اضافه
کنند و اگر چهار باشد یکی در خانه ششم اضافه کنند چون تمام کند
معطر ساخته در پیچد با خود دارد بر نیت ادای قرض و حصول
حاجت دنیا و آخرت و برآمدن مراد کلی و جزوی امتحان باید که هر روز

ان شاء الله ختم سوره نون
هرکه را مهم عظیمی و مهلکه خطیری
پیش آید که از علاج آن عاجز ماند
باید یکصد و چهل بار این سوره
بر سبیل اتصال بخواند و بعد
جهت ضرورت شکل و ترتیب نمازها
جماعت بجز از آن در نظر ملاحظ
بود و هیچ مکروهی بدو نرسد
ختم سوره تبارک ... هر کس را
صعوبت و مشکلی که از دو روی دهد
و هر حاجت و مطلبی که داشته
باشد هفت مرتبه بلا فاصله
تلاوت نماید البته مهمات و کفایت
گردد ختم سوره طه هر که بخواند
بتوفیق رود از او رسد آنچه
خواسته باشد بعد طلوع صبح
یکبار این سوره را ... نماید



٧ ٣٢	١٣ ٣٨	١٩ ٤٤	٢٥ ٥١	١ ٢٦	کم از نود و نه بار
٢٠ ٤٥	٢١ ٤٧	٢ ٢٧	٨ ٣٣	١٤ ٣٩	نخوانند و شکل اینست
٣ ٢٨	٩ ٣٤	١٥ ٤٠	١٦ ٤١	٢٢ ٤٨	و بزرگی فرموده که
١١ ٣٦	١٧ ٤٢	٢٣ ٤٩	٤ ٢٩	١٠ ٣٥	هر که هر روز صد
٢٤ ٥٠	٥ ٣٠	٦ ٣١	١٢ ٣٧	١٨ ٤٣	بار بخواند هو الله
					الذی لا اله الا هو

و بدین مداومت نماید حق تعالی او را از اهل یقین گرداند و تمام
اهل تحقیق و درجات اهل توحید برسد آنچه خواهد بر او کشف
شود و اگر بعد از نماز صبح بیست و یک بار بر هفت موی طفل
خوانده بناشتا بکودک کند ذهن هذا بخورد تیز فهم گردد تا
روز بیست چنین کند البته فهم و حبا شود که هر چه بخواند یاد
گیرد و هرگز فراموش نکند و اگر مربع پنج در پنج کرده ذکر او کرده
بر شرف زهره بنویسد و بر آن کودک بندد البته ذو عقل و ادراک
بمرتبه رسد که اهل عالم متحیر او گردند و شیخ فرموده اند که هر که
با خلوص و اعتقاد تمام بعد از نماز بامداد صد بار بگوید عالم
الغیب والشهادة حق تعالی او را از اهل یقین گرداند و از اصحاب

[illegible]

در شرح کلمهٔ عالم الغیب والشهادة

کشف شود چنانکه اسرار عالم صورت و معنی بر او روشن گردد و
مشکلات کلی و جزوی از تفاسیر این اسماء بگشاید و هر که هر کاری
که شروع کند فتح بیند و از مغیبات خبرمند گردد و شیخ گفته که هر
روز دوازده بعد از نماز اصل اسما یکبار بخواند عدد اصل اسما هزار و
هفتصد و پنجاه است کشف قبور خاص شود او را و مطلع شود
بنیک و بد تمام اهل گورستان و هم شیخ گفته که بعدد کبیر میسر شود
در نوزده روز در هر شبانه روزی بعدد کبیر بخواند بر مخفیات و دفاین عالم
مطلع گردد و بر تمام معادن که در زمین خلق شده است عالم شود و عدد کبیر
عدد کبیر است عدد کبیر هم صد و [illegible] چهار هزار و هشتصد
پنجاه و هم شیخ فرموده است که اگر میسر شود که در نوزده روز
چله کند از روی اخلاص کند در ایام مذکور بعدد کبیر سه نوبت
تکرار کند دعوت و ضعف بجو بنشاند و در ضمن بخواند سه عدد کبیر
مجمل چهار هزار و چهار صد و نود و شش است کشف غریب خاص شود و تمام
مسخر او گردند حکام زمان و محتاج بسوی او گردند اولیا و باطن
بمرتبه شود که از مشرق عالم تا مغرب الا ما شاء الله بر او مکشوف
شود و بر اجزای عالم مطلع گردد و عزل و نصب سلاطین بگوید

عن خلقه عز و جل سبحان الله المطلع عن
کل شیء سبحان الله الغنی عز و جل
سبحان الله العالم عن کل
سبحان من [illegible]
[illegible]

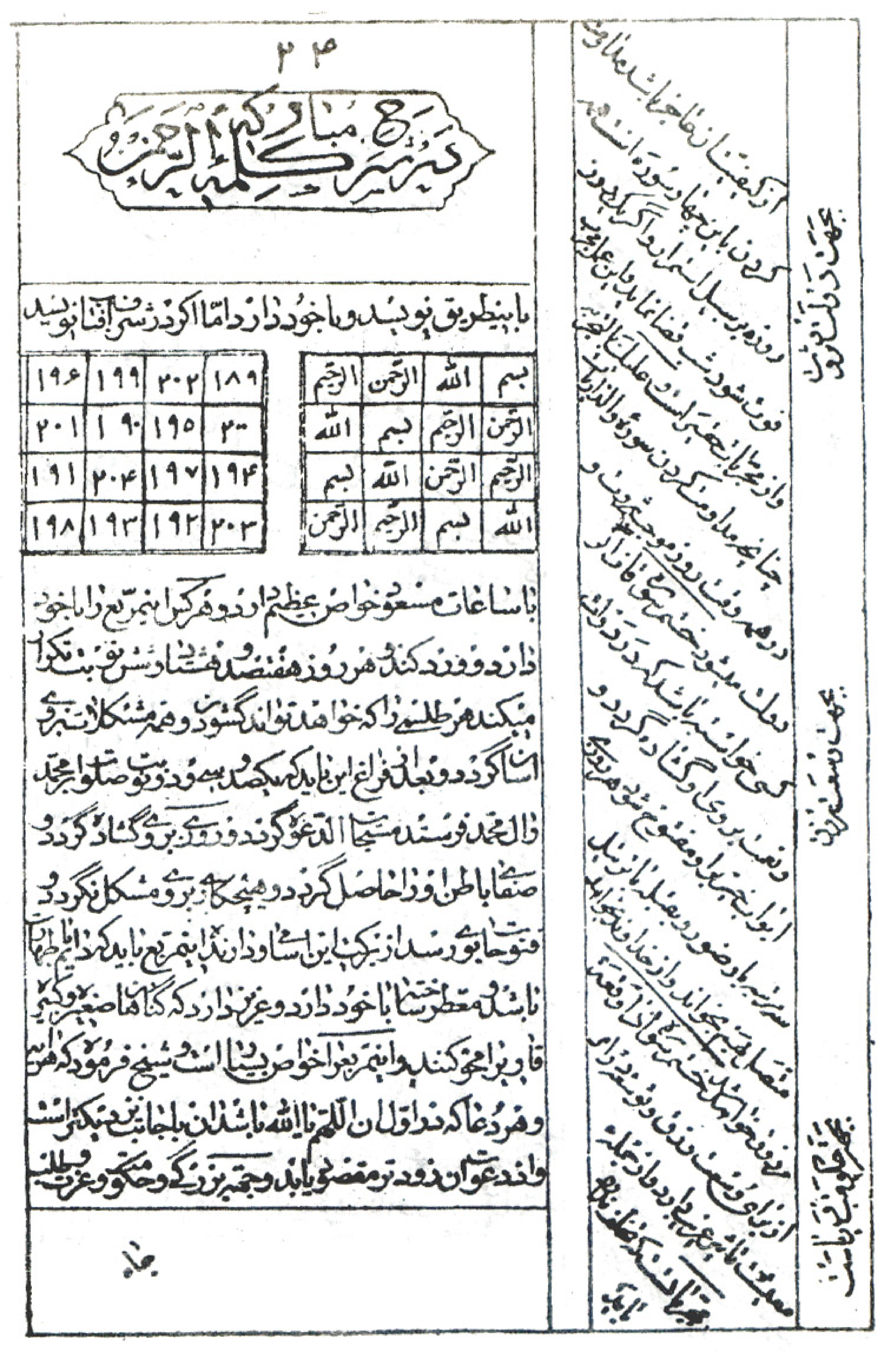
در شرح کلمه مبارک الرحمن

واموردیگر بهبود دوستان هذا اما باید که در این ایام تقوی رعایت کنند
و صایم باشند و افطار بحلال کنند سخن کم گویند خلوت گزینند چون مراد
و مطلب او حاصل شود تقوی لازم است و دیگر آنکه حکمت فرموده
اند خواص اسما بر وی ظاهر گردد **الرحمن** یعنی بخشاینده جمیع
مخلوقات و عالمیان فرموده اند که هر کس بر این اسم مداومت نماید و بعد
از هر نماز فریضه صد بار بخواند خداوند تبارک و تعالی دل وی را از کدورت
و ظلمت و غفلت دور فرماید حضرت سلطان الاولیا و برهان الاتقیا تاج
الاصفیا سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام در شرح اسما
چنین فرموده که هر که بعد از هر نماز دویست و نود و هشت بار بگوید
جمله مخلوقات او را دوست دارند و دشمنان بر وی مهربان گردند و اهل
تجهیز گویند عوام این اسم مناسب کسانیست که صاحب کرم باشند و از
ایشان نفع بکسی رسد شیخ بر هیم در شرح خود فرموده که هر کرا
مهمی باشد و عاجز گردد از تدبیر آن باید که روز جمعه بعد از نماز
عصر هیچ کار دیگر مشغول نگردد و هیچ سخن نگوید و با حضور دل
متوجه قبله این هر دو اسم تکرار میکند تا آفتاب زرد شود تا زمانیکه آفتاب
فرو رود و بعد از آن سر بسجده نهد و حاجت خواهد البته حاجت وی

روا گردد

در شرح کلمه مبارکه الرحمن

روا گردند و شیخ ابن عجیم از خواجه الیاس نافه در کفایت مهمات
مسلمانان شرح این اسم بیان است و بزرگی فرموده هم درین معنی
که جهت مشکلات غریبه و امور کلیه بعد نماز عصر روز جمعه متوجه
قبله بود و بسم الله الرحمن الرحیم قیام نماید چون بانگ نماز شام
بشنود دست بر نیمه حاجات خواهد حاجت خواهد تا موذن اذان تمام کند
نگوید دستها بر داشته صلوات فرستد مومنین و مومنات را
فراموش نکند و آمرزش خواهد برای مهم که باید برآید و مقاصد
مراد حاصل شود و بزرگی اسما و هم بزرگی فرموده که از استاد خود
چنین یاد دارم که هیچ اسمی از اسماء خدا تعالی بزرگوارتر از این اسم
نیست زیرا که اگر بزرگتر بودی مقدم بر کلام خود بودی و بر اول هر
سوره مکتوب گشتی و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم در فضیلت
این نام فرموده اند که من قال بسم الله الرحمن الرحیم مرة لم یبق
من ذنوبه ذرة روایت عبد الله بن مسعود است که حضرت رسالت
فرموده اند که هر که بگوید این اسم را یکبار باقی نماند از
گناهان او ذره و شیخ فرمود که هر که بجهت فتح کارها و حصول
مرادات و دفع بلاها و ایمن بودن از مکر شیاطین مداومت نماید جهان



مربع مبارکه بر سر کلمه الرحمن

باین طریق نویسد و با خود دارد اما اگر در شرف آفتاب نویسد

بسم	الله	الرحمن	الرحيم
الرحمن	الرحيم	بسم	الله
الرحيم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحيم	الرحمن

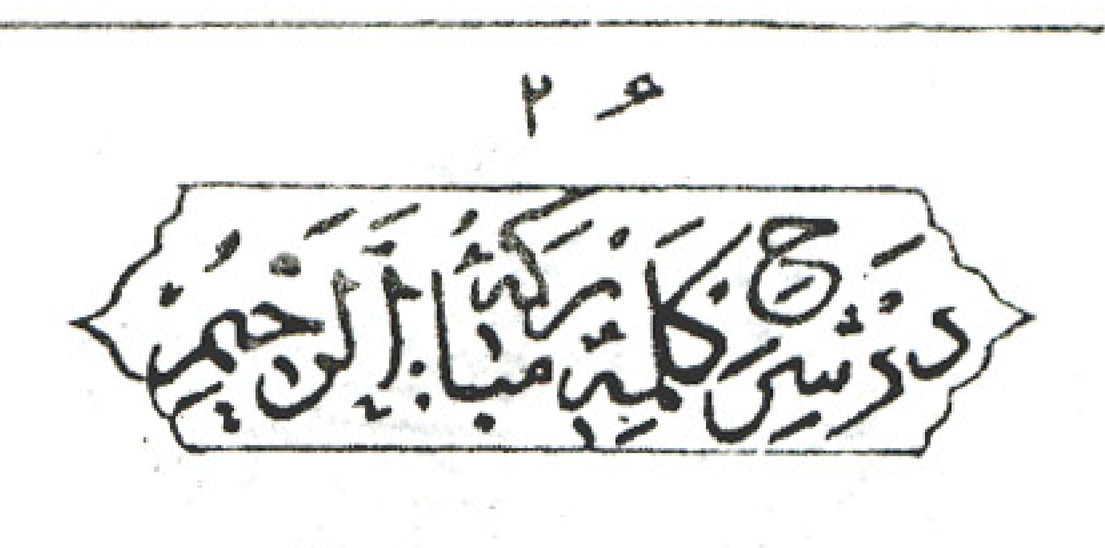
۱۸۹	۲۰۲	۱۹۹	۱۹۶
۲۰۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
۱۹۴	۱۹۷	۲۰۴	۱۹۱
۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

بااساغات مشغول خواص عظیم دارد و هر کس این مربع را با خود
دارد و ورد کند هر روز هفتصد و هشتاد و شش نوبت تکرار
میکند هر طلسمی را که خواهد تواند گشود و همه مشکلات بر وی
آسان گردد و بعد از فراغ این باید که سجده بجای آورد و سه نوبت صلوات بر محمد
و آل محمد فرستد مستجاب الدعوه گردد و درهای بسته بر وی گشاده گردد و
صفای باطن او را حاصل گردد و هیچکار بر وی مشکل نگردد و
فتوحات بوی رسد از کتب این استاد و دارند این مربع را باید که دائما طاهر
باشد و معطر ساخته با خود دارد و عزیز دارد که گناهان صغیره و کبیره
او را محو کند و این مربع را خواص بسیار است و شیخ فرمود که هر
و هر دعا که کند اول آن اللهم یا الله باشد آن باجابت نزدیکتر است
و اند عوام ... مقصود یابد و جمیع بزرگی و حکم و عزت طلبد

در شرح مبارک کلمه الرحمن

جاه و روزی مردم دراعمال الفتح لها و فراخی روزی و هر روز
دانند و ورد شاه هر روز فراهرو بنکنو بت عونک الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء و هو القوی العزیز اینهم مقصود او باشد بر وجود آنکه
کاری زود بود و شد اگر برای ادای قرض و خلاص از حبس و رسید
بعمل که از عمل معزول شده باشد طلب حرمت دفع دشمن
یا مغلوب گردانیدن لشکری از شهر که محاصره کرده باشند
روز هر روز سه هزار و سیصد و سی و نوبت بخواند و اشتغال
جمع محاصره و خلاص از حبس و جمعیت تمام خواندن شی عظیم دارد
اگر کسی این اسما را در نگین عقیق یمنی نقش کند با خود دارد
خواص بسیار بیند خاصیت اول آنست که بر دشمنان غالب آید
نظر خلق عزیز بود و ... هیچکس شرمنده نشود و از مفاجا
ایمن بود ابن تیمیه از اسما عظم ترتیب فرموده اند در لیل
مندرج کرده اند خواص کلمه دارند اول الصمد دوم رحمن سیم رحیم پنجم
فرموده اند که در معنی بسم الله الرحمن الرحیم فرموده اند که رحیم
بخشاینده بر بعضی هر که رحیم است بخشاینده است بخشایش از
رحیم است الرحیم یعنی مهربان بر بنده کار شیخی فرموده که

ما ... اللهم ... کنند و ... در هر ... بخوانند و ... جمعیت ...
بخوانند ما ... معطل ... در هر ... دعا ... دعا ...
ارزقنا رزقا واسعا حلالا طیبا من غیر کد و استجب دعوتی من غیر رد و اعوذ بک من فضیحتی الفقر و الدین و ادفع عنی ... بحق الائمة المعصومین ... و الحسین ... بحق ... آدم الرحمن ... و ... کند ... بخواند ... بخوانند ... باشد ...



هر روز صد نوبت این اسم بخوانند حضرت رحیم ویرا مهربان و مشفق گرداند
با خلق و خلق را با او و این دلالت عظیم است در دو جهان و دعوت این
اسم مناسب کسانیست که مضطر احوال باشند در مهم و کار خود
فرو مانده باشند و یکی از اکابر فرموده است که هر که خواهد دعوت
اسمی کند از اسماء الهی باید که اول شرایط انموذجی بداند و شرط دوم
خواندن انست که چون شروع کند پیش از آن چهل روز تقوی رعایت
کند و ماکول و ملبوسات حلال ترتیب دهد بر ریاضت و ارکان و ائمه
اقدام نماید و فحش نگوید با احدی کاملی نبود در میان خلق نباشد سخن نگوید
و انچه تواند صدقه دهد و اگر میسر شود هر روز غسل کند دایم با
وضو باشد و جامهای پاک و بویهای خوش با خود دارد و کنار دریا آب روان
بسیار رود و اغلب ایام سی نیم صایم باشد بزیارت والدین خود بسیار رود
و اگر در حیوة باشند ایشانرا عزیز دارد و هر که خواهد بشر بعد
کبیر خواند و علی کبیر در خواندن اسما علی نکبیر است و اگر بعد تکبیر
متغیر شود زیاده از هزار بار هم دعوت کبیر گویند و نفر از اکابر فرموده
اند که هر که چهل شبانه روز هر شبانه روز پنجهزار و پانصد نوبت این
اسم بخواند جمیع مخلوقات از پرنده و غیره او بر او انس گیرند و حکام

و سلاطین

و بعد از اتمام مسموعه بگوید این
دعا بخواند اللهم ان کان رزقی
فی السماء فانزله و ان کان فی
الارض فاخرجه و ان کان بعیدا
فقربه و ان کان قریبا فیسره و ان
کان قلیلا فکثره و بارک لی فیه
و ان کان ... برحمتک یا ارحم الراحمین

لطیفه ... علیه السلام
از حضرت سید الشهداء علیه السلام
نقل کرده اند ...

در شرح کلمهٔ مبارک الرحیم

وسلاطین مطیع و فرمان بردار وی گردند مقاصد اهل عالم از و
کفایت شود اما چون مراد حاصل شود نباید که دست از دعوی
بدارد و اگر بدین عمل نشوند خوانند بعد از دعوی با نفیکه میسر گردد
بخوانند اما اگر هر روز هزار بار بخوانند بهره مند شود و بزرگان
گفته اند که تسخیر فلکی و ارواح در این اسم است و بزرگی گفته که این
اسم الرحمن الرحیم که خاصیت و مناسبت کاملست که در امور کلیه
مضطر باشند هر که در چنین خوف فرو ماند و اضطراب و غم
و حزن شدید و گرفتار در امور دنیا بمرض یا حبس و غیر مبتلا باشد
مدد و منت باید کشانند و تا هر روز شدید رحیم و مهربان او گردند دعوی
این اسما در محل اضطرار شبانروز است هر شبانروز بعدد تکسیر
معرب با یکصد و پنجاه و هفت اگر خواهد با الف و لام تعریف بخواند بنا
بظاهر و مقبول است و اگر محل تقاضای آن نکند جمعی متفق گشته
بیک مجلس پنجاه هزار و یکصد و سی نوبت بخوانند اینجا و در زمین شبانه
روز خواهد خواند و اگر این عمل گرفته در مربع چهار در چهار
نهد با سطرین و با خود دارد آن بلیه بزودی دفع گردد و تمام
آن عالم مطیع او گردند و همه غالب آید و مرحوم مخلوقات

بجهت [illegible]

بجهت خلاص از حبس و گرفتاری

بجهت غلبه بر اعدا

در سرّ کلمهٔ تبارک الملک

گردند و مغموم نمانند از بیماریها نگون ایمن معدو مقبول القول

گردند و ابواب نفع بر وی گشاده شود و خاطر ایمن شود ... ضعف

تبارک و تعالی باشد مرتفع اینست الملک جل جلاله

یعنی پادشاه فرمان روا بر جمیع مخلوقات هر که خواهد که دعوت این اسم

کند باید که ... تعالی را بزرگ داند ... [illegible] انبوی

خواهد و طمع از مخلوقات قطع کند و همه را ... فقیر و حقیر داند

و محتاج بالله تعالی او را از عالم ملکوت بهره مند گردانند بزرگان

گفته اند که ذاکر این اسم محتاج نگردد و حضرت امام علی ابن موسی

الرضا علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز نود بار این اسم را

تکرار کند از خلق بی نیاز گردد و دولت دنیا و آخرت یابد شیخی

از شیخ جلال الدین محمود بخشی که صاحب گلشن راز است سؤال کرد

که شیخنا اسماء الله را خواص فرموده اند لوح علی تعیین کرده اند

مگر اسم الملک را الکبیر شیخ فرمودند که این اسم عوام را بر خاصیت

آن اطلاع افتد که سبب فنای ایشان گردد و اگر خواص دریغ ندارم

و فرمود که هر که بخواند اسم یا مالک ... و ... [illegible]

بجای ... شبانه روز ... بار تکرار کند ... [illegible]

م	ی	ح	د
ح	د	م	ی
د	ح	ی	م
ی	م	د	ح

۶۴	۶۷	۷۰	۵۷
۶۹	۵۸	۶۳	۶۸
۵۹	۷۲	۶۵	۶۲
۶۶	۶۱	۶۰	۷۱

در شرح کلمه مبارکه القدوس و السلام

رسد این نقش بهمت قادر بسته کن تا شد که پادشاه در عالم
معنی خواند و کس باشد که در عالم صور و خواص الکبیر حمل
شمه بیاید ان شاء الله تعالی و مربع الملک این است القدوس
جل جلاله یعنی پاک از همه عیبی و نقصی حضرت امام هشتم
علی موسی الرضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز وقت
زوال یکصد و هفتاد بار بگوید دل او صافی گردد و از شر نفس
و وسوسه شیطان امان یابد و یکی از بزرگان فرموده که ذاکر این
اسم را باطن پاک و مصفی گردد از کدورات قلب و نفاق و اهل تحقیق
گویند که هر که هر روز یکصد و نود بار مرتبه بخواند در بیماری ظاهر و باطن
صحت یابد و هر که روز جمعه بر یک لقمه نان نویسد سبوح قدوس
رب الملائکة والروح بخورد صفت ملائکه پیدا کند و مربع القدوس
این است السلام یعنی پاک از عیب ایمن از نکوهش و نقایص حضرت
امام هشتم علیه السلام فرموده اند که هر که یکصد و سی و یک نوبت بر
بیمار خواند بر نیت صحت آن بیمار از رنج خلاص شود و اگر یکصد و
شصت و یک بار بر شیر خواند بر دشمن دهد تا بخورد مهربان گردد و اهل
تحقیق گویند هر که خواند این اسم را کند اول خود را مقصر داند

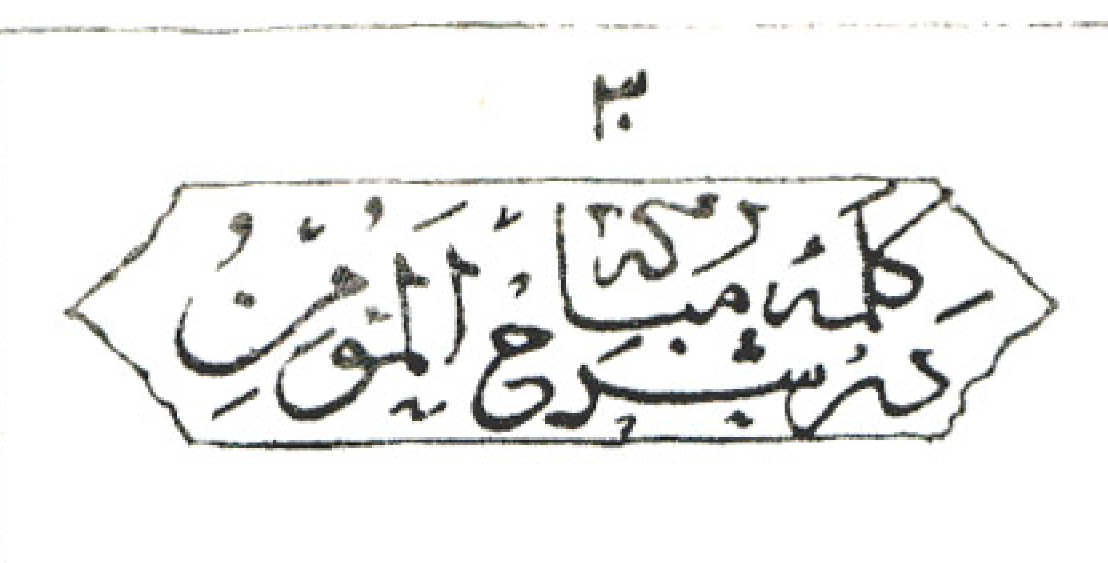
ک	ل	م	یا
م	یا	ک	ل
یا	م	ل	ک
ل	ک	یا	م

۲۲	۲۵	۲۸	۱۵
۲۷	۱۶	۲۱	۲۶
۱۷	۳۰	۲۳	۲۰
۲۴	۱۹	۱۸	۲۹

بحق یا عزیز یا رازق الملک یا ملک یا رازق یا مؤمن یا مغنی یا غنی السمیع صل علی محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین الحی العلی الاعلی

س	و	د	ق
د	ق	س	و
ق	د	و	س
و	س	ق	د

۴۲	۴۵	۴۸	۳۵
۴۷	۳۶	۴۱	۴۶
۳۷	۵۰	۴۳	۴۰
۴۴	۳۹	۳۸	۴۹



وهر روز این اسم را یکصد و بیست نوبت بخواند خداوند عالم
دل او را از بیماری در امان دارد و در دار السلام در آورد و عدد
این اسم صد و سی و یک است عدد دیگر صد و شصت و دو و اگر مربع
طریق وضع کند و با خود دارد از جمیع مرض و علل خود و برص
بلیه ایمن باشد از برکت این اسم و مربع السلام اینست المؤمن
یعنی ایمن کننده و عدد آنها چون حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند
هر که این اسم را بر نقره نقش کند و دایم با طهارت نگاه دارد از شر شیطان
ایمن گردد و دشمنان بر وی ظفر نیابند و ایمان بسلامت برند و اهل طریقت
گویند هر که هر روز صد و شصت و هفت نوبت بگوید خدای تعالی او را
از مکر و وسوسه ظاهری و باطنی محفوظ دارد و خصم بر او قادر نباشد
یکی از اهل تحقیق گفته است هر که بر خاتم نقره مربع بکشد بطریق تکسیر
حروف المؤمن را نقش کند در وقت و ساعت سعد در حال کند بخور بسوزاند
و در ساعت سعد در انگشت کند دایم با طهارت باشد معطر دارد ایمن
بود از مکر مکاران و غمز غمازان و طعن بدخواهان و بر خصم غالب آید
و در نظر سلاطین و حکام با هیبت نماید ظاهر و باطن او از خوف
محفوظ دارد از بلیه و اگر بعد از آنکه خاتم در انگشت کند هر روز

نود و

م	ا	ل	س
ل	س	م	ا
س	ل	ا	م
ا	م	س	ل

۳۲	۳۵	۳۹	۲۵
۳۸	۲۶	۳۱	۳۶
۲۷	۴۱	۳۳	۳۰
۳۴	۲۹	۲۸	۴۰

بکا عنایت عنی و
معضلات و بفضلک عنی و
بحق آل یا الٰه العالمین
صلی الله علی محمد و آله اجمعین

شرح کلمهٔ مبارکهٔ المهیمن

نود و شش نوبت بخواند اگر بعدد تکسیر بخواند اثرش زیاده بود
عدد تکسیر این اسم هزار صد و بیست و نه است مربع المؤمن اینست
المهیمن یعنی خدا آگاه است بر جمیع نهانها و اشکار حضرت
امام قاسم علیه السلام فرموده هر کس که بعد از غسل صد نوبت بگوید
بر باطنها مشرف گردد یکی از مشایخ فرموده هر که طلب اسرار باطن یا
در هر شب آدینه یکبار غسل کند و بعد تکسیر که هزار و چهل عدد
است هر روز بخواند بعد از غسل پیش از آنکه سخن گوید تا مدت چهل
روز یا هشتاد روز البته بمقصود برسد بر اسرار خلایق مطلع گردد
و باطن او را صفا پیدا گردد که آن جو منجر گردد و صفا باطن شود
و دیگر او را فیوض متواتر گردد که مطلقا نظر بظاهر نکند
بعد از آنکه اینچه تعشق و بمقصود برسد بعد از آن هر روز صد نوبت
بخواند و بر روش تکسیر بر خاتم نقره نقش کند در انگشت کند تا دولت
و صفا مدام بود و اگر پیش از دعا نقش کند در دست داشته باشد
و در جبین خواند در خاتم نگاه کند تا نود و نه بار برسد مربع اینست
و اند دولت میسر گردد و بمرتبه علما رسد و از مراتب مشایخ و دو
اهل تحقیق دست دهد که مستغنی از خلق گردد و لحظه لحظه

م	و	م	ن
م	ن	م	و
ن	م	و	م
و	م	ن	م

٢٦	٤٠	٣٧	٣٣
٣٨	٣٢	٢٧	٣٩
٣١	٣٥	٤٢	٢٨
٤١	٢٩	٣٠	٣٦

استدعا بخواند یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا مسهل سهل یا مغلق ... یا مفتح ... یا ارحم الراحمین ... ختم کرده
از حضرت صادق علیه السلام منقولست هر که سوره حشر را از برای قضاء حوائج دنیا و آخرت ... روز هر ... عظیم ...

م	ه	ی	م	ن
م	ن	م	ه	ی
ه	ی	م	ن	م
ن	م	ه	ی	م
ی	م	ن	م	ه



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العزیز

حالت و زیاده شود از برکت بزرگواری این اسم خاتم و صورت
لوح اینست العزیز بعضی ارجمند بزرگواری زمان از سود و زیان
و کفر و ایمان حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز
چهل و یکبار بعد از نماز بامداد بگوید محتاج بخلق نگردد و هر که
ورد سازد دولت او ابدی باشد و در میان مردم عزیز و مکرم گردد و اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که با بندگان
خدای تعالی بعزت و حرمت سلوک کند تا حضرت عزت در دنیا و
آخرت عزیز دارد و دعوای این اسم مناسب کسانیست که در میان خلق
عزت و حرمت خواهند دولت و حکومت و بزرگی فرموده اند هر که مداومت
نماید هر روز بعد از نماز صبح بعد تکبیره هفتصد و پنجاه است و بقول
دیگر هشتصد و سی و هشت عدد و قاری مخیر است بهر عدد که خواهد
بخواند اما بعضی گفته اند متفق اند بر این که بعد از عمل که تمام کند
هر روز چند نوبت تا آنچه تواند بگوید یا معز اعزنی بعزتك یا عزیز
و بعد از تلاوت آخر اسم این ملکه تواند صلوات فرستد و چند آیت از
قرآن که شیخ خواص گفته مناسب این اسم که بعد از این تحصیل او در عدد بخواند
اول لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص

٣٦	٣٩	٤٢	٢٨
٤١	٢٩	٣٥	٤٠
٣٠	٤٤	٣٧	٣٤
٣٨	٣٣	٣١	٤٣

بلیات باب انگشت [illegible]
بخوانند صاحب آن [illegible]
[illegible] و دیوان [illegible]
که او و [illegible]
فوت شود از [illegible]
از آنکه [illegible] طلا [illegible]
[illegible]
مهمی [illegible]
[illegible] هفت [illegible]
بنشیند و با وضو [illegible]
فاصله بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
بخوانند [illegible]
اللهم انی اسئلك [illegible]
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العزیز

علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم هر که این آیت را در مربع چهار
در چهار وضع کند در شرف آفتاب با سطوت باشد و با خود دارد در نظر
خلایق عزیز گردد و در چشم سلاطین با عزت و حرمت بود و مقبول
القول گردد و تمام دشمنان او دوست گردند با هر که مجادله نماید
غالب گردد و وضع در شرف او را عزیز دارند و مربع آیت
و اگر عدد این اسم که دو هزار و هشتصد و نود و هشت است در شرف آفتاب
چهار در چهار باید در شرف زهره وضع کند بدین مثال که نموده شد
انخواص دهد که سلاطین مطیع وی گردند و اکابر و اشراف و تمام
خلایق مسخر وی گردند خواص بسیار دارد و عموما آفتاب را اعزا
نفع دهد چون مربع زهره با خود دارد همه خوشحال گردند و اصول
و مقاصد و فهم عمل دارند این لوح را حاصل شود که بصر اعداء را بند
و گنگ گردند نیز فهما جمیع پیش وی بنادانی معترف باشند عمل
را تمام در نظر دارند این لوح بعجز خود اقرار کنند این هر سه لوح را
مثال روشن نموده شد تا بر دوستان مشکل نگردد اما باید که در
وقت نوشتن عمل گرفتن با طهارت باشد بخور بسوزد و خود را
بوی خوش معطر سازد و لوح را عزیز دارد و بیشتر او را در تاج اللهد

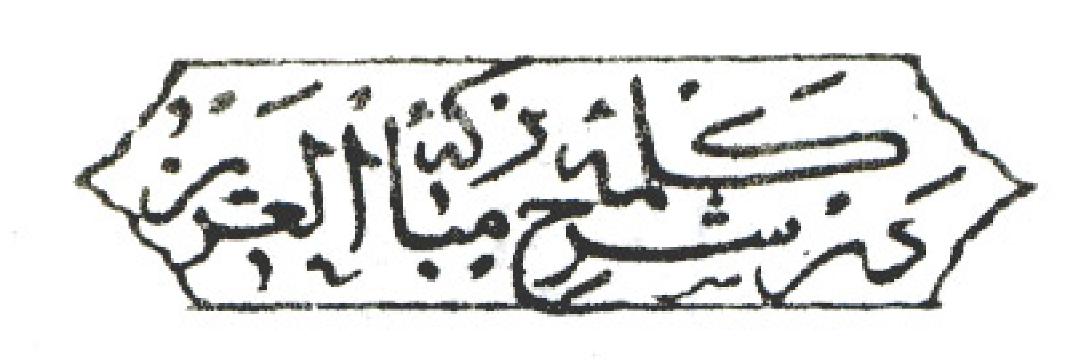
رسول	عزیز علیه	انفسکم علیه	لقد جاءکم رسول
انفسکم علیهما	لقد جاءکم رسول	بالمؤمنین رؤف رحیم	حریص علیکم
لقد جاءکم رسول	انفسکم علیهما	عزیز علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم
عزیز علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم	لقد جاءکم رسول	انفسکم علیهما

٧٢٤	٧٢٢	٧٣٠	٧١٧
٧٢٩	٧١٨	٧٢٣	٧٢٨
٧١٩	٧٣٢	٧٢٥	٧٢٢
٧٢٦	٧٢١	٧٢٠	٧٣١

ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ی
ع	ز	ی	ز
ی	ز	ع	ز

٢٣	٢٦	٢٩	١٦
٢٨	١٧	٢٢	٢٧
١٨	٣١	٢٤	٢١
٢٥	٢٠	١٩	٣٠

عدد آیت عزیز علیکم
عدد عزیز عزیز
عدد اسماء علیهم



واگر این ایه را با اسم عزیز عدد بگیرد سو با بنویس بر لوح پنج در
پنج بر مس نقش کند در شرف زهره با نام خود و نام هر کس که
خواهد هم در شرف ان لوح بکشد با خود دارد مثلا این
عدد و عدد نام خود و عدد نام یکی از سلاطین یا حکام را با هم
مجموع حسا کند شال نمایم ان لوح که شیخ از بهر خود عمل کرده
بود تا برد و ستا مشکل نگردد و عدد کریمه با عزیز نهصد و سی و
و عدد نام صاحب رساله عبد المجید والد او دویست و سی و سه و سلطان
عصر والد او چهار صد و شصت و یک مجموع هزار و شش صد و بیست و
چهار میشود و از انجمله شصت کم کردیم هزار و پانصد و شصت و چهار
این ماند از اینجا قسم کردیم قسمی سیصد و نود و دو بود چهار عدد کسر
داشت این عدد را اندر لوح مس نقش کند با خود دارد و یکی از اکابر
گفت من بنا کردم و بخدمت سلطان حاضر شد بنگ تعظیم نکرد
کرد که بوصف زانستنیامد از مقام محمود بنگذر باید که از بهر خود
متکفل نشاید رو در بگرد رس خواند پیش گفت برمن جهت
استاد تعظیم کرده بعد که چون بیرون امد ملی خواهد و استقبال
نمود اشک وامرا او را منع کردند گفت استاد من است بگردد

ذا نبه انا اعطینا صلوات
تعالی علی خیر خلقه محمد و اله اجمعین و صلی
الله علی محمد مکرر ابن سعود را
حرز بحق مقابله هم باو بود
نوشته با خود دارد و بهمه دماغ ملک
فتح و نصرت شود و اگر کار
ابن سعود را بخواند اگر کسی حرب
کار در شرعا حاصل شود و هر روز
اگر کسی با شد و ده روز بخواند
با عزیز سعود مبا کسی در کرد
الله تعالی الیکنا شود و نیک با شد سود
منت و شوهر ما نیاز کار عبادت و
با بکر و انار بلیشت بخواند و
با شا منکه ... و ... ان شواد
اگر کسی ... با شد ... قطار
هم و ... و از ... عدوی
عسل کند و نکاح ... سود

مجموع عدد نام سلطان
مجموع عدد شیخ
مجموع عدد نام
مجموع عدد نام سلطان و شیخ



رساله شرح کلمه مبارکه العزیز

۳۰۸	۳۲۱	۳۰۴	۳۱۷	۳۰۰
۳۰۱	۳۰۹	۳۲۲	۳۰۵	۳۱۳
۳۱۴	۳۰۲	۳۱۰	۳۱۸	۳۰۶
۳۰۷	۳۱۵	۲۹۸	۳۱۱	۳۱۹
۳۲۰	۳۰۳	۳۱۶	۲۹۹	۳۱۲

لوح را در منزل گذاشتم که شاید تعظیم کمتر کنند که از خط غفلت
نشسته بود با وجود این همچنان متواضع بود و این از مجربات
وصور لوح مس است و عجائب دیگر که از این لوح پیدا می بود
که مجموع عورات آنجا را هرگز تب نمی آمدند زنان چون
بند سوا میشد با جمیع مریدان ایشان برگارده با مهار بر می آمدند
نظاره میکردند که شیخ عبد المجید میکند و بیش از این لوح
این نبود و من از این بیخود میشد و قصد کردم که این لوح بکند
تا باشد که این شهر کم شود و باز ملاحظه این نمود که بیست و چهار دقیقه
در شرف زهره دعا کرده بودم و اگر کسی را این میسر شود خواص الاسماء
ببیند دیگر اگر کسی بعد از نماز صبح پیش از سخن گفتن نوبت این
اسم بخواند یاد برد و کف خود بر روی و تمام اعضا بمالد از
هیچ بلائی بوی نرسد شیخ تمیمی در جواهر القرآن وارد کرده در شرح
این آیات که اگر فی المثل آسمان بر زمین ساکن خواند این اسم از صبح
آسیب نرسد محفوظ باشد در شرح کبیر قرآن شیخ المتقدمین
گفته است اگر کسی خواهد از جمیع واقعات هر سالها تمامی ایمن باشد و مداومت
کند الحجاب یعنی دارند خلفا بدان حضرت امام رضا علیه السلام



در شرح کلمه مبارکه المتکبر

۳۶

فرمود که برای دفع هر مظلومی از ظلم ظالم محفوظ ماند و باز
فرموده اند که دعوای این اسم منافی حال اکابر و اشراف است تا مملکت
بر ایشان قرار گیرد و هر که از پادشاه ترسد در برابر وی ده و دو
نوبت بخواند از شر وی ایمن گردد و هر پادشاه که خواهد سلطنت
باقی ماند و هیچ دشمن وی غالب نتواند کرد این اسم مداومت نماید
بعد از نماز بامداد و پیشین ... بار بگوید همه کس از وی بترسد
چشم حلاوتش با هیبت باشد و هر گاه بعد از صبح عشر ... یکبار
بگوید از شر شیطان ایمن بود و دعوای این اسم بعدد کبیر هزار و
یکبار و هزار و دویست ... نوبت است مع صد ...
کودک را بهمراه بنویسد در زیر نگین کند و اگر با خود دارد از شر جن
و حیوانات ایمن باشد از مودیات ... ترسد مربع اینست
المتکبر یعنی ظاهر کننده بزرگواری خود بر بزرگان قاطع بر اهل
آسمانها و زمینها حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند عامه مردم در
قول متفق اند که هر که در بستر خواب پیش از صحبت با حلال خود ده
بار این اسم بگوید حق سبحانه و تعالی او را فرزند صالح کرامت
فرماید و شیخ فرموده که بنفسه این اسم منافی احوال ملوک و سلاطین

[illegible]

د	ا	ب	ج
ب	ج	د	ا
ج	ب	ا	د
ا	د	ج	ب

۵۱	۵۴	۵۷	۴۴
۵۶	۴۵	۵۰	۵۵
۴۶	۵۹	۵۲	۴۹
۵۳	۴۸	۴۷	۵۸

دکلمین

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الخالق

و کسانیکه طالب حشمت و دوام جاه و دولت و مطلق منفعت
بر اعدا باشند بدو ممتاز بعد العزیز الجبار المتکبر و طریق
دعوت این اسما آنست که وضو ساخته هر روز بعد تکبیر یا بعد
کبیر بخوانند بعد طلوع صبح یا بعد نماز صبح پیش از سخن
گفتن با طهارت متوجه قبله هر عددی که خواهد خواه با الف
ولام تعریف خواه بی آن بخواند و عدد تکبیر مع صد و هفتاد و
هشت هزار و پانصد است و این اسم مرکب از ده حرف است
حروف مکرر در شش مرتبه با تثلیث و نسبت بر هر دو منتهی
در لوح ده در ده بحروف وضع کند یا خود نقش مربع کار عددی
زده بر تاج نگاه دارد عزیز و مکرم گردد بطریقیکه وصف
کرده مربع کبیر اینست **الخالق** یعنی آفریننده کار هر چیز بر مقدار
وانداز که شاید و اصل حقیقت گویند هر که در شب این اسم بسیار
گوید حق سبحانه و تعالی فرشته خلق کند تا روز قیامت عبادت
میکند و ثواب آنرا در نامه اعمال آن بنده ثبت میکنند حضرت
امام علیه السلام فرموده اند که هر که سبعیه یا کار زنان که با حمل
میشود بیاید از خلال آن مسموم است با کار ذکر قل هو الله الباطن

١٥٨	١٧١	١٦٨	١٦٥
١٦٩	١٦٤	١٥٩	١٧٠
١٦٣	١٦٦	١٧٣	١٦٠
١٧٢	١٦١	١٦٢	١٦٧

م	ت	ک	ب	د
ب	د	م	ت	ک
ت	ک	ب	د	م
د	م	ت	ک	ب
ک	د	ب	م	ت

نفع نمودم و بلا صحیح خوانند ظهر
همان روز مطلب حاصل شد
ایضاً از خواص مجربات آنکه بجهت قضا
حاجات و دعا بر دشمنان و هلاک
اهل ظلم و تعطیل ایشان همه نموده تا
در ایام هفته بطریق زیر بخوانند
هر یک را هر روز چهار ده مرتبه
گوید تا دو شنبه الکافی یا الکافی
دو شنبه ... سه شنبه الرحمن
چهارشنبه ... پنجشنبه ...
یا رحیم یا اکرم

در شرح کلمه مبارکه البارئ

دارد و از فنا آن میسر شد باید که این اسم را در مربع چهار در
چهار بحرف تکسیر نوشته با خود دارد و هر صباح صد بار این اسم
بگوید کار او بد نشود و از آن شغل و عمل نیکو بهاء بیند و هر کس
که مداومت نماید بعد تکبیر ما بعد تکسیر شیخ فرموده که حق تعالی
ظاهر و باطن او را بنور صفات خود منور گرداند و او را از جمله مقبولان
درگاه خویش گرداند و مخلوقات او را دوست دارند از برکت این اسم
بود و مناسبت این اسم مناسب کسانیست که ایشان را اولاد و اتباع فرزند کم
باشد و دعوت کبیر این اسم نزد بعضی از بلند مرتبه زیاده است و نزد
بعضی از بزرگان دو هزار و سیصد و هشتاد و شش است و اگر صد روز
باین عدد بخواند او را بود باطن صفا و دل خرم و بینا از مشکلها
که حضرت عزت بر دست او آسان گرداند هر کاری که رو آورد از دست
او برآید و بخت تبعیت او را بر سر قوم سرور گرداند و حاکم سازد و اگر
صنعتی داند در آن کار یگانه عصر شود و از خلق بی مستغنی گردد
اما باید که با طهارت باشد و مربع را با خود دارد خواص بسیار بیند و مربع
اینست البارئ یعنی آفریننده هر چیز بصفتی و خاصیتی محل تحقیق
گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که با خلق باری تعالی

مهربان

اینست
الحمد لله که مطالع و مربع ...
ان شاء الله تعالی ...
چهار مولانا مقتدی ...
... مسعود ...
...
مجموع ...
هر مطلب ...
دانشمند ...
ان شاء الله تعالی ...

خ	ا	ل	ق
ل	ق	خ	ا
ق	ل	ا	خ
ا	خ	ق	ل

۱۵۷	۱۸۹	۱۸۵	۱۸۲
۱۸۶	۱۸۱	۱۷۶	۱۸۸
۱۸۰	۱۸۳	۱۹۱	۱۷۷
۱۹۰	۷۸	۱۷۹	۱۸۴

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المصوّر

مهربان و متواضع باشند تا حضرت حق تعالی خلق را محکوم و منقاد
وگرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر جمعه
بگوید این اسم را حق تعالی در قبر او را از تنهائی نگاه دارد و مونس فرستد اهل
تا مجموع ببیند هر که یک هفته هر روز یکبار بخواند خداوند جل
جلاله فرشته خلق کند تا روز قیامت مونس او کند شیخ
فرموده که این اسم را با الخالق البارئ ذکر کنانند کسی که محتاج باشد
بهر چه و هر شیء که ذکر نماید ایشان را و مطالب حقیقت باشند شیخ
الدین ... گوید هر روز بعد از نماز صبح این سه اسما بخوانند لطف
خدا تعالی در دنیا و آخرت شامل حال او باشد ... روز
او کرده ... ... و باشد ...
المصوّر یعنی مصوّر کننده هر چیز مصوّر مخصوص و شکلی که دارند
معنا گردانند از یکدیگر حضرت امام علیه السلام
فرموده اند هر زن عقیم که طالب فرزند باشد باید که هفت روز
روزه دارد و در وقت افطار بر آب بنویسد صد بار بخواند
و بر آب دمد و بیاشامد حق تعالی او را ولد صالح کرامت نماید
و اگر زن شوهر هر روز ... ... باشد و نیز ... گردد

والذین ... سورهٔ العمران
و ... محمد رسول الله
والذین معه ...
... از سورهٔ انا فتحنا ...
... ...
... در مثلث ...
... ...
... ...
... ...
... ...

ب	ا	د	ی
د	ی	ب	ا
ی	د	ا	ب
ا	ب	د	ی

٦٩	٨٢	٧٩	٧۴
٨٠	٧٥	٧٠	٨١
٧۴	٧٧	٨۴	٧١
٨٣	٧٢	٧٣	٧٨



د	ق	ص	م
ص	م	د	ق
م	ص	ق	د
ق	د	م	ص

۹۶	۹۹	۱۰۲	۸۹
۱۰۱	۹۰	۹۵	۱۰۰
۹۱	۱۰۴	۹۷	۹۴
۹۸	۹۳	۹۲	۱۰۳

[illegible]

د	ا	ف	غ
ف	غ	د	ا
غ	ف	ا	د
ا	د	غ	ف

۳۱۹	۳۲۲	۳۲۸	۳۱۲
۳۲۷	۳۱۳	۳۱۸	۳۲۳
۳۱۴	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۷
۳۲۱	۳۱۶	۳۱۵	۳۲۹

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ انت الغفار القهار

هر که طالب فصاحت و بلاغت و شعر گفتن و دانستن و طلاقت
لسان بود باید که این اسم را بعدد تکسیر مع صد و هفت بخواند تا سر آمد
روزگار گردد و عدد تکسیر این اسم ده هزار و هشتاد و دو
باید که چون بمقصود رسد با بیعدد بخواند هر روز سی
صد و شصت و شش بخواند ترک نکند تا آنکه مستند بود
مقصود حاصل و مربع انت الغفار یعنی پوشاننده گناهان
و معاینه کنان از انواع گناه و تفصیل حضرت امام رضا علیه
السلام چنین فرموده هر که بعد نماز جمعه صد بار و صد
بگوید یا غفار اغفر لی ذنوبی از جمله مغفور گردد و حق تعالی بر
او ببخشد بعضی خوانده اند با بیعدد بزرگان فرموده اند بعد
تکسیر مغفر بر خاتم عقیق نقش کرده در دست دارند و لیاذا در نظر
خفیه و عشق و اولاد دوست دارند بیکبار نگاه نماید در حق وی
دعای خیر کنند و اگر آن خاتم با خود بفرستد از غذا ایمن و دامنظر بود
مغفرتها دو نوع است عامل مجبر است اما نوع اخر افضل است
از اول و مربع انت القهار یعنی شکننده گردن گردنکشان
کشنده انواع رنج و خواری اهل حقیقت گویند که باید این



شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوهاب

اسم بگویند محبت دنیا از دل او برود و حضرت امام رضا علیه
السلام فرموده اند هر کس که بسیار گوید این اسم خدا تعالی غم
و رنج و درد و محنت دنیا از دل وی بر دارد و بر نفس خود غالب آید
و هر که مبتلا مرض و سستی باشد [illegible] هر روز [illegible] شمس صد بار بخواند
خصماء و متقی او شوند و صفای باطن و حاصل [illegible] در معنی
دل او گشاده گردد مربع این است

د	ا	ه	ق
ه	ق	د	ا
ق	ه	ا	د
ا	د	ق	ه

۷۶	۷۹	۸۲	۶۹
۸۱	۷۰	۷۵	۸۰
۷۱	۸۴	۷۷	۷۴
۷۸	۷۳	۷۲	۸۳

الوهاب یعنی بخشاینده با نواع
عطاها و نعمت ظاهری و باطنی بندگان
به غرض هر که بعد از نماز پیشین
در سجده هفت نوبت
بگوید این اسم را از خلق مستغنی گردد
و حضرت امام علیه السلام فرموده
اند که این اسم بست تعالی [illegible]

و سریع الاجابه و خواص این بیش از آن است که در شرح راست آید
و صاحب دعوت این اسم فرموده اند که از بزرگواری این اسم هر که دعا
کند با شرط تعلیم که بعد از فراغ از نماز دست ها را بر دارد و هفت

[illegible] در این [illegible] را [illegible] حاجت [illegible] باشد [illegible] بخواند [illegible] سوره [illegible] هفت مرتبه [illegible] الرحمن الرحیم [illegible] و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] نماز عشا هفت مرتبه سوره [illegible] و هفت بار سوره [illegible]

شرح کلمۀ مبارکۀ الوهّاب

نوبت این اسم بگوید حاجت خواهد البته دعای او مستجاب گردد
و حضرت خداوند مقام او را بحصول پیوندد و اهل تحقیق گویند
هر که ورد دنیا و هر روز هزار و سی و پنج بار بگوید یا وهّاب یا ذا
الطَّول روزی بر وی فراخ گردد و اگر مدام ورد نماید باین اسم جا
که گمان نداشته باشد [illegible] روزی او برسد در پیش او در برداوند
شیخ فرمود هر کسی را که مهمی پیش آید یا امری منطلب باید در دست
خصم گرفتار باشد یا دری بروی بسته باشد یا از عمل خود معزول
شده باشد یا دنیا خواهد یا حکومت در اعلی مرتبه یا دفع دشمن
یا تمنای دوست هر امری که داشته باشد باید که نیمه شب شنبه
برخیزد و وضو سازد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و رو به مسجد
یا در خانه رود و سر برهنه کند دستها بالا برد و صد نوبت
این اسم بگوید و حاجت عرض کند حق سبحانه و تعالی حاجت او روا
کند شیخ فرمود که هر که چهل روز هر روز بعد تکبیر دعوت
این اسم کند بحضور دل و معنای آن را نظر دارد آنچه خواهد یابد بی شک
و عمل تکبیر صغیر یکصد و هفتاد و پنج است و عمل کبیر هزار و چهار
صد و هفتاد و چهار است و نتیجه حصول مراد و مفهوم شکل عدد



شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوهاب

۴۳

و ادای قرض و وسعت رزق حلال و خوشنودی خلق و غنا و خوشحالی
و فرح و برکت عمر و قوت باصره مرتب شد این اسم بطریق مثلث با خود دارد

و	هـ	ا	ب
ا	ب	و	هـ
ب	ا	هـ	و
هـ	و	ب	ا

۳۶۳	۳۷۷	۳۷۴	۳۷۰
۳۷۵	۳۶۹	۳۶۴	۳۷۶
۳۶۸	۳۷۲	۳۷۹	۳۶۵
۳۷۸	۳۶۶	۳۶۷	۳۷۳

نقل است که از جهت ادای قرض و وسعت رزق در دو ماه دنیا و
آنگاه نیکو از دو رکعت نماز در روز جمعه پیش از نماز جمعه و
تا بشکند نوزده بیش از نماز رسیده صلوات فرستد هر نیت کند از
شروع در نماز کند در هر رکعتی بعد از فاتحه بیست و یک بار آیة الکرسی
و بیست و پنج نوبت قل هو الله احد بعد از تمام شدن چهار نوبت یا وهاب
بگوید جهد کند که از اول نماز تا اتمام تسبیح نماز سخن نگوید و بعد
از فراغ از نماز و اسم دعا کند که البته مستجاب الدعوه گردد و این
تجربه کرده اند و مجرب است این اسم که جهت دفع علامت
و ضع شو اکرد تا اگر خواهد که جهت حصول مراد و وسعت رزق
حلال و مقصود شد عدد خوشحالی و فرح و برکت عمر و قوت باصره



شرح کلمه مبارکه الرزاق

۴۶

و خوش شود بفضل الله تعالی جل جلاله مربع سازد این اسم را عدد گیرد و اسم خود را نیز عدد گیرد و از مجموع سی کم کند باقی را به چهار قسم کند در مربع بطریق شیخ وضع کند مثلا اسم یا وهاب است پنج عدد است و اسم محمد نود و دو مجموع صد و هفتاد و بود سی عدد طرح کردیم هفتاد باقی ماند به چهار قسمت کردیم بیست و یک شد و کسر ماند به طریق وضع کردیم تا اینجا باشد مربع این است

۲۹	۳۲	۳۵	۲۱
۳۴	۲۲	۳۸	۳۳
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

الرزاق پنجم روز دهند

هر روز خوانند ان فلک که عادت اوقات باشد این تا بیست فرسنگها برکشتها میخوانند از برکت این اسم دانند در خوشیها باید شود و بر هر دانه تا می نوشته است که در رزق بکشت اهل تحقیق گویند که هر که احصا این اسم کند باید که طعام و شراب از بنده ها خدا دریغ ندارد و هر روز بخور و اهل طریقت گویند هر که چهار طرف خانه خود نه هر رکعتی صد بار بگوید این اسم بباید انعرو در روزی را راه بدان خانه نباشد و هم این معنا کنایت است که تنگ روزی نبود و بر حال او باشد این

مربع دوم



شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرزاق

۴۵

مربع را با خود دارند بعد تکبیر یا بعد تکبیر تحریمه و سنت نماید
هر روز پیش از صبح و یا بعد از اطراف جوانب عالم دمند توانگر
گردند و در بنا باید نیست و درویش در خانه و عمل تکبیر این اسم
هزار و هشتصد و چهل بعضی هر که چهل روز هر روز چهار عدد
تکبیر بخواند حق تعالی او را چندان دنیا کرامت فرماید که صفت
نتوان کردن و توانگر گردد چهار عدد تکبیر هفت هزار و شش صد
هشتاد نوبت است و اگر هر روز ما بین عدد نتواند خواند باید که در چهل
شبانه روز چهل هزار و چهار هزار و نوبت بخواند و آخر مربع
نقش کند با خود دارد بعد تمام شود دو رکعت نماز و بعد
ختم و استجا دعا نگذارد و دعا کند بعد [illegible] بخواند حق
تعالی نعمت بی حساب او را روزی فرماید ان شاء الله تعالی و مربع نقش

۷۶	۸۲	۵۸	۳۶
۸۶	۵۶	۷۴	۸۳
۶۶	۹۲	۷۸	۷۲
۸.	۷	۸۶	۹۰

ق	ا	ز	ر
ز	ر	ق	ا
ر	ز	ا	ق
ا	ق	ر	ز

الفتاح یعنی گشایندهٔ هر کار بسته هر که خواهد حصول این اسم

بخواند تا نماز ... الکافرون ... سوره ... اذا جاء نصر الله ...
نماز صبح ... ده بار این سوره را بخواند ... صلوات ...
صلی علی النبی ... محمد و آله ...
[illegible]



شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفتاح

کند باید که کار و نیز گره او را بپیش آید و نام شریف یا مفتح الابواب را

و بدانند که ابواب رحمت او دایم گشاده است حضرت امام رضا علیه السلام

فرموده اند هر که هر روز بعد از نماز صبح فتاح بگوید

و دست بر سینه فرود آورد زنگ غفلت از دل وی برود و هر کار

که او را پیش آید روا شود دیگر از اکابر گویند هر که مبارک روز هشت

هزار و هفتصد و نود و سه نوبت بخواند که شمار عدد تکسیر است او را

فتحی و گشودی که هرگز قبض و بسط بر وی نباشد در باطن و از عالم غیب

فتوح معنوی رسد چند اصحاب باطن باید که مطلق وی از دنیا

منا باید که از قرائت این اسم باز نماند و بعد از اینکه دولت فتح و دنیا

نوبت کند بگویند شرح این اسم جاودان بگو خواهند مانده و مترقع ایراث

ف	ت	ا	ح
ا	ح	ف	ت
ح	ا	ت	ف
ت	ف	ح	ا

۱۱۴	۱۲۸	۱۲۵	۱۲۲
۱۲۶	۱۲۱	۱۱۵	۱۲۷
۱۲۰	۱۲۳	۱۳۰	۱۱۶
۱۲۹	۱۱۷	۱۱۹	۱۲۴

العلیم یعنی خداوند دانا و ابر همه بود بینها از نیک و بد تا ابد

اهل حقیقت گویند هر کس خواهد که احصا این اسم کند باید که خداوند

تمام

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العلیم

۴۷

عالم السر والخفیات داند بحقیقت خود و از هر چیز بحکم آنچه [illegible]
میکند متواضع باشند تا عالم علام او را بر علوم عالم گرداند حضرت
امام رضا علیه السلام فرماید هر که این اسم را بعد فریضه بسیار بخواند
از علم لدنی بهره مند گردد و اگر خواهد که از امر پنهان آگاه شود شب
متعاقب وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز صلوات
نوبت بخواند این اسم را با وضو صلوات بگوید تا در خواب شود از عالم
غیب آن امر بیان نمایند و اگر این اسم را در ساعت [illegible] باخود دارد و بعد
از نماز شبها جمعه صلوات فرستد بعد از آن بعدد تکبیر
چهار صد پنجاه و نه نوبت بخواند مع صلوات [illegible] هر روز هفت صد
بیست و پنج بار [illegible] بخواند و صلوات [illegible] هفت بار [illegible]
تا بر صلوات فرستد [illegible] ساخته گردد که [illegible] خود در این [illegible]
وصفا [illegible] ظاهر او حاصل گردد و اگر [illegible] لوح [illegible]
[illegible] نگاه کنند [illegible]
[illegible] گردد اهل حقیقت [illegible]
این اسم [illegible] کودکان [illegible] این اسم گویا و دانا گردند [illegible]
[illegible] این اسم را [illegible] معرفت [illegible] فرماید لوح [illegible]

[illegible] خود در [illegible]
[illegible] از زمان حضرت [illegible]
[illegible] بخوانند [illegible]
[illegible] این سوره را [illegible]
[illegible] بخواند [illegible]
[illegible] الله [illegible]

کلمه حکمت در شرح مبارك القابض

۴۸

۳۷	۴۰	۴۳	۳۰		م	ی	ل	ع
۴۲	۳۱	۳۶	۴۱		ل	ع	م	ی
۳۲	۴۵	۳۸	۳۵		ع	ل	ی	م
۳۹	۳۴	۳۳	۴۴		ی	م	ع	ل

القابض یعنی خدا بیك کند آنچه خواهد بعد از حکمت
چون بحضرت امام رضا علیه السلام فرمودند هر که از دشمن
خوفناك باشد و از او ترسد این اسم را سه هزار شب تنها و هزار بار
بخواند البته از دشمن دست کشد تا هلاك شود یا آواره گردد اهل
حقیقت گویند هر که چهل روز این اسم را بر چهل لقمه نان نویسد
بنام شنا بخورد خدای تعالی او را از خوف جوع و عذاب قبر ایمن گرداند
و اشتغال مناسب کسانیست که اول سلوك دارند باشد این اسمی
که ملك الموت تقویت این اسم جان بندگان قبض میکند و این اسم
بقول جمعی از اکابر از جهة دفع دشمن جلد و نکبت است و عدد تکسیر
دو هزار و هفتصد و نه است مع صد و موخر پنج هزار و چهار صد
دوازده است بقول ضربها دو هزار و هفتصد و نه است مع صد و موخر
پنج هزار و چهار صد هیجده است اگر بعدد ضربها خواند دوازده

تعوذ



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباسط

روز مذکور و منظم باشد هر که خواند کار او همیشه مستقیم بود

چون روز در تربیکادن و لوح مربع اینست الباسط جل

ق	ا	ب	ض	۲۱۸	۲۳۲	۲۲۹	۲۲۵
ب	ض	ق	ا	۲۲۹	۲۲۴	۲۱۹	۲۳۱
ض	ب	ا	ق	۲۲۳	۲۲۶	۲۲۴	۲۳۰
ا	ق	ض	ب	۲۳۳	۲۲۱	۲۲۴	۲۲۷

جلاله تعین شد فراخ کنند آنچه خواهد بحکمت خویش حقیقت
گویند هر که خواهد که این اسم کند باید که طعام و شرابی
بیندازد تا حضرت باسط او را منبسط گرداند
و همیشه خرم و خوشدل باشد هر غم زده را که نظر بر او افتد
مفرح میگردد و این از طینت که میکائیل علیه السلام با انبیاء
ان نام میفرستد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در
کانا طهارت در دست داشته باشد ده بار بگوید یا باسط و در روی
خود بدمد هر گز محتاج نگردد و از غم نجات یابد از این بود
روزی بر وی فراخ گردد و هر که مغموم و مقبوض شود دعوای این اسم
مناسب است که ... باشد ... قحط بلا باشد در
این اسم بقوانست که ... روز ده عدد تکبیر خواند و عدد تکسیر این
اسم دویست و شانزده است مع صد و موخر چهار صد ...

در سرّ کلمهٔ مبارکهٔ الباسط

عامل است در این اسم مبارک بکرّه و مرّه دو نوبت و دو شب علاوه
عمل بشود و پیش از خواندن اگر تواند این عمل را در مربع بجا در چهار
اطلس سفید کند در محل خود در پیش سجاده نهاده و در نظر
میکند بر نگین نقره بحرف و تکسیر مقرر نقش کند و در دست دارد
وقت خواندن در خاتم نگاه میکند خوش ... و نوبه کرده هم
بظاهر و هم بباطن ... بسط باشد که سلاطین عصر ...
... نظر او خود ... بحسب دنیا و آخرت ... یا اکرام او ...
چند اکرام و سخاوت کند که اهل دنیا ... کردن نشاط و
خرمی در باطن خود دانند و هم مغموم که اصحاب دعوت ...
کند مفرح و شادمان شود و مربع نقش کند ... کار او
در نزد خلائق گشاده شود و دیگر خود را ... بسط اما باید

۱۷	۲۳	۲۹	۳
۲۷	۵	۱۵	۲۵
۷	۳۳	۱۹	۱۳
۲۱	۱۱	۹	۳۱

ط	س	ا	ب
ا	ب	ط	س
ب	ا	س	ط
س	ط	ب	ا

در عمل دعوت ... دو نوبت بیست و ... نوبت که عمل تکبیر است

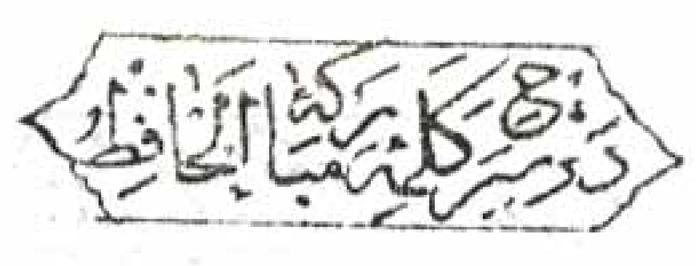
بخواند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الخافض

۵۱

بخوانند و ترک نکنند تا در ان خالت دایم بماند مربع بیست که نموده شد
الخافض یعنی فرو دارنده که انچه خواهند بعلم قدیم و قدرت تا فرو
دارند و او بود این نام بیست که مخصوص موسی و ابرهیم علیهما السلام
از برکت این اسم از خصمان نجات یافتند و مظفر گشتند هر که در بعضی
بلیا بود و دشمن قوی ذایم متوهم باشد خواهند که التصاق این
اسم کنند اول باید سه روز روزه دارد و در وقت افطار بحلال کند و اندکی
خورند و در ایمن نشسته بود این اسم را علی بخوانند و در چهار ماه رفع دلتی
بطلوع رود و در وقت نماز بگذارند و متوجه قبله برای دفع علت
دشمن فرو نوبت بخوانند چون با تمام رسد سه بار بیخ خدای دفع دشمن
از خدا بخواهد و از شر شیطان الرجیم گردد و علی الحکم هر روز برای
حافظ نسب باند مجمع و اسنک ابیست بکه از دو ماه تا نصف شب
و کر برنگین نقش کرده بنگین شیخ در دست کنند با ظهر غالب اید
و اکر دو شتر شمس بر خاتم نقره مربع چهار در چهار با بنظر تو کنه نقش
اسم منقوش سازد و بادشاه در انگشت کند یا بر صفحه نقره چهار
در چهار نقش کند الخافض الرافع که قبل المجیب نام بادشاه با
مربع با این طریق نوشته و این صفحه بر سر علم بسته بر لشکر کرده

ابدا لنجح فر کرده بساط تا دره
عا بد حد و زاده هذا بار بکو بد حق
الله علیک بار سول الله انعمه
کتاب تو در روح ان دا ماعالی
دست تع هنکام لدانا بزاد دعا بجی
استخر کلمة لا اله الا الله ان دعای
جمع مطالب معاصر بجز حاصل
اند انکه بنا ابدا کرده باز ده هزار
بار بکوید عدد دوست و زانو
هزار بار بکوید و هجنین تا نود بجی
تا نود هزار بار بکوید که جمیع
هشتاد دو بار هزار دو بیت کعبه معتدد
مطالب حاصل شود است مستعفر
اللا ناصر جب صور قوی خلق تعالی
دعا و لا ماقل که دعا عدد نبی علیه
اوی بار کار اخواند عدد کرکند هزار دو
بجد سعادت بنا ازانت عدد
دیکر



حق
در سر كلمهٔ مباركهٔ يا حافظ

اردنده منهزم شوندلر پس چاکه اینصفحه ده اولان اوفق مبارك باشلقوب جدا ايدنه
باشند برنظر اعداد بیتا ثماینده مهیب باشند على مغلوب
گردد اكر دعا ودقایق حرف لكاده وار ايدندن وقت نقش ايده جگ اكر
وغرايب اشبو وفق دار تكلرين جيران مانند شیخ مغزوى كه بيدا بود
كه در لشكر همراه بودم واينصفحه باشند بود لشكر خصم انكه
برابر ايند قرار منه وديگر قدم را پادشاه بر خوده بيا كرفته
بوندلك بنکا معلوم بودكه اين خواص بلوح است اكر كسى تا
خود اينوفق بنا ونا خود دارد وبدين عمل بر متاع مجعل نبود دار
مظفر ومنصور بود واز عمل نزلزل تكرده وفرنكى دارند اين لوح را

د	م	ح	ا
ح	ا	د	م
ا	ح	م	د
م	د	ا	ح

حفيظ	رقيب	رافع	خافض
رافع	خافض	حفيظ	رقيب
خافض	رافع	رقيب	حفيظ
رقيب	حفيظ	خافض	رافع

٢٤٧	٢٥٠	٢٣٥	٢٣٩
٢٣٤	٢٤٠	٢٣٧	٢٥١
٢٤١	٢٤٧	٢٤٨	٢٤٥
٢٤٩	٢٣٣	٢٤٢	٢٤٤

ض	ف	ا	خ
ا	خ	ض	ف
خ	ا	ف	ض
ف	ض	خ	ا

بكه

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرافع

بکی نرسند اگر نخواهند که به تکلف نسازند با ایشان راجع شود
وخواص اینان لوح نبشتن است و اگر درینجا او بگوییم بطول می
انجامید مختصر کردیم و اگر اسم حامل چهار حرفی باشد و مکرر
نداشته باشد بدین طریق که اسم احمد نوشته شد وضع کنند
و مربع در صفحهٔ مقابل نموده شد الرافع فیه ذات ما انجم
خواهد از مرتبهٔ اسفل با علا درجه برود رفعت این نام می بیند کما انما
ببرکت یقینا بیشتر از سیاده و پادشاهان از اعمال کتابت ببرکت
و بزرگی این اسم رسیده است و اهل تحقیق گویند هرکه خواهد
که احصا اسم رافع کند اول باید انصاف که تواند از خلق خدای
تعالی بردارد تا حضرت رافع رایت دولت او را برافرازد شیخ طریقت
گوید هرکه نیم شب یا نیم روز اسم رافع را صد بار بخواند و بر این
مداومت نماید حضرت عزت او را از برکت این اسم از خلق برگزیده و
مکرم گرداند و بد فعل و فرو توانگری و آنچه خواهد اهل دعوت این
اسم مناسب اهل جاه است در دنیا و چون این اسم ورد سازند دولت
عالی و دولت مستقیم ماند و روز بروز زیاده گردد و صاحب دعوت
این اسم گوید هرکه صد بار بعد از نماز شبانه روزی تکبیر کرده علم

[illegible]



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرافع

٥٣

بشود نه هزار و چهار صد هفتاد و هفت بشود بخوانند یک عدد
تکبیر مع صد و موخر هزار و هشتصد و شصت و شش می شود
و نه عدد تکبیر مع صد و موخر شانزده هزار و هفتصد و نود و
چهار و اگر میسر شود که در این ایام با سبعه بخوانند زیاده از آنکه مدد کرده
شد خواص خواهد دید چون مدد و مثنا نمایند در این ایام با سبعه
بیابد مرتبه علیا و جاه و نعمت کامل در صورت و معنی اگر میسر شود
هر روز یک عدد تکبیر که یکهزار و پنجاه و سه عدد است بخواند هر
عمل کند لما ان تعلق بصد و اعتقاد و جهد تمام دارد و لوح الرافع
با نظیر تو بشود بگیرد در حین خواندن [illegible] عدد تکبیر بخوانند
و در آن لوح مینگرد بر طلا نقش کند یا بر برنج یا بر نقره و در نظر
خود دارد و در آن بنگرد و چون از خواندن فارغ شود لوح را با خود
دارد و در آن بزرگ مستقیم بماند و از زوال امان باشد از برکت این لوح

٨٧	٩٠	٩٤	٨٠
٩٣	٨١	٨٦	٩١
٨٢	٩٦	٨٨	٨٥
٨٩	٨٤	٨٣	٩٥

ع	ف	ا	د
ا	د	ع	ف
د	ا	ف	ع
ف	ع	د	ا

نیز شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعز

۵۵

یمن باشد و لوح اینست که در صفحهٔ مقابل نوشته شد المعز یعنی
عزت دهنده را اگر خواهد بعد از خواندن این اسما اینست که انبیا و اولیا
از برکات این اسم ظاهر الشان ظفر یافته‌اند اهل تصوف موکل مانده هر که
خواهد که احصای این اسم کند باید که همه مخلوقات خدای تعالی را عزیز دارد
علی الخصوص متقیان را که عزیز کردهٔ خداوند است که ان اکرمکم عند الله
اتقیکم تا احصای عزت شد او را عزیز و مکرم دارند در دنیا و آخرت
و شیخ گفته هر که شب جمعه و دوشنبه صد و چهل و یک نوبت میان
نماز شام و خفتن بخواند حق سبحانه و تعالی خوف از دل وی برطرف سازد
شکوهی و هیبتی در دلهای خلایق [illegible] بیابد آنکه مراد از خلایق حکام
و سلاطین اند اکابر روزگار و شیخ معز که صاحب دعوت این اسم
است میگوید هر که طالب عزت و حرمت و جاه و بزرگی باشد در دین
و دنیا باید که چهل و یک روز دعوت این اسم کند بطریق ترتیب رابطه که بیان
شد در شرح اسم الرحیم علی تکسیر مؤخر سیصد چهار دارد ربع
علی تکسیر مع صدر مؤخر ششصد بیست و هفت علی تکسیر
چهار هزار و سیصد و نود و شش است علی تکسیر مکرر از
هشتصد و هشتاد و چهار دو بار تجوید وضو و عزلت با یقین و خو

کار را سه هزار و بیست و یکبار بخوانند
بعد از طلوع صبح و قبل از طلوع آفتاب
بعد از دعا در نصف روز بوی خوش بکار
برد یا کافی یا غنی یا معین یا فتاح
یا رزاق افتح لنا ابواب الرحمة
الله یا ما خوانند ای
در روز پنجشنبه از کلمات شروع کند
تا چهل و یک روز در هر روز سیصد
و پنجاه و نه مرتبه بخواند بعد در نماز
مجرب است بعد از نماز هر یکبار
بگویند یا فتاح یا رزاق یا دافع
و حصر رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
و روز جمعه که چهل یا دو روز الفتاح
و ادب است بعد ... سبعین بالمند
از نماز جمعه ... شنبه یا دو شنبه
تا چهل و چهل روز در هر روز یکصد و
چهار و ده مرتبه بخوانند
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا المعز

۵ه

یا معز یا عزیز در هر شبی سه عدد تکبیر و در روز هفت عدد
و در هر شب با دو روز در آخر فرض عمو یکصد چهل یکنوبت یا بگو
بگوید یا عزیز یا معز اعزنی بعزتک و چون شرایط عمل بجای
منوال بجا آورد خصما او را عزیز دارد و بعد فضل او طلب کند که
برگزیدگان خویش را عطا فرموده است که تسخیر قمر را این اسم است
هر کس خواند که تسخیر قمر کند شرط عمل خواندنست که ترک حیوانات
کند و کم خوردن عادت سازد و عمل بجا آورد و در روز در هر شب تا
روز یکصد نوبت بخواند و اغلب در شب خواند باید که عدد این کم
سخن کم گوید از گفتار لا یعنی دور باشد و غامض و ر نشود یا معز
اختلاط نکند چون عمل را بجا آورد هر روز هزار و دو صد و بیست
سه نوبت کمتر بخواند و حاجت عمو این اسم را بر قمر بجهت تکسیر یا
حروف او را بتکسیر نقش کند هر کدام که خواهد اگر بر هر دو لوح
نقش کند خوبتر و نیکوتر بود و ما هر دو را امثال نمائیم تا بر عامل
دشوار نگردد و عمل کرده در مربع باید که تا این مربع
بدین نوع نویسد و چون خاتم نقش کند در انگشت کند یا طاهر
باشد و شرایط همه بجای آورد تا خصما او را عزیز گردانند و عالم

یا	م	ع	ز
ع	ز	یا	م
ز	ع	م	یا
م	یا	ز	ع

۲۱	۳۵	۳۲	۲۹
۳۳	۲۸	۲۲	۳۴
۲۷	۳۰	۳۷	۲۳
۳۶	۲۴	۲۶	۳۱

۳۰۰	۳۲۷	۳۲۱	۳۱۵
۳۲۳	۳۱۳	۳۰۲	۳۲۵
۳۱۱	۳۱۷	۳۳۱	۳۰۴
۳۲۹	۳۰۶	۳۰۹	۳۱۹

شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعزّ

٥٧

غیب فی نهایة خیر و جمعیت پریشان گشاده گردد و او را بود توانگری
در عالم صورت و معنی و در دنیا خلاف نوع عزّت و خرمی تمام او را بود
و بر اعدا نصرت و ظفر تمام یابد و دشمنان او مقهور گردند و فتح و ...
بر روی حکم نباشد مطاع گرداند بر دو مسخّر و تعالی او را بر نفس تو یا
قهر چون کان نهای نفرت و در فای ... عالم و خواص بیل چند انکه صفا
که خواهد نصرت تواند گردد و علو و جاه او بلند گردد و تسخیر قلوب و ...
و اکابر ... منافع است صاحب دعوت عجایب و غرایب با خواهد
وصف ... اسم زحمت ... بیرون است اگر خواهد که بالف و لام تعریف
خواند در میان دعوت چندان بگوید یا عزیز یا معزّ یا اعزّ نحن بعزّتك
و هوش ... دعوت در خلوت باکیزه یابد مقام ... و بو
خوش بر آتش نهد و حاضر وقت باشد خاطر جمع ... که وقت ظهور
تجلی انوار اسما است و ظهور عجایب و غرایب است و محل نزول ...
یعنی ملائکه ... تصوّر ... صاحب دعوت باید که در این ایام ...
غسل بنیا کند ... یابد در خانه خلوت و بجام ... و ...
ایام جامهای سفید پوشد ... مدارد و مربع ...
و شیخ معزّ گوید که اگر کسی تسخیر قهر خواهد کرد باید این ...

و از موده است ... خود ... عصر
... در مخلف ... آن
... حضانا ... که ... دو ...
... هر دو ... دعوت ...
... که ... با ... که ...
هلند و بعد ... مبدد ... دعوت ...
... ملاک ... آن‌الله ... عزیز ...
مثل ... حاضر ... اصحاب
... دو ... هد ... معزّ زد
مبدد

یاعزیز	یامعز	اعزّنحن	بعزّتك
بعزّتك	اعزّنحن	یامعز	یاعزیز
یامعز	یاعزیز	بعزّتك	اعزّنحن
اعزّنحن	بعزّتك	یاعزیز	یامعز

٢٠٢	٢١٥	٢١٢	٢٠٩
٢١٣	٢٠٨	٢٠٣	٢١٤
٢٠٧	٢١٠	٢١٧	٢٠٤
٢١٦	٢٠٥	٢٠٦	٢١١

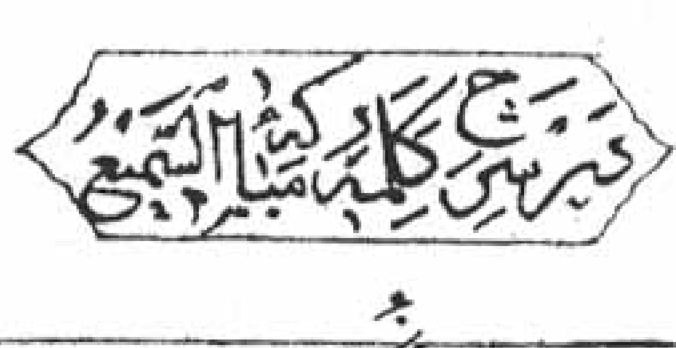
در شرح کلمه مبارکه المذل

نوعی از چهار مثقال نقره نقش کنند و کتیبه‌اش چهار دانه هم بامه بخورند تا
بسوزد و این مهر بخورند و در پیش جا نماز خود بنهند و اسما
بخوانند در اسم بمهر نظر کنند که زود به مقصود واصل شود و این مهر را
بر حب و مقصود بنام هر کس که خواهند نقش کنند تا بدو بخورند
او دهند مطیع گردند و خطا [illegible] که این مهر را از نظر زنان
و نابالغ بپوشیده دارند ... ابو محمد
تا خود دارند و ... انیس
المذل یعنی خوار کننده ... و ذلیل گرداند
از آنکه خواهد خوار ... رضا علیه السلام
فرمودند این نامیست که مظلومان از برکت این نام از ظالمان امان
یابند هر که خواهد خصما این اسم کند باید اول خود را بر طریق
شرع راست کند هر خلاف شریعت را و [illegible] تا خصم
عزت شما و یرا ذلیل و خوار گرداند اهل طریقت گویند هر کرا
خصمی قوی باشد جابر و قهار و ظالم و خائف باشد وضو سازد
و دو رکعت نماز بگذارد و سر بسجده نهد و هفتاد و پنج نوبت این
اسم را بتضرع تمام بخوانند و از حق جل جلاله در خواهد

۵

شرح کلمهٔ مبارکهٔ المُدرِک

تعالی او را ایمن گرداند و خصم و دشمن خوار و ذلیل و منهزم و منکوب باشند
معزول گرداند شیخ شعر گوید اگر کسی را خصمی باشد یا بدست ظالمی
گرفتار گشته یا لشکر گران قصد ولایتی کرده یا شهر خصمان محاصره کرده
باشند و در دفع ایشان عاجز باشند و قوت مقاومت نداشته باشد
باید که بعضی روز این اسم را در هر شبانه روز ده هزار نوبت بخواند
بر نیت دفع خصم انشاء الله تعالی خصم ذلیل و مقهور گرداند بخواری و زاری
از مملکت خود دور گرداند و اگر صاحب دعوت هلاک او خواهد چون
عمل را برساند دشمن هلاک گردد بحرمت این اسم و بعضی گویند این اسم
و گویند تسخیر عطارد در این اسم است و ثبت است فواید بسیار در این
اسم رسیده اگر خواهد که دعوت تسخیر عطارد کند اگر رعایت شرایط
کرده و قواعد نگاه داشته شصت روز و اگر شرایط رعایت
نکرده باشد نود روز در هر شبانه روز ده هزار نوبت بخواند
خواند و دعوت عطارد در خاطر دارد و نیت درست کند چون
شرایط نگاه داشته باشد روز شصت و یکم صورت عطارد حاضر
گردد و صاحب دعوت دید نمایان و الا در شصتم روز یا نود روز
تمام شود عطارد حاضر شده و او را گوید ای بندهٔ خدای تعالی تو را



از دعوت من مقصود نیست که گوید مراد من و نیست تو را ز طلب معلوم
و علم و هنر تو عطارد قبول کند مراد از عطارد ملک عطارد است
که حاضر میگردد باید که صاحب دعوت در طلب مبالغه نماید تا
عطارد نگیخته بود و هر که اسمی بر او نوشته باشد در خواست کند
تا اسم بدل مؤثر با صاحب دعوت هر گاه که عطارد خواهد این اسم را
بار بخوانند صورت عطارد با ملک عطارد حاضر گردد و تعلیم و کتابت
کند این خواص این اسم است اگر صاحب دعوت با مثل گوید بطریق
با مداد شاید نه ده تر مؤثر افتد و مقصود برآید لوح با ملک الله

ل	ذ	م	یا
م	یا	ل	ذ
یا	م	ذ	ل
ذ	ل	یا	م

۱۹۳	۱۹۵	۱۹۸	۱۸۵
۱۹۷	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۶
۱۸۷	۲۰۰	۱۹۴	۱۹۰
۱۹۴	۱۸۹	۱۸۸	۱۹۹

السمیع بغیبت ستون که هر را ز نیت بلند اهل حقیقت
گویند هر که خواهد احصا اسم کند باید که زبان و گوش را ز دو
و غیبت نگاه دارد و از ما لا یعنی گفتن و شنیدن و بعضی برانند
که اسمی را دعوت کند باید که بطریقه ... و مستجاب الدعوه گردد

ابن سلیم

در شرح کلمه مبارکه السمیع

۱۰

این اسمیست از اسماء حضرت عزت سبحانه تعالی در کلام مجید فرقان حمید خود چند جا سمیع و بصیر و سمیع و علیم فرموده و در فضیلت این دعا که کلمه سمیع و علیم در آن مندرجست خاصیتها گفته اند حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت میکند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده اند که هر که صبح سه نوبت بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم و شام نیز بگوید بلای ناگهانی باو نرسد و اگر در شب بخواند تا صباح از آن بلا محفوظ ماند و منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر روز پیش از آنکه سخن بگوید بعد از ادای صلوة فجر صد نوبت بگوید فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم خداوند تعالی از برکت این کلمات او را در جمله مهمات دنیا و آخرت کفایت کند و اگر خود بخواند و بعد از نماز فجر نصف شب این آیت را قرائت نماید هرگز بهیچ چیز محتاج نگردد و مراد از حضرت سمیع بخصوص کاملیت کفایت شنیدن اگر این اسم کریمه را بنظر بیاورد و هر که بخواند در وضع کند در بیت الفقراء خود مقرر و صحت او را دهد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ السمیع

۲ ۰

نظر خلق عزیز گرداند اگر کسی این را بیشتر گیرد بر کاغذ مهر زده طلا
بنویسد در جا و دقایق شرف نگاه دارد که هیچ منحوس ناظر
شمس و قمر نباشد معطر ساخته در والای خود نگیرد و در تاج
نهند نزد پادشاهان تا حرمت و مقرب گردد و نزد خلایق مکرم
شود و هر کرا او را ببیند عزیز دارد و تمامت خلق از پیش او کفایت
و هر کار و هر کس که متوجه شود به مقصود رسد در کار و عمل خود
فتح بیند که مقصود آن بود تا باشد حضرت مولانا شرف الملة و الدین
الیزدی چند جا این اسم کریم را ورد نموده اند بروش عجیب و هر روز
خواص گفته اند از جمله فرموده اند که اگر کسی تنگی معیشت برو نا
و غنا بسیار و قرض طلب زیاد باشد این مربع را با خود دارد فتح بند کار
او ظاهر گردد و روز به روز ترقی در کار او باشد باید که در نا
نگاه دارد و صوم گرفته که خواص بسیار دارد و جهد کند که طرح
کسر را غلط نکند مثلا نمودیم تا عامل را مشکل نگردد و شیخ
فرموده هر گاه تعلق کسی این اسم را مدام و مداومت نماید دخلوا و را هرگز
احتیاج بیرون از ملک نباشد مگر به جهت طهارت و اگر کسی جهت کفایت
ملکی بعد از مهمات قیام نماید مقصود او حاصل شود و ضبطنا

ملا

گالان و دشمنان او را ف[illegible] ... و این [illegible] است لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین ...
[illegible]

عمل …



تکسیر کلمهٔ مبارکهٔ السمیع

٦٣

ملک تواند کرد اما در این مختصر شرح اختصار کردیم و این لوح در آخر کتاب با چند لوح دیگر خواهند آمد خواص مشروح نوشته ان شاء الله و اگر زیاده خواهند رجوع به جواهر القرآن کنند و مربع این است

١٩٢	١٩٥	١٩٨	١٨٥		[illegible]	[illegible]	القدوس	[illegible]
١٩٧	١٨٦	١٩١	١٩٦		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٨٧	٢٠٠	١٩٣	١٩٠		[illegible]	[illegible]	[illegible]	القدوس
١٩٤	١٨٩	١٨٨	١٩٩		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

٤٤	٤٧	٥٢	٣٧		ع	ی	م	س
٥١	٣٨	٤٣	٤٨		م	س	ع	ی
٣٩	٥٤	٤٥	٤٢		س	م	ی	ع
٤٦	٤١	٤٠	٥٣		ی	ع	س	م

و در جواهر القرآن آورده اند که اگر کسی این اسم را بر لوح طلا بمشک و زعفران بنویسد و بشوید با گلاب و صاحب صبر بخورد از ترس و خفقان ایمن باشد و اگر بر سقف خانه بنویسد در خواب گریه نکند و اگر نوشته از عقب تاج بندد حاکم قوم خود گردد و اگر با سطرلاب در معرض وضع کند و با خود دارد اما در غایت شادمانی مشغول کند تا مراد

شرح کلمهٔ مبارکهٔ السمیع

۶۶

بلند گردد و وضیع و شریف محتاج وی گردند بی واسطه سابقه
مروج او را عزیز دارند و فتوح متواتر رسد و مقبول القول
گردد و اگر بخوانند این اسم را بعد هشت صبح قیام نماید در شهر شعبان
روز جمعه چهار هزار و پانصد هشت بخوانند شغل او را
با منتها برساند اگر خود سلطنت دعوی نمی‌نماید باشد اگر در این هشت
هفته در خلوت خوانند و روزه دار باشد دیگر طریق روزه داشتن نماید هر روز
یکهزار روز نوبت این اسم بخوانند چون جمعه هشتم شود سلاطین عصر
و اکابر روزگار دست او ببوسند و [illegible] از مشاهیر عالم گردد و این
اسم را خواص بسیار گفته اند و این آیه کریمه بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
و اذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا تقبل
منا انک انت السمیع العلیم و اگر این اسم را با این آیه بسفیده مرغ
با سطر نو بنویسد و بر گردن خروس سفید ببندد و در جای که
[illegible] بر طرف [illegible] بنویسد [illegible]
[illegible] کند [illegible] قرار گیرد و اگر در آن
[illegible] خوانده شود [illegible] اعلام گردانند [illegible]
و این هم از برکت السمیع است و اگر کسی این اسم را [illegible]

[illegible]

شرح کلمهٔ مبارکهٔ البصیر

نماز چاشت با پنصد بار بخوانند دعا و حاجت که خواهد روا گردد
اگر مداومت باین نام نماید مستجاب الدعوه گردد و در هر روز بطریق
اوراد چهارصد دو نوبت بخواند یا سمیع یا بصیر هرگز بهیچ چیز
محتاج نگردد و درویش نشود و سمیع ورد از بر دیگر نگاه دارد و
دعاهای او را مستجاب گرداند و صفای باطن او را حاصل شود و جلا
قلب دل یابد و اسم

و من نوع ابر کریمه نصیب

البصیر یعنی بیننده

چیزهای پنهان و آشکار

اهل تحقیق گویند

هر که خواهد که احصای

واذ یرفع ابراهیم القواعد	من البیت واسمعیل ربنا	تقبل منا انک انت	السمیع العلیم
تقبل منا انک انت	السمیع العلیم	واذ یرفع ابراهیم القواعد	من البیت واسمعیل ربنا
السمیع العلیم	تقبل منا انک انت	من البیت واسمعیل ربنا	واذ یرفع ابراهیم القواعد
من البیت واسمعیل ربنا	واذ یرفع ابراهیم القواعد	السمیع العلیم	تقبل منا انک انت

این اسم کند اول باید که چشم از عیب خلق بپوشد و بعیب خود
بینا گردد و از امر خلاف شرع دیده نگاه دارد تا حضرت عزت او را
در باطن چنددل ظاهر بینا کرامت فرماید این نام میست که انبیا و اولیا
علیهم السلام از برکت این نام معجزات نموده اند معراج یافته اند
و اولیا از برکت این نام مقبول گشته اند هر که میان فرض و سنت نماز جمعه

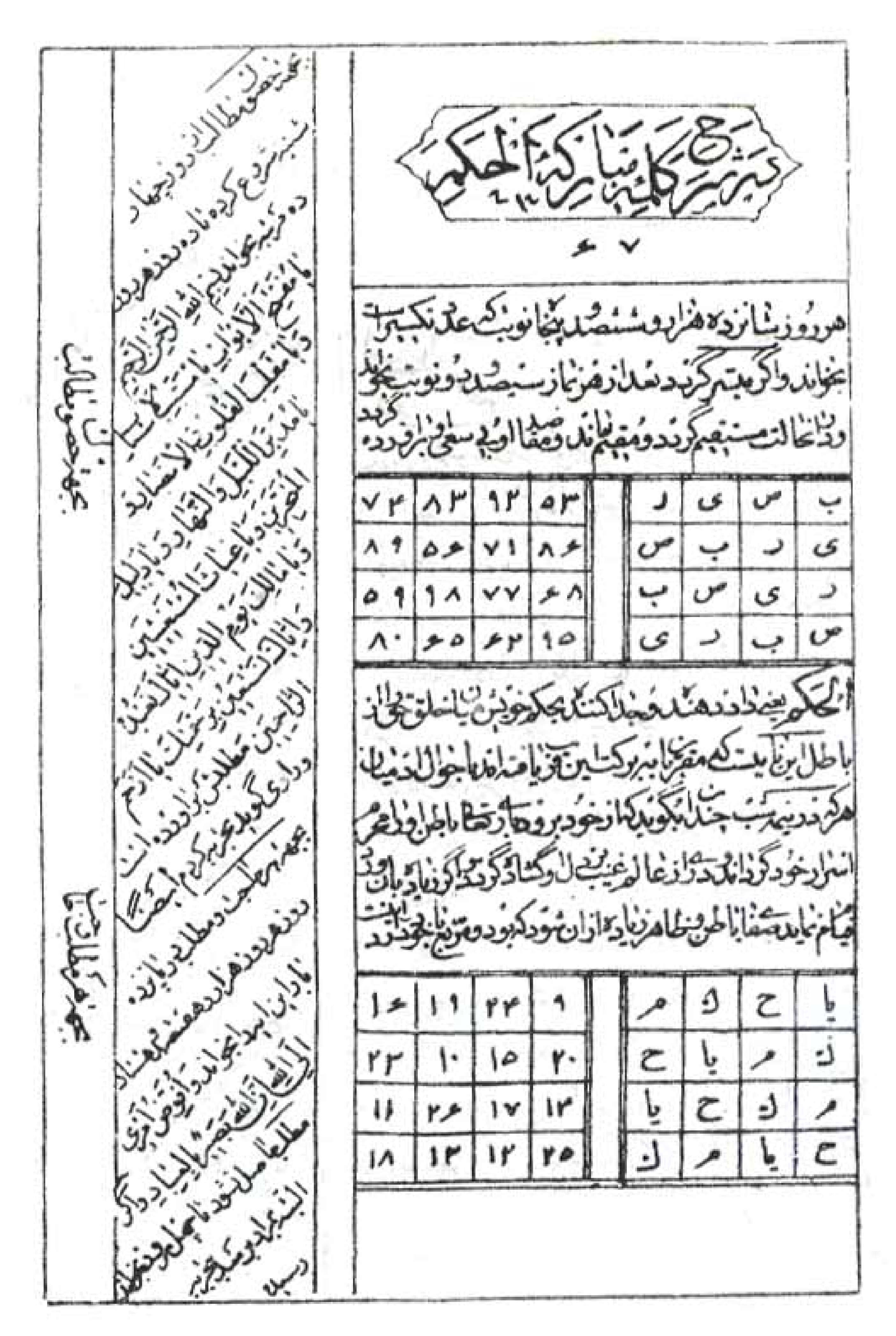
ابدوح صفر بیست و هزار و دو هزار ابدوح
امیرالمؤمنین علی هزار بسم ابدوح حضرت
فاطمه زهرا هزار و چهار ابدوح امام حسن
مجتبی محال الاخر جهه خصوص لطالب
و بعد غائب ابتدا کرده تو بعد
و بعد تلاوت فرضی دا ابتدا تم خود بخواند
یا مصور بلا نیت اللّه بعضها بخواند
بخواهد در سه بار و کرد و ترک مکند
در هر شب بخواند از اول تا مستغرق گردد
... کار ها هر روز این اسما صد بار
یا رحمان بخواند ... العظیم
الفضل بید اللّه یؤتیه من یشاء
واللّه ذو الفضل العظیم

شرح کلمه مبارکهٔ البصیر

عع

صد یکنوبت بخواند یقین بود مستجاب گردد بنظر عنایت و
مکاشفهٔ اسرار اسماء الله تعالی و دیگر اهل حقیقت گویند هر که دعا
بر زبان میگذرد و توفیق یابد که دست ثابت بدرگاه حضرت عزت برآورده
و دعا کند باید اول و آخر دعا یا سمیع یا بصیر بگوید البته حق سبحانه تعالی
دعا او را باجابت مقرون گرداند و در دعا الحاح نمود از جمله
شرایط است و سرّ این اسم مناسب کسانیست که در کارها فرومانده
باشند امر حلّ کار برایشان مشکل گشته و در مهمّات خود سرگردان
شده باشند شیخ مصر گوید هر که چهار روز هر روز بعد تکبیر
تکرار کند بعدد تکبیر شیخ مصر یکهزار و ششصد و شصت و بعد
تکبیر هشت هزار و سیصد و پنج و مع صد مؤخر شانزده
هزار و ششصد و پنجاه است و شرایط کم خوردن و کم گفتن و کم خفتن
و نظر از نامحرم نگاه داشتن و اگر میسر شود در شب خواند اکثر اوقات
در خلوت باشد با جمیع مرادات دین و دنیا و صفا ظاهر و باطن و
مهمی و مقصدی که طلبد جمله مهیّا او گردد و کارها بر وی آسان و جمیع
گردد و او را التفاتی عظیم حاصل شود که هر که را از پیش گیرد هیچ
مرادی و شغلی نکند تمام او را ابد نماید بزرگواری این اسم و بعد از وقوع مراد

هر روز



شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحکیم

هر روز شانزده هزار و ششصد و پنجاه نوبت که عدد تکسیر است بخوانند و اگر میسر نگردد بعد از هر نماز سیصد و نوبت بخوانند در همه حالات مستجاب گردند و مقیم نمانند و صفا او به سعی او برافزوده گردد

ب	ص	ی	د	٥٣	٩٣	٨٣	٧٣
ی	د	ب	ص	٨٦	٧١	٥٦	٨٩
د	ی	ص	ب	٦٨	٧٧	١٨	٥٩
ص	ب	د	ی	١٥	٦٢	٦٥	٨٠

الحکیم یعنی داننده همهٔ اشیاء که حکم او بر خوبی یا ناصواب حق از باطل برنا نیست که مقرر باشد بر کسی تا قیامت اما جواب الحکیم هر که در همه شب چند بگوید که از خود برود تا از تخطی باطن او ظاهر اسرار خود گرداند در از عالم غیب الوگشاده گردد اگر زیاده بیان تمام نماید صفا باطن و ظاهر زیاده از آن شود که بود و مرتبهٔ او زیاده گردد

یا	ح	ک	م	٩	٢٤	١٩	١٦
ک	م	یا	ح	٢٠	١٥	١٠	٢٣
م	ک	ح	یا	١٣	١٧	٢٦	١١
ح	یا	م	ک	٢٥	١٢	١٣	١٨

محمد مصطفی صلی الله ... دو جهان
شب شروع کرده تا ده بعد هر دو
فریضه بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب
و یا مقلب القلوب و الابصار
یا مقدر اللیل و النهار و یا دلیل
المتحیرین و یا غیاث المستغیثین
و یا مالک یوم الدین ایاک نعبد
و ایاک نستعین برحمتک یا ارحم
الراحمین مطلب برآورده شود ان شاء الله
و در آخر گوید بعزتک یا کریم ابصر
جمیع مهمات و مطلب برآید
بعد نماز ... مطلب برآید
... ابجد بخواند و افوض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد
مطلب ... و عنقریب
... مجرب
رسید

شرح الملک ...

شرح ... الکریم ...

شرح کلمهٔ مبارکه العدل

٨

العدل یعنی خداوند داد کننده که ذات و گفتار و کردار او از جور
بر حد و معتدل اند اعجاز انبیا بیشتر که سحر فرعون به برکت آنها مسلما
شدند هر که خواهد که دعوت این اسم کند باید که با خدا و ایشان عدل
و احسان پیش گیرد تا حضرت عادل بتو دهد هر چه مستجاب باشد
و نخواهد که بغیر از عدل و احسان ظاهر شود و اعتقاد کند که امور
و احکام عادل بر عدل و احسان نهاده است و هرگز ظلم کردن بر او
کبریای حضرت عادل نگردیده است من جملهٔ لوجوه اهل تحقیق گویند
هر که شب جمعه این اسم را بر یک پاره نان حلال بنویسد
بخورد حضرت عزت او را از کار نافرمودنی باز دارد و خلایق را مسخر
او گردانند و دل او را محرم اسرار خود گرداند و بر راستی دارد و زنجی
و قلبی دل او را ایمن دارد و ظلم از ما طرد او بندد و دعوت
این اسم کسانی راست که بظلم ظالمان و جور جابران گرفتار شده
باشند یعنی بعد از صلوة و دعا بطور مذکور بدعوت کبیر این اسم
قیام نماید پیش از کلام بعد از ادای فرایض شام حضرت ملک علام
اثر ابرار ظالمان مسلط گرداند و جباران را مقهور سازد و اگر بعد
نماز صبح که هنوز بهیچ کس با تکلم نکرده تعداد تکبیر نوبت بگوید

کند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العدل

۹ ع

کند که سه هزار و صد و دو نوبت شود چون خواهد که مکرر گردد نماز
نماز نوبت بچهار و شصت و شانزده نوبت خواهد شد که
چون در این نام با نور و قیام نماید یزد تعالی شر این ظالمان را
دفع کند جباران را ایشان را در دنیا گرفتار سازد و قادر بر قهر منظم
و متصرف نماید و اسرار غریبه از باطن خود مشاهده کند و باید گرد
بعد از ختم هر گاه که دعا کند چهار نوبت بگوید یا عادل سبحان
الله عزوجل گرده و این مربع با خود دارد و مربع این است

۲۵	۲۸	۳۳	۱۸
۳۲	۱۹	۲۴	۲۹
۲۰	۳۵	۲۶	۲۳
۲۷	۲۲	۲۱	۳۴

ل	د	ع	یا
ع	یا	ل	د
یا	ع	د	ل
د	ل	یا	ع

اللطیف یعنی خداوند شناسنده نیکوئیها و نعمتها پوشیده
و نیکیها بر بندگان نباشد چنانکه او را غلطی نباشد از آن در دنیا
هیچ کس اسرار او را نداند این نام بیست غرغاید از آنکه ملائکه بیر
این اسم عمال مومنان بر سماء برند اهل تحصیل گویند هر که خواهد
که دعوای این اسم کند باید کند ایم با بندگان خدا تعالی بلطف

آنکه در وقت دعا در شب با زنگ باد
بانور در حجرهٔ ظلمانی غلام ابتدای
گرد دا گرمی کرد کرده باشد
در روغن خواهد در کف ... باشد
یا الله با نور ... اسم
خواب باد گویند که ... کنند
هر که در شب ... این اسم
بگوید یا غنی ... غنی گردد
که جمع مال ... نماید بعد از
... کرده ... بسیار
قطعا ... از کلام امیرالمؤمنین
و ... که در وقت طلوع کوکب
عطارد و نظر کردن بر او از نقطه
بکار بردن که ... از نقطه
... خواهد عطا ... خواهد ... آنکه
در این عمل ... نفس ... باید

شرح کلمهٔ مبارکهٔ اللطیف

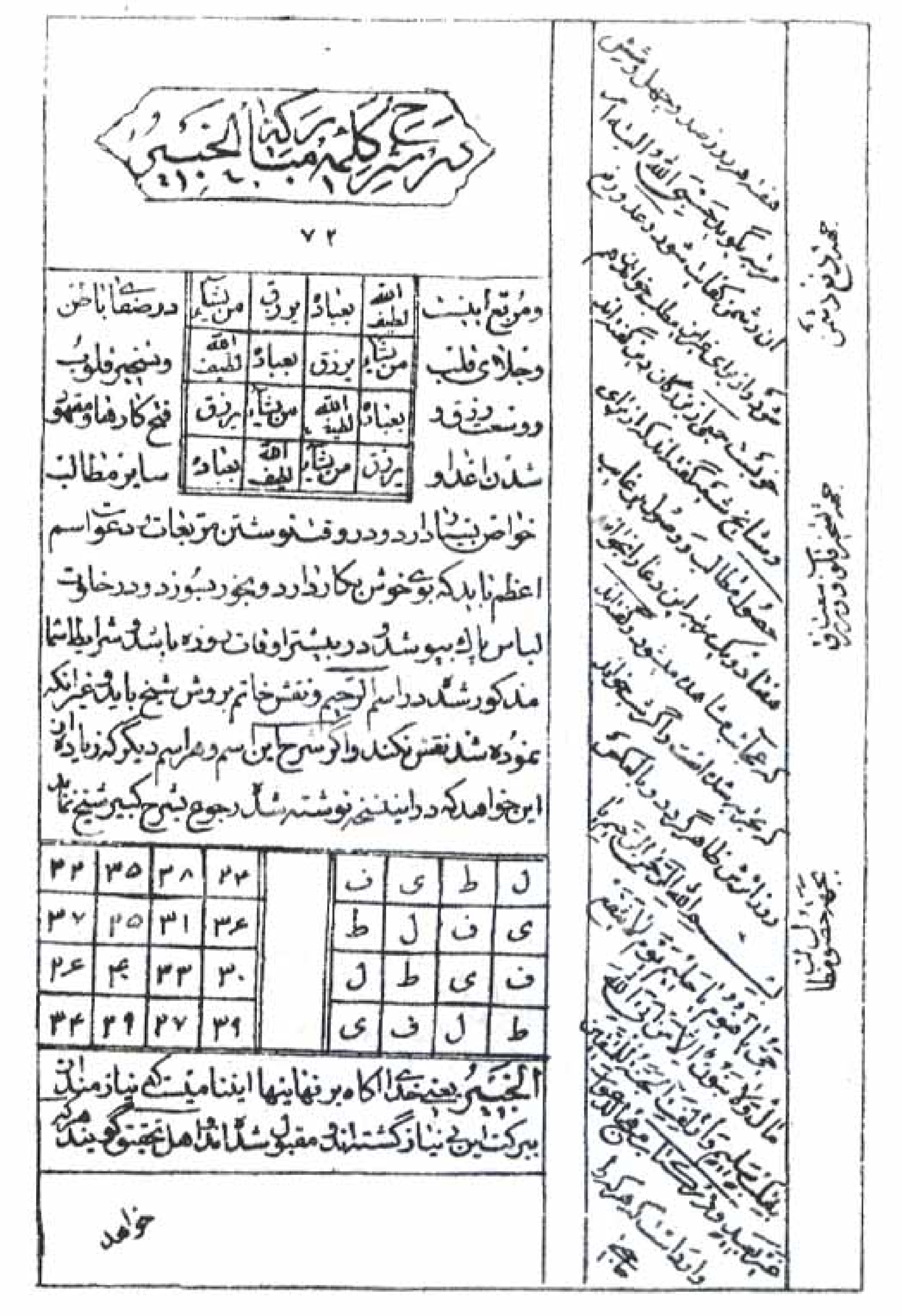
و شکوفهٔ شفقت در نوازش عالم نمایند تا این دعا از وی اظهر
خود گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند که هر که هر روز
هشتاد نوبت بخواند این اسم را از هیچ مقصودی نامراد نگردد
و مهمات او کفایت شود شیخ معز فرموده که هیچ نداشته
باشد از اسباب معیشت درویش حال بود یا دور افتاده باشد
از دیار و دوستان غایب داشته باشد یا دختر بی شوهر داشته باشد یا بیمار
که از علاج عاجز باشد تا مراد دارد که تدبیر آن شود آن مهم
کفایت شود و این جمله که گفته شد می‌خواهد که ساخته گردد
تدبیر آنست که غسل کند یا وضوی کامل بسازد و دو رکعت نماز
با خشوع و خضوع کند چون سلام باز دهد همچنان بر روی سجاده
با طلب سلیم متوجه قبله نشستن بگوید یا لطیف این حاجت ما
و مراد ما را حاصل گرداند و مهمات کفایت شود و مقاصد به نوعی
شود که در تصور نیاید یکی از اکابر در خواص این اسم فرموده که
فیها اسرار عجیبة و رموز جلیلة فی التفتیح فی اتیان جمیع ما یطلب
فی الخلوة من المکاشفات و التجلیات و اثار ما یراقبه من الکمالات الظاهریة
والباطنیة و حصول نبذ الحصة فی دفع الشدائد الا لاهم فیتفکر

ودر حقه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ اللطیف

و در جنه فوایح شیخ ابو العباس فرمودند که در دعوت کبیر اسم و
تکسیر بباید آن است که هر که این دعوت خواهد کرد اول شرط بجا آورد
و شرط دعوت آن است که بر نگین عقیق یا بلور یا نقرهٔ خالص تکسیر
حروف این اسم را نقش کند مع طهارت و تعظیم تمام آن را نگاه دارد
و در زمان دعوت گاه گاه نظر در آن می‌کند تا آخر مجلس این
کلمات را از سر تواضع و تعظیم تمام بگوید یا لطیف الطف بی یا لطیف
و مدت دعوت هفتاد و پنج روز است و اگر تکسیر این اسم بر خاتم نقش
نشود بر روی پاره کاغذ نویسد یکبار نقش نویسد کند و پیکر اید نظر
دارد و در شبانه روز هفت هزار و سیصد و نود بار تکرار می‌کند
و در هنگام رفتن به خواب باید در بستر چیزهای عجیب و غریب
ببیند و بداند و انواع علوم و خواص اشیا بر او کشف شود و باید
که با آنها التفات نکند که سبب حجاب می‌گردند و اثر عظیم در
دو جانب دعوت شد اکثر اوقات و کشف احوال تمام و شک حقایق
و سر حکمت و علت و شیخ می‌گوید که این تربیت الله لطیف تعالی
بر نقش مربع اسما را با نظر نویسد یکبار و یکی را متصل
نظر دارد و آن دیگر را در موم کار نقره در تاج نگاه دارد

و معلوم باشد که اجزای [illegible] خوانندش بعد از نماز عشا [illegible] هزار بار بگوید یا کریم [illegible] هزار بار [illegible] و مطلب [illegible] باید [illegible] آن را در آخر [illegible] [illegible]



شرح کلمه مبارکه الخبیر

۷۲

در صفای باطن	من یشاء	یرزق	بعباده	الله لطیف	و مربع ابجد
و تسخیر قلوب	الله لطیف	بعباده	یرزق	من یشاء	و جلای قلب
فتح کارها و مهمات	یرزق	من یشاء	الله لطیف	بعباده	و وسعت رزق و
سایر مطالب	بعباده	الله لطیف	من یشاء	یرزق	شدن اغلاق

خواص بسیار دارد و در وقت نوشتن مربعات دعوات اسم
اعظم باید که بوی خوش بکار دارد و بخور بسوزد و در خلوت
لباس پاک پوشیده در بیشتر اوقات روزه باشد شرایط تمام
مذکور شده در اسم الرحیم و نقش خاتم بروش شیخ باید غیر آنکه
نموده شد نقش نکند و اگر شرح این اسم و هر اسم دیگر که زیاده از
این خواهد که در اینجا نیز نوشته شد رجوع بشرح کبیر شیخ نماید

۳۲	۳۵	۳۸	۲۴
۳۷	۲۵	۳۱	۳۶
۲۶	۴۰	۳۳	۳۰
۳۴	۲۹	۲۷	۳۹

ف	ی	ط	ل
ط	ل	ف	ی
ل	ط	ی	ف
ی	ف	ل	ط

الخبیر یعنی خدای آگاه بر نهانیها اینست معنی که نیازمندان
برکت این نیاز گشته اند مقبول شده اند اهل تجوی گویند هر که

خواهد

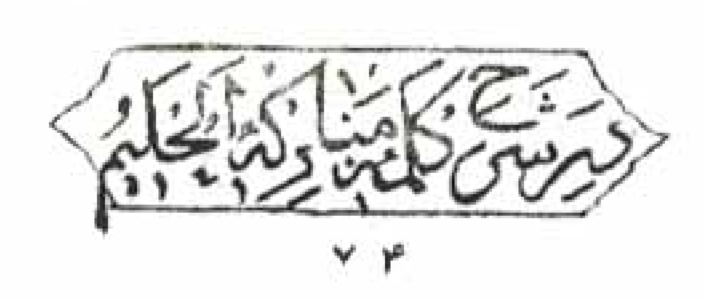


شرح كلمه مباركه الخبير

خواص دیگر اختصاصاً این اسم آنکه بدعوت این نام قیام نماید او را تا
گرداند بندگان خدا سبحانه ظاهراً و باطناً پاک گرداند و از بند غم و جسم بدی
از دل بیرون کند و با همه کس برفق و مدارا و شفقت و مهربانی
سلوک کند تا حضرت خبیر او را از اسرار قلوب با خبر گرداند و
دعوت این اسم مناسب کسانی است که به تعلیم گرفتار باشند و حضرت
امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که این اسم بسیار گوید از شر
تسلط و جور سلطان و بلاهای ناگهان ایمن ماند و تا عدد
معین نکرده اند شیخ ابوالعباس فرموده هر که بعد از تکبیر خواند
تا به پیغمبر و روز از شر نفس و حیله حسودان و مکر خصم محفوظ ماند
و دانا شود بر سرّ نهانی که تا باشد از ضمایر و آنچه که در خاطر
خلایق باشد و از سر خواص اشیاء و غیره واقف شود و عدد تکبیر این
اسم دو هزار و چهار صد و سی و شش عدد است و عدد تکبیر مع صدر
موشح چهار هزار و هشتصد و چهل و دو عدد است و ترتیب این است

٢٠٢	٢٠٥	٢١٠	١٩٥		د	ی	ب	خ
٢٠٩	١٩٤	٢٠١	٢٠٨		ب	خ	د	ی
١٩٧	٢١٢	٢٠٣	٢٠٠		خ	ب	ی	د
٢٠٤	١٩٩	١٩٨	٢١١		ی	د	خ	ب

این کلمات را بخوانند با وضو و بعد از
بدعوت نکاح عجز بیشتر یا محمد یا
علی یا فاطمه یا صاحب الزمان
ادرکنی ادرکنی لا تهلکنی و بعضی
گویند از برای هر مطلب که خوانند
ندا نمای علیاً مظهر العجائب
اجتناباً در بعضی کتب دیده شد
اگر کسی با وضو در خلوت بنشیند



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم

۷۴

الحلیم یعنی بردبار و تأخیر کنندهٔ عقوبت عاصیان است
که غایب شدن از آن عالم قدیم ممکن نباشد تمام مخلوقات در تحت
قدرت وی بند عاصیان و مجرمان از دست قدرت او نتوانند گریخت
اهل تحقیق گویند که مرتبهٔ مرتکب شدن اوقات خطایا بر مخلوقات و فاقات
عالم ببرکت این نام است اهل طریقت گویند هر که خواهد که
احصای این اسم کند اول باید که با بحلم آتش خشم خود فرو نشاند
و هر چند خلاف طریق ادب رعایت نکنند تحمل و بردباری را
شعار خود سازد تا اگر کینه ورزی با او زیادتی کند با او شفقت و رحمت
نماید قهر نکند غضب ننماید گوید با وجود کمال توانائی و
قدرت بر غضب حضرت عزت به بندگان نافرمان خود حلم میورزد
نعمت بنده خود را میرساند هرچند گناه و بی ادبی میکنند پرده
بر سر ایشان میپوشد وقت افشای اسرار ایشان صبر میکند تعالی شأنه
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که برای فرو نشستن غضب
با انشا صد بار بگوید الحلیم خشم سلطان بحلم مبدل گردد
و اگر در وقت آب دادن کشت بجهت برکت زراعت این اسم را کاغذ
بنویسد در آب بشوید آب بهر زمین که رسد در آن برکت زیادت

شود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم

۷۵

شود و از حاصل متمتع و برخوردار گردد و بثمره عمر از آفات
سالم ماند و دعوت این اسم مناسب کسانی باشد که مخوف از ظالم
باشند یا جور جباری این اسم را بسیار خوانند دفع شود از وی شر آن
ظالم و اگر مداومت نماید بعد از هر نماز فرض تا هشت نوبت
زایل گردد از وی خوی بد و کبر و حسد و بخل و پاک گردد از افعال
ذمیمه و او مبرا هیچ عقوبت بتر از خوی بد نیست و شیخ مغرب
فرموده هر که بر ماء این بیمار یکنوبت فاتحة الکتاب و یازده نوبت اسم
الحلیم بخواند و بر آن دمد خدای تعالی آن بیمار را شفا دهد و این
بزرگان آزموده‌اند و اگر کسی را میسر گردد که نود و نه روز بعدد
تکسیر بخواند بشرایط مذکور او را بود حلمی که اگر جبار آن عالم بر او
جور و ظلم کنند در آن صبر کند تا بمرتبه بالا رود و حلم او بمرتبه
رسد که سلاطین عصر سر بر خط فرمان او نهند و جن و انس
مطیع و مسخر او گردند و اگر تصور او رعایت کند بمرتبه بسیار بلند
رسد که صفای باطن و جلای قلب و علم و خواص اسما او را میسر گردد
بلکه بر دو عالم مطلع شود اما او را در ختم این اسم همین باید
که اگر گنجهای عالم بر او ظاهر شود نظر در آن نکند و از همه چیز و از



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العظیم

۷۶

همه خلق خدا تعالی او را بینا گرداند و خواص این عظیم بسیار است

و عدد تکسیر این اسم پانصد و بیست و هشت عدد است و سر عدد

عدد تکسیر شش هزار و هشتصد و هفتاد و عدد بسط ...

که هر عدد خواهد خواند چهار مربع بدین شکل بنویسد ...

دارد که اثر عظیم دارد و خواص بسیار و این مربع را استادان

ایشان خواتم المراد نام کرده اند ... الاثرات ...

۲۱	۲۵	۲۸	۱۴		م	ی	ل	ح
۲۷	۱۵	۲۰	۲۶		ل	ح	م	ی
۱۶	۳۰	۲۳	۱۹		ح	ل	ی	م
۲۴	۱۸	۱۷	۲۹		ی	م	ح	ل

۲۴	۲۷	۳۱	۱۷		م	ی	ل	ح
۳۰	۱۸	۳۲	۲۸		ل	ح	م	ی
۱۹	۳۳	۲۵	۲۲		ح	ل	ی	م
۲۶	۲۱	۲۰	۳۲		ی	م	ح	ل

العظیم بعضی خداوند بزرگ و بزرگواری و زیاده از ...

کودم



شرح کلمهٔ مبارکهٔ العظیم

که وهم و ادراک او ورا در نیابد این نامیست که ملائکه و رسل از صفت

این نام بیچاره مانند اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم

کند باید که نفس خود را خوار و ذلیل داند و امر و فرمان خدای را

عظیم داند من الوجوه گردن نهاده تعظیم کند خلاف فرمان و انکند

تا حضرت عزت او را معظم کند یعنی که هر که سجده او و نظر کند

اخلیا و برا تعظیم کند امر او را گردن نهد و شیخ فرموده

هر کس که مداومت نماید بر خواندن این اسم در باطن [illegible] گرداند

و خضوع او را عظیم القدر گرداند در میان بندگان خود عزیز

و مکرم گرداند دعوت این اسم مناسب طالب مرتبه تعظیم

و بها و بزرگی و عظمت باشند اینها که بدین مرتبه منسوبند

خواهند که در آن مقیم باشند اگر کسی خوار و ذلیل باشد خواهد

کار ضعیف نعمت رسد ببیند [illegible] اطلس سرخ و بطلا ۱۹ ایام بر [illegible]

۵۲	۵۵	۵۸	۴۵	م	ی	ظ	ع
۵۷	۴۶	۵۱	۵۶	ظ	ع	م	ی
۴۷	جع	۵۳	۵۰	ع	ظ	ی	م
۵۴	۴۶	۴۸	۵۹	ی	م	ع	ظ

کنز شرح کلمهٔ مبارکهٔ العظیم

در چهار در شرف آفتاب بدان بنویسید اگر میسر نشود بر کاغذ
هم میشود که بعدد نکشد بنویسد عظیم را اما باین وضع که در طرحی
نمود شد تا خود دارد و اگر این مربع دیگر تا خود دارد که عدد اسمی
از تکبیر مکتر خاص سید العلما است بنهد بطریق وفق که مذکور
شد طرح کنند کنز بنهند عدد لوح خمسة و ربع و ثلث
هفتصد کسر او و دو است و این مربع تنها با خود دارد و هر بود نادر
عدد تکبیر بخوانند شیخ مغربی فرماید که هر کرا بینا عو کنند بعم تعالی
تا خود دارد چهل روز سلطنت روی زمین بنیا بدی اسکندر که
سلطنت او دوام کرد و آخر وحی او نازل شد از برکت تعظیم
تکبیر این اسم بود و حکما جمله و این مربع تنها ترتیب کرده بودند دیدند
از عجایب و غرایب و عامل و قاری خوند ابد جبر اعلی میرسانند و بعد
از این ایام هر روز یک عدد تکبیر بخواند تا مدام در تعظیم بماند
و در تعظیم امور حضرت عظیم تقصیر نکند بلکه لازم بود بر وی آیات
عدد تکبیر او ورد عدد تکبیر دو هزار و بیست است و یازده
عدد تکبیر هزار و صد بیست و دو است و عدد تکبیر مع ضد
مؤخر شصد و نه است و مجموع هفت هزار و سیصد جملة الی آخر

العظیم



در کلمه مبارکه الغفور

٧٩

الغفور یعنی آمرزنده جرم و جنایت نسبت با ما از معنای این نام آنست
که طاعت مطیعان و توبه عاصیان به برکت این نام قبول است و اهل
عفو گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که گناه جمله
خلایق بپوشد هرچه از ایشان احصا شود عفو کند تا حضرت عزت عفو
کند گناهان او را و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که جهت بیماریها
مانند از خطیر و پنهان داشتن اموری که هزار و دو بیت و ...
سنگ ... بخوانند و در ... اند و یکی از اکابر فرموده که جهت
و درد سر و جمله بیماریها که از علاج آن عاجز باشند بر ... پاره
کاغذ نویسد و بر هر پاره سه بار یا غفور بخواند و فرو برد از ان مرض
نجات یابد به صحت مبدل شود و اگر دلتنگی یا غمزده استعمال کند فرج
یابد و سرور در هر شود و هر که بدین اسم مداومت نماید در حال
اندوه او به شادی مبدل گردد و این مربع را با خود دارد که اینست

غ	ف	و	ر
و	ر	غ	ف
ر	و	ف	غ
ف	غ	ر	و

٣١٤	٣٢٧	٣٢٤	٣٢١
٣٢٥	٣٢٠	٣١٥	٣٢٦
٣١٩	٣٢٢	٣٢٩	٣١٦
٣٢٨	٣١٧	٣١٨	٣٢٣

در سرّ کلمهٔ مبارکهٔ الشکور

الشکور یعنی دهنده کرامت بسیار باندک طاعت و مخصوص خداوند
این نام است که پیش از خلقت ارواح بپانصد هزار سال رزاق
مخلوقات بود به برکت این اسم موجود شد است اهل تحقیق گویند
هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که رزاق مخلوقات رزاق
عالم داند بهیچ جهت از کسب مال و غیر بداند محکم فرو نماید
داود و محکوم امر فرمان حضرت حق گردد تا خداوند شکور ما را
وی و عزیز و مرسل علی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرماید که اگر غم
و کدورت در احوال کسی و در خواند چهل و یک بار برابر شد بسیار شادمانی او
گردد و بزرگان گویند هر که را معیشت تنگ شده باشد و روزگار
بد سوار گذرانند باید که بذکر این اسم مداومت نماید تا معیشت بر وی
گشاده گردد و اگر کسی چهار روز هر روز بعد نماز یعنی زیاده از هزار
نوبت بخواند حضرت باطن او را از غل و غش و حقد پاک دارد و اگر
کسی در چشم تیرگی داشته باشد این اسم را چهل و یک نوبت بر آب
خواند چشم را از آن آب چند نوبت بشوید شفا یابد و این
مربع که در حاشیه است تا خود دارد که خواص بسیار بینند

العلی یعنی بزرگواری که منزه است از شرکت و شبیه این نام است

د	و	ك	ش
ك	ش	د	د
ش	ك	و	د
و	د	ش	ك

۱۳۴	۱۳۳	۱۳۷	۱۲۲
۱۳۶	۱۲۵	۱۳۰	۱۳۵
۱۲۶	۱۳۹	۱۳۲	۱۲۹
۱۳۳	۱۲۸	۱۳۷	۱۳۸

انتظار دولتها است که همگی در نعمت
و اکثر شب بر خیزد و سر برهنه کند و
انسان نباید بالا رفت زیر دو روی بعضی قبله
سلطنت بنشیند و بید با و هشتاد روز او اللهم
وفات و بادر بیند بدی
نوازند گرداند و بعضی برهنه برای
انکه اگر کسی نصد و سی یابد خواهد
ملکوت بخواند دو نامه ابوعلی این عمل در
بود و بعضی اگر دیدار بر کند
زیبا باید بشد با امرا سهل است
بیان

خواص فوائد

خواص مزرعه

خواص چشم

کرابیا



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العلی

که انبیا و اولیا و ملائکه از عظمت این اسم بلرزه اند اهل تحقیق گویند که هر کس خواهد که احصای این اسم کند باید که حضرت او بزرگ داند خود را خوار و ذلیل و حقیر تر از جمله مخلوقات تا حضرت العلی او را عالی جناب گرداند بزرگی حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که این اسم را بسیار گوید بدان مداومت نماید تعدد شریک گردد و اگر غریب بخواند این اسم مداومت نماید با آبروی بوطن خویش باز رسد بجای از کار بر فرموده هر که بنویسد این اسم را و با خود دارد و بعد [illegible] کبیر و دوصد [illegible] و یکصد [illegible] روز بخواند اگر خوار بود عزیز گردد و اگر در شب [illegible]

العلی العلی العلی العلی العلی

یا علی	یا علی	یا علی	یا علی
۱۲۵۷	۱۲۶۱	۱۲۶۸	۱۲۵۴
۱۲۶۳	۱۲۵۸	۱۲۵۳	۱۲۶۵
۱۲۵۲	۱۲۶۶	۱۲۶۳	۱۲۵۹
۱۲۶۷	۱۲۵۵	۱۲۵۶	۱۲۶۲

ادنی بود غالب گردد و اگر غریب بود بوطن خود رود و بر دشمن قوی مظفر گردد و او را در میان خلق هیبت تمام بود و تجربه

ترجمه شرح کلمه مبارکه العلی

بملوک و سلاطین باید خواص بسیار دارد اما در روز نوشتن باید
که آفتاب در برج اسد باشد تا نوزده درجه و قمر در حمل با سعد
ناظر بود و از نحسین دور باشد و احتراق هیچ کوکب نباشد و در
چون کتابت این لوح و حنا او بخور بسوزد و در جای شریف
و خلوت پاک و تنها جا بزانو زده با حضور دل نویسد و اگر باید
روز هر روز سه هزار و سیصد و سی و سه نوبت بعد
از هر نماز بگوید و با مردم کم اختلاط کند و در خلوت بخور بسوزد
و نماز بجماعت بگذارد و بخلوت رود و اگر تواند در این ایام هر روز
غسل کند و دائم جامها پاک در پوشد چون از نمازها فارغ
فارغ شود بخواند آیة الکرسی قیام نماید تا خبر گردد باطن و از
علم لدنی و علوم غریبه عجایب و غرایب عالم و خواص اشیا و
اطاعت سلاطین او را واقع شود و دوستی خلایق چنانکه
هر که او را ببیند اگر چه دشمن بوده باشد مطیع و گردد و
نام او بشنود محب او گردد و مجنون مخلوقات شود و هیچکس او را بی
نرود و در امور دنیا حاکم خلایق شود و هر کار فکر کند تو جبر
اسلام او بود و اینده عوض ضعف قدقوی مرتبه گردند اما

باید



در شرح کلمه مبارکه الکبیر

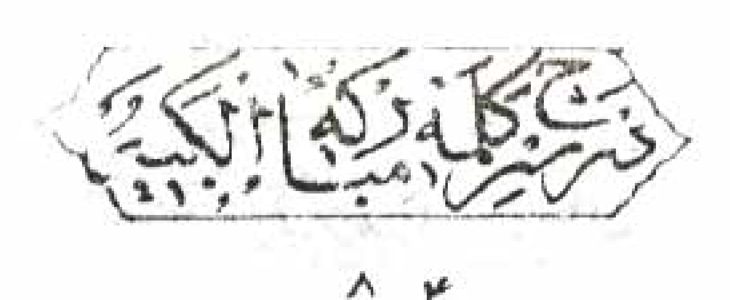
۸۳

باید که بعد از دعوت هر روز صد و ده نوبت بگوید که عدد
نام است و اگر خواهند زیاده خوانند باید که در شب آدینه بعد
تکبیر حرف و ملفوظ اسم که بکهزار و یکصد و هشتاد یک نوبت است
مع صد و موخر بخوانند یعنی نیز اثر تمام دارد و در تحفه شاهی
آورده که هر که از جهل زند یا دولت خود یا دیگری هر روز صد
یازده نوبت بخواند طلب جاه و رفعت کند بیابد انچه مقصود اوست

ال	ع	ل	ی		٢٥٠	٢٦٤	٢٦١	٢٥٨
ل	ی	ال	ع	٢٦٢		٢٥٧	٢٥١	٢٦٣
ی	ل	ع	ال		٢٥٦	٢٥٩	٢٦٦	٣٥٢
ع	ال	ی	ل		٢٦٥	٢٥٣	٢٥٥	[illegible]

الکبیر یعنی خدای بزرگ و پاک از ذات و از صورت و از حیا و شبیه
مثال شیخ جلال الدین فرموده که روزی از شیخ بزرگ سوال
کردم چون که شرح این اسم نوشته شد است شیخ فرموده آن است
که از هیبت این نام آسمانها و زمینها و عرش و کرسی و بهشت و دوزخ
ولوح و قلم بفرمان بر ثابت اند هر که خواهد که دعوت این اسم
اعظم کند باید که حضرت کبیر را بزرگ خواند و بزرگ داند هیچ کس را

با اهل آن با مود بد کرد از تجربه
و باید در کلمه و آنچه طلبد تا مطلب
در خواطر بگذراند و اگر در خواند
ما الحفظ معانی کند و مقصود طلب
بخواند هر زاست و در اکثر بلاها
و شاید بجربه رسیده است
و دعا چهار کرد با امر المعظم
است کرد با سبع مذکور و خواهند
شد بجهت بجای آن در شتاد بر غلبه
بر خصمان اعدا و بعضی مشغلند
طلوع اما بعضا مم چه بعل
روز بخواند عزیز باشد مجرب
الحضرة از دعا و بکار
ایضا مشغول کسی که هر که
از صبح بر جزد و کند و
هر روز دو بکار آنا بخواند آن
الله هو ذو القوة



در درگاه آنحضرت عظیم قدر و بزرگ منزلتند که انبیا و اولیا و
اقطاب سر بر آستانهٔ او بر زمین نهاده و او را بزرگ داشته اند
تا بدان مقام رسیده اند پس هر که طالب جاه و بزرگی گشتن در عالم
صورت روز و شب در روزی هفت هزار نوبت بخواند تحقیق و سر یابد
اما باید که بآن فریفته شود و در طلب جاه و منزلت در عالم تا
نادان کار نکرده و یکی از بزرگان فرموده هر که صد بیست روز
دعوت این اسم کند بشرایطی که در اسم الرحیم گفته شد در شبانه
روز هزار و چهار صد و شصت و شش نوبت بخواند بحضور دل
و خلوت اصل و اربعین آخر در خلوت نشیند و بی ضرورت
بیرون نیاید و ترک حیوانات کند و حلال خورد اشکار گردد
بر او ارواح انبیا و اولیا و مسلمین و ملائکه با او انس گیرند
بیشتر در شب با او باشند تا سیر در عالم ارواح و ملکوت و عجایب
عالم کبیر با او بگویند و حضرت صاحب دعوت گردد قلوب اکابر
قضات و امرا و وزرا و ملوک و سلاطین و رعایا و خلایق تمام
دیدار و صحبت او کردن را در فواید بود بزرگ گردد در عالم صورت و معنی
اربعین باید که شب و روز از ذکر او غافل نشود و کمتر از هفت هزار

بار بخواند



شرح کلمهٔ مبارکهٔ الکبیر

بار بخوانند و اگر زیاده خوانند تا که بیست و بنا د خاتمی از نقره
خالص بساعت سعد و نظرات نجوم چون تثلیث و تسدیس
و شرف سعد بر نقش کند حروف اسم را بر این خاتم با این طریق
اما باید که چون خاتم تمام شود در روز یکشنبه یا دوشنبه یا پنجشنبه

۵۷	۶۱	۶۴		۵۰	ر	ی	ب	ك
۶۳	۵۱	۶۹	۶۲		ب	ك	ر	ی
۵۲	۶۶	۵۹	۵۵		ك	ب	ی	ر
۶۰	۵۴	۵۳	۶۵		ی	ر	ك	ب

پیش از صبح غسل کند حد اب و آن باید در خانه خلوت و شکر وضو
بگذارد و استغفار گوید و درود فرستد آنگاه خاتم بر انگشت
کند چون اینک دعوت کند باید اول با تعظیم و حضور دل بگوید یا
کبیر یا کبیر و در حین دعوت در نقش خاتم نظر میکند معنی اسم
تعقل میکند الحمد لله در هر مجلس میگوید یا کبیر اکبر فی توحید
بعد بر و درود فرستد در اول و آخر هر دعا درود فرستادن سبب
اجابت دعاست و در دعوت کبیر شرح این اسم نوشته اند عمل عجیب
اند و بعض بزرگان فرموده اند که توان بسیار بعین هم شبان

در شرح کلمه مبارکه الحفیظ

۸ ع

بعد از آن خواندن نود اجابت است و عدد اول هفت هزار است

الحفیظ یعنی نگاه دارنده هر چیزی از آفات و بوده است معنی

که نوح پیغمبر علیه السلام از برکات این اسم از غرق طوفان نجات

یافت هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که دل و چشم و زبان

و دست خود را از جمله گناه و خطا نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را

از بلیات محفوظ دارد و شیخ معمر گوید هر که خواهد از غرق شدن آب

و سوختن آتش و شر دیوان و دیگر حرام ایمن بود این اسم بنویسد

و تعویذ سازد و بر بازو بندد از نکبات ایمن بود حضرت امام رضا علیه

السلام فرموده اند هر که بعدد این اسم که نهصد و نود و هشت است

مکرر بود در روز جمعه بعد از نماز بنویسد بخط با زعفران و طومار کند

و بر بازو بندد از وسوسه شیطان و خوف سلطان و بیم سباع و مار

و عقرب و خیالات فاسد دائما جمعیت بوده باشد و شیخ فرموده

۲۴۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۲۷	ظ	ی	ف	ح
۲۶۳	۲۳۰	۲۴۵	۲۶۰		ف	ح	ظ	ی
۲۳۳	۲۷۲	۲۵۱	۲۴۲		ح	ف	ی	ظ
۲۵۴	۲۳۹	۲۳۶	۲۶۹		ی	ظ	ح	ف

کاکو

شرح سرِ کلمهٔ مبارکهٔ الحفیظ

که اگر کسی با بینظیر بوکه بمود شد نقش کند بر لوح نقره و با خود
دارد ایمن گردد از شر تمام مخلوقات و مرگ مفاجات و قرض
و درویشی و جمیع امراض و بلیات آخر الزمان و غم و آنچه تعلق
بنکبت دارد و اگر نقره میسر نشود در روز شرف آفتاب بر کاغذ بسید
همین خواص دهد و اگر این نوشته در میان مال نهد از دزد ایمن
ایمن گردد و اگر اهل کشتی بخوانند این اسم حفیظ نمایند سالم بساحل
رسند از امواج و جانوران و بلیهٔ دریا ایمن بوند دیگر وقوف ده
اند هر که نقش کند این اسم را بتکسیر بر عقیق یا بلور یا نقره و لوح سازد

با بینظیر بوکه بمود میشود که لوح
از پنج جزو یکجزو از طلا باشد
و نقاش با طهارت باشد صاحب
دعوت در روز جمعه در خلوت
متوجه قبله یا روز دوشنبه
بنا غاسعد و قمر ناظر سعود
و این با حفیظ الحفیظ در ده
سطر میزان میرسد و تمام

ی اح ف ح ظ اح ف ظ ن ی
ی ی نا ظ ح ف ح ی ا ظ
ظ ی ای ی نح اف ظ ف ح
ح ظ ف ی ظ ا ف ی ی ح ن
نح ظ ی ف ای ی ظ ف ا
ان ف ح ظ ح ی ظ ی ی ا ف
ف ان ی ف ی ح ظ ظ ی ح
ح ف ی ا ظ ا ظ نح ی ی ف
ف ح ی ف ی ی ح ان ا ظ ا
ا ف ظ ح ظ ی ن ف ا ح ی

بجای آن رنگهای اول زاد در آب
در دانا ندرند و رنگهای دیگر را
در گمان جا زمین را حفر کند و
دفن نماید که عظیم شد زرد و
بار دهاغ بجز بیلغا است و خبر دیگر
بود رنگ بیاجها شش سعد و
و نشق با نجو بیها ارد در بکار جب
بعد در و بعینه بیرقر بجو بکر بنجار
صرید را بجوانان نما شود و نقد
در گود الی برفند وان گود از را
پنهان کند و بدود آن بول نماید
دبرود در شرط انکه گودال در وقع
بانچه آب بماند کنه شود وابن
طریقه بجز بحرعه بدیه تمام
دیجها بصد و بیستم بیکبد
در عمان بجز گور ...
بکنند



در شرح کلمه مبارکه الحفیظ

بنویسند نه سطر را نقش کند و هر یک در حین نقش کردن
ذاکر باشند و هیچ سخن نگویند چون منقش کرده شد دعوت
مطهر شاخته آن لوح را نگاه دارند تا روز پنجشنبه یا یکشنبه یا
جمعه سحرگاه به آب روان غسل کند تا در خانه خلوت و بجامه نو درآید
و در خلوت دو رکعت نماز بگذارند و بعد از آن بعدد تکسیر میخوانند
و لوح در پیش سجاده نهد و در وی نظر کند و اگر مجموع عدد
در مربع صد تکسیر خاتم از عقیق یا بلور یا بنظر بسوت فی خاتم
نقش کند و وقت
دعوت در لوح
و خاتم نظر کند و پیوسته
تکرار میکند یا حفیظ
والحفیظ نیز مجربست
و در آخر صلوات میگوید

٥١٣٨	٥١٥٠	٥١٤٩	٥١٤٣
٥١٤٨	٥١٤٤	٥١٣٧	٥١٥١
٥١٤١	٥١٤٧	٥١٥٢	٥١٤٠
٥١٣٥	٥١٣٩		٥١٤٦

٥١٤٢

یا حفیظ احفظنی اگر مبتلا شود بر این بلا و مدت تمام بعد و الا دو
این تمام هفتاد و شش روز است که بعدد تکسیر بخوانند و اگر بعد از
آن باز ذکر کند شاید اما از آن نباید کرد و عکس کاینه عجیبه ...

از جمله

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحفیظ

از جملهٔ آفات و بلیات و شر دشمنان و حاسدان و مکاران و قهر سلطا
و کید زنان و سحر ساحران و بیماریهای گران و شر شیاطین و آفات آخر
الزمان محفوظ باشد و پیوسته در کنف عنایت و حرز حمایت حق
تعالی باشد باطن او را بود جمعیتی سالم منتظم و پیوسته و خیال او
خاصیتی آینه خرد او زنگار نگاه دارد که اسم عظیم است و
حضرت عزت جل جلاله حافظ و ناظر او است اما باید که خاطر از
اندیشه دور دارد و بوقتی مشغول شود که اگر وضو ندارد ساخته باشد و
کند اگر نیابد آب تیمم کند و در وقت جنابت و قضای حاجت و غیره
الواح از خود دور کند عزیزان دیدنا مقاصد بکلی و بزودی
میسر گردد و در زمان ملازم باشد و نزد بعضی عدد تکسیر الحفیظ
شش هزار و یکصد و هفتاد و چهار عدد است مع صدر و موخر دو
هزار و سیصد و چهل و هفت عدد است و عدد تکسیر یا حفیظ شش
هزار و پانصد و چهار عدد است مع صدر و موخر ده هزار و یک
و چهل و نه عدد است و عدد تکسیر حفیظ دو هزار و نهصد و
چهار عدد است مع صدر و موخر پنج هزار و نهصد و هشتاد و هشت
عدد است و عدد اصل حفیظ نهصد و نود و هشت عدد است

شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقیت

المقیت یعنی خدای توانا بر نگاه داشتن هر چیز و هر کاری
بکند و مقصد از این نامیست که پرورش جملهٔ آفریدگان بر
این نامست اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند
باید که خود را بر آن دارد که دائم اوقات خود را صرف بندگان خدای
تعالی کند و طعام خواهان را بدهد و باشد که افتادهٔ را دستگیر بود و فرهاد
خاطر جوئی کند و با ضعیفان فروتنی کند شفقت و مرحمت
دوست و دشمن دریغ ندارد تا حضرت عزت نفس او را مطیع او گرداند
و قوتی کرامت کند که تواند با اژدهای هفت سر بهر وجه مجادله
کرده او را مسخر و گرداند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
اند هر که این اسم را هفت نوبت بر نان یا آب زان خواند و
طفل بدخو بخورد خوشخو گردد و خوش دهن و هر چه خواند
یاد گیرد دیگر فرموده اند هر که خواهد نفس خود را بعلت
تشنگی و گرسنگی معتاد گرداند و بر آن تا در بناشد باید که
و سلوک طاقت نیارد باید در سال قحط بطعام اندکی صبر شوند
کردن با طفلان از شیر باز کرده بوحنا بد غربت بحیله گرفتار
گشته باید در بنا ملتفی آب و طعام مانده این نام را هفتاد هفت

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحسیب

نوشته کوزه نبی خواند با اعتقاد تمام و با نقد درون کوزه
دمد آب کند و از آن آب بیاشامد مجلد علتها مذکوره
بود و بدنبال او دو دکند ایزد تعالی او را صبر کرامت فرماید و
تشنگی ببرد و اگر بعد از تکبیر بقول شیخ کرده از ده هزار و یک
نود و نه بار استعمال کند و مواظبت بر خواندن آن نماید ایزد تعالی
نگاه دارد هر قلیل الصبر که او را در حین جوع و عطش قدر
از انجا باشد کند و توکل را در قیام تمام حاصل گردد و
عرب قادری گویند ان بعد بوطن باز رسد شاکام و توانگر امام و متبع

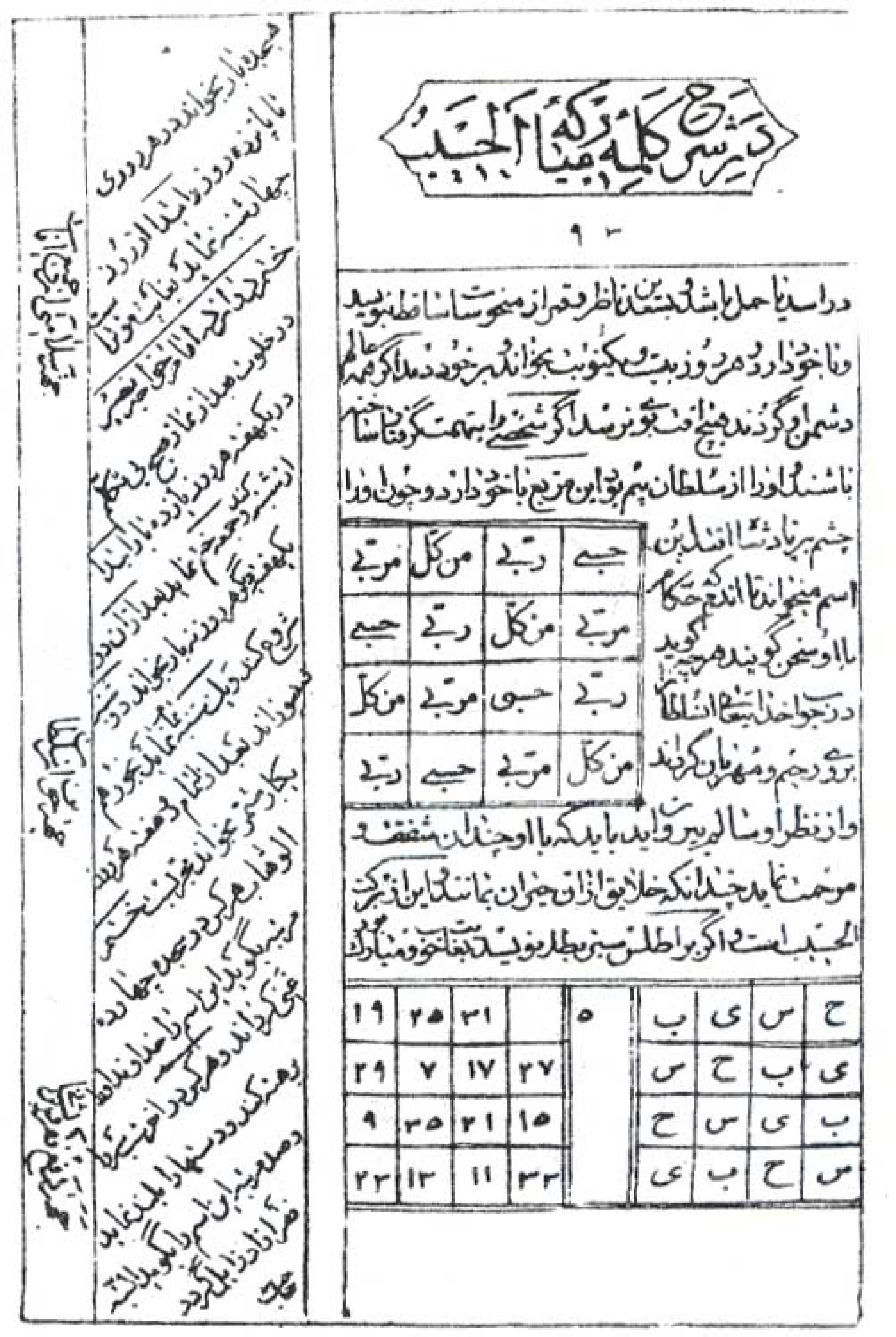
١٣٧	١۴	١۴٣		١٣٠	ت	ی	ق	م
١۴٢	١٣١	١٣۶	١۴١		ق	م	ت	ی
١٣٢	١۴۵	١٣٨	١٣۵		م	ق	ی	ت
١٣٩	١٣۴	١٣٣	١۴۴		ی	ت	م	ق

الحسیب یعنی خدای بسنده است خلایق را در قضا
کردن حاجات و دفع بلایا و ابتلا بیست که کرام الکاتبین بر گناه
بندگان به و کشتن این اسم اطلاع نمی یابند و حضرت امام رضا علیه
السلام فرموده اند هر که از جهت دفع دشمن قوی ورد کند هر

نقل است که هر که مردود شده گردد از برای
قضای حوائج مشروعه در ایام
هفته هر روز دو هزار بار بخواند
[illegible]

ح تیز سیر کلمه حسبنا الحسیب

هشتاد نوبت بگوید از روز پنجشنبه ابتدا کند خلاص شود
از شر او و اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند
اول باید هر روز ختم اعمال خمسه خوب بکند از روی شما و نادم
بود چنانکه سی روز از اصحاب رسول صلی الله علیه و آله میکرد
اند میان برای کفایت خلاص نوح در بند و در حصول مقاصد خلق کوه
و کار خود اخذ کند اورد الحسنا فیما منت و انسان گرداند مگر مرد
اند هر که خایف بود از شر دشمنان و بیم در زدن ظلم چشم حرم و کید عدو
و همسایه هم راه بد نوع جفه زوج نا ساز کار و ترس سلاطین
حکام جبابره و بلای سفر و ترس قرض خواه و شر دزدان موذیان
باید که از روز پنجشنبه تا روز چهارشنبه این ایام روزه دارد و در
این ایام هفتاد و هفت نوبت بگوید حسبی الله الحبیب شبانگاه
همچنین میگوید مراد او حاصل گردد از جمله علل نجات یابد
بعد از آن یک حاجت عزیز نیست هر که هر بامداد و شبانگاه اینقدر
و دعا ساز د از برکت این اسم مال خود زیاد از جمله نکبات و آفات
لیل و نهار ایمن باشد شیخ معز فرموده هر که اینچنین کلمه که حسبی
ربی من کل هم در مربع چهار در چهار وضع کند حسبی الله



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحسیب

۹۳

در اسد یا حمل یا بشلی بشمس ناظر و قمر از منحوسات ساقط بنویسد
و با خود دارد هر روز بعد صبح یکنوبت بخواند بر خود ... اگر همه عالم
دشمن او گردند هیچ آفت بجو نرسد اگر شخصی را بتهمت گرفته باشند
باشد او را از سلطان بیم بود این مربع با خود دارد و چون او را

حسبی	ربی	من کل	مرتبی
مرتبی	من کل	ربی	حسبی
ربی	حسبی	مرتبی	من کل
من کل	مرتبی	حسبی	ربی

چشم بر پادشاه افتد ایمن
اسم منجوانند تا انده حق که
با او سخن گوید هر چه گوید
در جواهر خمسه است اسما الله
بروز جمعه و مهر مار گردند

و از نظر او بیا الوبیر و ایمد باید که با او چندان مشفقه
مو ... چندانکه خلایق او از آن حیران بماشد این از برکت
الحسیب است و اگر بر اطلس سبز مطلا بنویسد بتعالی خوش و مبارک

ح	س	ی	ب	ه
ی	ب	ح	س	
ب	ی	س	ح	
س	ح	ب	ی	

	۳۱	۲۵	۱۹
۲۷	۱۷	۷	۲۹
۱۵	۲۱	۳۵	۹
۳۳	۱۱	۱۳	۲۳

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجلیل

الجلیل یعنی خدای بزرگوار بذات و جمیع صفات این اسمیست
که همهٔ مخلوقات از هیبت و جلالت این نام میترسند اهل
حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند اول
باید که بعین یقین ببیند و بعلم یقین بداند که جلالت
و عظمت و بزرگواری خاص حضرت جلیل جبار است و صفت
بنده مسکنت و ضعفست و چندان مسکنت و عجز خود ظاهر
کند و ظاهر و باطن خود مشابه مسکینان سازد تا حضرت
جلیل او را حشر گرداند با طایفه که حضرت بهترین موجودات
صلی الله علیه و آله فرموده اللهم احینی مسکینا و امتنی
مسکینا و احشرنی فی زمرة المساکین و حضرت امام رضا
فرموده اند هر که هفت روز هر روز بنویسد این اسم را بمشک
و زعفران و گلاب و شکر برنان و بخورد و هر روز یکبار صدقه
کند او را بود در میان خلایق نیل اغراض تمام از برکت این نام و دیگر
فرموده اند هر که هفتاد و سه نوبت بنویسد این نام بمشک و زعفران
و گلاب بر کاغذ بقلم باریک و بر بازوی راست ببندد و بر خاتم
نقره که نگین او طلا باشد نقش کند بحروف تکسیر و در دست



در سرّ کلمه مبارکه یا جلیل

٩ ٥

چپ کند هر روز بعد تکبیر میخواند مجرب است بزرگی

					ل	ی	ل	ج
۱۸	۲۱	۲۴		۱۰	ل	ی	ل	ج
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲		ل	ج	ل	ی
۱۲	۲۶	۱۹	۱۶		ج	ل	ی	ل
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵		ی	ل	ج	ل

بخشمند و طلب جاه میان خلایق و تقرب نزد سلاطین و
هیبتی باشد از او در دل خلایق و اعدا و اگر خواهد که بدعوت
این اسم قیام نماید بعد تکبیر یا بعد تکبیر خواند عدد
تکبیر دویست و نوزده است و مع صد و موخر چهار صد
هشتاد است و دعوت این اسم مناسب کسانیست که سرور و بزرگ
گشته باشند در میان خلایق و خواهند که همچنان بمانند بعد
دعوت در نقش خاتم گاه گاه نظر کنند و دیگر کسانی که از اسم
خوانند این اسم که ایشان متجلی گشته باشند بصفات عظمت
و بزرگواری حضرت عزت جل الکبریاء یعنی خدای پاکست و صفت
بکوه زند و در گنند و تصبر از بندگان گناهکار
پریشان در ... از این نام ...

شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا الکریم

ع ۹

ببرکت این نام برقرار ماند اهل حقیقت گویند که هرکه
خواهد که دعوای این اسم اعظم کند باید خود را موصوف بکرم
سازد و اعتقاد کند که تواند رحم و شفقت و کرم و معرفت را بخلق
خدا دریغ ندارد بلکه منت قبول کند و حضرت امام رضا
علیه السلام میفرماید هرکه این اسم بنویسد بیآ گوید حضرت
کریم مقاصد دنیا و آخرت او را کفایت فرماید شیخ ابو العباس
گوید هرکه این اسم را بسیار گوید معزز و مکرم گردد و هرکه در
جامهٔ خواب رود و این اسم را چندان بگوید که در خواب رود
ملائکه برو دعا کنند و دعا ملائکه سریع الاجابت است و دیگر
فرموده اند هرکه بدین و نیت و بغیر و عیال فرو مانده باشد
بر این اسم مداومت نماید مفتاح رزق وی بود و روزی او از جای
برسد که گمان نداشته و مداومت بدین نام بعد تکبیر ما بعد از تکبیر
باید عدد تکبیر الکریم یکهزار و هشتصد و شصت و عدد
تکبیر یا کریم یکهزار و ششصد و هشتاد و شش است و عدد اصل
دو بیست و هفتاد و کبیر زیاده از هزار نابود عدد تکبیر شیخ
مغربی مع صدر و موخر سه هزار و ده است یا کریم مع صدر

دموبخ

در شرح کلمه مبارکه الکریم

و مو حرد و هر روز هزار بعدد و بیست و هفتاد است و بی صلی نوشتن و موکل را
نشقشد بیست فاری بر علمکه خواهد بخواند مربع این نام بعدد سعد
رزق اثری عظیم دارد خواه بعدد و سر تکسیر خواه بعدد و کسر کمی
و هر دو را مثال نماییم تا عامل را مشکل نباشد اما باید که بر نقش

ك	د	ی	م	[illegible]	۶۹	۷۳	۷۰	۶۷	[illegible]	۵۷۴	۵۸۸	۵۱۵	۵۸۱
ی	م	ك	د		۷۱	۶۸	۶۱	۷۲		۵۸۶	۵۸۰	۵۷۵	۵۸۷
م	ی	د	ك		۶۵	۶۸	۷۵	۶۹		۵۷۹	۵۸۳	۵۹۰	۵۷۶
د	ك	م	ی		۷۴		۶۳	۶۹		۵۸۹	۵۷۲	۵۷۸	۵۸۲

نقش کند و بطالع سعد در انگشت کند تا اثر عظیم دهد و هر کار را
بعلکه خواهد کرد باید که بعد از آن آفتاب باید در تثلیث و تسدیس
سعد و قمر نیز بعد متصل و از نحسین منصرف باشد علاوه این اسم را
تا علا اسم خود در مربع بعدد چنانکه سابقا مذکور شد عمل
نماید خواص تمام یابد اگر بر لوح نقره نقش کند اثر تمام دارد و اگر
بر نقره میسر نشود بر کاغذ نویسد همچنین خواص دهد چون الواحد
ما خود دارد هر روز کم از هزار بعدد و بیست و هشتاد و یک نوبت
نباید خواند الرقیب یعنی نگاه دارنده همه کس و همه چیز دن

راجعون انا لله وانا الیه
راجعون و [illegible] العذاره
والعصا [illegible] الی یوم القیمة
الا [illegible] بعضه النقص
عدد الآلا [illegible] علیه
بخصم [illegible] سعد
نقش بار مربعه بگوید یا قهار
[illegible] درجع
دعوات داعی ابا بکر و بعضی
از [illegible] دعا فام غاید
تا [illegible] مقصود فاز گردد
آنا بناست کرد دقت دعوت
[illegible] تا وضو باید
در نشستن [illegible] شد درفع
ذکر [illegible] بندیا
و با [illegible] دعا خلاصه نام بخواند
و از سر [illegible]
شود



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرقیب

۹۸

هم بر خلاف اینها مبیّنست که حضرت شعیب علیه السلام بجهت گوسفندان میرفت این نام بسیار میگفت ببرکت این نام بسلامت میماندند اهل تحقیق گویند هرکه خواهد که احصای این اسم کند باید که خدا تعالی در تنها و آشکارا ناظر و نگهبان خود داند دایم متنبه باشد تا از قول و فعل و اندیشه ناشایسته که مرضی حضرت عزت نباشد اما حضرت رقیب بدین دلالت و ناظر بملک و ملکوت گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هرکرا دشمنی قوی باشد هفت نوبت بخواند از شر او ایمن شود شیخ گوید هرکه بخواند این اسم مال و متاع بیفزاید چندانکه توانگر شود مال و فرزندان او و نقصان مال و ضیاع ازانچه میترسد ایمن گردد و از آفات و بلیات سالم ماند و اگر کسی را عورت جمیله یا پسر صاحب جمال بود این اسم دایم خواند نگاه دارد

۷۷	۸۳	۸۹	۶۳
۸۷	۶۵	۷۵	۸۵
۶۷	۹۳	۷۹	۷۳
	۷۱	۶۹	۹۱

ب	ی	ق	ر
ق	ر	ب	ی
ر	ق	ی	ب
ی	ب	ر	ق

اَلمُجیب یعنی خدای اجابت کننده است آنراکه خواهد ازین نامی است

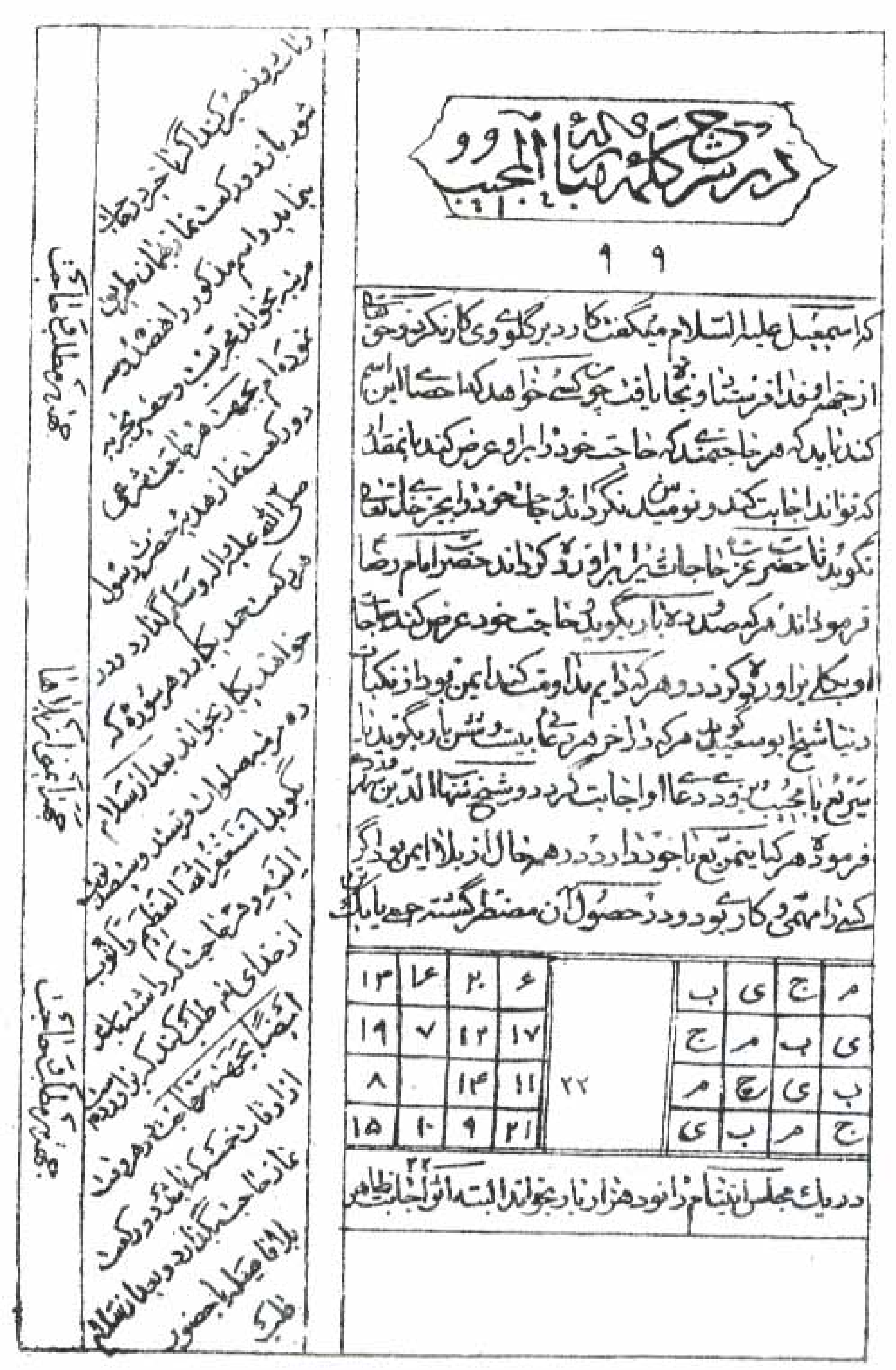
کر اسمعیل

فصل در ...

فصل در ... الهی

فصل در ...

و در باب ضرورت ازدواج و نکاح استیفا کنند و در دعا و امر مهمات الطلب بکنند و در دعا و امر ... نماید و از دعا استجابت بشغل نماید و در دعا گوید و کرد از نماز طول شود و در حرمت نماید ملبوس علل اصل مکتوب و در حرمت ... و در اول و آخر دعا صلوات ... و در اول وقت ... ملاحظه ... و در ... عبادت ... اَللهُ لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز ... و صد بار السلام و صد بار الباطن ... انشاء الله تعالی



در شرح کلمه یا مجیب

٩ ٩

کر اسمعیل علیه السلام میگفت کارد بر گلوی وی کار نکرد و حق
از جهت او فدا فرستاد و نجات یافت چون کسی خواهد که احصای این اسم
کند باید که هر جا جمعی که حاجت خود را بر او عرض کنند با مقصد او
که تواند اجابت کند و نومید نگرداند حاجت خود را بجز خدای تعالی
نگویند تا حضرت عزت حاجات ایشان را روا کرداند حضرت امام رضا
فرموده اند هر که صد و ده بار بگوید حاجت خود عرض کند حاجات
او بجای برآورده گردد و هر که ذکر این اسم مداومت کند ایمن بود از نکبات
دنیا شیخ ابو سعید گوید هر که در آخر هر نماز بیست و شش بار بگوید یا
سریع یا مجیب زود دعا او اجابت کرده شود شیخ شهاب الدین سهروردی قدس سره
فرموده هر که یا سمیع یا مجیب بخواند در همه حال از بلا ایمن بود و اگر
کسی را مهمی و کاری بود و در حصول آن مضطر گشته چهل یا یک

١٣	١٤	٢٠	٦		ب	ی	ج	م
١٩	٧	١٢	١٧		ج	م	ب	ی
٨		١٤	١١	٢٢	م	ج	ی	ب
١٥	١٠	٩	٢١		ی	ب	م	ج

در یک مجلس این نام را نود هزار بار بخواند البته اثر اجابت ظاهر

دنیا شروع نمی کند اگر حاجت ...
شود باید دو رکعت نماز بطریق
بجا آرد و اسم مذکور را هشتصد و
هشتاد مرتبه بخواند بعزت و حضور بجز
... اسم مجیب هزار بار بخواند حق
دو رکعت نماز هدیه حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم گذارد و در
هر رکعت حمد یکبار و هر سوره که
خواهند یکبار بخوانند بعد از سلام
ده مرتبه صلوات فرستند و سجده نمایند
بگویند استغفر الله العظیم و اتوب
الیه و هر حاجت که داشته باشد
از خدای تعالی طلب کنند که روا گردد
ایضاً یا مجیب هزار بار ...
از اوقات ... که ... در
نماز حاجت ... گذارد و بعد از سلام
... حضور ...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الواسع

گردد و اگر میسر نشود نوزده هزار نوبت بگوید در تحفه ثنا
آورده اند هر کس خواهد که مستجاب الدعوة شود بشرایطی که مذکور
شد هر روز شصت و شش نوبت بگوید و در آخر این بخواند که
استجب دعوتي كلها يا ذا الجلال والاكرام همه دعوات او
مستجاب گردد الواسع یعنی خدا گشاده است فضل و رحمت او
و قهر و عدل او و ثنا شد این جمله انست به بنگلها ترتیب
که عرش به برکت بزنام قایم است و اهل تحقیق گویند هر کس خواهد
اصحاب اعتنا کند باید که کبر و حسد بخل را من جمیع الوجوه
دور گرداند و آنچه زاید بیند کار خدا تعالی نثار کند طعام
دهد تا خدا تعالی نعمت دنیا و آخرت بر او گشاده گرداند و جمعی از
اکابر گویند هر که خدا تعالی مالی داده باشد به او قناعت نکند
و در جمع مال حریص باشد چون این نام مداومت نماید قانع گردد
و بعضی از اکابر فرموده هر که او معیشت تنگ بود و رنج کند این اسم را
بر نقره یا بر وسر نگین نقش کند اگر میسر نگردد بر کاغذ نقش کند
و با خود دارد و مداومت نماید حق تعالی روزی او فراخ گرداند
و به آسانی و سهولت با او رساند بعد از آنکه هر روز خواند

صد و هفت



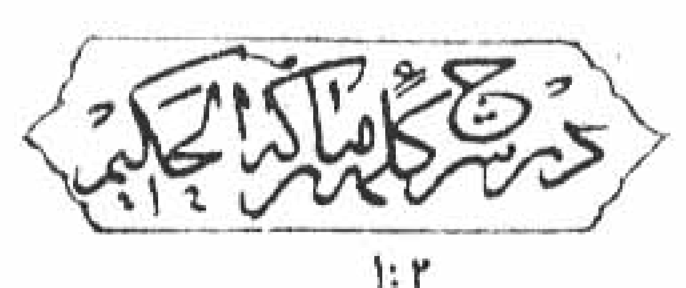
درشرح کلمه مبارکه الواسع

٣٣	٣٢	٣٠	٢٦	ا	ع	س	ا	و
٣٩	٢٧	٣٣	٢٨		ا	و	ع	س
٢٨		٣٥	٣٢		و	ا	س	ع
٣٦	٣١	٢٩	٤١		س	ع	و	ا

٣٢

سی و هفت است و عدد تکسیر چهار صد یازده نوبت است و
تکسیر این است و اس ع و س ا ع س و و هم شیخ فرموده که اسمی
عجیب و خواص بزرگ دارد دعوت این اسم چهار اسم است الودود
الواسع اللطیف الشهید هر کس بعدد تکسیر این چهار اسم
مداومت نماید چهل روز او را باشد در دعوت این اسما علو
مرتبه و منزلت عالی در هر امر که خواهد در تسخیر قلوب سلاطین
و سبب نفع و جاه و مناصب و احوال عجیب و خطاب غریب و
وسعت و جز دعوت این اسما است سه هزار و بیست و پنج عدد ذات
الحکیم یعنی خدا تعالی صواب کار است و بنیاد معانی پوشید
در گفتار و کردار این نام مبین که روح پرور کتاب این نام در وقت طالب
ابتدا از حبس این اسم بیرون رود شیخ فرموده هر که زدو
دهد ندان مضطر گردد او را عمل اندوله ناگاه نبود

ربنا تقبل منا انک انت الوهاب و
حاجت را از خدا وند بخواهد که
بر آورده است [illegible]
حوائج ما [illegible]
بصلوة [illegible]
[illegible]



در شرح کلمه یا حکیم

زوال نرسد اینها مزایای اسما خوانند و از دانستن لغت عظمت و
ابهت پیدا شود و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر که
جمله اسمائی هر روز شود از اینها نام اسما گوید انکار اسما گردد اهل
گویند که در این عجایب و غرایب اسما است هر گاه جمیع بیش از
قبض و بسط و قرض و غربت و تنگی معیشت در دو بینه اشان
این باید که مداومت بر این اسما نماید اهل حقیقت گویند
خواهد که احصای این اسم کند اول باید که باطن را از اعراض که
دارد و دیگر رضای مخلوقات مدخل نسازد و بداند که هر چه از
اراده حضرت حکیم بود موجود گردانید و جمله موجودات را
چنانکه میخواست آفرید و هر چه که داده عین حکمت است و
عیش این باید که بهر حال رضا بقضا دهد تا حضرت
حکیم حقیقت اشیا از بروی منکشف گرداند و دعوای این اسم منا
کسانیست که خواهند که در علم حکمت شروع کنند و انچه دانند
در نزاید و کوشند که بذکر این اسم قیام نمایند که هر چند بیش
خوانند زیاده یابند از انچه خواهند و این را عدد معین نساخته اند
چنانکه بنقل صحیح آورده اند که روزی مردی بنزد حضرت رسالت

در شرح کلمه مبارکه الحکیم

۱۰۳

آمد و عرض کرد یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد قرض
بسیار دارم حضرت فرمود این آیتها را بخوان تو و وعده تعیین
نفرمودند بار دیگر آمد استدعا کرد که یا رسول الله وام دار
شدم اما از متاع دنیا هیچ ندارم فرمود تعزیت همین آیات
نماید از تمنی باز آمد عرض کرد یا حبیب الله ثمن بسیار دارم
و هستا بدین [illegible] مرا عمدا و منع همین آیات کریمه فرمودند
برا اینکه گذشت یا بخلد رسول خدا آمد گفت ای حکام و سلام
میترسم فرمود همین آیات بر [illegible] میزان و از هیچ آفریده مترس
و هر امر مشکل که ترا پیش آید که خدا [illegible] متحیر مانی در این آیات
کن تا خدا تعالی از برکت این [illegible] تمام بزرگ آسان گرداند دوی گوید
که حکمت چه بود که این آیات فرمود و دیگر ارشاد نکرد اهل
حقیقت گویند که معانی پوشیده در ضمن این آیات بسیار است
شرح این آیات آنچه میخواهند در جواهر القرآن است حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که هر که این آیات بخواند ثواب افلاد
بروح والدین بخشد ایشان را همچو حق بدر گرید [illegible]
نماند و آیات کریمه اینست بسم الله الرحمن الرحیم فلله الحمد



در شرح کلمه مبارکه الحکیم

۱۰۲

رب السموات ورب الارض رب العالمين وله الكبرياء
في السموات والارض وهو العزيز الحكيم فلله الحمد رب
السموات ورب الارض رب العالمين وله العظمة في
السموات والارض وهو العزيز الحكيم فلله الحمد رب
السموات ورب الارض رب العالمين وله الفضل في السموات
والارض وهو العزيز الحكيم فلله الحمد رب السموات ورب
الارض رب العالمين وله النور في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب
العالمين وله الملك في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم وشرح اين اسما بخدا اين مختصر همين قدر كفايت ميكند
وبعد شيخ مغربي تكسير كرده اند وعدد تعيين نكرده اند
اول تكسير است از استاد شيخ ابو العباس عدد تكسير الحكيم
پانصد وچهل وپنج است حكيم چهار صد وچهل وپنج است
عدد تكسير مغربي با الف ولام پانصد وچهل وپنج است
بناي بندا چهار صد وچهل وپنج عدد دانست وبر مجموع
عدد قاري مختار است اما هر چند بيشتر خواند بهتر

الودود



در شرح کلمهٔ اسمائه الودود

١٩	٢٢	٢٥	١٢	١	م	ی	ک	ح
٢٤	١٣	١٨	٢٣		ک	ح	م	ی
١٤		٢٠	١٧	٢٧	ح	ک	ی	م
٢١	١٦	١٥	٢٦		ی	م	ح	ک

٢٧

الودود یعنی خدای تعالی دوست مطیعان است و دوست
دارندهٔ هر دوست فرمان بردار وایشانیست که حوا و آدم علیهما
السلام مودت یاد میشد قبل حقیقت گویند هر که خود را
احصا این اسم کند بایکو اطاعت و دوستی مخلوقات ابر میان
جابند و تمامی ایشان که مخلوق حضرت دوستان او و دوست دارند
وازاله عداوت کینه هیچ فرو بگذرد در دل نگیرند تا حضور و دوق
او را بخلوق خود محبوب گرداند که هر که او را ببیند دوست دارند
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر روز جمعه
الف اندواج بر فقر و یکصد بر خوانند با بر طعام و هر دو بخوردند
موانست یابند یکی از اکابر فرموده اگر کسی را دشمن قوی باشد
یا جمعی دشمن سفیهی باشند بجهت دفع آن خصم بزرگ چهل روز
دعوت این اسم کند بعد کبیران عدو و محب مهربان گردد

در شرح کلمه مبارکه الودود

ع ۱۰

باذن الله تعالی و یکی از اکابر در فضیلت اسم الودود المجید در
جواهر القرآن آورده که جمیع جا و فقیه و قوت و حرمت میان خلایق
و عزت نزد ملوک و سلاطین و گشادگی کار رضا و دفع غم و حزن و خصم
قوی و بختها بسته بر آمدن حاجات و رفاهیت تعظیم و صفا با
تو جلا قلب و دفع وسوسه سودا و حصول مرادات بزرگ در روز
آخر شعبان یا روز عرفه عید قربان یا روز جمعه غره ماه که
باشد خبر نیست که باشد یا شعبان بخواند علی کبیر و هزار و یکصد و
بیست و علاست علی و سیط هزار و صد یازده است و عدد
صغیر هفتاد هشت است و البته روز غسل کند و روز دیگر
و بیت مجلس خواند بخور بسوزاند و متوجه قبله باشد بی آنکه
سخن گوید چون وقت افطار شود و اندکی چیزی با شیر افطار کند تا
سخن دنیا نگوید چون از طعام و نماز شام فارغ شود بعد از آن بخواند
و با تمام میر ساند صباح انچه تواند تصدق کند هم بدان
هفته مقاصد بحصول پیوندد و از برکات این اسم کریم بحسب خلایق
گردد و هم آورده اند که شخصی بود قطاع الطریق و بزنا کردن مشهور
و بشارب خمر و عاق والدین و کذاب که هر چه کفتی غیر آن کردی و غلبه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الودود

دروغ گفتن و وعده دادی اهل اسلام گوش کنید و برنا بودی
نوبتی بوی ملاقات کردم احوال میت را بگفتم که گریه کرد و غایب
گشت بعد از فرحتی گفت در حق مرد غایب کن گفتم اسلام آورد
تا او را کلمهٔ چند بیاموزم تا بآن قیام نماید خدا سبحانه تعالی او را از این
ضلالت نجات بخشد کلمهٔ عرضه کرد این پیر نوشتم و بوی تعلیم
کردم تا سه روز این پیر حفظ کرد روز غرهٔ ماه رجب که جمعه بود
او را غسل داده بدعوای این اسم رسا کردم و بنگ بجمعه بخیر و تلو
هم در آن حین خوانده بودم چو ختم با تمام رسانید او را دید
که در ادای حقوق مسلمانان شروع کرد از هر کسی که بجهل
در قطع طریق چیز برده بود میگفت بنشینید تا عوض باز دهد
تا واقعهٔ قربان او و در عرفات دیدم زنان رد و شاد دربی جمع
که در آن حال با او مصاحب بودند هم زنگ و برتا در بجانب انگشت
برخلاف تو بیجا نداده اند و مناجات میکنند زنهار ایشان
رفتم چون وی انخاک بر داشت گفت این خدیعه که حضرت
بنده خود را از برکت این کلام خواند در محل سفل تک جا علی
مبین ماندن تا شیخ ببرم در میدان مند اینجا در ضمیر خلایق است

نه دو رکعت نماز بعد از آن بخواند
سوره یکی بگوید انا فتحنا لک فتحا مبینا
و بعد از سلام بایستد هفتصد بار بگوید
غفرانک ربنا والیک المصیر
پس بسجده رود هفتصد بار بگوید
...



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المجیب

١٠٨

وچند کلمه بنا نهند که مشکلات دین متین از ان حل شد و
دید صفا باطنی که مقصود بود در مباحث لا تو عزم داد امد
و فریاد میکردند و میگفتند یا ودود یا ودود تا از میان انجمن
بیرون رفتند و اما دیگر درویشی که غیر رفتند دیگر ایشان از رنگ
و اگر که باید عوض نواند کرد با نور د صغیر کو فضا همت
مدا و مسلمی این کریمه را شرح بنیا است و در این مختصر بند
قدر اختصار کردیم تا بتطویل نه انجامد بر بیت انه هو یبدئ
و یعید و هو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال لما
یرید المجید یعنی خدا پاک و منزه است از گرفتن زمان و
مکان و نسبت آثار و بزرگواری جز کبریا بیننا نیست که آدم صفی
بمرتبه و علم آدم الاسماء کلها ببرکت این نام رسید اهل
گویند هر که خواهد عوا این اسم کند باید با عقل دیگر نواند بند
خدا را شفقت کند و نفع رساند بجهت تا حضر خضع او و این
بندگان مکرم که اند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
اند هر سالک را که قبض بود و فتح نشود در ریاضت و طالب
مراتب تکرار این اسم مداومت نماید ابواب سیر و سلوک بر وی گشا

ید

در شرح کلمهٔ الباعث

ویکی از اکابر فرموده در مبانی جنس خود هر که اعتقاد کسب
نباشد و روز کرده هر روز بعد از اتمام نماز بامداد نود و نه بار
این اسم را بخواند باد بر خود دمد بیت ضعف و جا و طلب
عزت هر که بترسد از علت برص و جذام و نقرص و جمله علتها
باید که ایام البیض روزه دارد و در این سه روز متصل
بتکرار این اسم قیام نماید خصوصا وقت افطار از فعل ناگاه
دارد و اگر بعلت گرفتار بود بخدا بیع او را صحت کرامت فرما
علی الخصوص از این علت الباعث یعنی برانگیزاننده
هر شخص و تن مرده و پیدا کننده هر چیز و نقل این نام باشد که در
روز محشر مردگان را بیرون کند این نقل کرده اند اهل تحقیق گویند
هر که خواهد عون بیابد این اسم کند اول باید که امر معروف و
نهی منکر را لازم گیرد بندگان حضرت حق را با طاعت شود تا
حضرت علام با شمایل دل عرض او را نقل گرداند روز محشر
او را سفید گرداند بر انگیزاند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
اند که هر مومن که عقیده ثابت بود آنکه نفس خود کشته بود
و او را مرده است که تا ان قیام باید نود هفت روز هر روز

شرح در کلمهٔ مبارکهٔ الباعث

بار بگوید بعد مربع نوشته با بنظر بتوفیق ... بندد بگشاید

۱۴۳	۱۴۶	۱۴۹	۱۳۵		ث	ع	ا	ب
۱۴۸	۱۳۶	۱۴۲	۱۴۷		ب	ا	ع	ث
۱۳۷		۱۴۴	۱۴۱	۱۵۱	ع	ث	ب	ا
۱۴۵	۱۴۰	۱۳۸	۱۵۰		ا	ب	ث	ع

و در نظر هیچکس خجل نشود و یکی از اکابر فرموده هر کرا دل مرده
بود از غفلت و هوا و هوس و وسوسهٔ نفس و خیالات فاسد
حرص جمع کردن دنیا و افراط شهوت بگیرد این اسم اعظم مداومت
نماید بخاصیت بوقت خواب دست بر سینه خود نهد صد بار بگوید این
اسم را حق تعالی او را مطلع انوار معرفت خود گرداند و دل مرده او را
بمعرفت خود زنده سازد و حیوة معنوی دهد از شیخ معزز مروی است
که دعوای این اسم بجهت صفای باطن و کشایش ملوک و دفع وسوسه
شیطان هر روز بعد تکبیر بخواند عدد تکبیر شیخ معز
الباعث هزار و بیست عدد داشت و عدد تکبیر شیخ ابو العباس
یا باعث سه هزار و پانصد چهل ملفوظ نزد این هر دو بزرگ عدد
تکبیر یا باعث هزار و هفتصد نوزده است و قائم مقام اسم هر عدد

دیگر

خواص اسم الباعث ۱۴۵

که از کنوز حضرت شیخ [illegible]
انتخاب از حضرت شیخ [illegible]
که هر که روز جمعه [illegible]
بعد از نماز جمعه [illegible]
اول تعداد [illegible]
و بار نوزده مربع [illegible]
مربع اول [illegible]
و در دست [illegible]
مربع [illegible]
نقش [illegible]
بعد از [illegible]
الباعث [illegible]
انتخاب از حضرت [illegible]
مولوی [illegible]
کار [illegible]
تا از [illegible]
[illegible]

[illegible]

در شرح کلمه یا الشهید

وکیفیت که خواهد بخواند الشهید یعنی خدای تعالی آگاه و
بینا است بهمه چیزها اندک و بسیار نهان و آشکار این نام می
کر طفلان را در شکم مادر طفیل این سعادت مستفید هستند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که خاصیت این اسم کند باید که هر تجرید
راست و کلمة الله را از هیچ کس دریغ ندارد و از هیچ کس ترسد و اگر
او را گواهی باشد در محل خود راست ادا کند خود را محل میل و
کتمان قرار ندهد تا حضرت الله تعالی او را در روز موعود سفید
حشر کند بینا کی وی گواهی دهد یک از اکابر قوم هر که را
یا فرزند یا کنیزک یا کس دیگر اطاعت نکند هر صباح دست بر پیشانی
او نهد یا موی پیشانی او را بگیرد و بیست و یکبار بگوید یا شهید
خصمی آنکس را مطیع و فرمانبردار او گرداند و بلطف و صلاح با
او در آید الحق یعنی خدا هست و هستی و بد بسته و سزاوار بحد
اینا مثبت که یوسف ببرکت این نام بیعقوب واصل گشت و موسی
ببرادر خود بنزدیکوی این نام رسید خاتم سلیمان بزرگواری
این اسم قرار یافت و نوبت دوم بتخت سلطنت نشست و بعزت داشت
این نام مملکت را و قرار گرفت اهل تحقیق گویند هر که خواهد

ببندد دستها را بر دامن سر دری
و بنهد در دیباستان عابد و ملحق
خود را بخواهد که یاد در دل بگذراند
و ده مرتبه بگوید یا ضیا یعنی نور
پس در دو بغله دستها را بلند کند
و بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم ایاک نعبد و ایاک
نستعین اللهم اکفنی عنی
یا من الذین کفروا فانک
دستها را بلند کند
و دعا بدعا یا صمد عظیم
روز جمعه را در روز دادن
عمل صد سید بگوید
دو رکعت نماز بخواند
و در هر رکعت



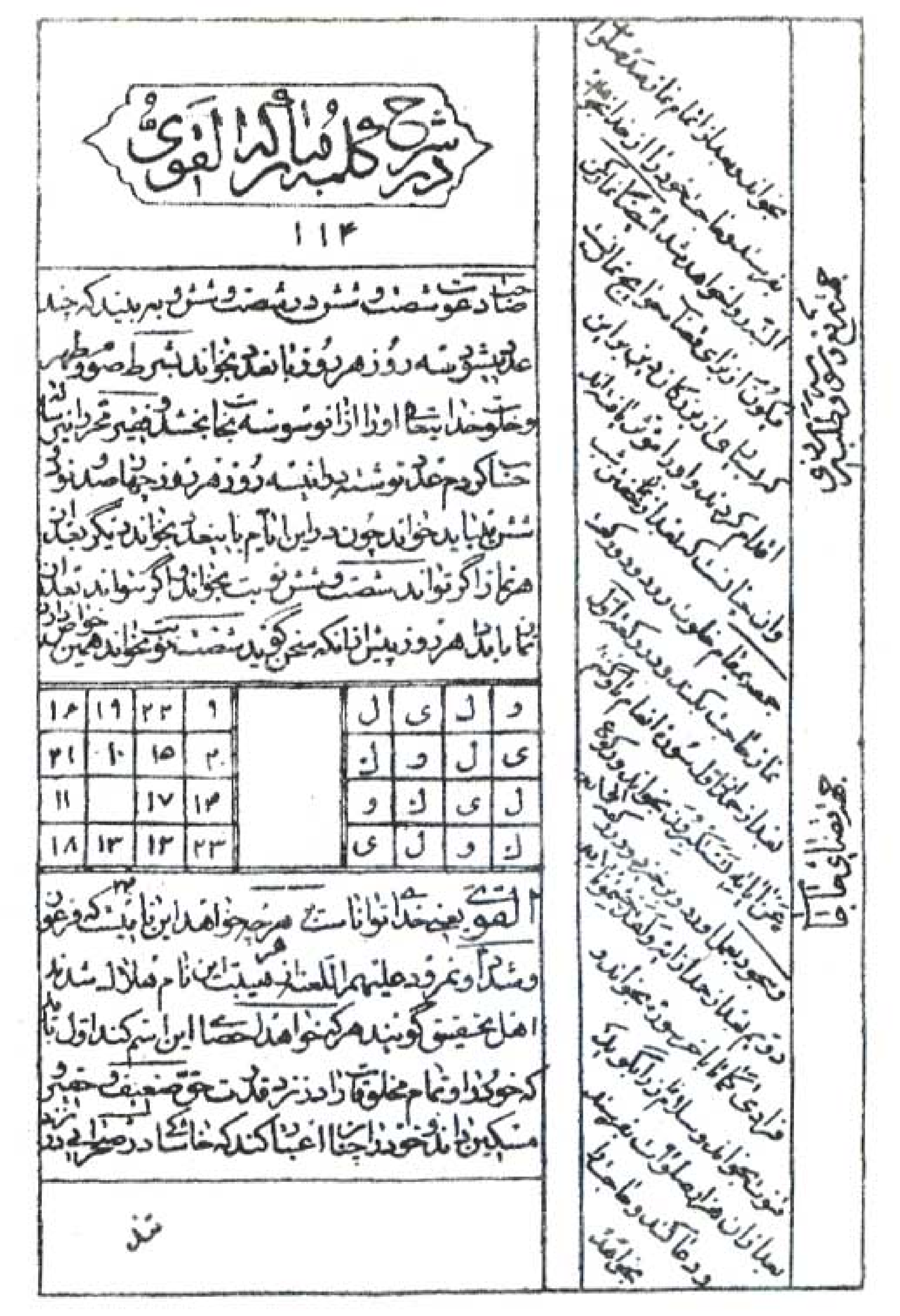
شرح در کلمهٔ مبارکهٔ یا حی

۱۱۳

ایضاً این اسم کند باید که اول بداند که تعظیم و تکریم هر مرغ خدا
تعالی را جایز نیست و استعانت و امید از همه کردن باطل است و هر که
او را جوهر بخواند تا خدای تعالی دیده او را نور و حضور
بخشد که در هر چه نظر کند حضرت حق تعالی را معاینه مشاهده کند
یعنی تجلی نور حق را هم به نور حق مطالعه نماید حضرت امام جعفر
علیه السلام فرموده اند هر که نیم شب برخیزد و وضو سازد و دو
رکعت نماز بگذارد و دو دست‌ها خود را بسوی آسمان بردارد و صد بار
بگوید یا حی قلب او نمیرد و منور گردد دل او و نورانی گردد
و صفای باطن و جلای قلب به جایی رسد که ضمیر الناس بر وی
منکشف گردد و شیخ معتبر فرموده که هر که را لحیه ضایع شده
باشد امید حصول آن دارد باید که نام یا حی بر گوشه کاغذ
بنویسد در میان قصه اسم حی بنویسد و بعد از آن زیر دکان عکس
این فرموده یعنی بر چهار کنج کاغذ حی بنویسد تمام ضایع شده
در میان صفحه چون نیم شب شود با طهارت تمام آن نوشته را بر کف
نهد و روی به جانب آسمان کند چندانکه می‌تواند اسم یا حی بگوید
و اگر این چنین مداومت نماید حق تعالی اسباب فتوح باز نماید

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوکیل

یا عوض بخیر کند نیکوتر از آن یا شد بوی رساند و اگر از جمعی مردی
غایب شده این عمل کند و از یاد بنماید بر دی برود بدین سبب اسمای اهل خواص
اسمای حضرت عزت هر چند دو حرفی است در اکثر کتاب نوشته‌اند خود
شد انشاء الله الوکیل یعنی خدا هست بر تمام چیز که بندهٔ تفویض
است وکیل گشته است مر بندگان متوکل را این اسم مبارک است که بحکمت
سلیمانا از برکت این نام در هوا میرفت و کشتی نوح از طوفان نجات
یافت و حضرت ابراهیم از آتش بسلامت شد هم از برکت این نام بود
اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید
که اعتماد کلی بر خدای تعالی کند کفایت تمام مخلوقات را از حضرت
وکیل داند که در کلام مجید فرقان حمید ارشاد است که وکفی
بالله وکیلا و شیخ جمال یمنی در شرح کبیر آورده که در جمیع
مهمات شصت و شش بار بخواند کفایت کند دعوای مهمات کسانی
است که ناسپاس و وسوسه بر ایشان غالب باشد و در طلب
مضطر باشند علی الدوام در رنگ و بیرون سرگشته‌اند
اگر این مهین کسی بدین نیابتها تمام دعوای این اسم چنانست که عدد
این اسم شصت و شش است موافق عدد الله باید که نصر کند



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القوی

حاجت روا شود و شصت و شش روز در شصت و شش بار بخواند که چند
علت پیش نوشته روز هر روز با فاتحه بخواند بشرط صوم و طهور
و خلوت خدای تعالی او را از نوشته نجات بخشد فقیر محرر این رساله
حقیر مؤلف نوشته بر دو شنبه روز هر روز چهار صد و نود و
شش بار باید بخواند چون در این ایام با بیعت بخواند دیگر بعد
هر روز اگر تواند شصت و شش نوبت بخواند اگر نتواند تعداد
تمام باید هر روز پیش از آنکه سخن گوید شصت و شش نوبت بخواند همین خواص دارد

۱۶	۱۹	۲۲	۹
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰
۱۱		۱۷	۱۴
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳

ل	ی	ق	و
ق	و	ل	ی
و	ق	ی	ل
ی	ل	و	ق

۲ القوی یعنی خدا توانا است هر چه خواهد این نام بیت که فرعون
و شداد و نمرود علیهم اللعنة هیبت این نام هلاک شدند
اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید
که خود کند و تمام مخلوقات را اندر قدرت حق ضعیف و حقیر
مسکین داند نفس خود چنان اعتبار کند که خاک است در صحرای

خاصیت و نقش کلمه القوی
فوائد

شد با خدا افتاده تا بهر سو که اراده او است او را میل دهد و هیچ
اختیار ایشان نماند و تا خود را در پیش قلب شخص چنان
اعتبار نکند تمام نیست آنگاه او را حضرت قوت در قلب اعتقاد
آید شیخ بونی و شیخ مغربی و جمیع دیگر ان متفق اند که هر که را
دشمن قوی باشد و او را در پیش قهر خصم مضطر باشد باید او
قلب را زند و خمیر کند مثل هزار و یک گلوله بسازد و بهر یکی آن
اسم بخواند آن خمیر ها را بمرغان دهد تا باید که در زمین یا لب
و در دل خود دشمن تصور کند انشاء الله تعالی دشمن را قهر کند اگر بعد
از عمل بذکر این اسم مداومت نماید بعد تکبیر دشمن هلاک شود
و اتباع او ناچیز گردند گویند خواجه نصیر الدین طوسی را در
هلاکو جهت خلفاء عباسیه این عمل کرد و آن فتنه انجام یافت اهل طریقت
گویند هر که بعد نفس اماره گرفتار بود و وسوسه شیطان در
بدفع آن انجا را اسم اعظم از وقت طلوع صبح تا ادای فرض
بماند بعد از تمام نماز تا طلوع آفتاب بذکر این اسم قیام نماید
بفضل خدا تعالی او را غالب گرداند بر نفس و شیطان و در حین
سلوک سالک را بذکر این اسماء غافل نباید بود الخ



شرح کلمهٔ مبارکهٔ القوی

المقتدر القوی القائم و هم شیخ فرموده هر که مداومت
نماید بذکر این اسما بعدد کبیر جمل بعد نیت نماید او را قوت
و قدرت و توانائی در نفس کند و غالب آید بر همه کس
و سری عجیب در خواص این اسما است شرح نتوان وصف نماید
و حضرت دعوت این اسما از مکاشفات عالم غیب است و اثر این اسما
گردد و دعوت این اسم مناسب است با اهل دولت و سلاطین که از
زوال ملک و دولت ترسند دعوت این اسم تو وصد شمار است
بعدد اسم و اما بعدد کبیر باید خواند هر روز یکبار و در هر یک
محل خوانند و مبدا طلوع صبح صادق و بر این افتتاح اول این خوانند
این اسم و اگر چهار اسم را در مربع نهد با بسط حروف با خود دارد

۲۸	۳۴	۴۰	۱۴	موخر	ی	و	ق	ما
۳۸	۱۶	۳۶	۲۶		ق	ما	ی	و
۱۸		۳۰	۴۴		ما	ق	و	ی
۳۲	۲۲	۲۰	۴۲		و	ی	ما	ق

هر که با دشمن خود این لوح مجادله کند مقهور گردد و اگر بادشاه
با ظالم نرود بنجم فنوشته بر شقه علم بندند هیچ لشکر

با او



با او متفاوت می‌توانند کرد و در وقت نوشتن بعضی شرط است
اما شاید تعیین نکرده‌اند اگر متصل به مقتدر باشد بهتر و در این
مربع عجایب و غرایب بسیار است و مربع القوی این است

۱۸۵	۱۸۹	۱۹۲	۱۲۸	مغلق	القائم	القوی	المقتدر	القادر
۱۹۱	۱۷۹	۱۸۳	۱۹۰		القادر	المقتدر	القوی	القائم
۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳		القوی	القائم	القادر	المقتدر
۱۸۸	۱۸۲	۱۸۱	۱۹۳		المقتدر	القادر	القائم	القوی

المتین یعنی خداوند استوار کار این نام مقدس که سیم در پیشانی
او نویسد و هر کس این اسم فریق مشتاق ... حقیقت گویند
مرکب خوانند حضار این اسم کند اول باید که حکم هیچ حاکم ظالمی
در این عالم نافذ نشود بر حکم ننمایند همه محکوم حکم خالق باشند غیر
... منور گردانند اخذ یعنی او نباید کار نخود یقین صاف کرد
کند حضرت امام رضا فرموده‌اند هر نقوش را که شیر در پیشانی اکرام باشد
این نام را در تکاشیر چنین نوشته‌اند بایزان نقش بنویسید که در عالم
باشد به ... همه کس لقمه و نیز طعنه کار
واقع شده باشد باید که چون قرار مخصوصا خارج عدد و بسوی ناظر



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المتین

۱۱۸

این مربع را در ظرف صفید یا طبق چینی یا آبگینه بمشک و زعفران

نویسند و آن را به آب باران بشویند و محکم نگاه دارند و هر روز از آن

قدری بر کف دست کشند و بر روی مالند هر شخص که باشد در روی ایشان

روا شود و فتح در کارها او پیدا شود و قدر و مقام از مردم یابد و اگر

گردد و این آب را بهر کشت و زرع که رسد خدای تعالی برکت و جمعیت

ثمره زیاد گرداند و زمینی که دخل کم دهد اگر از آن آب بپاشد قدری

یا باغ و زراعت چند بدهد که منصور زارع بباشد هر کس از آن

قدری بر روی مالد یا بخورد قبض و بسط شود یا بیابد اگر عوض

بد شود زیاده از این آب ... داخل شاند یا ... با رحمت ...

۱۱۰	۱۳۶	۱۳۰	۱۲۴
۱۳۲	۱۲۲	۱۱۲	۱۳۴
۱۲۰	۱۲۶		۱۱۴
۱۳۸	۱۱۶	۱۱۸	۱۲۸

م	ت	ی	ن
ی	ن	م	ت
ن	ی	ت	م
ت	م	ن	ی

و اگر محبوس بسیار خواند نجات یابد و دعوای این اسم مبارک ... ذات که

در توکل مشغول باشد این اسم هر روز بعد از نماز ... بخواند ...

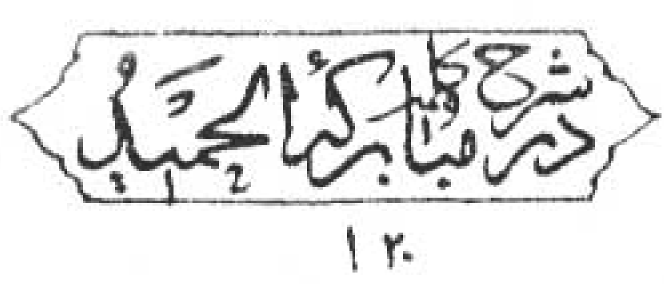
استوار گردد و ...

[illegible]

شرح در کلمهٔ مبارکهٔ الولیُّ

جمعه را فرض اگر ورد کند هر روز نیز بر عدد بخواند کفایت گردد
و اگر طفل را از شیر باز کنند و صبر نتوانند کردن این اسم را بر خوردنی
خواند بدان کودک دهند تا بخورد صابر گردد ۳ الولیُّ یعنی
خدای نیکو دارندهٔ دوستان و بندگان پاکیزه اعتقاد و بعضی دیگر
خدای دوست دارندهٔ مؤمنان و این نامیست که محبت خدای تعالی بود در
دلهای مؤمنان مضطفین این نام مرید می‌گردد اهل تصوف گویند
هر که خاصه این نام کند اول باید که بتمامت اعضا و جوارح مطیع
امر خدای باشد امر خلاف حکم حضرت عزت نکند دوستان
مطیع خدای خود را دوست دارد و با همه اشیا محبت ورزد و دل طمع
از همه کس بر دوزد تا ولی متعال در دنیا و آخرت ناصر او باشد و نیکو
این اسم مناسب کسانی است که چشم از نامحرمان نگاه توانند داشت تا بعد و
این اسم قیام نمایند هر روز ورد سازند پنجاه و هفت نوبت بخوانند
بعد هر نماز و اگر کسی را عورت سلیطه باشد یا کنیزک بد زبان این اسم
در حضور او بیان بکند همه نیک خواند خدای تعالی ایشان را خوش
نیک خو کند اگر کسی بعد هر نماز چهل و شش نوبت بخواند حق تعالی همه
خلق را دوست و مهربان او گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود

دو روز از مطلب بر آورده است و
[illegible] بعد باید [illegible] اعضا
لفظ الحی [illegible] در دو رکعت نماز کرده
دو [illegible] دعا [illegible] بعد از دو سجده
دو رکعت نماز دیگر بگوید لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین
تا مطلب حاصل گردد
از برای قضای حوائج در دو رکعت نماز
[illegible] بگوید
[illegible] الفتاح [illegible]
القادر القاهر [illegible]
[illegible] نصف شب [illegible]
[illegible] در دو رکعت نماز
[illegible] مراد
از [illegible] حاصل شود [illegible]
[illegible]



که اگر سلطان یا امیری از کسی در غضب باشد خواهد که تسخیر قلب
بسا کند یا یکی از خواتین محتشمه را خواهد که مطیع خود گرداند این نام
ما اکرام برگلی یا میوه بقول شیخ معز سه عدد تکبیر یا نوزده شش
صد یا زده نوبت بقول امام رضا علیه السلام چهل و شش نوبت
و چون آن گل را ببوید و غیر نگرند یا میوه را بخورد خدای تعالی
او را رحیم و مهربان گرداند انشاء الله تعالی و باید شش یا و یا بم دو

ی	ل	و	یا
د	ما	ی	ل
ما		ل	ی
ل	ی	ما	و

و

۱۱	۱۴	۱۷	۴
۱۶	۵	۱۰	۱۵
۶		۱۲	۹
۱۳	۸	۷	۱۸

الحمید یعنی خدا ستوده است ذات خویش بسبب کرو ستایش و
پرستش بندگان و هشتاد هر بلند کان این نام منست که دفع بلا آفات این سما
بلا و ببرکت این نام میگویند اهل تحقیق گویند هر که خواهد
لحضا این نعم کند اول باید که دل و زبان خود را بمجد حمید
و ذاکر سازد و مجت صلحا و خاندان گرید حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند جهت نفع سفاهت خود یا دیگر بنویسد و هر بار کرتوبید

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحمید

بر ظرفی که آب میخورد اند از دو اوان آب اسما الله المتعال فی قوله
و بخورد و دعوا این اسم مبارک قهار الان و خیر گوینده فنا است حضرت
شیخ فرموده اند هر که اعوذ با کلمات الله التامات بخواند و بخورد و نقش کند بر نگین صورت
صلاح بنکنانی کند که منع ایشان فاده نباشد بر نقشبند این اسم
بر طعام میخوانند بدان اسم سید شده تا میخورند حقیقتا ایشان را
بصلاح باز آورد و هر که قادر نیست بزبان خود و بتوسط شخص
میگوید هزار میکند از قول مفضل الوانند بر خلاف قوم پر مسکر
و خونریز از آن بنیاد میشوند اما ضبط الحوال خود عشق اند که دنیا
خاکر بایز بر کیست صدر دمی از افضل خاطر زینت میکرده اند
با عشر این سه بر کوزه کراب میخورند بنویسند تا کراینلوح طلا
نقش کرده اند طرف آب از اسماء نوشته اند از آب میخورند الحزب را
و بخیر و صلاح ایدان آن ضعف افزوده و بنیکو مبدل گرداند
القلوب نان را و افغان شاخ جا رسانند تن خلاف نوع نیز بیکرم
گردد و هر کس که بعمل مشغول شود اسم الوحی و الحمید مدت متصل دو
بعد تکبیر اینکه اسم مبارک اند هزار و چهار صد و بیست صد است و با
و الف لام علی تکبیر چهار صد بشمرده با هیئو و چواند صد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المحصی

١٢٣

کند بیند آید در باطن او صفت و خاصیتی که بدان دوست [illegible]
گردد و بپسندد عهد دیگر در ملکوت از آنها شود و معزز و
اعز هر دو نزد او سلاطین و علوم شود او را بود قبول خلق و مشهور
روزگار گردد و غم بر او نداه نیاید و دائم مسرور باشد [illegible]

١٥	١٨	٢١	٨		د	ی	م	ح
٢٠	٩	١۴	١٩		م	ح	د	ی
١٠		١۶	١٣		ح	م	ی	د
١٧	١۴	١٢	٢٢		ی	د	ح	م

المحصی یعنی خدا داناست علم همه چیز این نام مبارک که بندگان
نامها خود بر برکت این نام خواهند خواندا اهل تحقیق گویند
هر که احصا این نام کند اول باید که علم بر کلیات و جزئیات [illegible]
بس و بحضر دوست ودود لازم و مطیع حضر عزت [illegible]
تا او را عالم بر خواص اشیا و مخلوقات گرداند و بعکاره کار [illegible]
هر که و نزد سا ورد و جمعه نزد [illegible] هفتصد پنجاه و پنج نوبت بخواند حتا
قیامت برو آسان گردد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده که
شب جمعه هزار و نهصد پنجاه و پنج نوبت بخواند در آخر حنا

[illegible]

شرح کلمه در بیان المبدی

۱۲۳

و سهل گردند اما اگر کسی ورد سازد و هر روز هزار و پانصد
پنجاه و پنج بار بخواند اگر حسنا عملکنی بوی دهند از عهده بیرون
تواند آمد و بر وی آسان گردد و دعوی این اسم همانا کسانیست که در حسنات
عاجز باشند عدد تکبیر این اسم هفتصد پنجاه و چهار و بقول
شیخ هزار و یکصد و اینکه تکبیر است و تمد چهار روز بانیعده باید
خواندن تا دفع شود و هر چه بشنود یاد گیرد و در حسنا غلط نکند

۳۶	۴۲	۴۸	۲۲		ی	ص	ح	م
۴۶	۲۴	۳۴	۴۴		ح	م	ی	ص
۲۶		۳۸	۳۲		م	ح	ص	ی
۴۰	۲۰	۲۸	۵		ص	ی	م	ح

۵۲

المبدئ یعنی آفریننده هر چیزی بی علت و حاجت این نام بوست
کار و اخراج اشیاء به برکت این نام در معنی وجود اهل تحقیق گویند
هر که خواهد که ختم این اسم کند اول باید که حضرت عزت را آفریننده
همه اشیاء و خلاق موجودات داند و تعالی نعمتهای کامله او را از بلیات
و نکبات دور دارد و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که
شروع نماید در کار اول باید که این نام را اکرام را نیکو و تسبیح

بعد از غسل دو رکعت نماز بگزارد
حاجت بگذارد در هر رکعت بعد
از حمد یازده مرتبه قل هو الله احد
بخواند و ده مرتبه در رکوع قل
هو الله و بعد از رکوع ده مرتبه
در سجود الله ده مرتبه
بعد از سجود ده مرتبه و بعد از
نشستن ده مرتبه در سجده
ده مرتبه و هر دو رکعت همین طریق
تمام نماید و بعد از فراغ حمد الله
بجای آورد و صلوات بر محمد و آل
او بفرستد و حاجت بخواهد از
خداوند عز و جل که بحرمت این نام
از بستد کار تمام شود که
چون کسی را مشکلی پیش آید و دعا
نماز بگذارد و بعد از آن مرتبه
هفت بار این دعا
بخواند

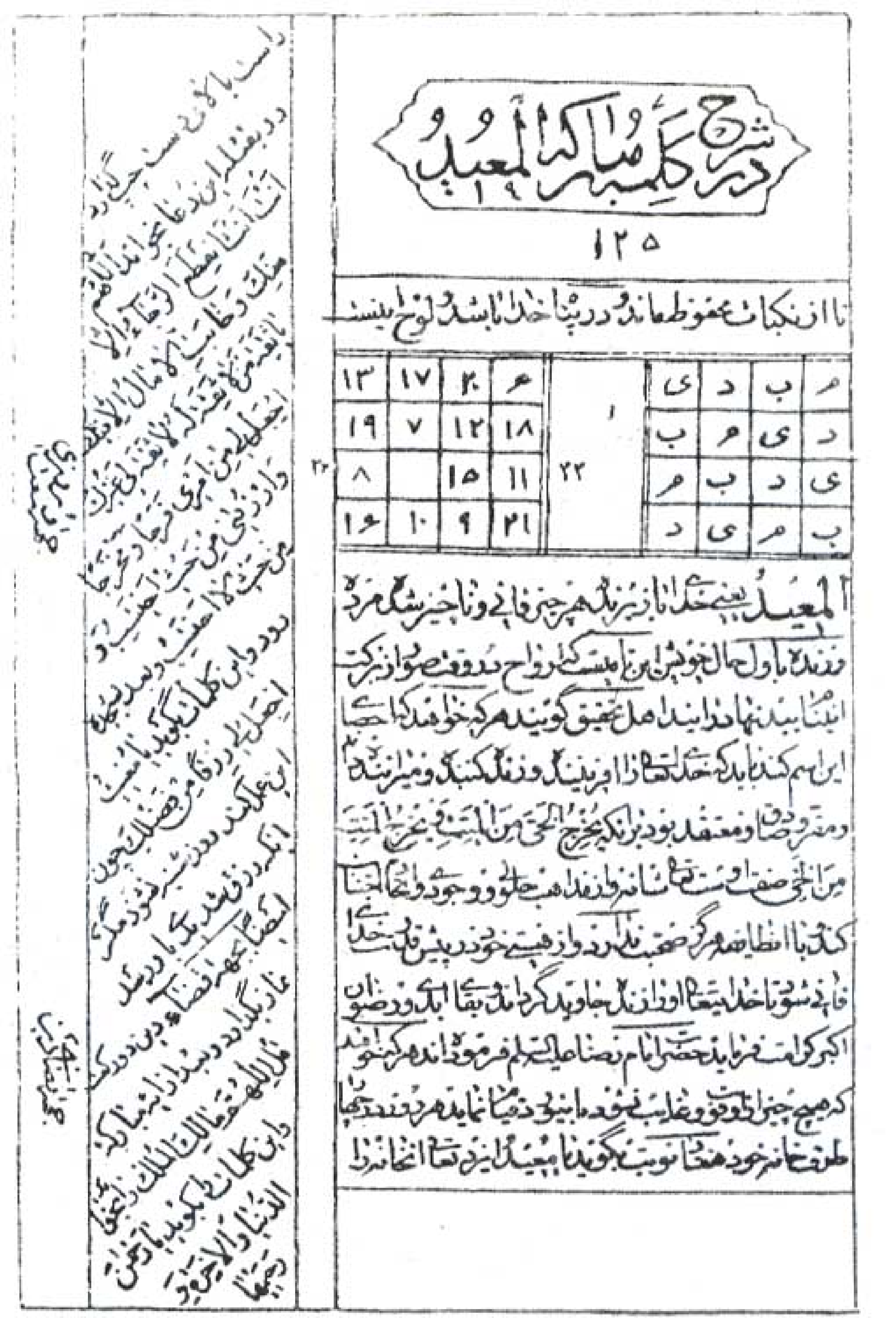


در شرح کلمهٔ یا المبدئ

بگویید از سر تعظیم بعد از آن بند نکاح را اقدام نماید لیکن باید تمام
رسد شیخ فرموده هر که طالب فرزند نباشد باید که این اسم فیاض
نماید دایم در دل خوانند و صحبت با حلال خود و اگر زن و شوهر
هر دو مداومت نمایند حضرت عزت ایشان را فرزند صالح کرامت فرماید
و اگر از قوت شده حمل نرسند این تعویذ را بر لوح عقیق یا سنگ نقش کنند
و بار نیم سبز عود در گردن خود بندند و مرد انگشت شهادت را بر گرد
شکم زن بگرداند و اگر شوهر حاضر نباشد باید بار [illegible] غسل کنند
و بعد این عمل تمام نماید چون از نماز بامداد [illegible] بر جا
نماز نشسته درود بر روح حضرت رسالت صلی الله علیه وآله فرستند
و نود و نه بار این اسم بخوانند و بر حامله دم کنند تا هفت روز
چنین کنند آنچه در شکم است ضعیف بود خدای تعالی ایمن و سالم دارد
حامله باید که این اسم مداومت نماید تا سلامت وضع حمل شود و اگر عورت
بود و طی حمل او ضایع میشود یا حامله نمیشود و تصور کنند [illegible]
باید که این اسم مداومت نماید بعد کبیر و این لوح عقیق با خود دارد
اگر میسر نشود بر طلا و اگر طلا نیز میسر نشود بر اطلس سرخ یا کاغذ
نقد نویسد با خود دارد فرزند که [illegible] باید خواند

بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الکبیر ...

فاز



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعید

۱۲۵

تا آن کتابت محفوظ ماند در بنا خدا باشد لوح این است

۱۳	۱۷	۲۰	۴		ی	د	ب	م
۱۹	۷	۱۲	۱۸	۱	ب	م	ی	د
۸		۱۵	۱۱	۲۲	م	ب	د	ی
۱۶	۱۰	۹	۲۱		د	ی	م	ب

۲۲

المعید یعنی خدا باز برنده همه چیز فانی و باز خیزنده مرده
زنده باز اول حال خویش این اسمست که ارواح بعد وقت صور از برکت
این اسم به تنها بدنها آیند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احیا
این اسم کند باید که خدای تعالی را آفریننده و زنده کننده و میراننده
و مقدر و قضا و معتقد بود برآنکه یخرج الحی من المیت و یخرج المیت
من الحی صفت او است تعالی شانه و لذا هر حالی و وجود و انتهاء
کند با انتظار هر که صفت ندارد و از هستی خود در پیش فنای خدا
فانی شود تا خدای تعالی او را از باز جاوید گرداند ببقای ابدی و در صور
اکبر کرامت فرماید حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که نخواهد
که هیچ چیز از وی فوت و غائب نشود ما بین دنیا تمام بعد هر روز جمعه
طرف خانهٔ خود هفتاد نوبت بگوید یا معید ان شاء الله تعالی آید همه انجامد

[illegible] در بعض ادعیه منقول است اللهم [illegible]
[illegible]
و این کلمات را باید گفت یا محیی الدنیا و الآخرة و رحیمهما

شرح در کلمه مبارکه المعید

ساالهر دارند واگر غایب شده دارد بروی بوطن باید حضرت شیخ
فرموده که اگر کسی غایب شده دارد و از وی خبر ندارد شب جمعه دو شنبه
و پنجشنبه چون مردم آرام گیرند برخیزد غسل کند باید که روزه
پنجشنبه صدقه داده باشد و دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی
کند یا مغیث صد بجا و بعد از نماز بگوید در هر رکن خانه هفت بار
دیگر بگوید دست بر دارد و عقل اگر تواند بگوید طلب غایب
کند چون در این شب قیام نماید بروی غایب یا خبر وی برسد از هیچکو
احوال او مطلع گردد و هر کس بهر دعوا این اسم مداومت نماید چهل
روز بعد تکبیر که فرض و یکبار است یا بعد تکبیر که مع صد و موجب
هشتصد عدد است که باید خواند اما اگر بعد تکبیر خواند در
هر شبانروز ده عدد تکبیر باید خواند که هشت هزار باشد اورا
بود بود بمنا صاحب دعوا اسماء الله تعالی منزلت قرب علی اکرام از
درنیابد آن عاجز باشد این اسما باشد عو خواص عجب دارد
میان دعو بر صاحب ان ظاهر گردد و مشایخ که دعوا این اسم کرده اند
طالبان صادق را وصیت کرده اند بمداومت این نام و دعوت این
نام مناسب کسانیست که از شغل و غفلت مستمند نماید و مداومت این اسم

تعلیق

در نماینده هر روز و اگر میسر شود بعد از هر نماز صبح یکصد و بیست و چهار نوبت بگویند ختم و بر سعادت ایمان شود و مربع المحیی این است

۳۰	۳۶	۴۲	۱۶		ی	د	ع	م
۴۰	۱۸	۲۸	۳۸		ع	م	د	ی
۲۰		۳۲	۲۶	۴۶	م	ح	ی	د
۴۴	۲۴	۲۲	۴۴		ی	د	م	ع

المحیی یعنی زنده کننده و جان بخشنده مرجان مرده این اسم شریف که استخوانهای پوسیده از برکت این نام هم بپیوندد اهل تحقیق گویند هر که خواهد این اسم کند اول باید که سعی کند که میرانیدن کند جمله علوفات او است اما باید که بکند که در آن فصل بهار است چو خشک گیاه سبز و نرم بیرون می‌آیند در کلام مجید فرموده که فانظروا الی آثار رحمت الله کیف یحیی الارض بعد موتها و چون بنده خدای خود را بر صفت بداند باید [illegible] این اسم شریف قیام نماید محیی قلب دل و دل زنده گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر که از درد و ضعف [illegible] هر کس از سلطان ترسد و از کشتن باید کردن [illegible] هفت مرتبه [illegible]

دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه سوره الهاکم التکاثر بخواند و در رکعت ثانیه سه مرتبه سوره اذا زلزلت الارض بخواند چون فارغ شود در سجده هفت بار بگوید اللهم [illegible] و سه بار در سجده [illegible] بخواند [illegible] الارض [illegible] نویسد و در [illegible] انواع [illegible] دفع فقر این نماز سریع الاثر است از حضرت رسول صلی الله علیه [illegible] که هر که بعد از نماز [illegible] نماز بگذارد و در رکعت [illegible] سوره [illegible] محمد



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المحیی

١٩٦

١٢٨

و فراغت این اسم را نود و نه نوبت بخوانند بر خود دمند از جملهٔ آفات ایمن گردد و شیخ معز فرموده هر که خواهد تا در قبر از هم نریزد تا قیامت که روح در او دمند این نام را بعد تکبیر که بیست نوبت بخوانند سالم ماند از پوسیدن در قبر ان شاء الله تعالی

١٦	٢٢	٢٨	٢
٢٦	٤	١٤	٢٤
٦		١٨	١٢
٢٠	١٠	٨	٣٠

٣٢

ی	ی	ح	م
ح	م	ی	ی
م	ح	ی	ی
ی	ی	م	ح

المميت یعنی میرانندهٔ هر زنده آیینها بیست که انبیا و اولیا را کام از نهیب این نام بشکند اهل حقیقت گویند هر که خواهد که لحظه ای این اسم کند باید که خود را در پیش قلب نفس خود چون میت نهد در دست غسال تا حضیض فنا اوفتد و او را از مرگ دل نگاه دارد در دنیا و آخرت و او را بنور معرفت خود زنده گرداند تا تواند با بینهٔ عالم که بعجائب تماشا نشاغل این نماید در دنیا سنت فرض باید در سر نوبت خواند بیست او را از زوال ایمان نگاه دارد و عقل او را نورانی گرداند دعا این است اللهم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام

باالله

در ثنا فی الحمد لله یکبار و دو نوبت یکبار بخوانند و بعد از سلام [illegible] دعا و صلوات [illegible] بارها [illegible] گوید [illegible] طلب کند [illegible] در بیان مطلق [illegible] و در باب [illegible] دولت و آن باب [illegible] مطلق [illegible] حروف [illegible] خواهد بیست و نهاد [illegible]

[illegible] در حروف [illegible]

...الله یا الله یا الله یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی
...نور معرفتک ابدا یا قریب یا مجیب اللهم یا ولی الاسلام
...واهله ثبتنی علی الاسلام حتی القاک به اللهم تقبل
...من کل شیء ... النوافل و حج محمد النبی صلی الله علیه و آله و
...العمر... یا مقلب القلوب والابصار ثبت قلبی علی ... مجیب
... یا ارحم الراحمین حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
...که انکس که نفس اماره بر او غالب باشد خواهد که مطیع گردد
...باید که بوقت خواب خواهد ... صد بار بگوید تا تمت
...بعد از آن همچنان میگوید تا در خواب شود حضرت نفس او را مطیع
...گرداند اگر سلطان ... نظر الهی ... یک نوبت بخواند ...
...شود ... خصم ... چهل روز هر روز بعد ... تکبیر
...که هزار ... یا مقصد ...
...نوبت است بخواند دشمن
...مقهور گردد ... ضبط
...این ... سلم ... المبین
...المعبود ... المجیب ...

المعبود	الرب	الحمید	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	المعبود
[illegible]	المعبود	[illegible]	[illegible]	[illegible]
المعبود	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

... الله ... کرمانها ... سرور ... مطلوب ... حد آن ... و بعضی دانسته اند ... الله را بخواند ... مطلوب باشد ... بعضی ... و ... باشد ... و بعضی ... دو ... بخواند ... تا ... باشد ... کرامت ... بخواند ... باشد ... [illegible]

... [illegible]

شرح کلمهٔ مبارکه الحی

۱۳۰

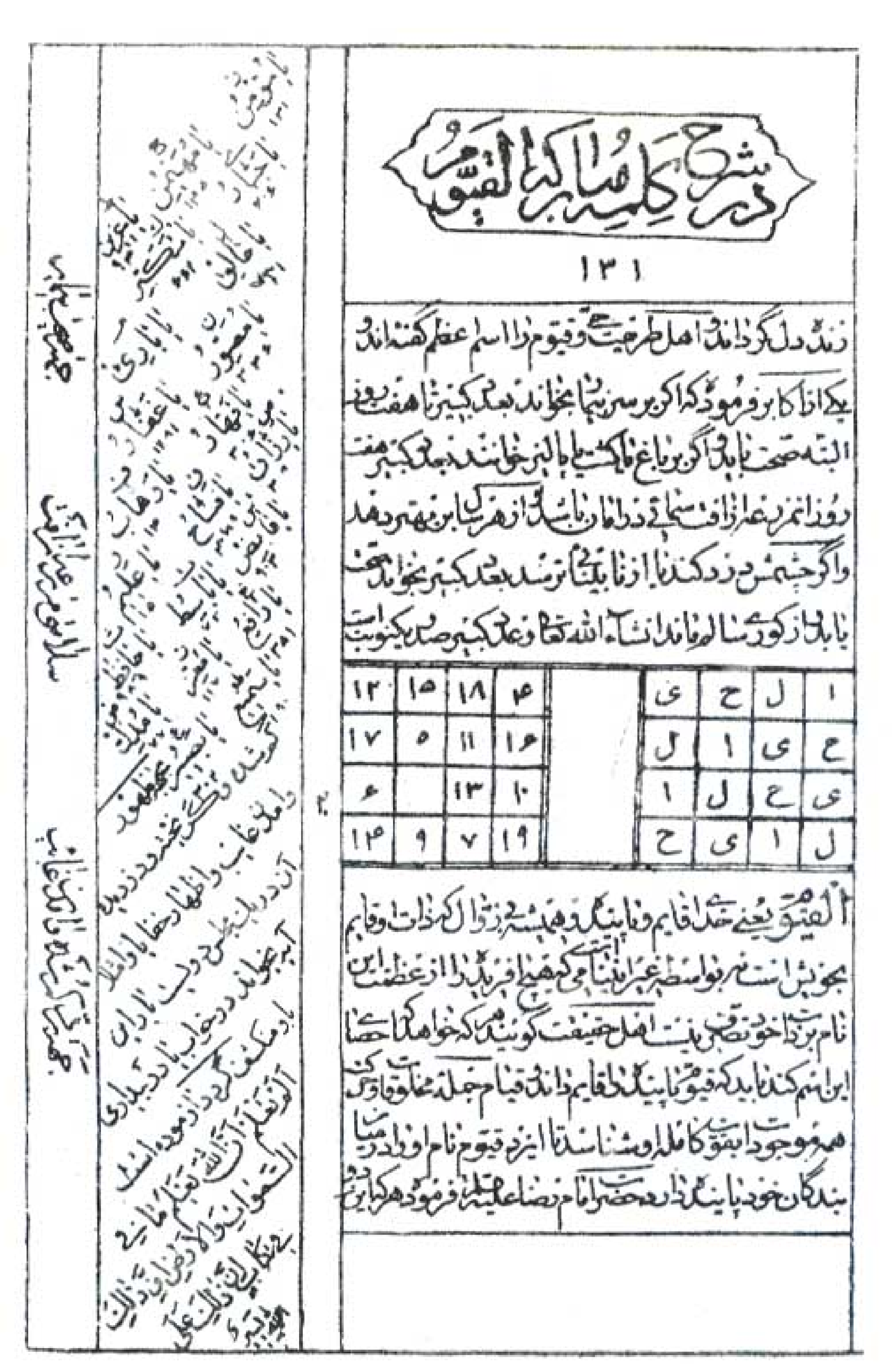
فرمود که این اسما ذکر افضل عبادتست و هر صفتی که صفات ربّ
بدانکه این اسما مثلا و مشابه عالم گردد و اگر طالب علم بخواند این
اسما قیام نماید عالم گردد و فهم و ادراک و عقل او زیاده بود که خود
هم متحیر بماند هیچ چیز بر او مشکل نگردد و حلال مشکلات خود
گردد و اگر چیزی بر او مشکل شود باز رجوع با این اسما کند بگشاید
و از خواص این اسما است که اگر کسی عدد این اسما کند تعالی الله ذا
ضبط تواند کرد و محاسبه این ناظر نگاه تواند داشت و عدد که
در او بیست هر روز خواهد خواند هزار و هفتصد و چهل نوبت است

م	م	ی	ت
ی	ت	م	م
ت	ی	م	م
م	م	ت	ی

۱۳۵

۱۱۵	۱۲۸	۱۲۵	۱۲۲
۱۲۶	۱۲۱	۱۱۶	۱۲۷
۱۲۰	۱۲۳		۱۱۷
۱۳۶	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۴

الحی یعنی زنده پاینده که از ذات خود بی نیاز از سبب دیگر این نام
کرامات بسیار از برکت این نام احتیاج نبود و چون تو انیست اهل حقیقت
گویند هر کس خواهد که احصا این اسم کند باید که الله تعالی زنده
جاوید باشد ازلی و ابدی همیشه و پاینده حی و قیوم اند دنیا و عقبی



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیّوم

۱۳۱

زنده دل گردانند اهل طریقت حیّ و قیّوم را اسم اعظم گفته‌اند
یکی از اکابر فرموده که اگر بر سر بیمار بخوانند بعدد کبیر تا هفت روز
البته صحت یابد اگر بر باغ و کشت یا انبر خوانند بعدد کبیر هفت
روز از تمر بضاعت سنجابی در امان باشد از هر آفت بر مهتر رفقد
و اگر چشمش درد کند یا از نابینایی ترسد بعدد کبیر بخواند هفت
یا بلا زکوة سالم ماند ان شاء الله تعالی و عدد کبیر صد و یک نوبت است

۱۲	۱۵	۱۸	۴		ی	ح	ل	ا
۱۷	۵	۱۱	۱۶		ل	ا	ی	ح
۶		۱۳	۱۰		ا	ل	ح	ی
۱۴	۹	۷	۱۹		ح	ی	ا	ل

القیّوم یعنی خدا قایم و پاینده و همیشه بی زوال که ذات و قایم
بجوهر است نه بواسطهٔ غیر این نام که ضبط و فرید را از عظمت این
نام بر ذات خود تصریح نیست اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای
این اسم کند باید که قیّوم پاینده و قایم بذات و قیام جملهٔ مخلوقات و
همه موجودات بقوت کامله وی شناسد تا از قیّوم نام او را در میان
بندگان خود پاینده دارد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر که این



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم

اسم را ورد سازد عمر شریف دراز گردد و مرادات و مقاصد حاصل شود و بر
دشمنان غالب آید و او را بود تصرف در دلها و مرادات و حاجات حاصل
شود بزودی ذکر وی و گاه بر برکات این اسم حی و قیوم و یکی از اکابر
فرموده هر که مداومت نماید بر تکرار این اسم خاصه بوقت سحرگاه
قادر گردد بر آنکه تصرف کند در دلها بر وجهی که خواهد و اکثر
اکابر آنند که اسم اعظم این دو اسم است که از جمله اسماء ذات است و از
امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرموده دیدم رسول خدا را که
در حالت اضطراب میگفت یا حی یا قیوم در حال فرج رسید و هم
فرموده که این دو اسم ذکر اهل غرائب است و لا ابوطالب را حاجات و عز
وجوه بندگان در رفع بلیات و وفات حوائج این اسم در وقت صبح و طلوع
آفتاب و از جمله اسماء عجیبه یکی این است یا حی یا قیوم یا لا اله
الا انت و بعضی دیگر گفته‌اند یا حی یا قیوم یا لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله و بعضی نام هر چه مطلوب باشد و هر چه خواهد
تواند کرد و از خواص این اسما حکایات غریب گفته‌اند نظام سلسله
قلوب و ظهور اجابت و قضاء حاجات و برآوردن مقاصد و اهم
مشکلات در کتب ذکر کرده اند از خواص اسما و بر ایشان کشف شد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ لقیوم

تا جمله زاد در این مختص بنا ونهیم تا برقی ومشتاقان گر نعوذ بالله
خبر هذا دنیا نماید حضرت شیخ فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه وآله را بخواب دیدم عرض کردم یا رسول الله
مرا چیزی تعلیم نما که باعث زنگ گردد دل من یا لگر نهد از کدورات
آنحضرت فرمود که بر تو باد که هر روز چهل بار بگو یا حی یا قیوم
یا لا اله الا انت اسئلك ان تحیی قلبی بنور معرفتك ابدا یا الله
و خواص بر تربیت است و جمعی بزرگان فرموده اند که هر که خواهد
دعوای اسما کند طریق آنست که صد و هشتاد روز بعد از این دعا
قیام نماید با مردم اختلاط کم کند کم خوردن پیشه کند و پیوسته
صائم و با وضو باشد تا تواند در خلوت تکرار کند بیشتر در وقت
سحر ذاکر باشد دیگر از شرایط آنست که بساعت تکسیر تمام حروف
بر خاتم نقره نقش کند که صورت
آن اینست و از رنج دل ایمان و
یکدانه فقر نباشد و اعداد
نسخه بساعت تکسیر ...

٩٥٣	٩٥٧	٩٦٠	٩٤٥
٩٥٩	٩٤٧	٩٥٢	٩٥٨
٩٤٨		٩٥٥	٩٥١
٩٥٤	٩٥٠	٩٤٩	٩٦١

واگر خواهد که تسخیر کند هر یکی از سلاطین کند تمام طالب اسم



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیّوم

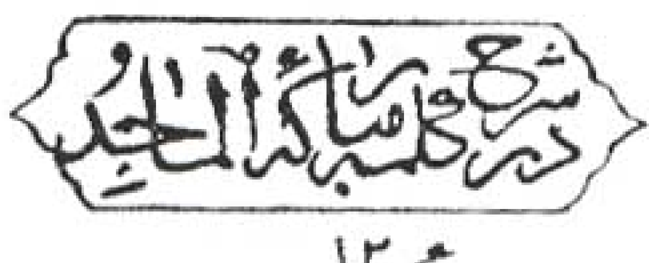
مطلوب وی این دو اسم تکبیر کند و بعد کامل بخوانند بعضی بر
آنند که عمل تکبیر این دو اسم چند است بعضی این دو اسم را بعدد
بخوانند و انگشتر را عزیز و مکرم دارد و در جبین عوگاه گاه در
نقش نگاه کند چون بر نظر بنشیند و مشاهده نماید از برکت این اسمها کار
او بجا رسد که بر هر مرده دل که نظر اندازد به شفقت دل او زنده گردد
و از نفس او بیماران شفا یابند از جوشش نفس او میوه حاصل آید
اگر شرایط بجا آورد اما باید که پنهان دارد و صفات عجیب و غریب
در حال دعوت ظاهر گردد دیگر آنکه چون دعوت اندر چشمه
حیوان نبرید و تخیر نماند در خورد آب اما باید بخورد تا خدای
او فلان بدکرامت فرماید تا او نخواهد روح نرود و مفارقت نکند
و شرح این زیاده از آنست اما باید که در خواص عمل ناقص نباشد
بینند از دکه ببرکار ره هر دو جهان نباشد اگر در اعتقاد او نقصان
باشد رجوع به دعوت کنند که اصل اعتقاد است و نقش خاتم این بوده که
عمود شد عمل تکبیر کبیر این دو اسم سه هزار و هشتصد و شصت و
عمل است و اگر نتوانند یک عدد پیش از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب
بخوانند و از برآمدن آفتاب تا استوا یک عدد بخوانند بعد از نماز پیشین

تا نماز

تا نماز شام بیکتوب بخواند و از نماز شام تا وقت خواب بیکتوب دیگر
بخواند که در همه شبانه روز سه هزار بیک بخوانده باشد یا وقار و تا
خواند یا حی یا قیوم یا حی یا قیوم و معانیا مقصود بخاطر کذراند
تا روز مقصود حاصل گردد و اینها تنها ابن بحال انگشت کند
حکم خاتم سلیمان بن داود علیهما السلام که جمیع خلایق مطیع و فرمان بردار
او گردند از حکم و قدرت او عصیان نتوانند که بعید از آن خاتم از
صور و کوه ... [illegible]

۳۸	۴۲	۴۵	۳۱		م	و	ی	ق
۴۴	۳۴	۳۲	۴۳		ی	ق	م	و
۴۳		۴۰	۳۶		ق	ی	و	م
۴۱	۳۵	۳۴	۴۵		و	م	ق	ی

الواجد یعنی خدا توانا است بر هر چه خواهد و اینها می
کرطالبان صادق را از برکت اینها و حکمت حاصل میگردد
اهل تحقیق گفته اند هر که را احتیاجی این اسم باشد اول با
که بدانند هر چه جمیع فرزندان آدم پوشیده است آنحضرت
ظاهر است و هیچ بنده خواص این چیزها میداند و پنهان



ع ۱۳

واسما را این خلق را معلوم دارد و خاصیتی هر چیز را
خود داده است هر چیز ضمیر بنگ خواهد گشت دشمن
وشتر بود را مختصر ثابت است بر آید که با خلق خدا نیکو
بکلیه باشد او را دولتی بنوعی بنیاد فهد که هر چیز و هیچ بود
بیاید دعوای این اسم ساکنان که طالب حال اخلاص باشند
و دعوت او را در دنیا ظاهر کنند و با این اسم مداومت نماید بعد نماز
تا مدت صد و چهار نوبت یا واجد بگوید انشاء الله تعالی دنیا بر او
کشف شود و اگر بعد از نماز بامداد قیام نماید و دل او صحیح بود
و اگر در حین طعام خوردن هر لقمه یا بگوید یا واجد انشاء الله تعالی
در درون او نوری پیدا گردد و اثر او بعد بر او ظاهر گردد انشاء الله

۱۴	۳۷	۳۴	۳۱
۲۵	۲۰	۱۵	۳۶
۱۹	۲۲		۱۶
۲۸	۱۷	۱۸	۲۳

و	ا	ج	د
ج	د	و	ا
د	ج	ا	و
ا	و	د	ج

الماجد یعنی بزرگوار عطا دادن چند نوبت بنا در وقت
عطا زیاده از یافت عقول و افهام است که جمله را فراهم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا ماجد

۱۳۷

از هیبت این نام ایمان آورده‌اند یا معطل و مغلوب گردند
اهل حقیقت گفته‌اند هر که خواهد که اختصاص این اسم کند باید
که خداوند ماجد را بزرگ و بزرگ کننده و عظیم داند اگر مرده را
عزت دهد اعتقاد کند بزرگ نباید که بحقیقت بدانند که خدا از بنده
خود کرم بکند و بزرگ گرداند خود را در درگاه آنحضرت حبیب
کمترین جمله بندگان شمارند تا مرتبهٔ قبول آنحضرت واهب العطایا
او را از بندگان مقرب درگاه گردانند شیخ فرموده هر که در
خلوت تا نیم شب این نام یا ماجد بگوید که از حس طبیعی بیرون رود
و بیهوش گردد و در آن حالت تجلی وجد دل وا فرو آید که از
آن نور باطن او معمور گردد و در مقام اخلاص مشتاق گردد
ابتدا کرده اگر این گوید معنی این ذکر بگذرانند و اجابت بود
دعوای این اسم مبارک نیست که اهل خلوت و سلوک‌اند این اسم
قبض واقع است و از آثار نور باطن محروم و منقطع‌اند و منکر این
نام باید که بهر امر اعلی تعیین نفرموده است شیخ که خدا
از فقرا شنیده گفته‌اند اما بطریق تعلیلی عمل معین کرده
طور ایشان بینا قسمت میکنند

در شرح کلمه مبارکه الواحد

عدد بینات میگیرند میم الف جیم دال عدد اولین را که خواهند کبیر خوانند جفر میر زیاده از دو اعداد مجموع شوند از دو عدد تا تا یازده عدد و در این باب اینده قاعده کافی است

۱۱	۱۵	۱۸	۴
۱۷	۵	۱۰	۱۶
۶		۱۳	۹
۱۴	۸	۷	۱۹

د	ج	۱	م
۱	م	د	ج
م	۱	ج	د
ج	د	م	۱

الواحد یعنی خدا تعالی یگانه است در صفا الوحید خواص خود بی نیاز است که از هر نوع صفت این نام تبدیل میکند کهند حضرت امام رضا علیه السلام فرماید هر کرا مرض ضعف بود کند هر روز صد یکصد بار بگوید یا واحد از ان بیمار صحت یابد و یکی از کار برگشته هر که درد دیگر یا بیجا بی از تنهائی ترسد یا از وحشت شخصی خایف بود یا در خلوت متوهم باشد این اسم را هر روز یکبار بخواند

۱۲	۱۵	۱۸	۵
۱۷	۶	۱۱	۱۶
۷		۱۳	۱
۱۴	۹	۸	۱۹

[illegible]

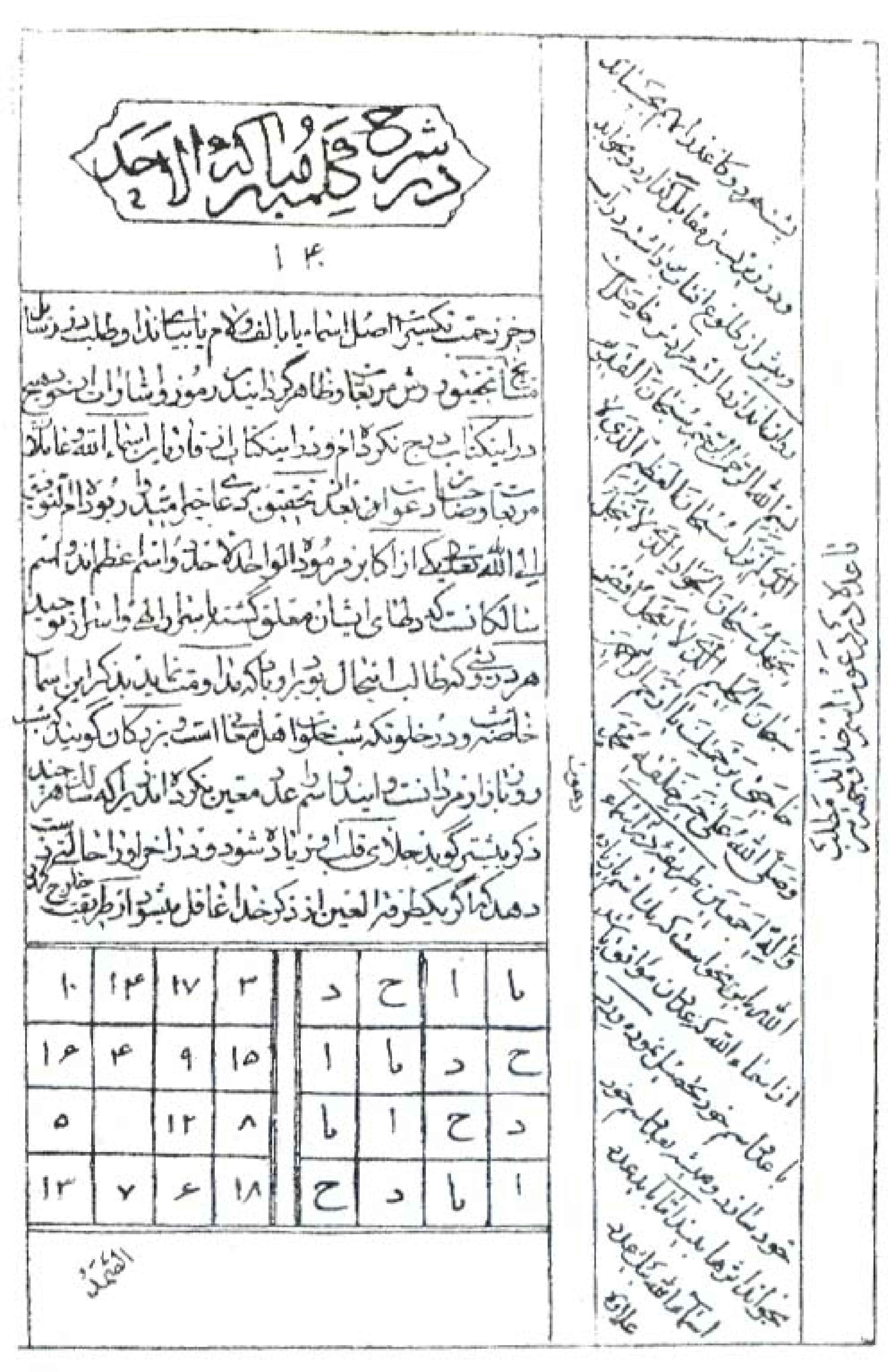
د	ح	۱	و
۱	و	د	ح
و	۱	ح	د
ح	د	و	۱

الاحد

شرح در کلمه مبارکه الاحد

الاحد یعنی یگانه در یگانگی و بی همتا در ذات خویش است
یعنی نابیست که همه عالم و عالمیان به برکت بزرگوار این نام خلق شده
اند و ظاهر گشته اند اهل حقیقت گویند هر که این نام را عزیمت دعوت این
اسم ساخته اول باید که اعتقاد کند که احد تعالی یکی است و هر اینه از افراد
عالم را با او احتیاج است و حضرت او محتاج هیچ کس و هیچ چیز نیست چون
بشکند این اعتقاد و اخلاص در حضرت احد و اولیا کار بر طریق نفیسه بساید
تا آیینه اش را بینا سازد همت ... تو کل زده پای در دامن قناعت
کشد یکبار از کار بر فرموده هر که مداومت نماید در خلوت بعد
کبیر میخواند چون دعوت بکمال رسد الا آنکه بر او ظاهر گردد بعد آنکه
دعوت صغیر را داشته باشد آن زیکیست تا نه صدق بود و شکر علی صغیر
خوانند کبیر از هزار و یک تا ده هزار یک علی کبیر خوانند بعد آنکه
در هر جا عدد الحال تعیین نکرده اند هر جا زیج است خواه کبیر خواه
صغیر خوانند انچه علی تعیین مثل این همه به جنس اجمل و تکسیر و
مجموع جامع بین ... التکسیر کرده ام با انواع تکسیر و تا التحقیق
نکرده و سیر و بنا و در کلام و بر هر نکته که برهان خود مکتوب شد بارها
در رسایل و کتب شادی اسماء الله تعالی نظر نکرده ام تو تشنه آهم

علی این صیغ ها آن عمله التعم
معمول کنی که هر که در رعد و جهاد
نشد شروع کند باد در دور کار
اینها را عمل خوانند ...
... الله الرحمن الرحیم یا مفتح الابواب
یا مقلب القلوب و الابصار
یا دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین
توکلت علیک یا رب ...
... الله علی محمد و آله اجمعین ...
اینها را در ...
کاغذ ...



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الواحد الاحد

۱۴۰

دیگر رحمت تکسیر اصل اسما یا با الف و لام یا بی آنکه اند و طلب دفع رسا
یل تحقیق و رمز مرتبا و ظاهر گردانیدن رموز و اشارات این نوع
در این کتاب درج نکرده‌ام و در این کتاب فی قواعد اسماء الله تعالی
مرتبا و ضابطه دعوات و تحقیق که عاجز مبتلی را بوده است
الی الله تعالی یکی از اکابر فرموده الواحد الاحد و اسم اعظم اند و اسم
سالکان است که دلهای ایشان معلق گشته است بنور اله و اسرار توحید
هر دو کلمه طالب انجال بوده و باکره اند و مشایخ بذکر این اسما
خاصه و در خلوتکده‌شان خلوا اهل صفا است بزرگان گویند که
رو تا از رمز دانسته و ابتدا اسم علی معین نکرده اند اگر این اسم
ذکر بیشتر گوید جلای قلب او زیاد شود و در اخلاق و احوال تغیر
دهد که اگر یک طرفة العین از ذکر خدا غافل میشود از طریقت خارج گردد

۱۰	۱۴	۱۷	۳
۱۶	۴	۹	۱۵
۵		۱۲	۸
۱۳	۷	۶	۱۸

د	ح	ا	ما
ا	ما	د	ح
ما	ا	ح	د
ح	د	ما	ا

الصّمد

سبحان الله العظیم
سبحان الله الحلیم
وصلی الله علی خیر خلقه محمد
و آله و اصحابه اجمعین

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الصمد

۱۴۱

الصَّمَدُ یعنی خداوند معبود و پناه همه نیازمندانست همه
حال اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید
که بداند که بر آوردن حاجات مسکینان و شنودن دعای مظلومان
پناه نیازمندان بغیر حضرت او دیگری نیست هر حال که وی را پیش آید
رو به درگاه صمدیت کند عرض حاجت خود بجناب حضرت صمدیت
او را از جمله حاجات مستغنی گرداند حضرت امام رضا فرموده اند که هر
در خلوت تنها گوید صد او را از هیچکس بیم نبود و یکی از کار
گفته هر که بعد از تهجد یا در سحرگاه وضو ساخته روی بر زمین نهد
و صد و نود بار بگوید یا صمد یعنی او را بر دل نقش کند بر ترتیب
مدد و مقام به مرتبه اهل یقین برسد و از جمله صافان گردد
و هر کسی که بر جوع طاقت نبود باید که این اسم مدد وقت تمام بعد
بگیرد حق سبحانه و تعالی درهای رزق بروی بگشاید در صور و معنی

۳۳	۳۶	۳۹	۲۶
۳۸	۲۷	۳۲	۳۷
۲۸		۳۴	۳۱
۳۵	۳۰	۲۹	۴۰

د	م	ص	یا
ص	یا	د	م
یا	ص	م	د
م	د	یا	ص

۱۴۱

باشد از آن اسم کم یا زیاد و اگر اصل عدد
اسم زیاد باشد باسقاط آن عدد را بگیرد
باد زیاده بخوانند و آن اسم را اسم
اعظم خود دانسته از برای خود ورد و ذکر
گردانند بسیار از ذکر در تحت دنیا
و بسیار کرامت از اسماء الله گردد
عدد موافق اسم خود باشد عمل
نوع دیگر آنکه عدد اسم جلاله
فاتحه را خلاص سوره بعد از آن
شریح بخوانند و همان عدد صلوات
بفرستند بعد از آن آن اسم را بان
عدد بخوانند در دعوت در نوع
سوره ملک در اربعین یک را بکار
بخوانند بجمیع اتباع مطالب اسم
خدا و عدد را که موافق با اسم خود
باشد بگیرد در دعوت بخوانند
و هر بعد از آن
اسم نا



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القادر

۱۴۲

القادر یعنی خداوند توانا بر هر چیز خواهد بدو معنا
دیگر ذکر همهٔ احوال این نام است که ادریس علیه السلام بر قوم خود برکت
این نام بود تا همه اهل تصوف گویند هر که خواهد تا احصاء این نام
با هیبت و احترام کند باید که بداند که توانائی بحقیقت خدای راست
هر چه خواست کرد و هر چه خواهد کند یفعل الله ما یشاء و
یحکم ما یرید پس باید که ترک دو خصلت مراد کند که کار خویش را
تا باز نگذارد تا قادر روز تو ناید بدهد هر آنچه خواهد خضر
فرموده‌اند هر که در وقت وضو ساختن بر هر عضوی بار بگوید
بر خصمان غالب آید اگر چه ضعیف بود و یکی از اکابر فرموده که بعد
قتال و جدال با خصم ملک این اسم مداومت نماید غالب گردد بر خصمان
و هر که را خصم قوی باشد در وقت سیر کشتن و عاجز شده باشد این
اسم را در وقت ظهار بداند مداومت نماید خصم خصم را مقتول گرداند

٧٦	٧٩	٨٢	٦٨		ر	د	ا	ق
٨١	٦٩	٧٥	٨٠		ا	ق	ر	د
٧٠		٧٧	٧٤	٨٤	ق	ا	د	ر
٧٨	٧٣	٧١	٨٣		د	ر	ق	ا

المقتدر

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المُقتَدِر

۱۴۳

المقتدر یعنی خداوند توانا بر آورنده و برنده هر چیز از مرتبه اسفل تا اعلی و از کمال درجه اعلی باز برند با اسفل این نام مبارک در وقت در یکی از ترکیبات اینها داخل است از خواص این اسم شریف برود و دهل گوسفند هر که از خواب برخیزد و همچنان چشم بر هم نهد گویا بنعت یا مقتدر بخواند در روز قیامت چشم او را روشن سازند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در خر خصم نوشته ملفوف کرده و بنگران نماید وقت نماید غالب شود بر خصم و آن خصم بیدار گردد از خواب غفلت و یکی از اکابر فرموده که این اسم را در این بیان کنیم بخاصیت و لیکن تحصیل جاه و منصب قدر و منزلت اکابر و خوبیها و ترقیها و دیگر مشکلات خواهد و کسی از اعلی غرا نیاز اعلی درجه باسفل هر که خواهد از ایشان مقصود یا هدو برای رسد بر این اسم ادعیه کامل تکبیر هفتاد روز بنابد که اگر جاه و منصب مقصود است نام خود و نام آن کس که تقرب با او میجوید با این اسم تکسیر کند مثلا محمد تقرب محمود میخواهد چنین تکسیر کند که در خاصیت مشکل و طالب و مطلوب پس مجموع این حساب کردیم هزار و هفتصد و هشتاد سخن حفظ

انحضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که انحضرت نعلام محمد نعود که هر گاه صحابی نغره محمد ظاهر کی بود یعنی که آن صاحب و معشوق بعدا بد بنوشت با نظر قم نو و نا است بیشته

مح م د م مح م و د م وق د ر
نع د ح نع و د م م مح و م
م ن و م ح م د ح م ت م م د ف
ق م د م د م م تح م د ح د
د قح م د د م د ح م ق د م م
م د م ف د ح م ن د ح د م
م م د د م ح ق د و م مح م ت
ن م م ح د م د و د د م و قح
ح ن م م م د م د ح د م د م
مح د ت د و د م ح م د م م
د م م ح م د د ت م د ح ق م و
و د م م ق م ح ح د م م د ن
د و ت ع د م م ق د م ح ح
ح د ح د م ت ع د ت م م م

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقتدر

۱۴۴

تسخیر ساختیم اگر تواند هر روز بر این عدد یا مقتدر بگوید در این ایام
مذکور و اگر میسر نشود این عدد را باین طریق بر کاغذ وضع کند
و با خود دارد و بعدد کبیر که زیاده از قدر بار است میخواند
تا تواند با بعد کامل خواند که تقریب واقع شود که عاقبت محمود
گردد و این را بسیار از بزرگان تجربه کرده اند و بتقریب سلاطین
رسیدند و بمقاصد کلی از این عمل حاصل شده عدد بیانات
و الف و لام تعریف مخیر است در تمام اسما و در این ایام شرایط
خلوت بجای آورد و بخور ببود عود و صندل و بعد کامل بخواند
یا بعدد تکسیر با او را زود خواص هر عمل برای کسر خصم با خود و نام
خصم تکسیر کند اما شرایط نام خصم بر نام خود مقدم دارد و وقت
تکسیر خواند مقهور شد اعدا در خاطر آورد و هر عملی که از تکسیر بیرون
آید بر لای شیابه نیل و زنگار در مربع هندی بنا او بریزد و اگر خنا بود
کرباد از و الا اگر در و بخانه دشمن بندد زود مقهور گردد

۴۴۸	۴۵۱	۴۵۲	۴۴۱
۴۵۳	۴۴۳	۴۴۷	۴۵۲
۴۴۳		۴۴۹	۴۴۴
۴۵۰	۴۴۵	۴۴۲	۴۵۵

۱۹۶

۱۸۵	۱۸۹	۱۹۴	۱۷۸
۱۹۱	۱۷۹	۱۸۲	۱۹۰
۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳
۱۸۸	۱۸۴	۱۸۱	۱۹۳

[illegible]

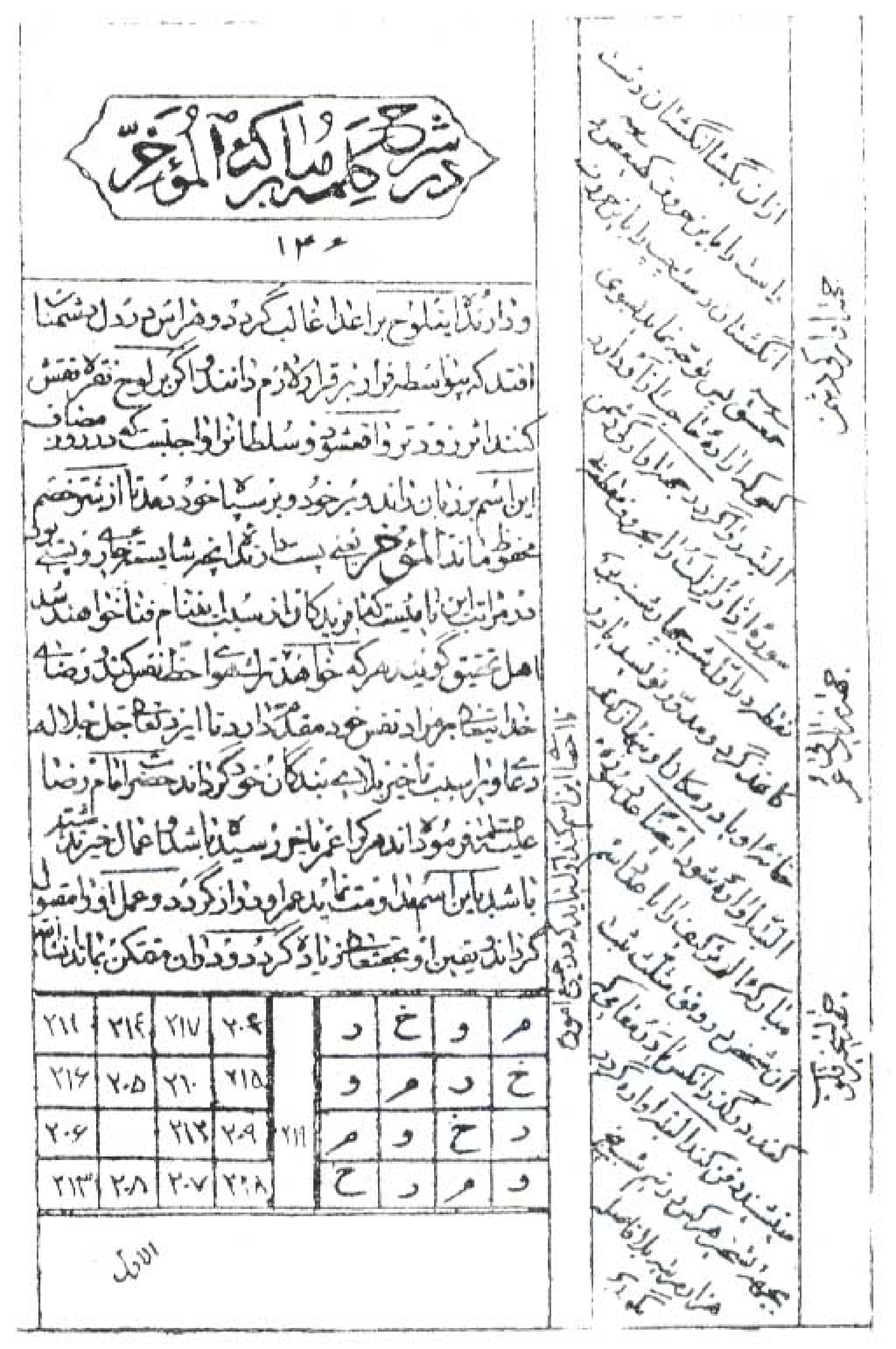
ر	د	ت	ق	م
ت	ق	م	ر	د
م	ر	د	ت	ق
د	ت	ق	م	ر
ق	م	ر	د	ت



در شرح کلمه مبارکه المتقدم

المتقدم یعنی پیش اندازنده و پیش برنده هر چیز سزاوار باشد
این نام بدین کسی موسی علیه السلام بر طور ببرکت این نام قوت یافت در
کلام بیچون شنید اهل خصوص گویند هر که خواهد اسمای
این نام کند اول باید که در جمیع امور کار او را پیش اندازد بر دین
محمد متقدم دارد تا حضرت عزت او را در زمره ارباب یقین دارد و
دعا او بتقدیم اجابت کند دعوت این نام مناسب کسانیست که
ایشان از قبض و بسط باشند کار ایشان در هیچ امری پیش نمی رود بود
این اسم رجوع نمایند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که
در حین خوف خصوصاً بگوید این گردد و در فتح چیزی ترس بسیار بگویند از
اکابر فرموده که مداومت این اسم را با سلطان بودن اگر سلطان نیز علم
نامر لشکر کند تا چون در آید بر خصم غالب آید تا باید در دو می
نوبت بگوید یکجهت و فی یکی بعد و حروف را بر خلاف مقدم دارد

۴۵	۴۹	۵۲	۳۸	م	د	ق	م
۵۱	۳۹	۴۴	۵۰	ق	م	م	د
۴۶		۴۷	۴۳	م	ق	د	م
۴۸	۴۲	۴۱	۵۳	د	م	م	ق



شرح در کلمه مبارکه المؤخر

١٤٧

و دارند این لوح برا عدا غالب گردد و هر آتش بدل دشمنان افتد که بی‌وسطه فوار بر قرار لازم داشند اگر این لوح نقره نقش کنند اثر زودتر و اقتضو سلطانی واجب ست که مضاف این اسم بر زبان رانند و بر خود و بر سپاه خود بدمند تا از شر خصم محفوظ مانند المؤخر یعنی پس دارنده شایسته و بپیچ ند مرتبت این نام است که او بدکاران سبب این نام فنا خواهند شد اهل تحقیق گویند هر که خواهند ترک سوا خاطر نفس کند و رضا خدای تعالی جوید از نفس خود مفلک ذکر دید تا ایزد تعالی جل جلاله دعا و برای سبب تأخیر بلا به بندگان خود گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر کرا عمر با خیر رسیده باشد اعمال خیر باشد باین اسم مداومت نماید عمر او دراز گردد و عمل او مقبول گرداند یقین او بجمیع زیاده گردد و در دلها متمکن بماند انشاء

٢١١	٢١٤	٢١٧	٢٠٤		د	خ	و	م
٢١٦	٢٠٥	٢١٠	٢١٥		و	م	د	خ
٢٠٦		٢١٢	٢٠٩	٢١١	م	و	خ	د
٢١٣	٢٠٨	٢٠٧	٢٠٨		ح	د	م	و

الاول

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الأوّل

۱۴۷

۲ الأوّل یعنی خدای همیشه بود که کمال بدایت این نامی است
که جملهٔ مکوّنات از برکت معجزهٔ این نام پیدا شد اهل حقیقت
گویند هر که خواهد تا اکسیر این اسم کند اول باید که مقدم در
راه خدا سعی فی الله کند هر روز اربعین بار اول با آخر خدا داده تعالی
نشاند و دعوا این اسم هنا کسانیست که بفراق غایب گرفتار شده
باشد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر غایب باشد که در صعب
باشد چهل جمعه هر شب هزار بار بگو غایب حاضر گردد و جمله
مرادات او حاصل شود شیخ فرمود که هر که طالب فرزند باشد
باید در مقام امید بنشیند و فتوح عالم غیب میخواهد
گمان ندارد بعد او منا این اسم بعد از هر نماز جمعه قیام نماید
چهل جمعه چون اربعین تمام شود مقصود او حاصل گردد

۹	۱۲	۱۵	۱	۱۷	ل	و	لا	ا
۱۴	۲	۸	۱۳		لا	ا	ل	و
۳		۱۰	۷		ا	لا	و	ل
۱۱	۶	۴	۱۶		و	ا	ل	لا

۳ الآخر یعنی خدای همیشه باشد و هم زوال اهل حقیقت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الاول

۱۴۸

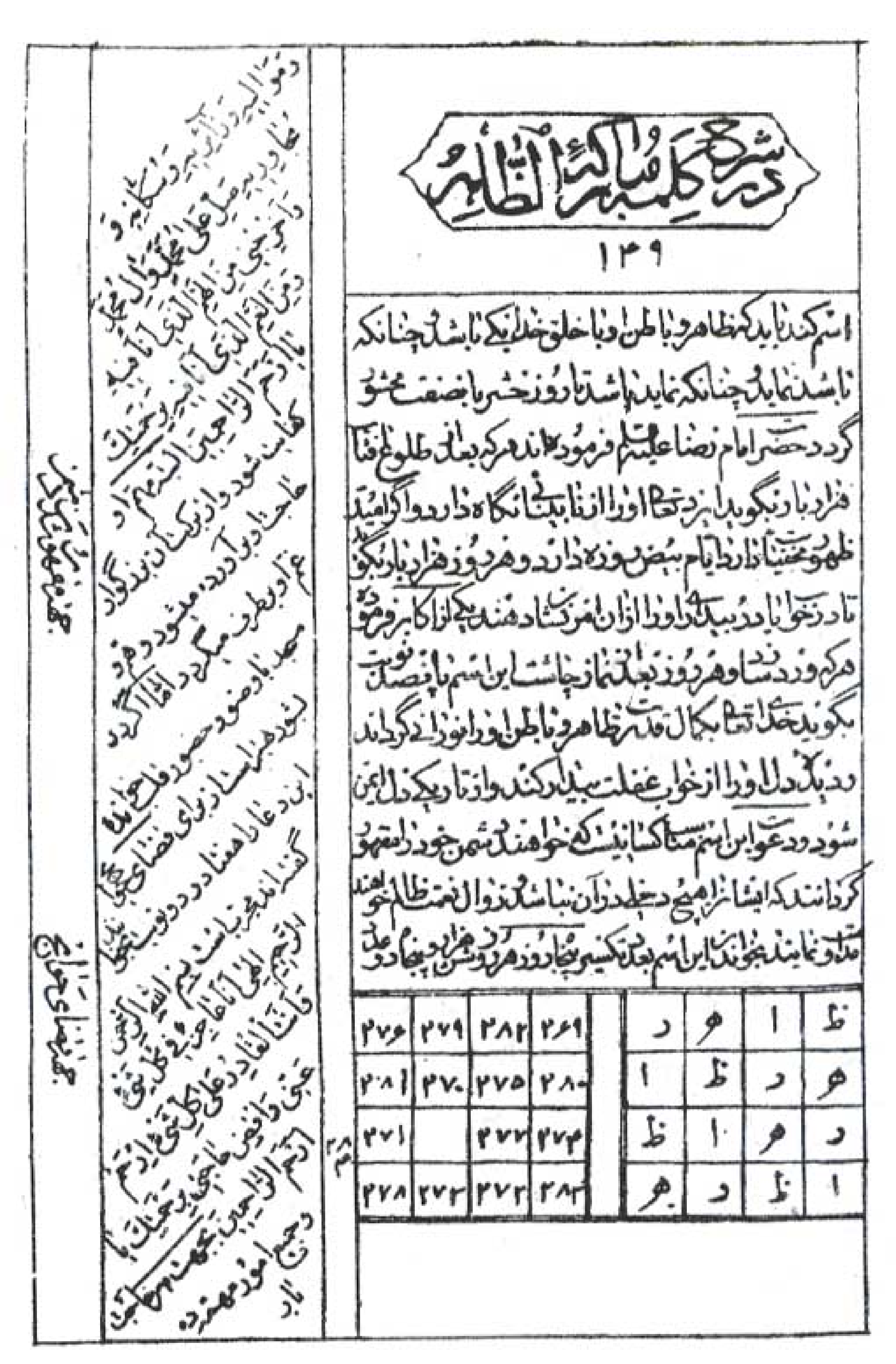
گویند هرکه خواهد احصاء این اسم باید که با خود شرط کند
و عزیمت جزم گرداند که هر قول و فعلی که از او در وجود آید ختم
شده باشد هیچ عمل بر پا نکند تا خاتمهٔ کار او بخیر و صلاح باز گردد
و دعوی این اسم مناسب کسانیست که میدیدند انجام خاتمهٔ کار ترسند
سازند از ایزد سبحانه و تعالی ختم کار در نیکی خاتمت نماید و گفته‌اند شیخ
فرموده که قاری این اسم هر حال بصفای باطن و خوشحالی بود
و دایم دل و خاطر با ایمان و معرفت کامل دایم متوجه
اسماء اکبر با بود و از رضوان اکبر نصیب گیرد چون بصدق
دل گوید و معنی در دل ذکر زبان بگذراند دل در زبان
و زبان نیز ذاکر با سماء حسنی خود گرداند انشاء الله تعالی

۲۰۰	۲۰۳	۲۰۶	۱۹۲
۲۰۵	۱۹۳	۱۹۹	۲۰۴
۱۹۴		۲۰۱	۱۹۸
۲۰۲	۱۹۶	۱۹۵	۲۰۷

د	خ	لا	ا
لا	ا	د	خ
ا	لا	خ	د
خ	د	ا	لا

الظاهر یعنی خدا که پیدا است هستی او بآثار و علامت
در ظهور موجودات اهل تحقیق گویند هرکه خواهد که احصاء این

کرده و هفت بار سوره لم یکن
بار فاتحه بخواند در وقت خفتن در
خواند دشمن پشیمان شد و در وان شود
و حالش پریشان گردد و هلاک



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الظّاهر

اسم کند باید که ظاهر و باطن او با خلق خدا یکی باشد چنانکه
باشد نماید چنانکه نماید باشد تا روز حشر با صنف محشور
گردد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعد از طلوع فجر
هزار بار بگوید ایزد تعالی او را از بلاها نگاه دارد و اگر امید
ظهور غیبی دارد ایام بیض روزه دارد و هر روز هزار بار بگوید
تا در خواب ببیند که او را از امر گشاده شده و هر کار که در دست دارد
همه گشاده شود و هر روز بعد از نماز چاشت این اسم را پانصد نوبت
بگوید حق تعالی بکمال قدرت ظاهر و باطن او را نورانی گرداند
و دل او را از خواب غفلت بیدار کند و او را ز ریب دل ایمن
شود و دعوی این اسم مناسب کسانیست که خواهند دشمن خود را مقهور
گردانند که ایشان از هیچ جهت در آن نباشند و زوال نعمت ظالم خواهند
و تلف نمایند بجهت ایشان این اسم بعدد تکسیر مجاورد هر روز شش هزار و صد بار ...

ظ	ا	هـ	د
هـ	د	ظ	ا
د	هـ	ا	ظ
ا	ظ	د	هـ

۲۶۹	۲۸۲	۲۷۹	۲۷۶
۲۸۰	۲۷۵	۲۷۰	۲۸۱
۲۷۴	۲۷۳		۲۷۱
۲۸۳	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۸

و دعوا الیه و ان تجیبوا و یسکانوا و
عجلوا و دیر صلی علی محمد و آل محمد
وای عجب من امر الّذی انا فیه
و من امر الّذی انا فیه و عجبت
یا ارحم الراحمین الشخص آراد
که حاجت شود و از برکت آن بندگان
حاجت او بر آید
و او بطرف مبارک مفتوح شود و هر روز
بعد از وضو ... گردد
بعد از نماز حصول فلاح
ابن دعا را هفتاد و دو بار بخواند
گفته اند مجرب است بسم الله الرحمن
الرحیم الهی انا عبدک
و انت علی کل شیء قدیر
عجبت و اقض حاجتی و ... یا
ارحم الراحمین
و جمیع امور مهمه
باد

در شرح کلمه مبارکه الباطن

دشمن مقهور گردد **الباطن** یعنی پوشیده از نظرها و اندر دنیا فنا
ابصار و اوهام این نام مبین است که جمله جانوران را از عظمت و بزرگواری
این نام بشناسند خداوند تعالی را اهل حقیقت گویند هر که خواهد
تا احصاء این اسم کند باید که خود را از چشم خلق نماید که خداوند باطن
نیز خداوند تعالی باشد تا ایزد سبحانه و تعالی باطن او را از ضلالت
نگاه دارد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که امانتی جائی
می سپارد باید بیستم نهد این نام بوقوع یا بیرون شد در تربیع کند با آن حروف

۱۸	۲۱	۲۴	۱۰		ن	ط	ا	ب
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲		ا	ب	ن	ط
۱۲		۱۹	۱۶	۲۶	ب	ا	ط	ن
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵		ط	ن	ب	ا

امانت نهد از دست دزد سالم ماند و دست غیری بآن نرسد
هیچکس بر آن مطلع نگردد از برکت این لوح بزرگی فرموده هر که
هر روز بصوم و سه هزار بار بر زبان راند بدین ملازمت نماید حق تعالی
او را از همه چیز دنیا بی نیاز گرداند **الأول الآخر الظاهر الباطن**
این چهار اسم خواص بسیار است و اسرار عجیب و احوال غریب دعوت

این

صلوات بفرستند و صد بار این دعا
بخوانند [illegible] بر آورده است
[illegible] اللهم
انت الأول [illegible] انت الآخر [illegible]
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباطن

این اسمیست که مداومت نماید بر دعوت این اسما همه فضائل که در فوق شرط
مذکور شد مشار الیه بعد تکبیر اصل اسما بخواند که پانزده هزار و
چهار صد و هشتاد و چهار عدد است چون میسر شود بر این دعوت
توفیقات به او ظاهر گردد و اسرار اهل عالم بر او مکشوف گردد و آنچه
علم ظاهر و باطن است حاصل شود و در این اسما خواص ظاهر و باطن
اشیا بداند و بر ظاهر و باطن هر موجودی بینا و توانا گردد و پیش
از این که در شروع این اسما شروع نماید کند که از حد اعداد الخ
گذرد و چون ختم با تمام رسد باید که بالکلیه ترک ذکر این کند
و هم چنانچه میخوانند که بدان عمل بخوانند باید که بعد که بخواند
تا مدام در اشغال این اسما باشد و این تعویذ نوشته با خود دارد

الاول	رفیع	الظاهر	سمیع
الظاهر	الباطن	الرفیع	الاخر
الباطن	الظاهر	الغنی	الاول
رفیع	الاول	رفیع	قابض

۵۲۵	۵۳۸	۵۳۵	۵۳۲
۵۳۰	۵۳۱	۵۲۶	۵۳۷
۵۳۰	۵۳۳		۵۲۷
۵۳۹	۵۲۸	۵۲۹	۵۳۴

۵۲۰

۲ الوالی یعنی پادشاه و فرمان دهنده بر جمیع مخلوقات این نامی است
که جماعت زاهد برکت این نام داشته اند اهل تحقیق گویند هر که ورد کند



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الولیُّ

تا احصای اینها کند باید که محب صالحان باشد و خود نیز صلاح
پیشه گیرد و مهمات جزوی و کلی خود را بحق تعالی گذارد و ظاهر و
باطن خود نیکو سازد تا اولیاء المتعال کار وی را او اولیاء بلکه بعد
اوامر و مهمات بندگان نیز ساخته گردد و دعوت این اسم مناسب
کسانیست که خواهند بحضرت ولایت رسند حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که اینها بر کوزه نو نویسد و آب کند و چهل صباح
ناشتا بر آن خورد و باشد ایمن بود از آزار دزد و قضا عصر و سیل
و زلزله و جمله آفتها و بزرگی فرموده که اینها بر نویسد
در سفر و یا در ثلث شب بخواند و این اسم بعدد
کبیر بخواند هر روز ایمن بود از قهر سلطان و عزل عمل و قتل
جان و منصب و غرق و حرق و سالم بود در بر و بحر از آفات و بلیات
و نکبات آخر الزمان محفوظ
ماند و اگر اینها را باندازه عدد
تکسیر بخواند هر روز تا سی
روز و روزه دارد و در خلوت
خواند و بجوید تمام خلق

۱۱۲۴	۱۱۲۷	۱۱۳۱	۱۱۱۷
۱۱۳۰	۱۱۱۸	۱۱۲۳	۱۲۲۸
۱۱۱۹		۱۱۲۵	۱۱۲۲
۱۱۲۶	۱۱۲۱	۱۱۲۰	۱۱۳۲

ولایت



ولایت او مطیع و منقاد او گردند بحیثی بزرگی او باطراف و جوانب
عالم منتشر گردد و اگر در ایام عمر بقصد و اغتفار [?] و جهت
تنفیذ خلاف خوانند برای خدای تعالی خوانند بعدد جمل ولایت بشد و
صفای باطن و بزرگی نماید که بر او منکشف گردد علوم غریبه
علم لدنی و حالات عجیب و غریب و نقل [?] تکسیر شیخ مغ صد موخر
چهار صد و سی و یازده عدد است چهار هزار و چهار صد نود و نه عدد
است و بعضی از اکابر گفته اند هر که روزی سه نوبت بخواند و معنی
در دل کند اندر چنانکه غیر در خاطر او خطور نکند از این مهر کرده [?]

۱۱	۱۴	۱۸	۴
۱۷	۵	۱۰	۱۵
۶		۱۲	۹
۱۳	۸	۷	۱۹

ی	ل	ا	و
ا	و	ی	ل
و	ا	ل	ی
ل	ی	و	ا

المتعالی یعنی ظاهر کننده بزرگی خویش بانتها نیند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که تا کمال
تمجید تمجید خود را عاجز داند خدا را علاء در جه باوجود کمال
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله میفرماید که لا احصی ثناء علیک

که علوم غائب و موجودات بار نامها
مکرر کرده باشد در دار دنیا و بر اسم عظیم آنها
از او مشاهده گردد و هر که مداومت
نماید دل و جان او
روشن گردد بحدی که اسرار غیب
بر او منکشف شود شرح این اسماء
بار دیگر آشکار است ناباطن و نفاذ
و انتصار از برای هر اسمی بزرگی
علیحده فرموده اند که هر کس بخواند
دعای او مستجاب گردد انشاء الله
اگر کسی را با دشمن از او در غضب
باشد و یا دشمنی باشد چون بزرگی
پادشاه و در دفع دشمن بار
بر او بخواند باید بر اینکه
پادشاه مهربان شود و دشمن دور
شود بعدد بزرگی خواند الهی بحق
عشقش از اگر کسی خواند
دل



در شرح کلمه مبارکه المتعالی

انت کما اثنیت علی نفسک بر دو احوال و اقوال و افعال او موافق
حضرت پیغمبر موجود گردد علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات و الهی
متعال وی را بزرگ گرداند یعنی این اسم ببرکت بدنها مصونست
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر زنی که در حالت حیض و
ابتدا نفاس بسیار گوید ایمن ماند از جمله آفتها خصوصا از استحاضه و دیگر
از اکابر فرموده هر که مداومت نماید بعد تکبیر این اسم باطن او پاک
گردد از غل و غش و کدورت و جمیع عیوب ظاهری و باطنی و هر که نقش
کند و این اسم بر نگین عقیق بلور و اگر دست نهد معبر نقره
بعد تکبیر نماز جمعه نگاه دارد بعد عود در روز یا در شب همین عمل
کند خاصیت آید و او را مرتبه عابد صوری و معنوی و شیخ معتبر فرموده هر که
لیبعث در خواندن مرتبه ظاهر بلند گردد و اگر در شب خواند
در باید باطن ... مرتبه کبیر ... بنویسد و بعد نقش کند

۱۳۷	۱۴۰	۱۴۴	۱۳۰
۱۴۳	۱۳۱	۱۳۶	۱۴۱
۱۳۲		۱۳۸	۱۳۵
۱۳۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۴۵

۱۴۶

لی	عا	ت	م
ت	م	لی	عا
م	ت	عا	لی
عا	لی	م	ت

دعلاد

لا اله الا انت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ البرّ

وعدد تکبیر که بخوانند دو هزار و دویست و هشتاد و هشت عدد است
یا هشتاد و دو هزار و سیصد و بیست و هشت علامت المتحاقر که در هم
که خواهند عوض فرمایند دعوای این اسم مناسب کسانیست که در سلوک
باید دنیا خواهند که به درجهٔ کمال رسند بعد عدد یقینا مقام تمام
و اگر بعد تکبیر بنویسند خوانند بعد وسیط که اصل علم است
بخوانند که یا نصد و پنجاه و یک نوبت است بقول شیخ بعد تکبیر
زیاده از هزار بار است یعنی البرّ جلّ جلاله یعنی خدای
نیکو کننده با خلایق خویش و نیکویی او به همه جا همه کس رسیده است
و یقینا است که خود را از برکات این نام بهره‌ای رسیده اند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد تا احصای این نام کند اول باید که شفقت
و مرحمت از خلق خدا دریغ ندارد و تا تواند شکار از اسیر
و تصدق به هر نابر یتیم و در میان ابرار درج کند و در
الخلد اجای هر که مستغرق باید دعوای این اسم مناسب
کسانیست که از آفت دهر و تنزل جاه و منصب رسند حضرت امام
رضا علیه السلام فرموده اند هر که این اسم بر کودک خود خواند
چون بسن بلوغ رسد ایمن گردد از آفت روزگار و



در شرح کلمه مبارکه التواب

۱۵۶

که چون طفل متولد گردد سر روز هر روز هفتاد بار بخوانند
و نفس بر او دمند طفل از آفات و بلیات محفوظ ماند تا حد
بلوغ و شیخ معز گوید هر که مداومت نماید بعد در سر و علانیه منکر
این اسم خصم ترا و تعابع بوی رساند به حد المبکا انت و اگر بعد دیگر
که شش صد نود و نه توبت است یا جمع کبیر بخواند زود تر مر
مقصود واصل گردد بخط مطلوب آنچه است بر او سطر بود شد

۵۰	۵۳	۵۶	۴۳		د	ب	ا	ی
۵۵	۴۴	۴۹	۵۴		ا	ی	د	ب
۴۵		۵۱	۴۸		ی	ا	ب	د
۵۲	۴۷	۴۶	۵۷		ب	د	ی	ا

۱۳ التواب یعنی خدا توبه پذیرنده توبه بندگان است این نام می
که توبه آدم علیه السلام ببرکت این اسم قبول کرده اهل حقیقت
گویند هر که خواهد تا الحصا این اسم کند باید که اگر روزی از وی
سهو و غفلت بر وی واقع شود تعوذ شام گریبان مت کنند رو
بدرگاه کبریا آورد و سر بسجده نهد توبه کند بدست تواضع و عجز
و بیشتر آمد من کرم و جود و رحمت ترا نگذاری بحق گریه این بنده



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ التواب

خدا تعالی بر نسبت بی عملی ادا ورد باینکه الی الحال قبول کرده
و عمل خواهد کند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر
روز سیصد و شصت نوبت ورد کند دفع وسوسه و افتخار کند شیخ معز
گوید هر که هر روز دو نوبت بر طفل خواند تا از شیر باز کند آن طفل
از نا بیخ نگردد و شیخ فرموده هر که بعد نماز چاشت این اسم سی
شصت بار ورد کند از بهر خود یا از بهر دیگری حضرت حق تعالی
او را توبه کرامت کند و قبول نمود و او را از نزدیکان گرداند و اگر کسی
از سوء و خیانات فاسد و وسوسه شیطان نفرت رساند دل خود خالص
شوند گر در دنیا و ضرر و سختی از بامداد صد بار ورد کند از
بلیه نجات یابد اگر خدا او را بخود مشغول کند حضرت حق تعالی او را توفیق
معرفت باطنی فرمود و اگر این عمل و مداومت نماید از اهل قلوب

۱۰۳	۱۰۵	۱۰۸	۹۳		ب	ا	ق	ت
۱۰۷	۹۵	۱۱۰	۱۰۶		ق	ت	ب	ا
۹۶		۱۰۳	۱۰۰		ت	ق	ا	ب
۱۰۴	۹۹	۹۷	۱۰۹		ا	ب	ت	ق

۱۱

المنتقم یعنی خدا تعالی انتقام کشنده است از نابکاران



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المنتقم

۱۵۸

وبعد چنانکه حق واسع است این نامیست که پیغمبران بر کافران از برکت
این نام ظفر یافتند این اسم مناسب کسانی نیست که از ظالمان انتقام
خواهند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این نام کند باید
که هرگز بر هیچکس جفا نکند در حق مخلوقات هیچ یک جایز ندارد
آنچه تواند از نیکوئی در حق مخلوقات دریغ ندارد تا حق سبحانه و تعالی
او را شوکت و هیبت و شجاعت کرامت کند و باطن با انتقام
مظلوم از ظالم بستاند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
بر جفای خصم صبر نتواند کرد این اسم ورد کند هر جمعه شصت
یکنوبت بخواند چون سه جمعه بگذرد خصم ضعیف و مقهور گردد و
فرموده هر که را قوت مقاومت با دشمن نبود و دشمن او قوی تر باشد
بسیار باشد خصم قوی و وی ضعیف مدتی بیست و یک روز هر روز بعد
[illegible] یکبار تکبیر کند و هزار و [illegible]

م	ق	ت	ن	م
ت	ن	م	م	ق
م	م	ق	ت	ن
ق	ت	ن	م	م
ن	م	م	ق	ت

۱۵۷	۱۶۰	۱۶۳	۱۵۰
۱۶۲	۱۵۱	۱۵۶	۱۶۱
۱۵۲		۱۵۸	۱۵۵
۱۵۹	۱۵۴	۱۵۳	۱۶۴

سعد



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العفوُ

شصت و چهار نوبت است هر که مداومت نماید بر این اسم جمیع مطیع و منقاد او
گردند که عفو کند هر چه بگوید و خدای تعالی گذارد و بزرگی دیگر
العفوُ یعنی خدا در گذرنده گناه و کردار مخلوقات است بخشش آنکه
بسیار از گناه ترسد این نام میخواند که به حوض کوثر بنشیند کار
برکت این نام خواهد رسید اهل تحقیق گویند هر که خواهد که
احصای این نام کند باید که بداند که هر چیز از بنده گناه خدای تعالی
عفو میکند حضرت خداوند تعالی و صد هزار جل جلاله میکند
چون بنده از بنده عفو فرماید تمام نامه اعمال او الکریم والله
سبحانه در کلام مجید فرموده است هل جزاء الاحسان الا
الاحسان و اثر باقی نماند چون بنده از ضعیفان در گذرد عفو
فرماید حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که گناه
بسیار بود چنانکه این اسم را بخواند نعوذ بالله چون
این نام بسیار گوید یا مبتدا در بهشت بزرگی فرمود

٣٦	٤٢	٤٥	٣١			و	ف	ع	ال
٤٤	٣٣	٣٧	٤٣			ع	ال	و	ف
٣٣		٤٠	٣٦	٤٧		ال	ع	ف	و
٤١	٣٥	٣٤	٤٦			ف	و	ال	ع

٤٧

هرگز دزد بخود نبود تا آنکه چشم ناحق
بخود دعوت نمیکرد و معانی اسم
اگر کسی بلا فهمود گوید ذهن باشد
کرم هر چیز از امور گذرد تا دیگر
بجلد دزد هر دو در نسبتی بکار
باشد و هفت بار از اوایل
دل دزد عفو گوید در هر چیز
بخواند نفعا العفو باز دیگر درازی
نکند و اگر کسی از او چیزی گرفته
باشد صد و بیست
نوبت بخواند چون بخواند دیگر
باز دزد آنکه گرفته باز دهد و اگر
او را دیده باشد
بجنگ ... بیا باشد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرّؤف

بجه ۱

که مداومت باین اسم موجب رسیدن بمقامات عالیست انشاء الله

الرّؤف یعنی خدای بخشاینده و مهربان بر خلقان و نماینده لطف و

نعما باهل وفا و طغیا بیواسطه این نام ایست که اهل شفاعت شفاعت

محمد صلی الله علیه و آله را باینها خواهند یافت اهل تحقیق گویند

هر که خواهد که احصای این نام کند باید که بداند که خدای تعالی رحمت

در دنیا شامل است بر مؤمن و فاسق و کافر و منافق و هر طایفه که

گرد آیند اما در قیامت بمؤمنان مخصوص است پس باید که طریق مؤمنان

پیش گیرد و بر فاسقان و فاجران رحم کند در حق ایشان دعای خیر

کند تا حضرت ملک رئوف دعای او را قبول کند و او را رحمت بخشد

بنا بر روایت حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که خواهد

که مظلوم را از چنگ ظالمی برهاند باید این اسم را بگوید بعدد

برابر که وانظار الشفاعت او در حق مظلوم قبول کند او را

بوی بخشد دعای این اسم مناسب کسانیست که ضعیف الحال و نحیف الجسد

باشند و بیکار را کار بر فرمود هر که گرفتار باشد بخصم قوی

یا محبوس شود در چنگ ظالمی یا مبتلا بدست کافری اسیر باشد

بخواند این اسم را بعدد کبیر یا بکبیر کبیر از هر ابتلا و فنا باز داشت

و قبول

مشغول شتن باشند اگر این اسم را بسیار

بخواند [illegible] بعدد اگر کسی بخوف

[illegible] باشد باید بیمن و قدرت تمام

[illegible] دشمن [illegible]

[illegible]

در شرح کلمه مبارکه مالک الملک

۱۶۱

بقول شیخ معز عدد تکبیر هزار و هفتصد و چهل هشت عدد
است تا هفت روز خدای تعالی رحیم گرداند نظام المرا و نجات یابد
محبوس از برکت این اسم و هر که همراه داشته باشد از حاکم که
مهربان گردد در روز جمعه این اسم را بعد از نماز دویست بیست
الکلام بر شیرینی یا بر آب خواند یا بر نبات و بر کوزه آب اندازد و هر
آب خورد مطیع و مسخر گردد و از فرمان وی البته تجاوز ننماید

۷۱	۷۴	۷۷	۶۴
۷۶	۶۵	۷۰	۷۵
۶۶		۷۲	۶۹
۷۳	۶۸	۶۷	۷۸

۷۹

ف	و	ء	ر
ء	ر	ف	و
ر	ء	و	ف
و	ف	ر	ء

مالک الملک یعنی پادشاه پادشاهان شکسته کردن
هر جبار و متکبر و موصوف به نیکو داشتن هر شکسته دل پیش عارف
اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این نام کند باید هرگز
حاجت خود بکسی عرض نکند خدای تعالی یعنی از بندگان خود
همه عالم کرامت مو که هر که حاجات خود را پیش خود عرض نمیکند
زیرا که بخصوص میداند که خدای تعالی بر جمیع اشیا و بر ضمیر تمامت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ مالک الملک

۱۴۲

مختلفا را از آنچه در ضمیر ایشان گذشته خبر خواهند کرد گفته شد انبیا
که پادشاهان عالم از برکت جلالت این نام به پادشاهی و سلطنت
رسیده‌اند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند هر که این نام را
در دنیا بخواند بحسب دنیا توانگر گردد و منصب یابد و بزرگی فرموده هر که
این اسم را بعد از نماز بخواند که یا مالک الملک فی الجلال والاکرام
تعالی شانه و برهانه و قسم نماید بحق کبریا بدیهی پادشاهی و سلطنت
و جاه و منصب و عزت و توانگری در عالم صورت و معنی نصیب
او شود و اگر خواهند که تصرف در دل ملوک و سلاطین و تسخیر دل
خلایق کنند بشرطی که مذکور شد در اسم الرحیم بجا آورد در
بلندی در دفع ضعف نفس کوشند چون نفس را ضعیف سازد روح
گیرد و چون روح قوت یابد عروج بعالم علوی تواند کرد و کار او
بالا گیرد و روز بروز در ترقی باشد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
و سلم فرموده‌اند بر شما باد که در وقت عرض حاجات مبالغه نمایید
و الحاح کنید و بگویید یا ذا الجلال والاکرام که سلطان دعا
شیخ معز فرموده هر که در مجلس بنشیند و بکار بگوید یا ذا الجلال
والاکرام هر حاجتی که خواهد روا گردد و کام روا گردد و اگر



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المُقسِط

۱۶۳

عدد این اسم در مربع چهار در چهار وضع کنند و عدد مربع بگو

یا ذا ۲۷۱	الجلال ۲۸۳	و ۲۷۷	الاکرام ۲۷۴
الاکرام ۲۷۱	و ۲۷۰	الجلال ۲۷۵	یا ذا ۲۸۰
الجلال ۲۷۶	یا ذا ۲۷۹	الاکرام ۲۸۲	و ۲۶۹
و ۲۷۸	الاکرام ۲۷۳	یا ذا ۲۷۲	الجلال ۲۸۲

۲۷۲	۲۸۹	۲۷۶	۲۹۳	۲۸۳
۲۸۵	۲۷۷	۲۹۴	۲۸۱	۲۷۳
۲۷۸	۲۹۰	۲۸۳	۲۷۴	۲۸۶
۲۹۱	۲۸۴	۲۷۶	۲۸۷	۲۷۹
۲۸۴	۲۷۱		۲۷۵	۲۹۲

کرده جنب انست بنظر نتوشتک تا خود دائم قسم اللهم بواز
جمیع بلیه و آفات آخر الزمان امان جهد کنند تا بدستر آفتاب و
خوشیح مشتری نویسد حامل این مربع نزد وضیع و شریف مقبول
القول گردد کارهای بسته او بگشاید اگر عدد این اسماء با عدد نام
خود و نام هر که خواهد در شرف زهره مربع در پنج بنهد آنکس مطیع
او گردد و نیز اول هر دعا که یا ذا الجلال والاکرام را بیشتر گوید
زودتر بمقصود رسد دارند این مربع خواص بسیار باشد المقسط
یعنی خداوند بدل او رنگ هر شخص از یک دیگر ...
چنانچه در ان الغمه ... است اهل تحقیق گویند هر که خواهد
که احصا این اسم کند اول باید که اعتقاد چنین نماید و یقین داند
آنچه بتو ... میرسد خواهد رسید یوم القیمه همه ...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقسط

١٦٤

که در ازل بیش از آنکه خلق عالم موجود شوند بر لوح محفوظ نوشته
بقدرت کامله تفکیک فرموده از افراد دنیا که حال آن با ایشان [illegible]
و خواهند رسید هیچ نعمت و بلا از خود نداند نگوید اگر چنین
نمیکردم اینوع بلیه بمن نمیرسید اینکار میکردم این نعمت
میرسید که اینها همه خطاست آنچه قسمت شده تغییر نمی‌یابد
چون خود را بدین معتقد ساخت و همه را از خدا تعالی دانست بلا را از
خدا تعالی راضی شد از بندگان راضیست اگر سائل سؤال کند که چو
هرچه بود و هست و خواهد بود همه متعلق اوست پس کافر را در
کفر و زنا چه گناه چون کفر در ازل نصیب وی از ملاست جواب گوئیم
که مشیت تابع علم است و علم تابع معلوم چون حق تعالی میدانست
که استعداد کافر مقتضی کفر است عطای ایمان منافی حکمت
بود قوله تعالی و ما ظلمهم الله و لکن کانوا انفسهم یظلمون در ا
برا نمعنی که گفته شد باید که هرگز بر کسی حسد نبرد و بداد مقسط
راضی گردد تا او نیز در مقام رضا از جمله مطیعان گرداند بد
فرموده هر که او سوزش دنیا بسیار تحمل کرده و حیات فاسد
او را نشود پس هرکه این اسم را بدین طریق ورد مربع وضع کنند

تدرموم



شرح ذکر کلمه مبارکه المقسط

۱۶۵

و در عموم کارها فرموده گرفتن با خود دارند و بعضی تکسیر

۵۲	۵۵	۵۸	۴۴		ط	س	ق	م
۵۷	۴۵	۵۱	۵۶		ق	م	ط	س
۴۶		۵۳	۵۰		م	ق	س	ط
۵۴	۴۹	۴۷	۵۹		س	ط	م	ق

کنند از آن نجات یابد چون دعوا ز جهل و فتنه کنند بر انواع منفعت
مطلع گردد و برکت و دولت در کار او ظاهر گردد و از خلق
بهره مند گردد اما باید که او را از خلق هیچ طمع نبود و حصر
خواهد از خدا خواهد چون بسیار بگوید این کلمه اعتقاد صادق گردد
تمام خلق خود را مطیع و فرمان بردار گرداند شیخ مصر گوید
هر که اسم مقسط و جامع را در مربع پنج در پنج وضع کند

کارهای پریشان جمع گردد و
اجتماع دوست میسر گردد این
مربع جمع کرده و در نظر
و غایبت اثر عظیم دارد و چون
وضع اسما ذکر در مربع وقوع

۶۲	۷۵	۵۸	۷۱	۵۴
۵۵	۶۳	۷۶	۵۹	۶۷
۶۸	۵۶	۶۴	۷۲	۶۰
	۶۹	۵۲	۶۵	۷۳
۷۴	۵۷	۷۰	۵۳	۶۶

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجامع

۱۴۴

یابد نام گریخته یا چیزی که دزد برده بر پشت مربع نوشته آنرا

در میان کتاب نهد که گریخته و دزد برده ظاهر گردد و آن دزد را [illegible]

رسد **الجامع** یعنی جمع دارندهٔ چیزهای پراکنده و [illegible]

و در حق چون نیز این نام بیشتر نگین سلیمان علیه السلام بود که

مخلوقات از برکت و هیبت این نام و مهر سلیمان را مطیع و مسخر

گشتند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که حصه این نام کند باید

که معنی خدمت نبوی صلی الله علیه و آله را کار فرماید یعنی علم با عمل

جمع کند چنانکه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرموده‌اند

العلم بلا عمل وبالٌ والعمل بلا علم ضلالٌ و چون علم صرف

حاصل کرد و با او عمل جمع ساخت حضرت جامع او را جمعیت

کند در ظاهر و باطن که در آن جمعیت صحبت جامع جمیع خاصان

عالمیان گردد و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر که را

بر نفقه دست بدهد از دوستان و یاران یا از خود دور افتاده باشد

و در کار خود سرگشته و سر رشته از دست داده باشد روز پنجشنبه

جامه غسل کند و نماز گزارد و دست بر دارد و بر انگشت نگین

یا جامع بگوید و انگشت عقد کند و جمع گردد مجمع

و دوستان

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجامع

و دوستان خود شیخ فرموده اگر میان دو کس از دوستان یا
میان زن و شوهر عداوت باشد که سبب تفرقه شود این اسم
بخوانند بنیت جمعیت هر کدام خواهند خاصه وقتی که در جای
خواب باشند هر دو یا یکی از ایشان را کرده بدل و نوبت باید
یاد کنند الفت و خشونت از میان برود و اگر در غربت افتاده این اسم ورد
کند بعد نماز و مدت بعد تکبیر تا عدد تکبیر باز رسد مقصود
و مقصد اگر پریشان و متفرق دیده و بحال خود مضطر گشته
این اسم کند بعد تکبیر بخواند که تا بعد از آن همت او چنانچه عدد
بر پیشانی او برود جمع گردد و اگر بقول شیخ متغیر هر روز بیست و یک
بخوانند که در هزار روز تا بعد بیت عدد است جمعیت کلی یافته بمراد
رسیده و بوطن او رود و اگر بدون وطن بود از نکات [illegible] یافته از
و پیش خلاص شده توانگر گردد و مع [illegible] خواهد نصیب
او از جمعیت صوری و معنوی و ضاد هو این اسم اگر بر [illegible]
نماید و دعوا این اسم [illegible] کشانیست که پریشان و مفلس باشند
ایشان از دو غنا باشد و این مربع که در حاشیه ثبت شده
با خود دارد تا تاثیر [illegible] شد و جمعیت [illegible]

ع	م	ا	ج
ا	ج	ع	م
ج	ا	م	ع
م	ع	ج	ا

٣٨	٣١	٣٤	٢١
٤٣	٣٣	٢٧	٣٢
٢٣		٣١	٢٨
٣	٢٥	٢٤	٣٥

٣٤



شرح در کلمهٔ مبارکهٔ الغنیّ

۱۶۸

الغنیّ یعنی خدای بی‌نیاز از همه کس و همه چیز و در همه حال ای برادر
که اهل بهشت از آن اند و گناهان از دل ببرد برکت این اسم ... گردد
اهل تحقیق گویند هر که خواهد تا احصا این اسما کند اول باید
بداند که غنی مطلق او است و غیر او همه چیز را نیازمند اند
و بدین معنی که او را متیقن گردد طمع را از خلق ببرد و احتیاج خود
هیچ کس نگوید و هیچ چیز از غیر خدا طمع ندارد تا ایزد تعالی او را
از خلق مستغنی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
اند هر که به بلای طمع گرفتار باشد و مبتلا گشته باشد تا آنکه هر
کس را ببیند از او چیزی طلبد اگرچه به ظاهر طلب نکرده اما در باطن
طامع بود این اسم را هر روز بخواند بر عضو از اعضای خود
دست فرود آورد قطع طمع کرده و دعوی این اسم مناسب کفایت
که ایزد ... غنا باشد و بزرگی فرموده هر که به بلای فقر و شدت
گرفتار باشد از درویشی و فقیری و بر او دنیا تنگ باشد و قرض
دار باشد در حال اضطرار چون وضو ساخته باشد [illegible]
و بر ... تمام ... که تواند بگوید یا غنی خدای تعالی او را از بلیه
نجات بخشد شناختن اسما الله تعالی چنین فرموده اند ذکر الغنی

بعد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

بعد التکسیر و ذلک سبع مرات فانه یستغنی عن جمیع العوالم
و قاعده آن بر سه قسم است اول آنکه الف و لام اضافه تکسیر میکنند
مثل الغنی و عدد این صورت پنجهزار و نهصد و پنجاه و پنج عدد است
دوم آنکه بحرف ندا تکسیر میکنند مثل یا غنی و عدد این نوع پنجهزار و
سیصد و پنجاه و پنج باشد سیم آنکه بی یا و الف و لام مثل غنی و عدد این
مثال سه هزار و صد و هشتاد عدد است و اکثر ائمه این فن این اسم بی الف
و لام و یا ندا تکسیر کرده اند صاحب گلشن و شیخ عبد اللطیف
تبریزی و مولانا فخر الملة و الدین تبریزی و مولانا شرف الدین علی یزدی
و شیخ ابو العباس در کتاب شرح اسماء حسنی چنین آورده اند که
چنانچه میخواهند تکسیر کنند بی یا یا با الف و لام و تمام اسماء برین قیاس

ال	غ	ن	ی
ن	ی	ال	غ
ی	ن	غ	ال
غ	ال	ی	ن

۲۵۷	۲۷۱	۲۶۷	۲۶۴
۲۶۸	۲۶۳	۲۵۸	۲۷۰
۲۶۲	۲۶۵		۲۵۹
۲۷۲	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۶

۲۷۳

کنند الغنی یعنی بی نیاز کننده تا مستغنی شود از همه چیز این است
کتاب ... که در زیرها و چشمها و سنگها ببرکت این غنا جاری و ظاهر میگردد

یا دائم یا غنی من تلفظه اسم بیست و ... اگر کسی ... باشد هر روز این اسم را ... بخواند بوطن خود باز گردد ... اگر هر صبح ... بخواند ... [illegible] ... تمام خلق ... محتاج ... [illegible]



در شرح کلمه مبارکه المغنی

۱۷۰

اهل تجربه گویند هر که خواهد تا احصاء این اسم کند اول
باید که بداند که مغنی بر حق او است و تمام مخلوقات و اشیاء بوی نیازمند
و او را هیچ گونه نیاز نیست و چون این معنی دانست باید که هر چه در دست
باشد از نیازمندان باز ندارد تا تواند بهمه مردم قیام نماید
اینها خلق را اجابت کند تا مغنی علی الاطلاق او را از خلق بی نیاز
گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر محتاجی که او را
خلوتی است ... هر روز هزار بار بگوید یا مغنی ... حق
تعالی توانگر گرداند و اگر میسر شود که بعد از نماز فارغ شود و مغنی گوید

م	غ	ن	ی	ط	۲۶۷	۲۸۱	۲۷۷	۲۷۴
ن	ی	م	غ		۲۷۸	۲۷۳	۲۶۸	۲۸۱
ی	ن	غ	م	۲۲۵	۲۷۲		۲۸۴	۲۶۹
غ	م	ی	ن		۲۸۳	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۶

... بیان ... احتیاج نباشد الغنی الکافی فی المغنی حساب
... طلب توانگری ما کفایت معاش و برآمدن
و حصول مقاصد کامل باید که روز جمعه بعد از فرض ...
کند و در خلوت رود و با ... بگوشه ای بنشیند ...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المغنی

اینکلمات بخواند سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس ان نود کرت
نماز سنت کند و چون تکبیر ببندد هفتاد بار اینکلمات بگوید بعد
از اعوذ و بسمله بگوید فاتحة الکتاب بخواند و بعد از فاتحه
سوره یا آیتی بخواند پس برکوع رود و در رکوع اینکلمات هفت
بگوید و در سجده هفت بار بگوید و در سجده دوم هم هفت بار دیگر اینکلمات
بگوید و در رکعت دوم پیش از فاتحه سوره تبارک الذی بیده
الملک بخواند مثل رکعت اولی الی آخر نماز و چون خواهد سلام
گفتن ده بار دیگر این تسبیح بگوید بلفظ سلام از نماز بیرون آید بعد
بر این نماز بخواند علی تکبیره بالف و لام تعریف و پنجهزار و سی
سی و چهار عدد است مع صلاة موخر و صلاة تکبیر اصل اسم صلاة
موخر یک هزار و سیصد و هفت علی حسب و بابا
چهار هزار و هفتصد و چهار و بر تکبیر کبیر امین حسین
سی و هفت هزار و بیست و چهار عدد است و آن مجرب است هرکه
خواهد اما قول شارح شیخ ابو الحسن افضل است کسی بخواند
خوانند چون ختم با تمام رسد شب ...



شرح کلمهٔ مبارکه المغنی

۱۷۲

خواهد مع عافیت باید که هفت جمعه بنویسد بجا آورد و گوشت

نخورد پیوسته با استعمال قیام نماید یعنی روز جمعه طلسم بند کند و

یکشنبه با تمام رساند و دعا کند و شب جمعه الله سبحانه و تعالی

او را توانگری کرامت فرماید و از خلقان بی نیاز گرداند اما توانگری

که او را بود با تواضع و تصدق و عطا بخشیدن و او را بود دل سلیم

و باطن روشن و اگر خواهد که دولت او مدام بود و پاینده باشد

و از آن برخوردار باید که اسماء را در انگشتر نقش کند از عقیق

یا جزع زرد باشد روز جمعه بعد تکبیر حروف را بنویسد با

طریق صد نقش کند انگشتر را انگشت کند صد بار بدهد

۱۹۰۸	۱۹۱۱	۱۹۱۴	۱۹۰۱
۱۹۱۳	۱۹۰۲	۱۹۰۷	۱۹۱۲
۱۹۰۳		۱۹۰۹	۱۹۰۶
۱۹۱۰	۱۹۰۵	۱۹۰۴	۱۹۱۵

مغنی	فی	کا	غنی
کا	غنی	مغنی	فی
غنی	کا	فی	مغنی
فی	مغنی	غنی	کا

حلال بخورد و مساکین را خاتم را پاک شود با حرمت نگاه دارد و

اگر دو خاتم سازد بر و شهر و مشارح نقود ... جانب

و هر دو دولت را مثال نمود نوشته شد بعد تکبیر با ذکر این اسم

مداومت

در شرح کلمه مبارکه الفتاح

مداومت نمایند اگر میسر نشود بعد تکبیر میخوانند البته ایرانیکه ترک
نکند بوی خوش بکار دارند هر چند گاه این نماز را بنماز تسبیح
میان مومنین و مومنات مشهور است میکنند و بعد تکبیر میخوانند
واگر ویرا کار دیگری یا مهمی برآید دست هفت روز جمعه غسل
کند و نمازی که مذکور شد بگذارند این اسما را بعد تکبیر که بالف و لام
شصت و شش هزار و نهصد و سی و هفت عدد است بخوانند عدد
صد و هشتم چهار و شصت هزار و سیصد و هشتاد عبادات و مجموع
یکصد بیست پنجهزار و دویست و شصت عدد باشد و بعد
بخوانند این چهار اسم الغنی المغنی الکافی الفتاح و بعد
از ان دخل ساعتی بخوانند بجز سرا و مقاصد خود را رد که خدا

الغنی	المغنی	الکافی	الفتاح
الکافی	الفتاح	الغنی	المغنی
الفتاح	الکافی	المغنی	الغنی
المغنی	الغنی	الفتاح	الکافی

۵۲۲	۵۳۶	۵۳۳	۵۲۹
۵۳۴	۵۲۸	۵۲۳	۵۳۵
۵۲۷	۵۳۱		۵۲۴
۵۳۷	۵۲۵	۵۲۶	۵۳۲

تمام عطا فرماید و صاحب کتاب نقل میکند از شیخ احمد ۵۳۸ که او
فرمود مرا از جهت معاش جهاتی متعلقات خاطر متفرق بود شیخ



شرح در کلمه مبارکه الفتاح

۱۷۳

خود التماس کردم که مرا چیزی بنما تا موجب معاش من حاصل گردد و شیخ فرمودند که این اسماء ان را مداومت نماید و شیخ بمن این اسماء را تلقین کرد که بگو یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق من بگوی بنشستم در خلوت اختیار کردم و بعد نماز تکبیر ذکر این اسما میکردم و فتوحات بعضی میگذاشتند روز چهلم دیدم که سقف خانه باز شد و در چهل هزار سرخ در صفه ما انداختند و او شنیدم که بزبان فصیح گفت یا احمد اگر تو ندانستی که پیغمبر ما نیز در این مرد پیغمبر بودیم و اگر کم بکنی ما نیز کم کنیم و اگر بر این زیاده کنی ما نیز زیاده کنیم و عمل تکبیر این

یا رزاق	یا فتاح	یا غنی	یا کافی
یا غنی	یا کافی	یا رزاق	یا فتاح
یا کافی	یا غنی	یا فتاح	یا رزاق
یا فتاح	یا رزاق	یا کافی	یا غنی

۳۹۱	۳۹۵	۳۹۸	۳۸۲
۳۹۷	۳۸۵	۳۹۰	۳۹۴
۳۸۶		۳۹۳	۳۸۹
۳۹۲	۳۸۸	۳۸۷	۳۹۹

جمله اسم یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق چهل و شش هزار بعدد و ... فقط ... است و عمل تکبیر صد و موخر چهل پنج هزار و ... چهار عدد است و مجموع هشتاد شش هزار و ... و نه بصد و ... عدد است

یکی از بزرگان حکایت کرد که وقتی بجهت مهمی متوجه این اسما بودم

بیا

یکی از رسائل الکافی نامی گفت که مراد معنی کاشفه اسرار الهی چنانچه معلوم
شد که غنی و مغنی بیاید گفت از روی معنی این مناسبت
و مرا یقین حاصل شد که اسماء عظام را بیطونی با کلمه المغنی ذکر
بیاید کرد پس توکل بالله تعالی کردم و بذکر این اسماء خمسه مداومت
نمودم و منتظر بودم که چو اربعین تمام شود اثر کلی ساخته
گردد از برکت خواص اسماء الله تعالی روز بیست و ششم یا بیست و هفتم
کار تمام ساخته شد سعی و کوشش در آن قصبه مرا امر عجیب که
شرح آن طولی دارد و از جمله غرایب است عدد یا کافی یا غنی
یا مغنی یا فتاح یا رزاق بتکسیر یکهزار و دویست و سی عدد
است و تکسیر صد و موخر هزار و ششصد و شصت و هفت عدد
است مجموع جمل هشت هزار و نهصد و هفت عدد باشد شیخ ابو
العباس گفته الکافی الغنی المغنی الفتاح الرزاق لا یذکرها
احد بشرط الا وجدها نتیجة وهلا یذکرها عند القبایل الا
کثر و قد نوّن الاظهر تتغیر زیادة بامر الله تعالی و جمع دیگر از
شارحان اسماء الله گفته اند هر که این پنج اسم را در سحر افنا کند هر
معمول بود و در سحر خوبها و عمر در سحر باد دخانه خود و خطا

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعطی و المانع

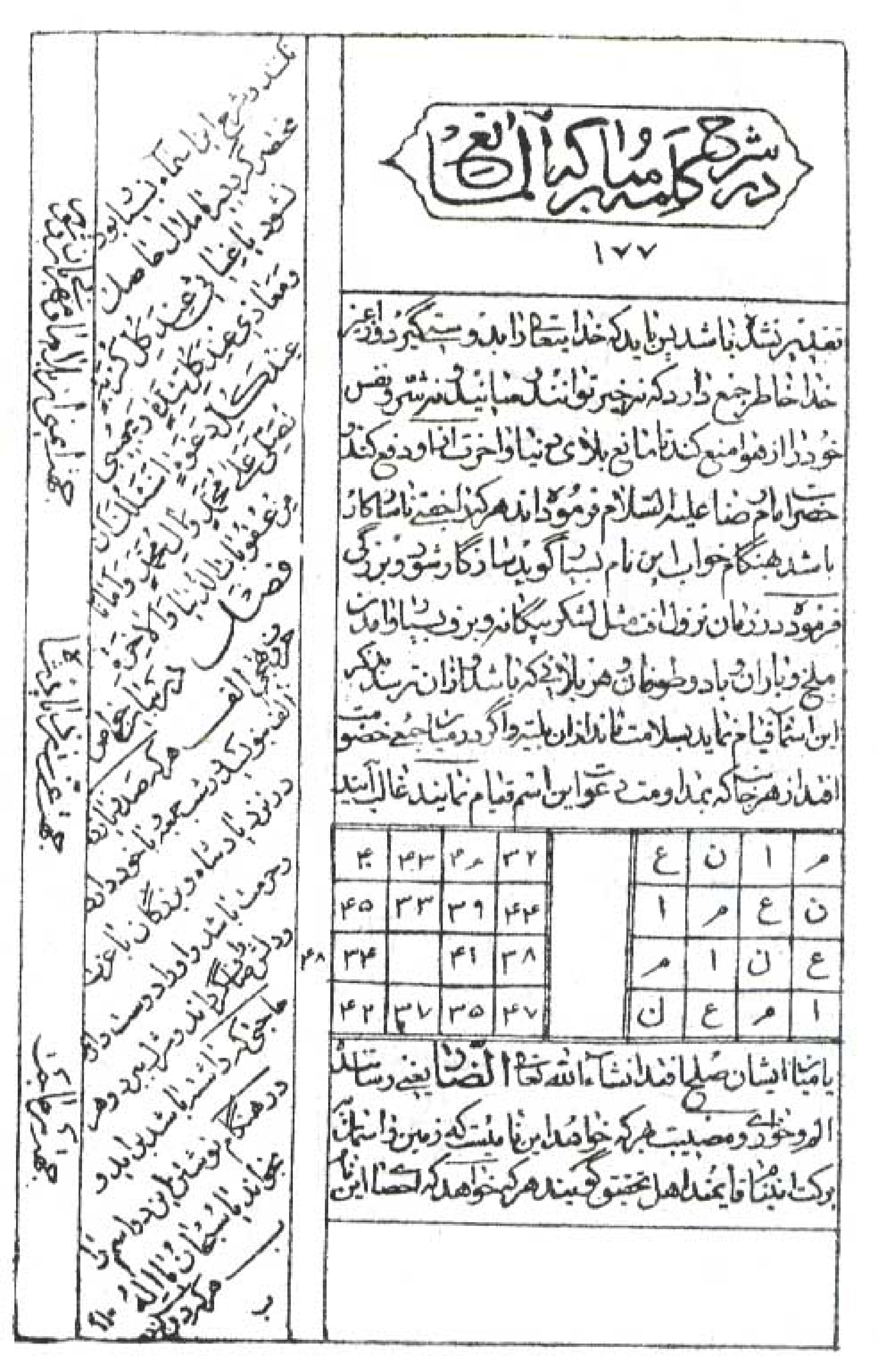
از نحوست مبرا و زحل و مریخ مستقیم باشند در لوح بنجه و
بنج که آن لوح بنج مثقال طلا باشد یک مثقال نقره ممزوج کرده با خود
دارد منسوب با این صفت کوکب دانند را کردند مطیع شوند لطا

یا رزاق	یا فتاح	یا معطی	یا معز	یا حی
یا مغنی	یا معطی	یا کافی	یا رزاق	یا فتاح
یا حی	یا ودود	[illegible]	یا مغنی	یا معطی
یا فتاح	یا معطی	یا مغنی	یا حی	یا رزاق
یا معطی	یا کافی	[illegible]	یا فتاح	یا معطی

بکیفیة الاشارة

۲ المعطی یعنی دهنده
مصالح معاش هر
خواهد مر بندگان را
ایشان امر است که آدم
علیه السلام را از برکت این
نام بر جمله اشیا مکرم گردانید بزرگی فرمود هر که خواهد
که محتاج نباشد بهیچ چیز و هیچ کس باید بخواند این اسم را و مدت ... نماید
بعد کبیر در آخر بگوید یا معطی السائلین از خلق بی نیاز گردد
۲ المانع یعنی خدا باز دارنده از بلا و نعمت و راحت و محنت
از هر که خواهد از بندگان اهل تحقیق گویند هر که خواهد که
احصا این نام کند باید که بداند که اگر همه عالمیان جمع شوند و
خواهند که مثقال ذره مضرت بشخصی رسانند نتوانند رسانید

یا ... سر ... با ... بودی ... شود
[illegible]
خاصیت ... المغنی
[illegible]



در شرح کلمه مبارکه المانع

تعبیر نشده باشد باید که خدای تعالی را بدوستی گیرد و از اعزه
خدا خاطر جمع دارد که هر خیر تواند بکند عبادتش بیشتر شود و نفس
خود را از هوا منع کند تا مانع بلای دنیا و آخرت او دفع کند
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هرکه از لحنی نا شناکار
باشد هنگام خواب این نام نیز بگوید یادگار رشود و بزرگی
فرموده در زمان نزول آن مثل لشکر بیگانه و برف بسیار و آمدن
ملخ و باران باد و طوفان و هر بلائی که باشد از آن نرسد هر که
این اسما قیام نماید بسلامت ماند از آن بلیه و اگر در میان جمعی خصومت
افتد از هر جا که ببند و منع گو این اسم قیام نمایند غالب آیند

۴۰	۴۳	۴۶	۳۲	ع	ن	ا	م
۴۵	۳۳	۳۹	۴۴	ا	م	ع	ن
۳۴		۴۱	۳۸	م	ا	ن	ع
۴۲	۳۷	۳۵	۴۷	ن	ع	م	ا

۴۸

یا میان ایشان صلح افتد ان شاء الله تعالی الضار یعنی رساننده
الم و خوردگی و مصیبت هر که خواهد این نامست که زمین و آسمان
برکت نبات و ایمند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصاء این نام

فصل

در شرح اسما النافع



شرح در کلمه مبارکه الضار النافع

کند باید که از او هیچ مضرتی بکسی نرسد بر این نباشد که تعهد سابق
با حضرت عزت شما و تعاضر خلق از او دور شود بعد بزرگی فرمود
که هر کرا طلب جاه و مرتبه عالی و نزدیکی در تقدیر و منزلت خویش
و اقربا خود خواهد هر شب این اسم صد بار بخواند از حوادث روزگار
ایمن گردد و بدولت و سعادت و منزلت عالی برسد حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر کرا جاه و منصب باشد از زوال آن ترسد
در شب جمعه هر شب ایام البیض این اسم صد بار بگوید بعد
پایدار بماند و دیگر روزها و شبها هر چند بسیار خوانند دولت
ثابت و منزلت عالی و برقرار بماند ما دام زیست نماید انشاء الله تعالی

۲۳۹	۲۵۲	۲۵۸	۲۴۲
۲۵۰	۲۴۳	۲۴۸	۲۵۳
۲۴۴		۲۵۰	۲۴۷
۲۵۱	۲۴۶	۲۴۰	۲۵۹

د	ا	ض	ال
ض	ال	د	ا
ال	ض	ا	د
ا	د	ال	ض

النافع یعنی رساننده منفعت و شافی هر چیز در صورت خیر یا در
و جبر شر و مکر و این اسم آنست که دور نماید شر کسی را نظام نهایت
اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که

بداند

شرح در کلمه مبارکه النافع

بدانند و اعتقاد کنند که خیر و شر و نعمت و غم و نشاط و بلا و راحت
که بهر کس میرسد از ذات مقدس اوست و نتوانند بر آن باشند که از
خود نفعی به بندگان خدا رسانند و نیکخواه خلق باشند از خدای
تعالی بندند بنا و اخرت با او نیکوئی کنند چون نیت او نیک بود
ببند حضرت ختم موجودات علیه افضل الصلوات فرموده اند که
انما الاعمال بالنیات حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر که بسیار
علی الخصوص در شبهای جمعه تربت بنا و اقتصو نا سنا کبریا
چنانچه گویند اگر در میان صد هزار دشمن بود هیچ ضرر
نرسد دعوای این اسم مناکنانیست که دعا از خصم متوهم باشند
یکبار و فرموده هر که در سفر و در وقت خرید و فروش و در
زراعت ذکر این اسم مدام و متناید او را بود در آنکار رسول بنا
و در آنکشت نخل بجهت با یدینا ال و هیچ نقصان نرسد اگر کسی
کرده کشته باشند که هر یک ده هزار بار این اسم بخواند و اگر
ستر نباید و ترتیا بکنند این اسم صد هزار بار بخواند ایمن گردند
شکل و آنچه ها نبرد با و شیخ مغربی فرموده که النافع را شش عدد
نکسیر بخوانند سبب نقصان نکرده و اشتا باید که این اسم

این دو اسم بخوانند با فتح باب البته
هر که با نصف دو دعوت
نیو بید در بعد ... شنبه
نوال دو در بواد ها نکرد از ...
قلم باشد با و بند در کارها
نگاه نکنند و اگر بغو بند که
در ...
جنگ کرده باشند ...
این دو اسم بخوانند با ...
هر که ... باصحاب
در وقت طلوع آفتاب ...
نگاه دارند زبان بدگویان ...
بیش شود جماعت ...
به ... و ...

[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ النّافع

آفتاب با در شرف حمل و خوش سحاب بر لوح نقره نقش کند باین طریق

۵۰	۵۳	۵۶	۴۲		ع	ف	ا	ن
۵۵	۴۳	۴۹	۵۴		ا	ن	ع	ف
۴۴		۵۱	۴۸	۵۸	ن	ا	ف	ع
۵۲	۴۷	۴۵	۵۷		ف	ع	ن	ا

و در رخام خوانند رخام سفید روی باکاشی چینی سفید نهاده
قدری آب گلاب در وی باشد در نظر خود نهاده هر دم در وی نظر کند
و هر روزی یک هزار تکبیر بخواند و شنبه ابتدا کند روز پنجشنبه
تمام کند شب جمعه اگر تواند تا از شش هزار تکبیر بخواند دعا کند البته
باجابت مقرون گردد و اگر شب جمعه نتواند خواند توانگر شود در دنیا
و اگر شب جمعه بخواند خدای تعالی او را در ظاهر و باطن توانگر گرداند
و جمله خصمان او مقهور گردند نفع رساند همه خلقان بود و از این
حالی دست دهد که ایشان خواهد که مردم را او منتفع گردند بعد ظاهر
و باطن صفا و اشغولی که فیض او به همه اشیا برسد که یا و مفاد
نتوانند کرد و این اسم اعظم از خواص بسیار است و عدد تکبیر نافع
صد و سی عدد است و مع صد و موجب هزار و صد و نود و شش عدد است

و عدد

وعدد تکبیر النافع مع الف و لام هزار و صد و شصت عدد است و مع
صله موخر هزار و هشتصد و پنجاه و سه عدد تکبیر یا نافع مع
ندا هزار و شصت عدد است و مع صله موخر هزار و پانصد و
چهل و سه عدد و شش عدد تکبیر نافع هفت هزار و پنجاه و شش عدد تکبیر
یا نافع نه هزار و دویست و پنجاه و هشت و شش عدد تکبیر النافع
یازده هزار و صد و چهل عدد است و قاری مخیر است که یا ندا و الف
لام النور یا بخواند یعنی خداوند پیدا و روشن فرستنده و بیننده نهانها
و برآرنده جهانها از نهانهای تیرگیها اگر خواهد این را ببیند که
موسی علیه السلام چه دید یا بدان از صوت انی انا الله شنید
حقیقت گویند هر که خواهد خاصیت این اسم کند باید که معتقد باشد
بر آنکه جمله موجودات بنور وی ظاهر گشته اند دست نیاز و تواضع در
دامن کبریای و عظمت باری تعالی زند تا او را نور محض گرداند و
پیوسته بر آن باشد که خود را از ظلمت گناه نگاه دارد اهل طریقت
و شیخ نیز چنین فرموده اند که هر که شب سوره نور هفت بار بخواند
و بعد تکبیر این اسم تکرار کند نور در باطن او ظاهر گردد و اگر مداومت
نماید این نور روز بروز بیشتر باشد و اگر میسر نشود البته هفت جمعه پیوسته

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الهادی

١٨٢

نماید واگر درویش زاهد این اسم بند و ممتاید در ایام خود کور
وشبها بعدد کبیر تکرار کند نور در باطن او پیدا آید دید
دل او بنور الهی روشن گردد ولذا باطن او وشبها نور بر او فرود
وشیخ در شرح کبیر اسماء الله آورده که هر کدام این اسماء که البدیع
القابض ... بنصور تکسیر کند که عمود ... الله
فق و ... ضرب ... نقش کند ... ان الله نور السموات والارض
تا بکل شیء علیم نقش کند وجمعه در وقت طلوع آفتاب ودر وقت
نقش کردن غسل کند جامه پاک در پوشد تا خود را در روز
اسماء الحسنا صد بخواند شروع کند ودر هر امری که خواهد ظفر
سلاطین وخلاص محبوسان واسیران بلکه در استخلاص ایشان اگر
حکم بر قتل ایشان کرده باشند ودر مراتب بلند گردد ونجات یابد

٦٣	٦٧	٧٠	٥٦
٦٩	٥٧	٦٢	٦٨
٥٨		٦٥	٦١
٦٦	٦٠	٥٩	٧١

ر	و	ن	ال
ن	ال	ر	و
ال	ن	و	ر
و	ر	ال	ن

الهادی یعنی بنده را آگاه کند و را نماید با سبب نفع و ضرر مرشد

ب
بخواند باد تا ... تا خالق
... در ... بخواند
... تا ... باشد
شرح ... خود در ...
بلغا ... باشد ودر ...
باشد ... باشد
... واسم بخواند
... بخواند
ودر ... بخواند
... علم ...
... از ... بخواند
در ... کند
... بخواند
... بخواند
... تا ... بخواند

فصل ... در ... الهادی
فصل ...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الهادی

۱۸۳

اینها بیست که دهانه بندگان مقرب بمعرفت خدا تعالی میرسد که این
نام از راه بیابند اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصا این
کند البته باید که بداند که راه نمای حقیقت او است و هر که امید دل
نکشود و از راست نمود هیچ کس را نتواند نمود و در ضلالت
جاوید بماند پس باید که طریق توبه پیش گیرد پیوسته بحکم اهدنا
الصراط المستقیم طلب هدایت کند یا هادی المضلین مرا راه نمای بر رشد
خلقش ساز شیخ فرموده هر که نظر بایمان کند و دشمنان [illegible] چند
نوبت این اسم بگوید دست او خود فرو دارد حق سبحانه و تعالی
او را راه نماید و دلیلی بفرستد تا بخواب یا عین عنایت با الهام او را راه
و دعوای این اسم مناسب سالکان راه است هر که راه خواهد باید
که دعوای این اسم کند و بعد تکبیر کبیر بخواند شبانروزی پنج نوبت در
خلوت تکرار کند این اسم و در آخر هر فرض بگوید یا هادی المضلین
حق سبحانه و تعالی او را راه دوستی یا صفا باطن کرامت کند و در
مشهور عصر گردانند و مردم از نور راه هدایت جویند و بعد از آن
بماند و عدد تکبیر این اسم چهار هزار و سیصد و چهل و چهار و پنجصد
تکبیر کبیر بیست و چهار هزار و هفتصد [illegible] میشود و شیخ فرموده

و هر چیز که نا پدید باشد طلب کند پیدا شود
و اگر کسی [illegible] از وطن [illegible]
[illegible]
این دو اسم بخواند [illegible]
[illegible]

شرح در کلمهٔ مبارکهٔ البدیع

١٢	١٥	١٩	٥		ی	د	ا	ه
١٨	٦	١١	١٦		ا	ه	ی	د
٧		١٣	١٠	٢١	ه	ا	د	ی
١۴	٩	٨	٢٠		د	ی	ه	ا

که یا هادی خوانده مناسب است یا البدیع یعنی نو آفریننده هر چیز
بنا به فرخ اصلی این ابیات که آسمانها بکوکب و زمینها با شجار
مزین به برکت این نام است و یوسف پیغمبر علیه السلام از زندان
به بزرگواری این اسم نجات یافت و به سلطنت و حکمرانی مصر رسید که
امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در وقت غم و غصه یا بدیع
بگوید غم و غصه اش منتفی گردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد عمل
این اسم کند باید که بداند که حضرت بدیع این عالم را از کتم عدم
بصحرای وجود در آورده بنوعی که نظیر ندارد و از بی نظیر هر چیز
بی نظیر خواهد بود و زبان اعتراض کوتاه کند از مخلوقات او زیرا
حضرت بدیع علی الاطلاق و از بی نظیران گردانده و بزرگی
فرموده هر که را اندوهی یا غمی پیش آید و در آن مضطر گردد
او را اندوه که او فروبسته بود و خواهد که از آن اطلاق قدم رساند

عمل

در شرح کلمه مبارکه البدیع

غسل کند دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن هفتاد هزار
بار بگوید یا بدیع السموات والارض فانجه تواند از وجه حلال
صدقه بدهد بعد از تمام ختم و چون تصلبت جا آرد یکهزار بار
دیگر بگوید تا بزودی کار و ساخته گردد و شیخ شعرا فرموده که
هر مهم کلی این مربع را به مشک و زعفران و گلاب بر کاغذ کشد یا
خود دارد و روز جمعه این
کلمات را بعد تکبیر بیک
مجلس بخواند چنانچه سی یا
این عوض نگوید اگر فی
المثل سلطنت خواهد بخشد

فی الارض	السموات	بدیع	یا
بدیع	یا	فی الارض	السموات
یا	بدیع	السموات	فی الارض
السموات والارض	والارض	یا	بدیع

تعالی ویرا بامید شاند بر مهم و مقصود که این ختم بخواند
هر روزی هفته ای مهم کفایت گردد علی تکبیر [illegible]

۲۱	۲۴	۲۷	۱۴
۲۶	۱۵	۲۰	۲۵
۱۶		۲۲	۱۹
۲۳	۱۸	۱۷	۲۸

ع	ی	د	ب
د	ب	ع	ی
ب	د	ی	ع
ی	ع	و	د

شرح در کلمهٔ مبارکهٔ البَاقِی

اَلْبَاقِی یعنی خدا همیشه باشد هست تغییر و تبدیل این نام نیست که اهل بهشت از برکت این نام به بهشت دیدند ابدا از هول قیامت ایمن گردند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر شب صد بار بگوید عمل او مقبول گردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که بداند که بقا و فنا بید قدرت اوست و ملک ملک اوست و ذاتی لا یزالی و ابدی او است و خواص تو و کل شیٔ هالک الا وجهه با حضرت باقی و بر جناب او کرامت فرماید بعضی از اکابر گفته هر که هر شب این اسم صد بار بگوید شب جمعه هزار بار خدا تعالی دعا او را مستجاب گرداند و عملهای او مقبول حضرت عزت گردد و حضرت عزت به نظر عنایت در وی نظر کند از جمله مقبولان گردد عدد این اسم مع الف و لام صد و چهل و چهار و با تا صد و چهار العدد

۲۸	۳۱	۲۲	۲۰		ی	ق	ا	ب
۳۳	۲۱	۲۷	۳۲		ا	ب	ی	ق
۲۲		۲۹	۲۶		ب	ا	ق	ی
۳۰	۲۵	۲۳	۳۵		ق	ی	ب	ا

۲۴

و لام صد و سیزده عدد است **الوارث** یعنی خدا باز ستاننده

داده [illegible]

حمد را بخور دارد هر که [illegible] حاجات او برآید [illegible] بسیار بخواند با [illegible] نوشتن این دو اسم [illegible] بخور دارد [illegible] هر که صد و هشتاد [illegible] بار [illegible] بخواند

خواص [illegible]



در شرح کلمه مبارکه الوارث

ذاد هذا است از خلق اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این
نام کند باید که بداند که مخلوقات مجموع فانی اند جز خدای تعالی و انجه او
خواهد بخواهد ماند حضرت وارث ندا در خواهد کیلمن الملک الیوم
لله الواحد القهار چون چنین اعتقاد کند باید که ادب نگاه دارد
از ملک خلائق چیز را بخود اضافت نکند ملک و مال و علم و حیات
و ذات و قدرت و سمع و بصر و کلام همه بوارث باز گذارد تا حضرت
وارث ورا ملک سرمدی کرامت فرماید و بحجابات مفوض گرداند
وارث بنیان سازد و علم لدنی ارزانی دارد و بزرگی فرموده اند
هر که مداومت نماید پیش از طلوع آفتاب ... و او حیرتی گرفته
در حیات و ممات وانکه مداومت کند اسم را خاصه در شب تحت خواب مدت
زمان تنها حضرت حق وارثها نگاهدارد و در قبر لطف حق مونس
او گردد باید که ورد آخر ذکر این اسم هفت بار باشد نوبت این سه بخواند
رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین تا از وحشت ایمن گردد

۱۷۶	۱۷۹	۱۸۳	۱۶۹
۱۸۲	۱۷۰	۱۷۵	۱۸۰
۱۷۱	۱۸۵	۱۷۷	۱۷۴
۱۷۸	۱۷۳	۱۷۲	۱۸۴

ث	د	ا	و
ا	و	ث	د
و	ا	د	ث
د	ث	و	ا

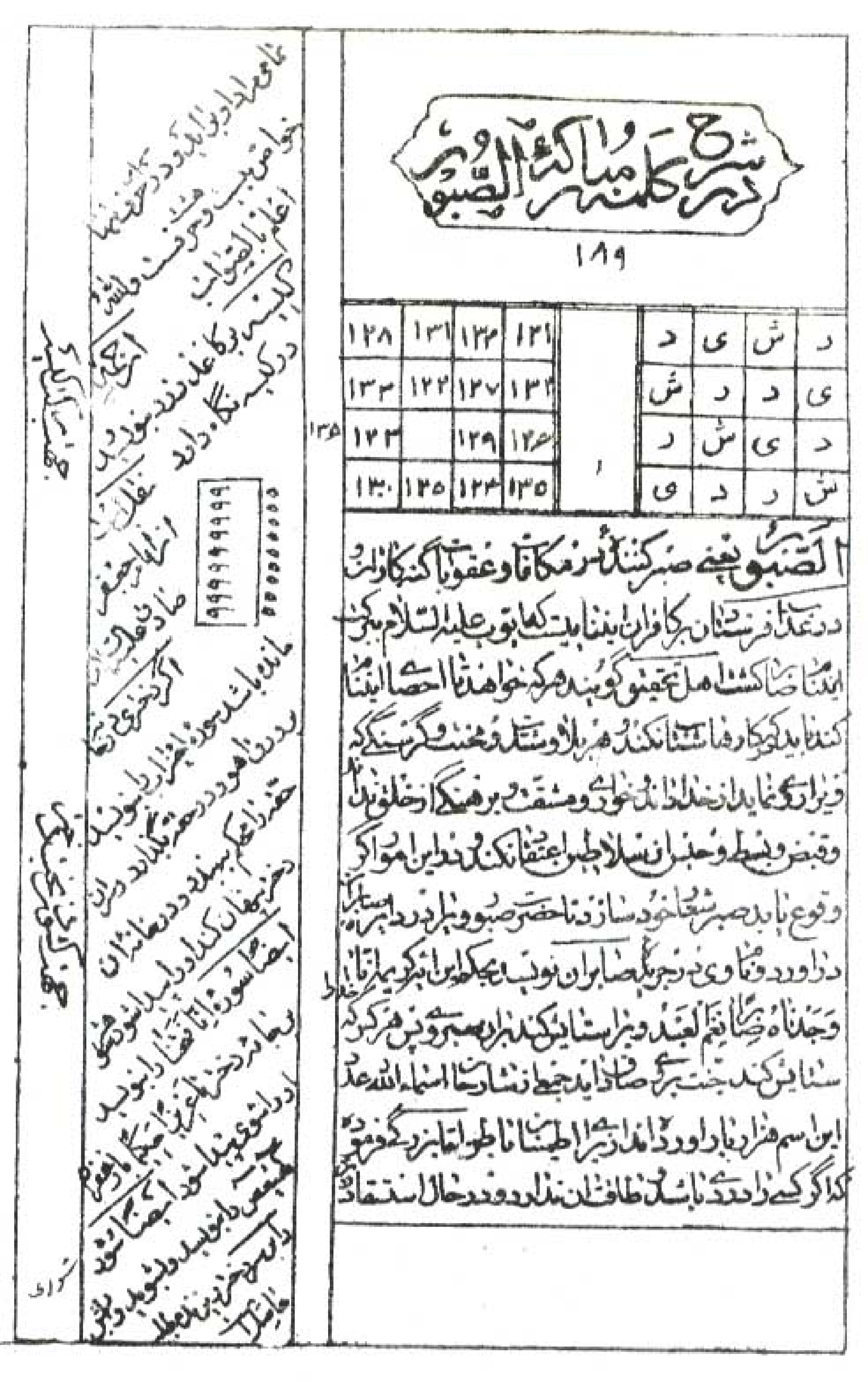
دارد از غم و غصه ها و همها ایمن گردد
دردمند ... بزودی او گشاده گردد
... نوشتن باین دو اسم
بخواند یا فاطر یا کریم
هر که هفتصد ... در شب ها در شنبه ... با خود دارد
... نوشتن باین دو اسم بخواند یا غفور یا شکور
هر که ... روز جمعه پیش از طلوع آفتاب ... بنویسد و با خود دارد
... بخواهد ... یا رزاق یا عزیز
... نوشتن باین دو اسم بخواند یا خالق یا حفیظ

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرشید

الرشید یعنی خدا ضوء کارهبر راه راست این نامیست که
حضرت خضر علیه السلام ابحیوة در ظلمات یافت کتابی این نام را
اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصا این نام کند اول باید که در
راه خدا با بندگان خدا تعالی راست باشد البته متذبذب نباید
بود و گاه در طاعت و گاه در معصیت با خلوق مکر و حیله
نور زنده باید بود و خود را چنانباید نمود که هست و یکرنگ و یکدل
و یکجهت باید نمود در راه خدا تعالی تا حضرت رشید و برا در طریق
راشد گرداند و دعوای اینمعنا کسانیکه طالب راه راست باشند
و کسانیکه سررشته تدبیر گم کرده اند نداند که اخوان را چگونه
خواهد بود و یکی از کابر فرمود که هر که ورد کند بعد از نماز شام
و تلاوت این آیات قیام نماید قطع نکند بعد از اتمام امیر هزار
بار اسم الرشید بخواند و تجوید تدبیر و سرانجام کارها او بجز تمام دارد
و آیه اینست و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحما طریا و
تستخرجوا منه حلیة تلبسونها و تری الفلک مواخر
فیه ولتبتغوا من فضله لعلکم تشکرون و اگر کسی بنیت
استخاره هزار بار بخواند نفع و ضرر آن کار برا و روشن گردد

القبوز

بنویسد در شیشه شسته و آنچه خود
نگاه دارد از ضرر امراض جهان
باید بخواند [illegible]
[illegible] در وقت نوشتن [illegible]
اسم بخواند با اجابت با اعلا و
هر کس بدهد و بنویسد [illegible]
[illegible]



شرح و ذکر کلمهٔ مبارکهٔ الصبور

۱۲۸	۱۳۱	۱۲۲	۱۲۱	
۱۳۳	۱۲۲	۱۲۷	۱۳۲	
۱۲۳		۱۲۹	۱۲۶	۱
۱۳۰	۱۲۵	۱۲۴	۱۳۵	

د	ی	ش	د
ش	د	د	ی
ر	ش	ی	د
ی	د	ر	ش

الصبور یعنی صبر کنندهٔ در مکافات و عفو یا کنندهٔ گناه لنه
در تعذیب فرستادن بر کافران یعنی با مهلت کما یوب علیه السلام می گفت
ایننا ضا کشتهٔ مثل تحمل گویند هر که خواهد تا احصاء اینها
کند باید که در کارها شتاب نکند هر بلا و شدت و محنت و گرسنگی که
در آن نگه نماید از خدا داند خوشی و مشقت بر همه اگاه دخول
و قبض و بسط و حضر از نسبا لا طبی اعتقاد نکند تا در این امو اگر
وقوع باید صبر شعار خود سازد تا حضرت صبور نیز در مرتبه مصابر
در آورد و فنا و در زمرهٔ صابران نوبت بحکم این آیهٔ کریمه انا
وجدناه صابرا نعم العبد و نیز ستایش کند او را بصبر و نیز هر که
ستایش کند جنت بر وی واجب آید جمیع نشاء رسا اسماء الله عدد
این اسم هزار بار اورد داند ذکر اطمینانا ما طرح اتا بزرگ و معو
که اگر کسی زا ندید با شد ظاهر اف ما اند و هر خال استفاد



در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الصبور

و کرمًا و خوف هلاک نباشد و ابتدای این اسم را باید که به نیت آنکه
صد و سه هزار بار خواهند خواند چون صد و سه هزار بار تمام رسد
زهی ... باب به رسد نایاب و ... چون عمل کل تمام شود
حضرت صبور زیاده از آن ... صبر و اطمینان خاطر کرامت
کند اگر به جهت دیگر خوانند ... خدای تعالی صبر جمیل کرامت
کند و عدد این اسم ... که صبر ... باشند در بلا
و سختی و ... و این اسم را علما این فن عدد معین نکرده اند
گفته اند که صد ... نه عدد است و بعضی ... صد و
عدد است صبور ... نود و هشت عدد باشد و تکسیر بطریق
... هزار و هشتصد و پنجاه عدد است و بطریق ... مغرب الصبور
هزار و هشتصد و چهل و پنج عدد است و بعد ... هزار
صد و پنجاه و دو عدد میشود و سید حسین فرموده که از برای هر
مهم کلی که مقصود ... مجلس ... طهارت و خلوت و صوم و بعد
... بخوانند باید چنانکه از موضع خود بر نخواسته باشد که
اجابت و حصول مراد ... منکشف گردد و این عمل را به نفس تجربه
کرده اند و لوح الصبور در حاشیه نموده شد و شرح این اسم

ص	ب	و	د	۸۳	۸۰	۷۷	۷۴
و	د	ص	ب	۷۸	۷۳	۶۸	۷۹
د	و	ب	ص	۷۴	۷۵	۸۲	۶۹
ب	ص	د	و	۸۱	۷۰		۷۶

بیاورد امر

بنا است لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر نعم المولی ونعم النصیر **فصل** در بیان خواص اسماء چند که در قرآن نیامده است اما بعضی بنبوی و اخبار مصطفوی صلی الله علیه و آله بمقتضی مستتر یاد کرده شد تا فواید آن بمؤمنین و مؤمنات برسد کسی که بر این مطلع گردند بر سد هر کس مداومت بر عمل این اسم کند صد بیست و دو روز هر شب تا نود و هفت هزار بار باطن او مصفا گردد و موصوف گردد بصفات ملائکه اما باید که در ایام عمل اکثر اوقات صائم باشد و در خلوت باشد تا روح قوت گیرد و قابلیت سیر ملائکه و سیر ملکوت حاصل آید کابر فرموده اند باید که در هنگام عمل این اسم را بر زعفران بر پاره نان نویسد بعد از نماز جمعه بآن افطار کند مؤثر است جهت صفای باطن بعد از نماز چنان نویسد که تا جمعه دیگر افطار کند تاثیر کلی ببیند یا سبوح یا قدوس هر کس مداومت نماید بر عمل این اسم بعد از نماز دو بیست و چهل و هفت روز مستمر گردد او را کشف ملکوت و مکشوف گردد بر وی علامات غیب و روشن شود بر وی تسبیح و تقدیس ایشان و در این عمل شرایط کم خوردن و کم گفتن

معالجه کردن در ذکر بخواص القرآن مذکور است که اگر کسی … باشد … فما استطاعوا مضیا ولا یرجعون ومن نعمره ننکسه فی الخلق افلا یعقلون … [illegible]



شرح کلمهٔ مبارکهٔ سبوح در اسرار قدوس

ذکر خفی تن است خلوت و اجتنا از خلق و دوری از عورات و کودکان
و غسل هر روز و اکثر اوقات در طلب آب بنوان و صیام دعوای [بسیار؟]
چون خاطر صاف گردد و ذوق ورود از عالم غیب پیدا و روند دیگر
اجتناب از طعام و شراب باشد باید که در سلوک کوشد تا زود
برسد و از الهام عظیم دنیا خواهد رسد باید که در فراغ دو [illegible]
صید منتها اگر کسی فهم و نبی عمیز باشد و هیچ پاسخ نتواند کرد
در سر شب با مرموز سه صد تکبیر بخواند باید که هر روز پیش از صبح بخواند

س	و	د	ق
د	ق	س	و
ق	د	و	س
و	س	ف	د

ح	د	ب	س
ب	س	ح	و
س	ب	و	ح
و	ح	س	ب

۴۲	۴۵	۴۸	۳۵
۴۷	۳۶	۴۱	۴۶
۳۷		۴۳	۴۰
۴۴	۳۹	۳۸	۴۹

۳۴

۱۶	۲۴	۳۰	۴
۲۸	۶	۱۶	۲۶
۸		۲۰	۱۴
۲۲	۱۲	۱۰	۳۲

و افطار بحلال کند روز چهار صد مرتبه بکند و تسبیح خوانان بر دیگر روز و از خلوت ۱۰ اند

تا در خواست کند خشت و از هیچ کرامت کند که فرجم نشود
یا دیگر و صفا با طرح حلال قلبه تبه اعلا در سلک و سرعت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا ربّ

تکسیر هشتصد و چهل میشود در حالت عجز و مجبور بود و از عالم
حاضر وقت نباشد یا ربّ را بدین کرار از باب نیت سه هزار که بر
مراتب ما تخصص بود یکبار است این اسما بر زبان او بیشتر است
ذکر از باب حاجات است در هر کار و حاجتی که پیش آید خود هزار
هزار دفعه این اسم را بگوید حقتعالی کرامت کند او را آنچه میخواهد
و از برو هنگام ترتیب باید در هر حال و همه کار و هر کس در کار
صعب گرفتار بود و مدد و معاون نداشته باشد که بی اتفاقها یا ال
او نکند نظر باو رسد چون مخصص که این اسما ملعومت نماید
و دایم بخواند در سجده گاه مبالغه نماید گاه دست را بر دارد بلند
و با الحاح بگوید یا ربّی یا ربّی یا ربّ یا ربّ الملائکة و الروح یا ربّ
یا ربّی و دستها بر روی خود فرود آرد ایزد تعالی خود نظر باو
می‌رسد در این امر بفضل و لطف خود کار او را بانجام
محل فیض بندگان شود و سر بسجده بنشیند پیشانی بر خاک
و از عجز و بیچارگی بگوید یا ربّ و ندا نجر ختم که تقیا گفته باشد
یا قریب الفرج بگوید نیکو گفته‌اند هر که را مهمی پیش آید
ندان مضطر گردد این اسم یا قریب الفرج را ده هزار بار

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا حنان یا منان

بامداد

بگوید مجربست که اگر ده هزار بار نتواند خواند بعد از نماز بامداد
هزار بار بخواند همین خاصیت دهد مهم او کفایت گردد و در
شرح کبیر چنین آورده اند که یا رب اسم اعظم است یعنی خدا
نیکوکار است یا حنان یا منان این دو اسم را خواص بسیار گفته اند
اما در این اختصار کرده ایم به معنی آورده شود ان شاء الله تعالی و گویند
این دو اسم اثر عظیم دارد هر که مداومت نماید برکت این دو اسم
صد هشت روز هر شبانه روز بیست هزار بار در این ایام بلکه بیش
از این چهار روز ترک طعام الوان کند بلکه حیوانی و معنی خلط
دارد و پرهیز نماید که نکند خداوند عز و علامتی خواهد نمود بوی دید
ظاهر خواهد شد اگر پیش از دعوت پرهیز کرده و از خلق اجتناب
کرده و پرهیز تو هم خواهد نمود و علامت اول است که چون از مدت
دعوت هشت روز در گذرد حاضر وقت باشد که مرد گاه
گاه پیش وی آید انواع سخنها گوید اما بیشتر سخنها از جهت امور
دنیا باشد نفع بیچهار و اینها الم قلب را صعب باشد درد و صوت
برای اینها فایده نکند مراد و عالم معنی باشد تا آن شخص
سخن گوید اما ادب باشد در نظر او گستاخی نکند چه بی سد

جواب



شرح کلمه مبارکه یا دیان

١٩٥

جواب گوید چرا نمایم سؤال بسیار کرد یکی از رجال الغیب
است و از جمله مقربان چون حرمت نگاه کرده در غایت کند
یا دیان لطف نماید انواع علوم عجیب و غریب اموزد که آن علم
اهل الله است و خوص از انست که بر خواند دست ... گردد
او را جمیع عالم ... خواهند آموخت بلکه تعظیم باطنی نماید
متوجه دل وی خواهند بود هیچ شک نیست و ... مطلع گردد
غرض از این نکته یا ... شخص ... بیند که
قبول ... آن شخص علوم غریبه ... اموزد ...
بر دل ... و بگشاید ...
... گردند ... دل او را بگشاید

ن	ا	ن	م		ن	ا	ن	ج
ن	م	ن	ا		ن	ج	ن	ا
م	ن	ا	ن		ج	ن	ا	ن
ا	ن	م	ن		ا	ن	ج	ن

٣٥	٣٨	٤١	٢٧		٢٧	٣٠	٣٣	١٩
٤٠	٢٨	٣٤	٣٩		٣٢	٢٠	٢٤	٣١
٢٩		٣٤	٣٣	٣٥	٢١		٢٨	٢٥
٣٧	٣٢	٣٠	٤٢		٢٩	٢٤	٢٢	٣٤

٤٣

یا دیان هر کس مداومت نماید ... هر ... پنجشنبه ...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا دلیل

مدت دعوت با تمام رسد مقصد آنکه تواند بخواند بعضی ترک نکنند که
احتمال بسیار دارد مقصود از نماند چون ختم با تمام رسید این اسم
خواص بسیار دارد عجایب بسیار ببینند در چنین عوام هما غریب
حسب حضار دعوت کشف شود و صفای باطن واضح شود و از دعوت این اسم یکی
آنکه عدد تمام دارد و بغیر خدای تعالی بکس نیز دارند و از علائق
الغیب و الواح و لیا بهره‌مند گردد دائما شرایط این اسم خلوت
و اجتناب از خلوق اکل و شرب حلال تا نرود اثر کند هر کرا این چهار
اسم که اول دال است مربع چهار در چهار اینوع نویسد تا خود

یا باعث	دائم	رحیم	دلیل
داعی	مجیب	دیان	رفیع
مجیب	داعی	رفیع	دیان
دائم	باعث	دلیل	رحیم

دارد تا بود قوا هو نویسد
و در شرف اقتا نویسد ایمن
بود از همه بلاها و هر...
صبح نویسد یا دلیل المتحیرین
و یا غیاث المستغیثین

بگوید باز سر دعوت رود چون تمام کند و در گفتن از زحمت بگذرد
و طلب مراد از حق تعالی بکند از برکات این دعوت بوی دهد نتیجه
و صفای باطن برسد دعوت آن اسم است و اسما آن سه دیان ...

دلیل و بعضی بجای دافع نیز گفته‌اند اگر جهت خصم قوی خوانند یا
رب السلطان و غیره دافع خوانند و اگر از برای جاه و رفعت بنا
خوانند نسبت با آنجا دلیل گوید و عدد تکسیر اینجا اسم صد و هفتاد و نه
چهار بار بای تلو اگر بجای دلیل دافع گوید هزار و صد بیست و هفت
والبته دعا و مستجاب یا برهان شرح اسماء الله تعالی
چنین فرموده‌اند که این اسم معطی الحاجات است در مرتبت که دعوت
این اسم کند و مقصود حاصل شود و دعوت این اسم هر روزه است
هر روز سیزده هزار و پانصد و شصت و میشود و اولی آنست که در این
ایام هر شب از روز اینعدد بخلوت با تمام رسانند روز دهم
بمنزل شیخ رود هزار و یکبار بخواند حاجات عرض کند کما النبه
بدان همه مطلب حاصل شود و از جهت فتح الباب و حاصل شدن
مراد و دفع مکروهات بسیار در دعوت فرستند بعد از آنکه
وضو ساخته باشند درود این است اللهم صل علی محمد و آل
محمد بعدد کلماتک و الطافک و بارک علی محمد و آل محمد
و سلم علی محمد و آل محمد بعدد کل ذرة و مائة الف الف مرة
و صلوات و تسبیحات بگوید بعد تمام یا قدیم الاحسان



شرح مربع اسم و نند در بعر هشت

١٩٨

اَحسِن اِلَینا بِاِحسانِکَ القَدیم دیگر بجهت یافتن حاجات و
برآمدن مهمات هر بعد فصلتا بار یا خفی الالطاف نجنی مما اخاف و
بگوید بجهت سورة الاعراف مرد عرض کند که البته کفایت گردد
دیگر بجهت بازآمدن بر سر عمل و تقرب در بزرگان هر مقصود که
عمل کند شب جمعه پیش از صبح سجده شکر بگذارد و فقد
شیر در پیش سجاده بهمند نیت و فروکند فصلتا هزار بار بگو
یا بدیع العجائب بالخیر یا بدیع بعد از صلوة جمعه بعد از خفتن ختم
کند شیر صد کند طلب حاجات کند همه دران همین مقصود
او است حاصل گردد که خود از خیران نماند هر کم مربع هشت

حق ١٨٤	حلیم ١٨٧	حسیب ١٩٨	حکیم ١٦٩	حکم ١٦٣	حفیظ ٢٠٣	جمیل ٢٢٢	سبح ١٥٣
[illegible]	حسیب ١٥٢	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ١٧١	[illegible]	حمید ١٨٩
[illegible] ١٧١	[illegible]	[illegible] ١٨٥	[illegible]	حلیم ١٥٢	[illegible]	[illegible] ٢٠١	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	حسیب ٢٢٣	[illegible]	حمید ١٨١	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

حفیظ
١٩٠

درهشت



شرح وفق اسفند در نام شش چند

هست بکشد و این هشت اسم درج کند که عدد اول آن اسم مهاتما
و ما خود دارد ایمن گردند از فتنهای آخر الزمان و عدد جسم مرده
عزت و غنا هیبت نماید اگر پادشاه بر سر علم او بزند لشکر بیگانه
منهزم گردند و متحیر شوند و این پادشاه مظفر و منصور گردد
دارند این ثمن بر اعدا غالب آیند اگر درویش بود توانگر گردد
به صورت و معنی و از خلق مستغنی شود و اگر تنگدست
بنویسند معطر ساخته باخود دارد
اسما و عدد ساخته بنای مقاصد که طلب کند
بحصول پیوندد و انچه در خاطر گذرند برآید بیگمان و عددها اند
شش اسم است که اول عین است مراد از اسما نود و نه نام است

عفو	رحیم	عدل	حلیم	[illegible]	[illegible]
رحیم	عدل	[illegible]	عفو	حلیم	[illegible]
علیم	منعم	[illegible]	رحیم	عزیز	حلیم
[illegible]	علیم	منعم	عزیز	حلیم	عظیم
عزیز	[illegible]	علیم	حلیم	عظیم	منعم
حلیم	عزیز	رحیم	[illegible]	منعم	علیم

الا انکه هزار و یک نام
و در بعضا استغنا
و غیره اسم خداوند
تعالی بنا است که در اول
او عین اسما این شش
اسم قرار دارند که در مربع شش در شش بنویسد باخود دارد

شرح تیغ نود و نه نام در مراحل خوانده اند

۲۰

تعالی او را عزیز گرداند گناهان او را عفو کند اما باید که ورد کند
و اگر تواند هر روز جمیع این اسما یکهزار و ششصد و بیست و چهار نوبت
بخواند اگر میسر نشود هر روز نه صد و شش بار بخواند و ورد
بود لها شیع نباید اگر و طیلو حرا چند شرح نوشته اند که تعالی
ندارد اما این اسما در دفع شر و حل کار افتاده نیز خوش تعالی بود بسیار
و برای طلسم شرح بطلا محلول نویسد در خزینه محفوظ کرده
از اطراف و جوانب انبیای این پادشاهان افسر و غیره بیاورند که خزانه
مملو گرداند هر تیغ نود و نه نام حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام این تیغ را وضع نموده اند و در روایت بیا
منقول است که واضع این تیغ آنحضرت است و آن بزرگوار نود و
نه نام باری تعالی را در این تیغ درج کرده اند و ساعات و دعا
تعیین فرموده اند از جهت شر دشمن بر صفحه زر نقش کنند
و در طلب حاجات در دست گیرند و برای تقرب بزرگان بر تاج
نهند از جهت صحت بیماران بر صفحه مس نقش کنند خاصه در وقتی
که آفتاب در شرف باشد و قمر در خانه مشعوف و از نحسین دور
حاجات مراد است بر آید هر ضعیف ... نگاه

دارد

شرح [illegible] در معرفت [illegible]

ذارد و اگر در کشتی با خود دارند از غرق شدن ایمن باشند و
اگر در انبار غله بنهند از آفت سالم ماند و اگر بر سکوی دکان بنهند از
بلیه امان یابند خواص این لوح بسیار است و باختصار ذکر داده

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن	العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ السمیع الهادی	المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق	الفتاح العلیم القابض الباسط المعز الاول الرافع
الخافض الحسیب الواسع الحلیم المقسط الصمد	المذل المانع البصیر النور الحفیظ هو	الشهید المجید الجلیل الواجد الحق النافع المتین	العظیم الحق القوی المنعم الحی المحیی الواحد الاحد
الغفور القادر الوکیل القیوم العفو الرافع	الشکور الکریم الودود الباعث المؤخر	المقسط المجید الرؤوف النافع اللطیف	الوارث الخبیر البر المقدم المؤخر الباطن المحصی
الغنی الرقیب الرشید الصبور	الضار المغنی الحکیم الحکم العدل	الممیت الظاهر الجامع التواب	الکبیر المتعالی العلی الملک ذو الجلال والاکرام

فصل علی ما تقدم و بازهم لوح تضعیف کرده اند هر یک
از این مربعات را چند نوبت این بنده ضعیف مکرر نوشته و
بتجربه کردم میخواستم که این نسخه را از این تضعیف جزو باشد
تمام مربعات عزیز ما بنما الله تعالی بود و آخر کتاب مجمع مجرب

دست بر موضع درد گذارد و
بگوید اسکن سکنتک بالذی سکن
له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم
[illegible]

الغرایب واجب بود نوشتن و بنا فرمایند شرح خواص و نوشتن خواتم

و انچه در خواص کبیر گفته گشت تا خواص و عوام بهره نمایند که

اول نوع دو نوع نام بارى تعالى درج کرده اند که عدد تمامشان که خاص است

درج شده است و از بنا و شرح نفس است و فی شرح حکما کبیر الخواص الطالع

نام کرده اند بهر که از وضع کنند تسخیر گردد بتبدیل ملوک و سلاطین

بشرف آفتاب نویسند و از جمله تسخیر و قضا بشرف مشتری نویسند و جهت

خواتین و معظمه و عظیمه بشرف زهره و امرا و اتراک و دفع خصما

بشرف مریخ و جهت اهل کتاب و دیوان بشرف عطارد نویسند

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الباری المتعالی	الرب التواب العفو المقدم الحی القیوم السلام	الحی القیوم الغنی الحکیم الواسع الباقی الرشید	الودود الوالی الخبیر الولی المغنی
النور الصمد الحق المبین مالک الملک ذو الجلال والاکرام	الباطن المحصی النافع المتکبر العلی العظیم	الملک القدوس المجید الخافض الجامع الرقیب	الواحد العدل الحفیظ الممیت الصبور القهار
الماجد الضار السمیع اللطیف القوی المعید	الاول الآخر المجیب المذل التواب المحیی	المقتدر الباسط الحافظ الوارث المقیت الرافع	القابض البصیر الشهید الشکور الماجد الوهاب الجلیل
الوکیل المنعم المؤخر المعطی	الفتاح المهیمن العزیز الغفار الحکیم الهادی الحمید	المغیث البدیع المؤمن المعز الطاهر الجبار	الرزاق الخالق الغفار العلیم المبدی الرقیب الکریم

لوح دوم

خواص سوره حدید

خواص سوره ...



لوح دوم بجهت مهر و محبت پیش پادشاهان و دفع دشمنان در مصافها از زخم و افتادن از اسب و دفع بیماریها و ایمن بود از درد و بنویسند در روز دوشنبه در ساعت سعد شرف مشتری یا روز یکشنبه و پنجشنبه در ساعت تثلیث آفتاب با زهره و قمر از نحوسات دور باشد لوح دوم این است

قل هو الله احد ۲۲۰	الله الصمد ۲۳۱	لم یلد و لم یولد ۲۴۴	و لم یکن له کفوا احد ۳۱۱
یا جبار یا جلیل ۳۰۸	یا کبیر ۲۴۳	یا مبدی یا قدیم ۲۳۲	یا حلیم یا حنان ۲۹۹
یا مهیمن یا وکیل ۲۳۳	یا لطیف یا محیط ۲۱۸	یا بدیع یا [illegible] ۳۰۹	یا ضمیر یا هادی ۲۴۳
یا حی یا شافی ۲۴۱	یا رب یا موسی ۳۱۰	یا سبحان یا حکیم ۲۲۱	یا عزیز یا جامع ۲۳۰

لوح سیم دفع غم و اندوه و کشادن کار بستها و جهت خرید و فروخت و ایمن بودن از دزدان و

الم الله ۱۳۷	لا اله الا ۱۱۰	هو الحی ۹۶	القیوم ۱۸۷
محمد رسول ۱۸۴	ما زاغ البصر ۳۶	طس و دود حبیب ۱۱۱	مؤمن ۱۳۶
یا طالب ۱۱۲	مسهل ۱۳۵	عالی مستعلی ۱۸۵	حمید ۲۶
ماجد واحد ۱۶	حق بدیع ۱۸۶	صمد ۱۳۸	طسم ۱۰۹

عمل روز دوشنبه نویسند که قمر را با مشتری نظر دوستی بود روز سه شنبه منظور نظر عطارد باشد و از نحس میمون و ساعت سعد بکار آید

بخوانند بهر درد و بلا یا علی یا عظیم یا حلیم یا عظیم و اگر خواهی که بخوانی [illegible] رفته باشد [illegible] آن را باید بوصول آب بکار [illegible] و کشاید کرده شود و اگر فرزند باید بگوید [illegible] روغن بجوشد و آن [illegible] یا ربی بزند اید [illegible] اعینا نطق [illegible] خواطر [illegible] عطارد [illegible] بشود

در شرح الواح یازده گانه

۲۰۴

زده یا فوق ا هو نو نوشته با نجوم معطر ساخته در تاج نهد خواص
بسیار بیند اگر در میان قماش نهد از دزد سالم ماند لوح چهارم

امری ۳۵۱	ویسر ۳۱۶	لی صدری ۳۴۴	رب اشرح ۷۱۱
اللطیف منعم وهاب ۳۴۳	متین یا نافع ۷۱۲	ق علیم ۲۵۰	الرزاق باسط کل ۳۱۷
قائم معید ملک [illegible]	کبیر نافع ۳۴۶	قدیر ۳۱۳	قاسم حم ۲۴۹
احد بصیر ۳۱۵	والمعالی ۲۴۸	ولا مثل له ۷۱۳	قیوم سلام معید لا یزال ۳۴۵

از ظهر و من و قوت حافظ و وسوسه و اندیشه و جن از دزدان و دیو و ناقص مرادها کلی و جو و روز

جمعه که قمر منفصل از نحس و متصل بسعد باشد با زعفران نوشته با خود دارد بمقاصد واصل گردد لوح پنجم از برای گشایش کارها

العظیم ۱۰۵۱	وهو رب العرش ۸۲۰	علیه توکلت ۹۷۱	حسبی الله لا اله الا هو ۲۵۶
یا ذی الطالب ۲۵۵	اول آخر صمد ۹۷۲	محیی واجب یا عشیق ۸۲۳	دنیا ازل ۱۰۴۸
یا حکیم یا طه الباقی ۸۲۲	حی شفیق یا کریم ۱۰۴۹	موجد نافع ۲۵۴	کیفیت لو والی ۹۷۳
[illegible] وهاب طبیب ۹۷۰	قیوم [illegible] ۲۵۷	یا حافظ [illegible] ۱۰۵۰	[illegible] کبیر ۸۲۱

و فرج و دفع مکر دشمن از پادشاه و بزرگان بنویسد روز شنبه که قمر را با آفتاب نظر بود و با خود دارد و دفع گزند بیند

[illegible]

[illegible]

اطفال را برگردنش ببندند و لوح پنجم عمود کشیده در صفحه مقابل
لوح ششم جهت دفع بیماری نسخه وجراحتها و بادهای
مختلف بنویسند هرروز که خواهد اما باید که مشتری وقمر
خوش حال باشند اگر با نیک کوکب ها باهم نظر دوستی بود نیکو
باشد با بوی خوش بنویسند اگر میسر نشود برکاغذ با آب باران

یا آب چشمه بنویسند بخورد از جمیع امراض و علل نجات یابد و دیگر مرض نگردد و با کسی که بصلنامه ف

قد جمع ۶۵۴	ما هو شفاء ۴۳۴	من القرآن ۳۷۲	وننزل ۱۴۳
واحد فیق ۴۲۱	مجید مطلوب ۱۴۴	موجد ... ۶۵۳	ملا ... ۴۳۵
حی واصل ۱۴۵	جامع دفع ۳۷۴	مهلون ... ۴۳۲	نواب ... ۶۵۲
الی معروف ۴۳۳	شافع سقیم ۶۵۱	ما لک الدایم ۱۴۶	رافق امان ۳۷۳

بخورد تا به مقصود رسد لوح هفتم جهت دشمن و چشم زخم
و ترس کودکان و کید دشمنان و مهر و محبت سلاطین منظور
شدن امرا و کشاد بختها بسته و دفع عقد الرجال و مرادات کلی
بنویسد در شنبه ساعتی که قمر با مریخ یا آفتاب نظر دوستی

ملاک

تعلیق عابد بیماری ... انهم یحسبون ... حتی اذا ... الناس ولا یستخفون من الله وهو معهم ... الیوم الآخر وجاهدوا فی سبیل الله لا یستوون عند الله والله لا یهدی القوم الظالمین

بجهت درد دندان دعا النافع ... گرازا تلاوت ... طه تا وهو علی العرش را بنویسد و تعلیق عابد ... درد دعا ... بنویسد ... بان بنویسد ... یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی ... یوم تبیض وجوه وتسود وجوه فاما الذین ابیضت وجوههم

جهت دفع دشمن و چشم زخم

جهت درد ...

جهت دفع بیماری و بادها



در شرح الواح جبارخانه

باشد یا زهره و مشتری منظور بود نوشتن یا خود از دخان مذکور بر آمد دشمنان مقهور گردند و دوا ایکو فتح مبینا است

و لوح هفتم این است

انا فتحنا	لك	فتحا	مبينا
۴۹۰	۱۰۲	۵۹۲	۴۹
۱۰۱	۴۸۷	۵۰	۵۹۳
۵۱	۵۹۴	۱۰۰	۴۸۸

لوح هشتم جهت دفع چشم زخم و ترس کودکان و کید دشمنان و ایمن بودن از غم و غصه و دفع بلا نکند آموختگی و دفع قبض کند و دفع غار غصه فتح جمله قبضها بنویسد و دخنها شنبه بنظر عطارد یا روز یک شنبه بنظر مشتری یا روز جمعه بنظر زحل یا کواکب سعد یا روز پنجشنبه بنظر زهره و یا خود از جمله مرادات مذکوره

فسيكفيكهم	الله وهو	السميع	العليم
۲۱۲	۱۶۰	۳۳۶	۸۲
۱۷۹	۲۰۹	۸۵	۳۳۷
۸۴	۳۳۸	۱۷۸	۲۱۰

خاصیت لوح نهم از بهر طلب حق خود کردن دعوی

[illegible]

[illegible]



نزد قاضی و دفع بستن در دل خلق و باز آوردن غایب از راه دور بنویسد هر روز که خواهد لیکن باید که قمر در برج ثابت باشد و منفصل از نحس و متصل بسعد بر نقره نقش کند یا بر اطلس سفید و اگر نشود بر کاغذ بنویسد و با خود دارد که مجرب است از مودت و لوح همین است

حسبنا	الله	ونعم	الوکیل
۱۶۷	۹۶	۱۲۲	۶۵
۹۵	۱۶۴	۶۸	۱۲۳
۶۷	۱۲۴	۹۴	۱۶۵

لوح عجیب جهت صلح افکندن میان دو کس و دعوی با خصما و طلب حاجت و رفتن پیش ملوک و امرا و علما و اهل قلم و طلب روزی و ... و گشایش کار و چون ... بود نزد خلق و سلامت بود انشاء الله باید که ... بنویسد لیکن باید که آفتاب خوشحال باشد و با خود دارد تا حاجت روا شود انشاء الله

الله	لطیف	بعباده	یرزق
۸۵	۳۱۶	۶۷	۱۲۸
۳۱۵	۸۲	۱۳۱	۶۸
۱۳۰	۶۹	۳۱۴	۸۳



در شرح الواح نادر کتب

لوح یازدهم اگر کسی بتهمت گرفتار باشد خوف کشتن داشته باشد بنویسد این لوح را و با خود دارد اما بر وقت سعد بنویسد لزان و هم خلاصی یابد و از خطر کشتن ایمن گردد و از برکت این لوح اگر کسی این سوره را ورد کند متصل

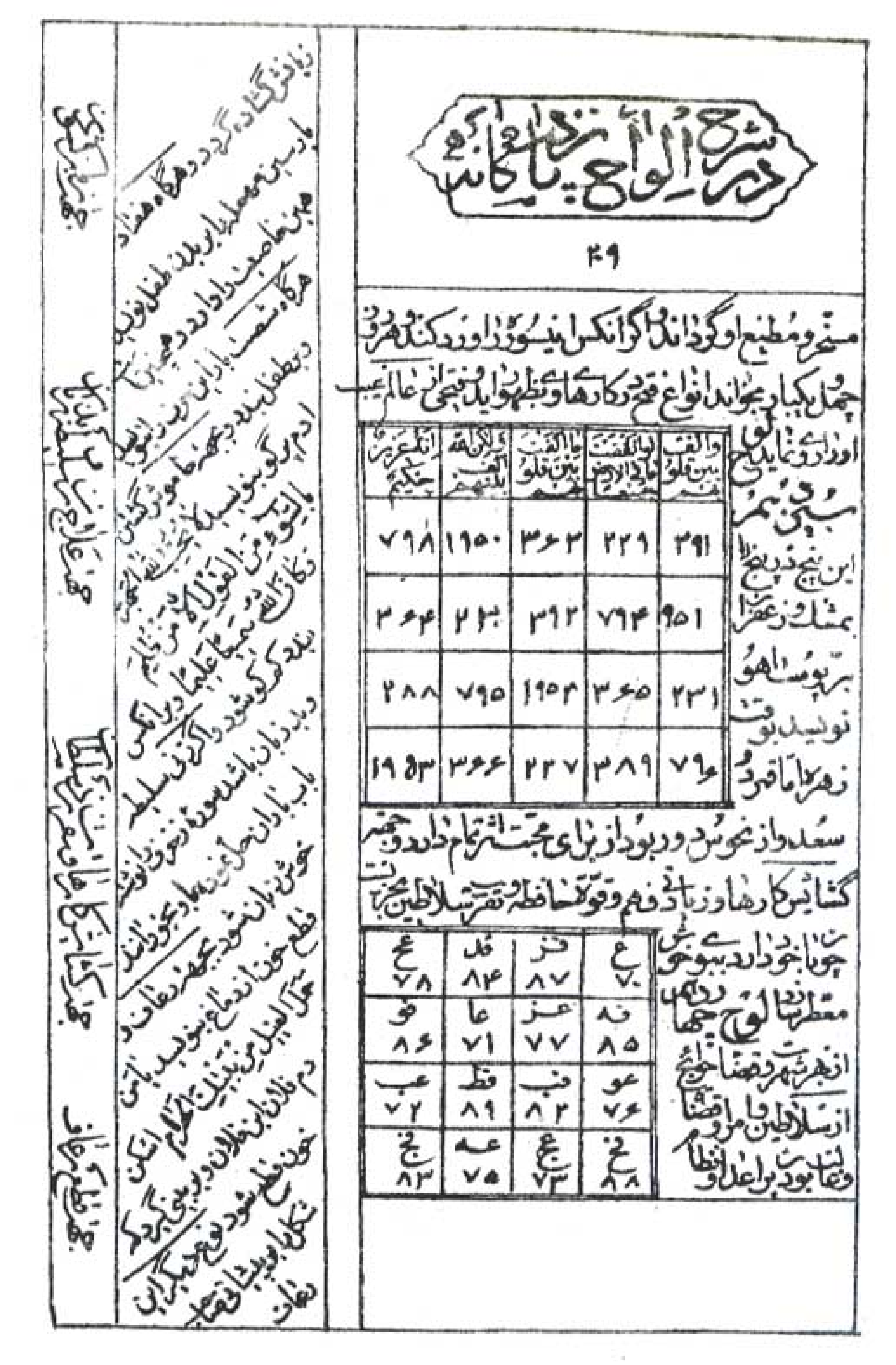
بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ	برب الفلق من شر ما خلق ومن شر	غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات	فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد
۳۲۳۱	۱۷۳۷	۱۶۹۴	[illegible]
۱۷۳۴	۳۲۲۸	[illegible]	۱۶۹۵
۲۲۰۳	[illegible]	۱۷۳۵	[illegible]

بخواند از جمله قبض و بسط و نکبات ایمن گردد انشاء الله

لوح دوازدهم بنویسد جهت گشایش کار و فتوحات و تسخیر زنان وقتی که آفتاب و قمر هر دو در شرف باشند بنویسد بمشک و زعفران و با خود دارد مقبول القول گردد و جمله اشیا حاصل

بسم الله الرحمن الرحیم	اذا جاء نصر الله والفتح ورایت	الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح	بحمد ربك واستغفره انه کان توابا
۱۳۰۵	۲۵۶۴	۷۸۷	۲۲۵۴
۲۵۶۳	۱۳۰۲	۲۲۵۷	۷۸۸
۲۲۵۶	۷۸۹	۲۵۶۲	۱۳۰۳

مقص



در شرح الواح یا کاسهٔ نزد اعراب

سنجر و مطیع او گردانند اگر انکس نیز او را دوست دارد کند هر روز

جمله یکبار بخواند انواع فتح در کارها و نظم او اید فتحی از عالم غیب

والقیت بین قلوبهم	ما الفت ما فی الارض	ما الفت بین قلوبهم	ولکن الله الف بینهم	انه عزیز حکیم
۳۹۱	۲۲۹	۳۶۳	۱۹۵۰	۷۹۸
۹۵۱	۷۶۴	۳۶۲	۲۲۰	۳۶۴
۲۳۱	۳۶۵	۱۹۵۴	۷۹۵	۲۸۸
۷۹۶	۳۸۹	۲۲۷	۳۶۶	۱۹۵۳

سعد واز نحوس دور بود از برای محبت تمام دارد و جهت

گشایش کارها و زیادتی فهم و قوة حافظه و تقرب سلاطین مجرب است

ع ۷۰	فز ۸۷	فد ۸۴	عح ۷۸
فه ۸۵	عز ۷۷	عا ۷۱	فو ۸۶
عو ۷۶	فب ۸۲	فط ۸۹	عب ۷۲
فح ۸۸	عج ۷۳	عه ۷۵	فج ۸۳

کار رفا بنویسند در شرف مریخ یا افتاب و اگر مریخ در حمل و اسد
و قوس بود بنویسند از ذات او و از اثرات او برایند بر هر کس غالب اید

لوح یازدهم جهة الفت و محبت و دفع سحر و چشم زخم
و مهر با اخلاق نیکو و دوستی خواتین محتشمه و نزد اکابر و
عظام الناس و حرمت ساعت
از این قبیل بود در
زهره یا مشتری یا بدکه
بنویسند و اگر بتر و یا افتاب
بنویسند از ان نفعه
حاصل گردد و لوح این است

یحبونهم	کحب الله والذین	امنوا اشد	حبا لله
۴۰۴	۵	۱۲۳	[illegible]
[illegible]	۴۰۱	۵ [illegible]	۱۲۴
۹۱۴	[illegible]	۳ ۷	[illegible]

فصل در قواعد عدد و شرح تکسیر از طریق و هر نوع که با نواع عمل کرده ایم
هذا چه در این مختصر مذکور شد و بعد قواعد اختیار اول طبایع
حروف ا ه ط م ف ش ذ ب و ی ن ص ت
ض ج ز ک س ق ث ظ د ح ل ع ر خ غ اگر
تکسیر با عرایب احتیاج شود چنین اعراب کنند و اگر بطریق
شیخ تکسیر خواهند کرد طریق و طبایع چنین وضع اند

ا تیشی او ی ل م ن ع نا د نجح ز ل س ف تج لی

هر دش ننذ ص ط خ اگ ه ب ف خ ط ع ض ق ابتدا تکبیر

حضرت سید السادات علامه ابن قرن امیر سید حسین دو

نوع تکبیر مینمایند اول چون خواهند که اسمی از اسما تکبیر کنند

مثلا بطریق میر اعظم یکی اینست که هرچه | ح ی ع ی ع د م

از صدر و موخر حاصل نشود حروف مکرر ازا | م ح و ی ع ی ف

بیرون کنند تا باقی را تکبیر کنند و هرچه تکبیر | ق م ع ح ی

اول و متولد از صدر و موخر حاصل شود آنرا | و ف ع ع ح ی

حسا کنند عدد تکبیر گویند تکبیر مکبر | ی ح ق م ی — ع ع م و ق ح — صدر موخر

حضرت سید العلما آنست که حروف و اعدا و اخر غبار | ح م ق ع ع ی

میکنند تکبیر میکنند تا بتکرار حرف ایک عدد | م ق و ع ع ح — متولد از صدر و موخر

صغیر از اعز میگویند مثلا الله الصمد | ع ح م ق و ی

تکبیر کردیم تا معلوم باشد حروف سطر آخر | ع ح ل م ق

بحساب اعداد میکند که آن میزان الله الصمد تکبیر | ق ی م ح و — م و ع ع ح

وصفت تکبیر از آن معلوم دام ل ص ل ل ه ا میشود حروف

تمام بحساب میکنیم ... ا ل م ل ص که آن سطر اصل اسم

[illegible] فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم [illegible] الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب [illegible]

در شرح و بیان قواعد التکسیر

وهمچون تکسیر بنا فته و یکنوع تکسیر شیخ ص ا ل د ل ا م ا ل ا
مغربیانست که چون خواهند تکسیر ل ص ا م ل ه د ل م
کنند زمام و اخر هر دو حشا میکنند ل ل د ص ه ا ل ا م
در این تکسیر مؤخر میگیرند اما صدر م ل ا ل ل د ا س ه
نمیگیرند و مؤخر را باز تکسیر میکنند م ص ل ا د ل ک
و در آخر در حشا در می آورند و عدد ل ه ا م د ص ل ا
تکسیر از آن میگویند والسلام د ا ... ا م ه ل
و مشایخ مغرب هم نوع تکسیر میکنند نوع اول که همه زمان ل د ه ا م ص ل ل
متفق اند اینست که نموده میشود مثال نوع دیگر اینست که حروف ل ل ل د ص ه م
ا ل م ل ه ل ص ک

وصله و مؤخر			
ع ان ی	ع ی ن ا م ی ا	ش ه ی ح س ا ل م
ع ی ا ف	ع ا ی ع ن م ل ا	ش م ط ی ا د س
ع ن ی ا	ع ا ل ع م ی ن	ش س م ه ا ل ی
ع ا ن ی	ع ن ا ی ا م ل ی	ش ی س ل ع ا د ه
	ع ی ن ل ا م ی ا	ش ه ی ح س ا ل م

ملفوظ میگیرند مثلا علی را عین و لام و یا میگیرند و این
نوع تکسیر را زمام و اخر حشا میکنند و از صدر یکحرف

میگیرند

[illegible]

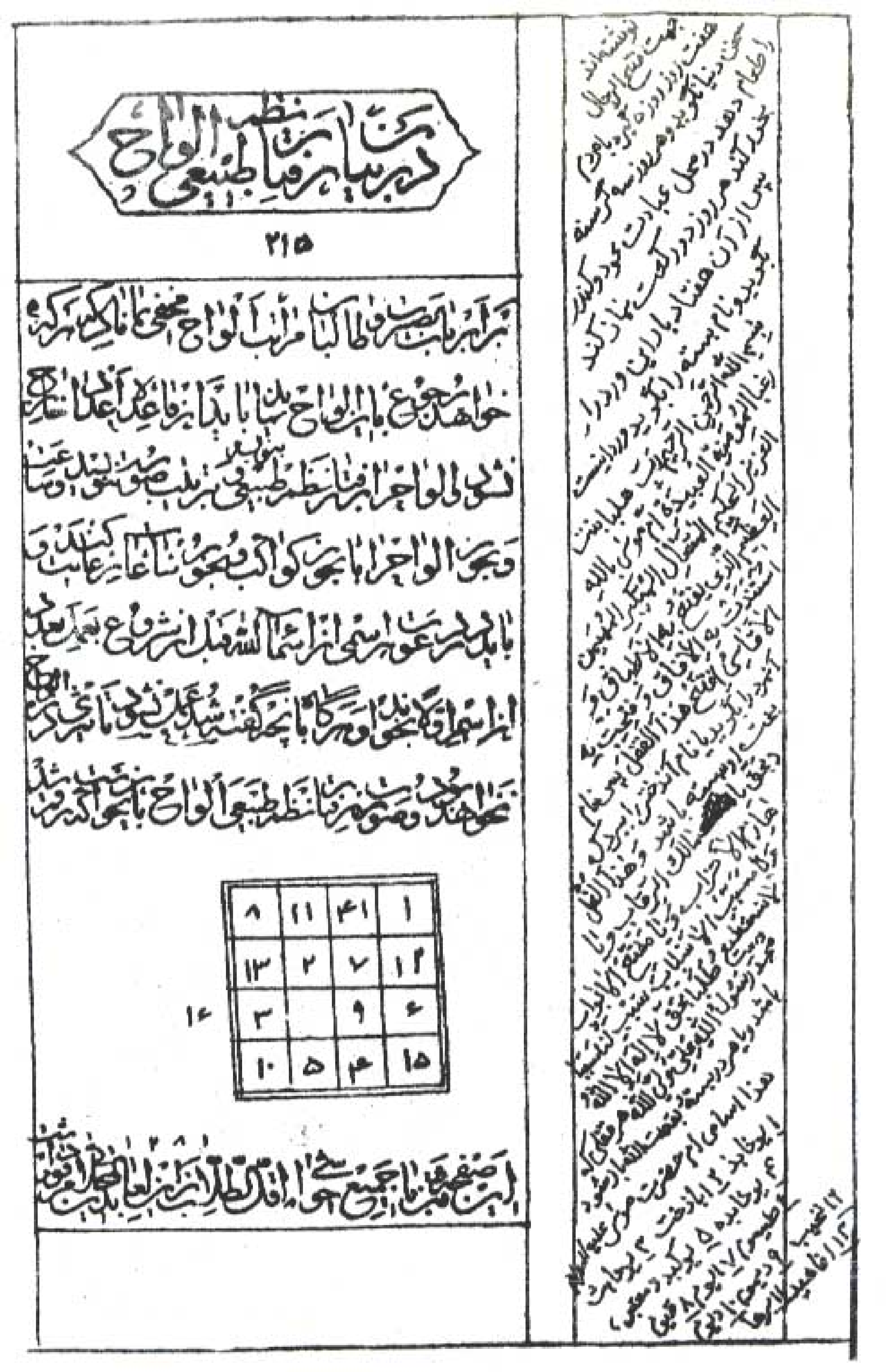
[illegible]

میگیرند از مؤخر مکرر می افکنند مجموع را علم تکسیر مغرب
میگویند نوع دیگر آنست که اسم را که تکسیر کردند چنانکه سطر
اول از آخر بیرون آید صدر مؤخر میگیرند همین تکسیر را حسنا
میکنند علم تکسیر میگویند تکسیر شیخ ابو العباس است
که چون خواهند که اسمی چند را تا هم تکسیر کنند تا حروف تکسیر در
لوح هند حروف و نقطه را منقطه کنند باید ربعه از آن فوایی را در شایستگی
با دو خانه کبیر اندازند و بعد از آن تکسیر کنند اگر خواهند که چند
اسم را بعد لوح هند تکسیر میکنند مثال الاحد الصمد الشهید
الکریم ااااا للللم م ی ی د د د ه س ص لح ح این
سطر را اگر در لوح خواهند تا چنین نویسند و اگر تکسیر
خواهند کرد مکرر بیرون کنند تا چنین شود الم ی د س ص ح
و تکسیر کنند تا سطر اول بیرون آید صدر مؤخر تکسیر کنند و تکسیر
کنند سطر آخر حسنا نکنند باقی را حسنا کنند علم تکسیر اعتبار
کنند و دیگر انواع تکسیر از مداخل و تکسیر بسیط و کبیر و بسط
و تکسیر احمر نیز بخاطر بود اما بنا بر اختصار چنانکه با بن نموده شد
بکرم مؤمنان و عطایا فاذ بان انکه اگر سهوی ببینند قلم عفو در

در احیای کتاب مستطاب

کشند وانچه باید باصلاح اورند نظم کر خطائی بر
بینند ان هم بصلاح اورند زروی کرم زانکه ان
روی نامه ای هستیا نتوان کرد دور کرد غبار ودر
خوشنمائی بود دعوت شما از خدا تعالی مؤمنین ومؤمنات را
امرزش خواهند واعتماد بر کرم خداوند یگانست که بعد
از قرائت اسماء عظام دعای هیچ مؤمن را رد نخواهد
کرد بحکم حدیث مصطفوی علیه افضل الصلوات واکمل
التحیات قال رسول الله صلی الله علیه وآله لیس شیء
اکرم عند الله من الدعاء یعنی نیست هیچ چیز نزد خداوند
تعالی گرامی تر از دعا ومصدق کلام نبوی از کتاب اسمانی
اینست قال الله تبارک وتعالی وقال ربکم ادعونی استجب
لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم
داخرین فا ترجمه این مبارکه اینست که فرمود پروردگار شما
بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را بدرستیکه انانکه گردن کشی
کنند از پرستش من زود باشد که در ایند در دوزخ در
حالتی که خوار ونکونسار باشند استدلال انست که خداوند

[illegible]



در بیان رمز خط طبیعی الواح

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۱۶

[illegible]

نوشته‌اند جهت فتح ابواب ... هفت روز روزه گیرد ... در محل عبادت ... هر روز دو رکعت نماز کند پس از آن هفتاد بار این ورد را بخواند ... بسم الله الرحمن الرحیم ...



کتاب مستطاب

تعالی دعا از عباد خواند پس کر[ده] عبادت ... باید کرد
و در حق یکدیگر دعا کردن هم عبادت است و هذا ما ختمنا
به کلامنا فی هذا الکتاب تیمّناً بآیات الله المجید الحمید
والحدیث الشریف والحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی
لولا ان هدانا الله امید چنانست که این کتاب معمول
جمیع خواص و عوام مبارک گردد و همگنان از آن فایده
گیرند و جامع مسکین را به دعای خیر و فاتحه [illegible] یاد نمایند
والله الموفق والمعین

[illegible]

برای تسهیل امور ۳۶۰ مرتبه بعنوان این وِرد را
اللهم صل علی فاطمة و أبیها و بعلها و بنیها بعدد ما
احصاه علمك و احاط به کتابك

التماس دعا

الهی لقمه خوار سفره ارباب توحیدک

سازلی غذا لذت ذکر کله دائم نور عشق و الشوق

١٣٥٦

این لوح مقدس بنام آنکه ببین

از نقطه بائیست قلم کرده تبیین

دیباچه الله الله الله الله خلق

عنوان محمد رسول الله امین


صدق الله العلي العظيم
وبلغ رسوله النبي الكريم

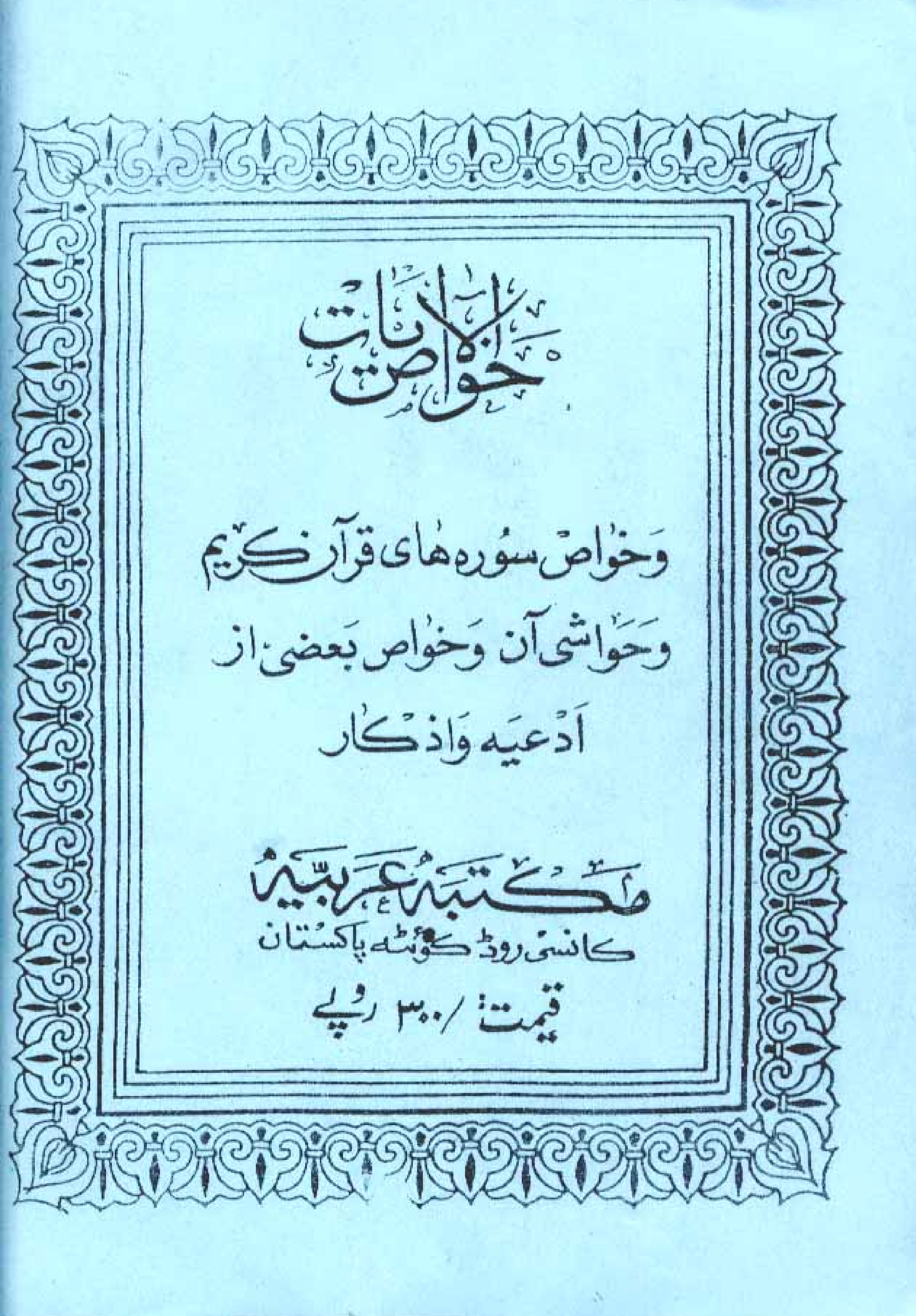

الملك لله

بسم اللہ الرحمن الرحیم

فہرست متن کتاب

فهرست حاشیه کتاب

ختم کلمات مبارکه



خواص الآیات

وخواص سوره های قرآن کریم
وحواشی آن وخواص بعضی از
ادعیه واذکار

مکتبه عربیه
کانسی روڈ کوئٹہ پاکستان

قیمت: ۳۰/ روپے